



سازمان زیباسازی شهر تهران

ارتقا کیفی محور دماوند-انقلاب-آزادی

گردآورندگان: گیتی اعتماد و همکاران
(مهندسين مشاور طرح و معماری)
تدوین و تلخیص: لیلا سلیمی



سرشناسه : اعتماد، گیتی، ۱۳۲۲.
عنوان و نام پدیدآور: ارتقا کیفی محور دماوند-انقلاب-آزادی/ گردآورندگان: گیتی اعتماد و همکاران (مهندسين مشاور طرح و معماری)، لیلا سلیمی، برای سازمان زیباسازی شهر تهران.
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری: ۵۱۲ ص، مصور، گردآورندگان.
شابک: ۹۵۶-۹۴۳-۰۹-۷۹۰۸-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: طراحی شهری-ایران-تهران-طرح مطالعاتی.
موضوع: محور دماوند-انقلاب-آزادی-تهران.
شناسه افزوده: سلیمی، لیلا، ۱۳۵۴-تدوین و تلخیص
شناسه افزوده: مهندسين مشاور طرح و معماری
شناسه افزوده: سازمان زیباسازی شهر تهران.
جایگزین رده‌بندی کنگره:
رده‌بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

ارتقا کیفی محور دماوند-انقلاب-آزادی
گردآورندگان: گیتی اعتماد و همکاران (مهندسين مشاور طرح و معماری)
تدوین و تلخیص: لیلا سلیمی
حروف‌نگاری و صفحه‌بندی:
طرح جلد:
ناشر:
نوبت چاپ:
لیتوگرافی و چاپ:
صحافی:
شمارگان:
قیمت:
شابک:
مرکز پخش:

ناظرین پروژه

معاون فنی و طرح‌های شهری	دکتر شاپور دیو سالار
مدیر طرح‌های شهری	دکتر رضا شکوری
راهبر پروژه (مشاور عالی پروژه)	دکتر سید محسن حبیبی
راهبر پروژه (مشاور عالی پروژه)	دکتر اسکندر مختاری
کارشناس مسئول پروژه	مهندس شاهرخ فرجامی
کارشناس مسئول فضای سبز	مهندس پیمان مصباح
کارشناس مسئول تأسیسات شهری	مهندس امید حاجیان
مسئول واحد مبلمان شهری	مهندس پرویز حمیدی
مسئول واحد اداره معماری نور	مهندس سید جواد موسوی

گروه راهبری

مدیر طرح	گیتی اعتماد
مشاورین ارشد طرح	کامران صفامنش، کمال اطهاری، اعظم خاتم، حاجیه فلاح

مسئول فنی طرح

حسن مطلبی پور

گروه تلفیق

مسئول مطالعات طراحی شهری	حسن مطلبی پور
مسئول مطالعات برنامه‌ریزی و تلفیق	آذر تشکر، لیلا سلیمی، حسن مطلبی پور، اولدوز نژادی
مسئول مطالعات اجتماعی	آذر تشکر
مسئول مطالعات اقتصادی	لیلا سلیمی
مسئول مطالعات ترافیک	علی‌اکبر لبافی
مسئول مطالعات محیط‌زیست	مزدک میر رضانی
مسئول بخش IT و کنترل پروژه	مانی معمار صادقی
مسئول مطالعات منظر	امیر سمیاری
مسئول مطالعات فضای سبز	سیده اعظم علیزاده
همکاران مطالعات طراحی شهری	مریم ثانی، سید هادی زمانی فرد

شورای تدوین کتاب

تدوین و تلخیص	لیلا سلیمی
مشاورین	آذر تشکر، حسن مطلبی پور، اولدوز نژادی



فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۵	فصل اول: جایگاه محور در تحولات تاریخی شهر
۶	روند تحولات تاریخی شهر تهران
۸	دوره تاریخی (از ابتدای شکل‌گیری تا پایان سده سیزدهم شمسی)
۱۶	دوره تجدد گرایی شهری (۱۳۰۰ تا ۱۳۳۵ - دوره پهلوی اول)
۲۷	دوره گسترش سریع و کلان‌شهری شدن (۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷ - دوره پهلوی دوم)
۴۰	دوره پس از انقلاب اسلامی - رشدی شتابان و فزاینده
۵۳	فصل دوم: چگونگی شکل‌گیری بستر تاریخی پروژه
۵۴	زمینه‌های نخستین شکل‌گیری محور
۵۵	دوره پهلوی اول
۵۷	دوره پهلوی دوم
۶۰	دوره پس از انقلاب اسلامی
۶۱	بررسی روند شکل‌گیری پهنه‌های هم‌جوار محور
۶۱	حوزه غرب (محدوده هم‌جوار میدان آزادی و امتداد خیابان آزادی به سمت نواب)
۷۱	خیابان آزادی (حداصل خیابان‌های نواب تا ولی‌عصر)
۸۴	خیابان انقلاب (حداصل محورهای پهلوی (ولی‌عصر) و فردوسی)
۹۱	خیابان انقلاب (حداصل خیابان فردوسی تا میدان امام حسین (ع))
۹۹	خیابان انقلاب (حداصل خیابان سپهدر قری تا میدان امام حسین (ع)) (شمال محور)
۱۰۳	خیابان دماوند (حداصل خیابان خواجه نصیر تا خیابان گلشن دوست (شمال محور))
۱۰۷	خیابان دماوند - محله نارمک (شمال محور)
۱۰۸	خیابان دماوند (حداصل خیابان ۱۷ شهریور تا کوی زینبیه (جنوب محور))
۱۱۵	حوزه شرق (خیابان دماوند (حداصل تهرانپارس تا حکیمیه در شمال محور))
۱۲۱	محور دماوند حد انتهایی شرقی (جنوب محور)
۱۲۴	فصل سوم: ساختار و چکیده مطالعه
۱۲۵	درآمد
۱۲۶	رویکرد
۱۲۸	راهبردهای فضایی ارتقا کیفی



فهرست مطالب

۱۳۱	فرازهای چشم‌انداز و راهبردهای کلان تحقق آن
۱۳۳	اصول راهنمای طراحی شهری محور
۱۳۶	ساختن داستان آینده
۱۳۸	مسائل کلیدی
۱۳۸	واژگان کلیدی
۱۴۱	فصل چهارم: استراتژی طراحی شهری
۱۴۲	بررسی موقعیت محور نسبت به عرصه راهبردی و شناسایی مسائل کلیدی
۱۵۳	سطوح عملکردی محور
۱۵۶	فرازهای اصلی چشم‌انداز راهبردهای کلان ارتقای محور
۱۵۷	راهبردهای انسجام و نظم فضایی محور
۱۵۹	پهنه‌بندی محدوده حوزه بلافصل محور (پهنه‌های مختلف کارکردی/کالبدی)
۱۶۳	فرصت‌های توسعه آتی حوزه‌ها در ارتباط با فرازهای اصلی چشم‌انداز
۱۶۶	اهداف کلان در حوزه‌های مداخله
۱۷۰	فصل پنجم: چارچوب طراحی شهری
۱۷۱	سیاست‌های اجرایی زمینه‌ساز تحقق اهداف توسعه در حوزه‌های مداخله
۱۷۹	ارائه راهکار و الگوی توسعه در حوزه‌ها
۱۸۹	اسناد هدایت و کنترل طراحی در حوزه‌ها
۲۰۲	جمع‌بندی
۲۰۵	منابع و مآخذ



پیشگفتار

خیابان‌های شهر تهران بخش وسیعی از فضاهای عمومی و باز شهری را تشکیل می‌دهند که سرزندگی و حیات شهر در آن‌ها جریان دارد و قسمت عمده‌ای از دادوستد فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی شهر در این فضاها اتفاق می‌افتد. این فضاهای شهری، علاوه بر داشتن شخصیت کالبدی، از منظر زیبایی‌شناختی و عملکردی نیز جایگاه بارزی دارند و عرصه رویدادهای اجتماعی، فرهنگی، هنری، سیاسی، و کارکردی شهر به شمار می‌روند؛ چراکه فضاهای باز شهری بستر شکل‌گیری، ارتقای زندگی شهری، و انباشت اجتماعی بین نسلی جامعه در طول زمان بوده است و از این‌رو، بیانگر فرهنگ، شیوه شهرنشینی، و سطح تمدنی جامعه در زمانه و در تولید مکان به شمار می‌روند؛ مکانی که می‌تواند زمینه‌ساز جریان یافتن زندگی روزمره، رویدادهای شهری، تجربه شهر، و خاطره جمعی شهر باشد.

اما آنچه امروز در شهر تهران و به‌ویژه در محورهای اصلی استخوان‌بندی شهر دیده می‌شود، فضاهایی‌اند که از کنار هم قرار گرفتن بناها و تکه‌های باقی‌مانده از توده‌های ساختمانی فراهم آمده‌اند و کمتر معنا و مفهومی را به ذهن متبادر می‌کنند. ادامه روند توسعه شهری بدون توجه به نقش فضاهای عمومی نیز، منجر به دامن‌زدن به این آشفتگی و ازدست‌رفتن انسجام ساختار فضایی شهر به‌مرور زمان شده است.

از این‌رو، با توجه به ارزش محورهای اصلی و میدان‌های موجود در امتداد آن‌ها در فرایند شکل‌گیری و گسترش شهر تهران از یک‌سو و با توجه به نیاز شهروندان به زندگی اجتماعی و ضرورت توسعه فضاهای شهری به‌عنوان فضای زندگی روزمره و حفظ هویت شهری از دیگر سو، برنامه سامان‌دهی محورهای اصلی شهری در طرح‌های توسعه شهری جدید تهران (طرح جامع ۱۳۸۶) و در سطح سوم از این طرح، در قالب طرح‌های موضعی مطرح شد.

تهیه و تدوین اسناد سطح سوم طرح‌های توسعه شهری تهران برای اجرایی کردن راهبردهای طرح‌های جامع و تفصیلی شهر تهران در دستور کار قرار گرفت، تا با مطالعه دقیق‌تر محدوده‌های



نیازمند مداخله، به‌عنوان لایه‌ای تکمیلی به نقشه‌های طرح تفصیلی شهر تهران افزوده شوند. چراکه در این عرصه‌ها، ضوابط و مقررات به‌تنهایی برای هدایت و کنترل کافی نیستند و نحوه استفاده از اراضی و هدایت تحولات کالبدی، مستلزم مداخله برنامه‌ریزی‌شده با تهیه و اجرای طرح‌های ویژه بوده است.

در این چارچوب سامان‌دهی یکی از مهم‌ترین محورهای شرقی-غربی شهر تهران با عنوان «سامان‌دهی محور شهری انقلاب» با توجه به اهمیت این محور در شکل‌دهی سازمان فضایی شهر تهران، در دستور کار قرار گرفت.

اهم راهبردها و سیاست‌های موردنظر طرح جامع از این طرح عبارت‌اند از:

- تقویت انسجام و پیوستگی کل محور انقلاب؛
- تقویت نقش فرهنگی محور انقلاب در حدفاصل میدان آزادی و میدان امام حسین (ع)؛
- ارتقا کیفیت‌های بصری در طول محور؛
- سامان‌دهی حرکت سواره و پیاده با توجه به ویژگی‌های محور؛ و
- سامان‌دهی میادین اصلی شهر در طول محور انقلاب: میدان آزادی، میدان انقلاب، میدان فردوسی و میدان امام حسین (ع).

در این راستا و همگام با پیشبرد برنامه عملیاتی توسعه شهر و برنامه‌ها و طرح‌های موضعی و موضوعی، سازمان زیباسازی شهر تهران قرارداد طرح ارتقا کیفی محور دماوند-انقلاب-آزادی را در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۰۷ با مهندسین مشاور طرح و معماری منعقد کرد.

البته شایان‌ذکر است، از فرازهای پنج‌گانه موردنظر طرح جامع، چهار مورد اول در طرح ارتقا کیفی محور دماوند-انقلاب-آزادی در دستور کار مشاور طرح قرار گرفت. در خصوص سامان‌دهی میادین اصلی شهر در طول محور انقلاب، هم‌زمان پنج مشاور دیگر مسئول تهیه طرح‌های میادین و محدوده‌های مرتبط با محور بودند.^۱ اما در فرایند تدوین این طرح، هماهنگی این طرح‌ها با طرح ارتقا کیفی محور دماوند-انقلاب-آزادی نیز در دستور کار مشاور طرح قرار گرفت.

هدف از انجام‌دادن این مطالعات ایجاد لایه تکمیلی مرتبط با طرح جهت اعمال آن در طرح تفصیلی، هدایت و کنترل ساخت‌وساز در عرصه مداخله محور، بهبود و اصلاح وضعیت فعلی کالبدی، و اصلاح عملکردی-فعالیتی است. ارتقای کیفی محور از دیدگاه منظر شهری، و زیبایی‌شناختی، و توسعه فضاهای عمومی در شهر برای ایجاد فضاهایی با کارکرد مؤثر اجتماعی-فرهنگی مدنظر بوده است که با بازآفرینی و زنده سازی دوباره این فضاهای ارزشمند، زمینه ارتقای

^۱ مهندسین مشاور شاران مشاور مسئول مطالعات میدان آزادی، مهندسین مشاور پژوهشکده نظرسئول مطالعات مشاور میدان انقلاب، مهندسین مشاور پژوهشکده هنر سئول مطالعات چهارراه ولیعصر، مهندسین مشاور فجر و توسعه سئول مطالعات میدان فردوسی و مهندسین مشاور باوند سئول مطالعات میدان امام حسین (ع) بوده‌اند.



کیفیت‌های زیبایی‌شناسانه، پیاده‌مداری، حضور شهروندان در فضا، و سرزندگی فضاها بر اساس چشم‌انداز آبی محور را فراهم می‌آورد.

این لایه با اصلاح ضوابط طرح تفصیلی در محدوده اقدام (محور انقلاب) تعریف‌شده و هماهنگ کردن آن با کالبد، فعالیت، و عملکرد موجود و مطلوب، و اعمال دقیق ضوابط خاص هر پلاک در مقیاس اجرایی موجب بازآفرینی محور انقلاب به‌عنوان یکی از محورهای شاخص شهر شده است و سبب شکل‌گیری فضای شهری مطلوب و محیطی سرزنده، مطابق با معیارها و اصول تأمین فضاهای شهری در تطابق با فرهنگ، تاریخ، و کالبد شهر تهران می‌شود.

بر این اساس، با توجه به نقش و جایگاه محور در شهر تهران به‌عنوان یکی از ارکان اصلی استخوان‌بندی کالبدی شهر از یک‌سو و هم‌پیوندی‌های موجود در عرصه محور از دیگر سو، ارتقای کیفی آن نیازمند نگرشی چند سطحی در ساختاری به‌هم‌پیوسته بود، تا با سامان‌دهی یکپارچه جلوه‌های مفهومی چندگانه خود را در کالبد شهر متبلور کند و به‌عنوان عنصر هویت‌بخش برای شهر تهران (چنان‌که اکنون نیز هست)، به صورتی ملموس‌تر بسامان شود. چراکه علی‌رغم شکل‌گیری محور از اتصال سه بخش آزادی، انقلاب، و دماوند، این سه خیابان هم‌پیوندی ویژه‌ای در دهه‌های رشد و توسعه شهر تهران داشته است و به‌نوعی درهم‌تنیده‌اند. به‌طوری‌که امروزه این محور یکی از مهم‌ترین محورهای شرقی-غربی شهر تهران و جداکننده ساختار دوقطبی شهر تهران بوده و عملاً دو ساختار متفاوت فضایی-اجتماعی را در شمال و جنوب خود جای‌داده است و به‌نوعی مرز میان هسته مرکزی شهر و بخش‌های شمالی آن محسوب می‌شود. این محور با طی کردن محدوده‌ای وسیع، از غرب (میدان آزادی) تا شرق (سرخه‌حصار)، به‌صورت محور بین منطقه‌ای نقشی شهری دارد و عملاً مناطق شهری کرج و دماوند را مستقیماً به مرکز شهر تهران وصل کرده است.

علاوه بر آن، با دربرداشتن خاطرات جمعی شهر تهران و تداعی تاریخ رشد شهر و تاریخ انقلاب اسلامی، عنصری هویت‌بخش برای شهر تهران محسوب می‌شود و هر بخش از آن تداعی‌گر نقشی متفاوت است. علی‌رغم نقش‌پذیری متفاوت، بخش‌های سه‌گانه محور هم‌پیوندی عمیقی در خاطره جمعی مردم دارند به‌طوری‌که در تمام مناسبت‌های سیاسی و مذهبی مردم از آن به‌صورت مسیری یکپارچه عبور می‌کنند.

لذا علی‌رغم وسعت بالای مسیر معادل ۱۷.۵ کیلومتر، به دلیل هم‌پیوندی عمیق بخش‌های سه‌گانه محور از یک‌سو و شکل‌گیری نسبتاً هم‌زمان امتداد شرقی و غربی آن در دوره‌های رشد و توسعه شهر تهران به سمت پیرامون از دیگر سو، سامان‌دهی و ارتقای کیفی محور با نگاهی یکپارچه به محور و با لحاظ کردن ویژگی‌های خاص هر بخش از آن در چارچوبی ویژه برای سامان‌دهی و ارتقا کیفی در دستور کار قرار گرفت.



با این نگرش، در مدت زمان (یک سال و نیم) تدوین طرح مطالعات در چارچوب راهبردی که در فصل سوم بدان اشاره شده است، طرح با نظارت مستمر هفتگی شورای راهبری پیش رفت. به موازات پیشبرد و تدوین هر مرحله، حاصل کار در هر مقطع در جلسات متعدد نظارتی شورای راهبردی کارفرما به طور مستمر مورد ارزیابی قرار گرفت و حاصل مطالعات در قالب راهنمای طراحی در حوزه مداخله طرح به عنوان سندی فرادست برای طرح‌های خردتر ارائه شد. همچنین در راستای امکان‌پذیری اجرا، طرح تهیه شده با ضوابط و مقررات طرح تفصیلی در محدوده مداخله تطبیق داده و تداخلات بر اساس چشم‌انداز توسعه آتی محدوده برطرف شد.

با توجه به بزرگ‌مقیاس بودن این پروژه و نقش و اهمیت تاریخی، هویتی، و شهری آن از یک سو و کمبود تجربه‌های مشابه از دیگر سو، بیان تجربه تهیه این طرح می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری بستری مناسب برای پیشبرد پروژه‌های آتی باشد. بنابراین، کتاب حاضر سعی دارد تا به اختصار روند طی شده در مسیر پروژه را بازگو کند.

در این کتاب و در قالب بخش‌های آن به طور اجمال، ابتدا در فصل اول به جایگاه محور در تحولات تاریخی شهر تهران در دوره‌های مختلف و چگونگی شکل‌گیری بستر تاریخی پروژه اشاره شده و سپس در فصول بعدی به معرفی فرایند طی شده در سه سطح:

الف- راهبرد طراحی شهری؛

ب- چارچوب طراحی شهری؛ و

ج- دستور کار و توسعه ساخت‌وساز پرداخته شده است.

که در سطح اول، مسائل راهبردی و کلان تحلیل و مدیریت شده است؛ در سطح دوم و میانی در مقیاس حوزه‌های پنج‌گانه، برای هدایت توسعه از چارچوب‌های طراحی شهری استفاده و راهکارها و الگوهای توسعه در لایه‌های مختلف کارکردی و کالبدی به همراه سند راهنمای طراحی در حوزه‌های مختلف ارائه شده است؛ و در سطح سوم و برای هدایت توسعه در سایت‌های منتخب، دستور کار توسعه و ساخت‌وساز در مقیاس خرد تهیه شده است.



فصل اول: جایگاه محور در تحولات تاریخی شهر تهران



شهر تهران، شهری تاریخی و درعین حال یکی از قدیمی‌ترین پایتخت‌های جهان، باوجود تمام تغییراتی که طی دوره‌های رشد و گسترش شهری دستخوش آن بوده است، ویژگی‌های شاخصی در شکل شهر دارد که مانایی در سیمای شهری را موجب شده است. به بیانی دیگر، شکل اصلی شهر تهران هم پیوندی ویژگی‌هایی است که بر بستر طبیعی و تاریخی شهر شکل گرفته و سیمای امروزی شهر تهران را به وجود آورده است. مسیرها و محورهای حرکتی شمالی-جنوبی اصلی و تاریخی (جاده‌های قدیم و جدید شمیران) و تقاطع آن‌ها با محور اصلی شرقی-غربی (محور انقلاب) در زمره این ویژگی‌هاست.

خیابان انقلاب (که بر عرصه خندق قدیمی شمال حصار ناصری شکل گرفت) و امتدادهای شرقی و غربی آن برخلاف مسیرهای شمالی-جنوبی که بر بستر طبیعی شکل گرفته بودند، حاکی از رویدادی است که عمده‌ترین مسیر حرکتی شرقی-غربی را در محیط مصنوع شهر شکل داده است. این محورها عمده‌ترین ویژگی‌های متمایز سیمای شهری تهران در مقیاس کلان بوده است و شکل و ساختار مانای شهر تاریخی تهران را ماندگار کرده است؛ فرایند توسعه شهری و گسترش شهر طی یک قرن اخیر به تبع این ویژگی شاخص شکل گرفته است.

بنابراین، با توجه به نقش و جایگاه محور انقلاب (دماوند-انقلاب-آزادی) در دوره‌های رشد و گسترش شهر و شکل‌دهی استخوان‌بندی شهر در مراحل تاریخی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی ستون فقرات عملکردی شهر تهران از یک‌سو و شکل‌گیری فضاهای ویژه، بناها، و مکان‌های واجد ارزش تاریخی در پیرامون آن از سوی دیگر، در این فصل به تأثیر تحولات کالبدی، رشد، و گسترش شهر در شکل‌گیری محور از دوره پایتختی تهران تاکنون پرداخته شده است.

روند تحولات تاریخی شهر تهران

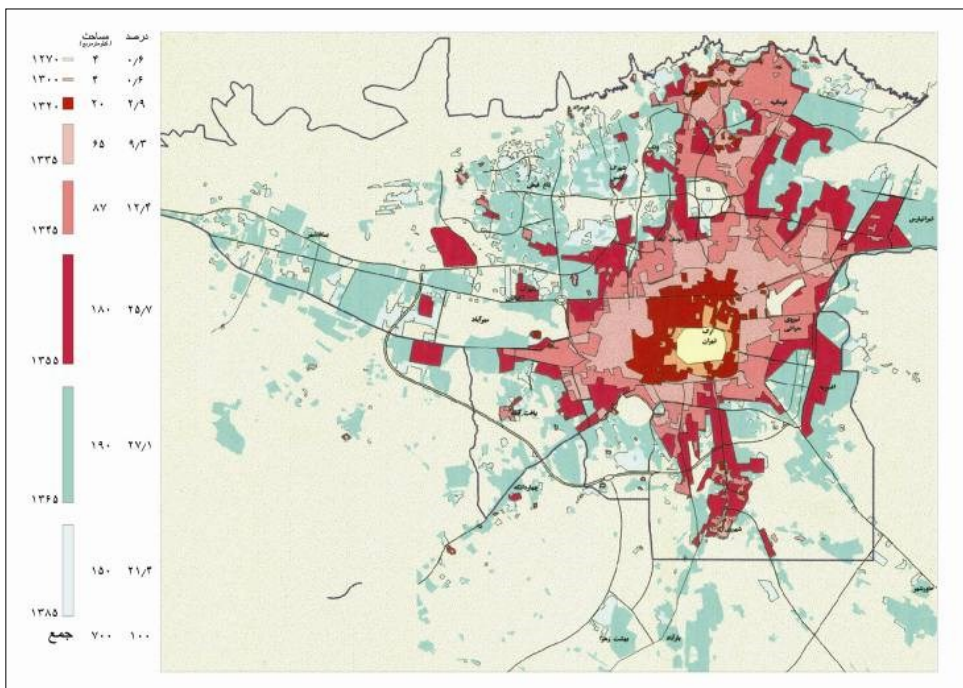
شهر تهران از دیدگاه تاریخ سیاسی ایران شهری باسابقه کمی بیش از ۲۰۰ سال است، اما آبادی تهران با دوره صفوی آغاز شده و با روندی پرافت‌وخیز تا به اکنون ادامه یافته است. به‌طورکلی، تحولات تاریخی شهر تهران از ابتدای پیدایش تا به امروز به چهار دوره قابل تفکیک است:

- دوره تاریخی (از ابتدای شکل‌گیری تا پایان سده سیزدهم شمسی)؛
- دوره تجدیدگرایی شهری (۱۳۳۵-۱۳۰۰ شمسی)؛
- دوره گسترش سریع و کلان‌شهری شدن (۱۳۵۷-۱۳۳۵ شمسی)؛ و
- دوره پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ تاکنون).

در ادامه به‌اجمال، روند تحولات شهر و جایگاه محور در استخوان‌بندی شهر در دوره‌های مذکور بررسی شده است.



روند تحولات تاریخی شهر تهران در صدسال گذشته



مآخذ: طرح جامع تهران-۱۳۸۵

دوره تاریخی (از ابتدای شکل‌گیری تا پایان سده سیزدهم شمسی)

این دوره، شامل سه مرحله تهران عتیق، تهران طهماسبی، و تهران ناصری است که از تمدن باستانی چشمه‌علی و راگا (ری باستان) آغاز شده و تا قبل از قرن چهاردهم شمسی ادامه داشته است. در طی این دوره، شهری، تهران، و شمیران با عملکردهای متفاوت عناصر اصلی شهر را شکل داده و جهت گسترش شمالی-جنوبی را القا کرده‌اند.^۲

در اواخر این دوره، شمیران به علت داشتن بهترین ییلاقات موردتوجه قرار گرفت و ناصرالدین‌شاه باغات سلطنتی را احداث کرد تا به‌عنوان مقر ییلاقی حکومت و دربار مورد استفاده قرار گیرند. بدین ترتیب، رشد شهر در جهت شمال بیش از سایر نواحی شدت یافت و استخوان‌بندی شهر نیز بیشتر در این سمت مستحکم شد و توسعه (ارگانیک) یافت.

در ادامه، ویژگی‌های کالبدی پیدایش شهر تهران و روند رشد آن در این دوره به تفکیک دوران تأثیرگذار صفویه و قاجاریه موردبررسی قرار گرفته است.

^۲ طرح ساختارشناسی هویت محلی شهر تهران-بازشناسی تغییرات مورفولوژیک-شرکت توسعه فضاهای فرهنگی-۱۳۹۲.



• پیدایش شهر تهران و رشد آن در دوره صفویه و زندیه^۳

زوال شهری آغازی برای رشد اولیه آبادی‌های اقماری آن از جمله ده تهران به شمار می‌آید. آهنگ رشد این آبادی مقارن با دوره سلطنت پادشاهان صفوی سریع‌تر شد. همگام با برگزیدن قزوین به پایتختی از سوی شاه‌طهماسب صفوی، تهران مورد توجه خاص و آبادانی بیشتر قرار گرفت. این توجه مدیون عوامل چندی از جمله موقعیت کوهپایه‌ای و خوش آب‌وهوای تهران که شرایط مناسبی را برای سکونت، کشاورزی، و باغداری فراهم می‌آورد، به‌ویژه وجود شکارگاه‌های خوب در دامنه کوه‌های البرز و شمیران، وجود اماکن متبرکه نظیر مقابر امامزاده یحیی، سید اسماعیل، امامزاده زید، سید نصرالدین، و شاه عبدالعظیم که در عین حال مدفن جد شاه‌طهماسب نیز بوده است به جلب توجه سلاطین وقت به این منطقه کمک کرد.

اولین اقدام رسمی برای عمران شهر، با توجه به وضعیت سیاسی-نظامی آن دوره (که کشیدن دیوار به دور شهرها را ایجاب می‌کرد)، دستور به احداث باروی شهر توسط شاه‌طهماسب در حدود سال ۹۶۱ ه.ق بود. گرچه این سکونتگاه کوچک نقش سیاسی-نظامی در منطقه نداشت، به لحاظ تغییر ماهیت آن از ده به شهر، تأمین امنیت آن از طریق احداث برج و بارو ضرورت یافت و از این مقطع تهران در مقیاس یک شهر مطرح شد.

در آن زمان مساحت شهر درون حصار حدود ۴۰۰ هکتار بوده که عمدتاً باغات، مزارع، و بخش‌های مسکونی را نیز شامل بوده است. باروی شهر تهران، ۱۱۴ برج و ۴ دروازه داشت. دروازه‌ها در مسیر جاده‌های اصلی ارتباطی شهر با شهرها و آبادی‌های پیرامون قرار داشتند. به‌طوری‌که دروازه قزوین در مدخل بازارچه قوام الدوله (میدان شاهپور) در مسیر ارتباطی با قزوین، دروازه دولاب در مدخل بازارچه نایب‌السلطنه خیابان ری فعلی و در راستای جاده ارتباطی با خراسان، دروازه شمیران در مسیر پامنار با نواحی شمالی شهر ارتباط داشت و دروازه شاه عبدالعظیم یا دروازه اصفهان در ابتدای بازار دروازه یا بازار حضرتی در مسیر ارتباطی مهم شهر با مدفن حضرت عبدالعظیم، قم، و اصفهان قرار داشتند.

از آنجایی که رفت‌وآمد اصلی تهران از دروازه شاه عبدالعظیم صورت می‌گرفته است، راسته‌بازار به‌منزله ستون فقرات شهر در مسیر دروازه عبدالعظیم به‌سوی دروازه قزوین شکل گرفت و مسجد جامع در محل تلاقی این محور با دو مسیر مهم دیگر ارتباطی شهر واقع شد. ارگ سلطنتی که از این به بعد محدوده مشخصی یافت، در شمال راسته‌بازار و مسجد جامع واقع بود. این سه عنصر مهم که استخوان‌بندی اصلی شهر را شکل می‌دادند، توسط محله‌های اصلی شهر (بازار-سنگلج-عودلاجان و چاله‌میدان) احاطه‌شده و مجموعاً ساختار شهر را شکل داده بودند.

محله بازار در مرکز هسته اصلی تهران قدیم که در تمام دوران پیدایش و گسترش شهر، آباد و مرکز کار و فعالیت و دادوستد به شمار می‌رفت، در زمان شاه‌طهماسب رونق و رواج بیشتری یافت.

^۳ حبیبی، سید محسن و جواد سلیمی، استخوان بندی شهر تهران، معاونت فنی و عمرانی شهر تهران، زمستان ۱۳۷۶



حدومرز شهر در این دوره از شمال، خیابان امیرکبیر و امام خمینی (سپه)، از شرق خیابان ری، از غرب خیابان وحدت اسلامی (شاهپور)، و از جنوب خیابان مولوی بوده است.



موقعیت تهران در زمان صفویه
 محدوده تهران بعد از اسلام
 محدوده تهران در دوران صفویه و زندیه

موقعیت تهران در زمان صفویه

اقدامات دیگر شاهان صفوی، در حد ارگ سلطنتی بود (که در شمال شهر واقع و دور آن خندقی کنده شده بود و دروازه‌ای داشت که ارتباط میان شهر و محوطه سلطنتی را برقرار می‌کرد). شاه‌عباس چهارباغی در آن احداث و سپس شاه سلیمان عمارتی برپا کرد که نطفه کاخ‌های سلطنتی دوره‌های بعد شد.

هنگام حمله افغان‌ها، بخشی از برج و باروی شهر تخریب شد. افغان‌ها در حمله به تهران در عمارت‌های حکومتی ارگ تهران ساکن شدند و برای فرار در برابر تهاجم احتمالی مردم، پل و دروازه شمالی ارگ را ساختند که بعدها به دروازه دولت معروف شد.

پس از فروپاشی سلسله صفویه، به دلایل اقتصادی و غیرمتمرکز بودن دولت، شهر تهران رشد زیادی نکرد. کریم‌خان زند با شناختی که از موقعیت استراتژیک تهران پیدا کرد و باهدف استقرار پایتخت خود در تهران، به اقدامات عمرانی در شهر پرداخت البته این تصمیم در سلسله بعدی (قاجار) محقق شد. در این راستا، ابتدا حصار شهر را که در زمان حمله افغان از بین رفته بود مرمت و برج و باروی ارگ را تعمیر کرد و وضعیتی مستقل به آن داد. وی در محل ارگ سلطنتی که متشکل از چهارباغ عباسی و قصر شاه سلیمان بود، عمارت خاصه یا خلوت کریم‌خانی و دیوانخانه بزرگ به سبک ساسانی با ایوان و تخت مرمر برپا کرد.



• اوایل دوره حکومت قاجار (تا سلطنت ناصرالدین شاه)

زامانداری آغامحمدخان، فتحعلی شاه، و محمدشاه را باید جزء مرحله رشد بطئی شهر در این دوره به شمار آورد. رشد سریع کالبدی شهر در پنجاه سال پادشاهی ناصرالدین شاه تا انقلاب مشروطه اتفاق می افتد که دوره دوم در سیر تحول و رشد شهر در دوره قاجار است.

در آغاز سلسله پادشاهی قاجار، تهران جمعیتی ۱۵ هزارنفری داشت که طی دوران ۳۸ ساله سلطنت فتحعلی شاه با روندی روبه رشد به حدود ۵۵ هزار نفر رسید. در این دوران هنوز تهران شهر کوچکی بود که در قلعه شاه طهماسب محصور بود.

سازمان فضایی شهر را ۴ دروازه شهر، ۶ مسجد فعال، به همراه مسجد شاه در دست ساخت، ۱۵۰ کاروانسرا و دو میدان بزرگ تشکیل می دادند. در این دوره عود لاجان، سنگلج، چاله میدان، و بازار محله های اصلی شهر را تشکیل می دادند. همچنین ارگ سلطنتی محله ممتاز شهر به شمار می رفته که در میان استحکامات محاط بوده و به وسیله خندقی از سایر محله های شهر جدا می شده است. محله بازار کانون فعالیت های اجتماعی-اقتصادی شهر بود و این مرکز از طریق پل چوبی روی خندق در سبزه میدان به ارگ سلطنتی وصل می شد.

• دوره ناصری (از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه تا پایان دوره قاجار)

دوره ناصرالدین شاه مشهور به عصر ناصری، دوران تحولات مهم اجتماعی-سیاسی و فرهنگی ایران محسوب می شود. در این دوره تحت تأثیر تمدن صنعتی اروپا، ایران وارد مرحله نوینی شد.

نخستین کوشش ها برای متحول ساختن شهر قدیمی تهران در دوران حکومت ناصرالدین شاه صورت گرفت. فرایند این تغییرات به دست امیرکبیر آغاز شد. رشد و توسعه شهر تهران بر اثر اقدامات امیرکبیر، با تغییرات فیزیکی و فضایی شهر صورت گرفت. احداث میادین، خیابان ها، و ابنیه با عملکردهای شهری از اهم این اقدامات به شمار می روند.

به دستور امیرکبیر در سال ۱۲۶۷، ارگ تجدید عمارت شد و مسیرهای داخلی آن برای حرکت کالسکه به شوسه تبدیل شدند. علاوه بر عمارت سلطنتی، حرم خانه، تخت مرمر، خزانه، ساختمان های دولتی، دفترخانه، مدرسه دارالفنون، میدان ارگ، انبار، اسطبل، اسطبل کالسکه، دیوان خانه عدالت، انبار غله خالصه، توپخانه، محل سفارت خانه روس، خانه وزیرمختار روسیه و خانه عده ای از رجال نیز داخل حصار ارگ قرار داشتند که بعداً تغییراتی در آن صورت گرفت. هم زمان با تعمیرات در ارگ سلطنتی، میدان بزرگ در شمال ارگ تجدید بنا و بنام میدان توپخانه نامیده شد. تأسیس مریض خانه دولتی، کارخانه های بلورسازی، چینی سازی، کاغذسازی و مؤسسه مجمع الصنایع از دیگر اقدامات عمرانی او به شمار می روند. به این ترتیب علاوه بر محله های مسکونی شهر

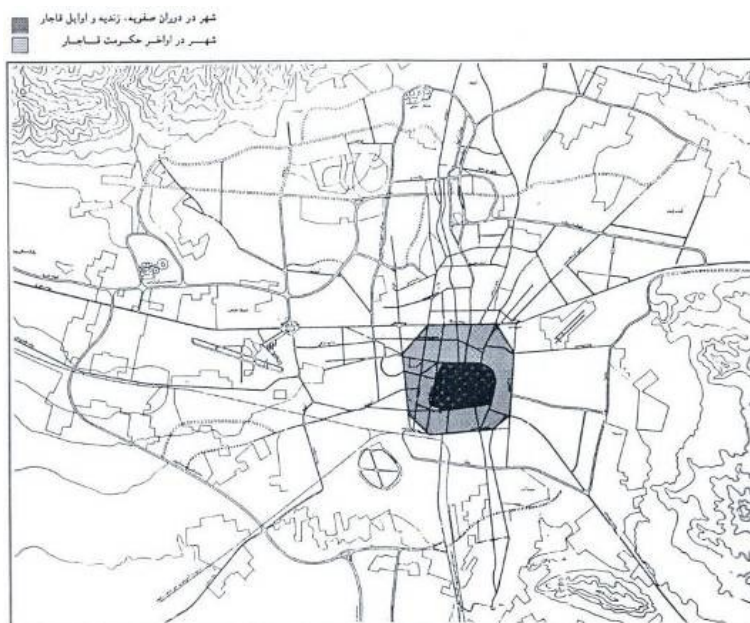


و بازار، عملکردهای مقیاس شهری و حتی ملی دیگری نیز به تدریج در شهر پدید آمد و چهره تهران را به آرامی تغییر داد. اصلاحات رخ داده نقطه عطفی در دگرگونی تهران بود.^۴ تداوم حکومت قاجاریه و سکونت وابستگان به حکومت، نمایندگان دولت‌های خارجی، هیئت‌های گوناگون مذهبی و بازرگانی، و مهاجرت بالا به تهران باعث فزونی جمعیت شهر شد به طوری که در این دوره جمعیت شهر به ۱۵۰ هزار نفر رسید. شهر که گنجایش این جمعیت را نداشت در روند توسعه خود به انتهای ظرفیت در درون دیوارهای قدیمی رسیده بود. در نتیجه ناصرالدین‌شاه تصمیم به تخریب حصار قدیمی شهر و وسعت بخشیدن به شهر گرفت، در نتیجه وسعت شهر به شش برابر افزایش یافت.

در این دوره، علاوه بر احداث بارو، دروازه و خندق جدید در تهران، باغ‌ها و عمارات متعددی نیز در شهر بنا شد، که از جمله آن‌ها می‌توان به باغ حسن‌آباد، باغ فرمانفرما، پارک اتابک (محل کنونی سفارت روسیه)، پارک امین‌الدوله، باغ و عمارت بهارستان، عمارت مسعودیه (محل کنونی وزارت آموزش و پرورش)، باغ بختیاری‌ها، باغ و عمارت مخبرالدوله، و باغ و عمارت امیریه اشاره کرد. در پنجاه سال زمامداری ناصرالدین‌شاه تا انقلاب مشروطه، به علت رشد سریع کالبدی تهران و اشغال سطح درون بارو، قصرهای سلطنتی، کوشک‌های اعیانی، سفارتخانه‌ها، و خانه‌های خارجی‌ان در بیرون از حصار شهر ساخته شدند. بدین لحاظ، محدودیت برج و باروی صفوی درهم شکسته و حصار و خندق جدیدی با ۱۲ دروازه احداث شد، شهر چندین برابر توسعه یافت و مساحت داخل باروی شهر به حدود ۲۰ کیلومترمربع رسید. این باروی جدید به شکل هشت‌ضلعی نامنظم درآمد که تقلیدی از استحکامات پاریس بود. با تغییر حصار شهر، دروازه‌های قدیمی، باغات، و کوشک‌ها داخل شهر قرار گرفتند.

با تعریض کوچه‌ها و تبدیل به خیابان و احداث خیابان‌های شمالی-جنوبی لاله‌زار و علاءالدوله به موازات یکدیگر، محدوده باغ‌های لاله‌زار و نگارستان که در خارج شهر بودند جزء شهر آورده شدند. سفارتخانه‌ها در اطراف دو خیابان جدید استقرار یافتند. رجال مملکت و مغازه‌داران نیز به سبک اروپایی به ایجاد فروشگاه در شمال شهر اقدام کردند، ولیکن هنوز مرکز اصلی دادوستد در جنوب ارگ در ناحیه بازار باقی مانده بود.

^۴ طرح ساختارشناسی هویت محلی شهر تهران - شرکت توسعه فضاهای فرهنگی - ۱۳۹۲.



موقعیت شهر در دوران زندیه و اوایل قاجار تا اواخر حکومت قاجار

در زمان قاجاریه، در حاشیه میدان توپخانه غیر از ساختمان‌های دوطبقه، سربازخانه‌های نظامی، مؤسسات، و اداراتی چند شکل گرفتند. بانک شاهی در ضلع شرقی، اداره صحیه در باغچه‌ای در یک‌گوشه میدان، تشکیلات نظمیه در ضلع غربی میدان، و اداره بلدیه که در ابتدا در مقابل سبزه‌میدان تأسیس شده بود، در ضلع شمالی میدان، چند انبار و بالاخانه را تصرف و شعباتی از جمله اداره آب دایر شد. سپس به دستور شاه، توپ‌ها و توپچیان به میدان توپخانه جدید آورده شدند. میدان مشق که در ضلع غربی میدان توپخانه واقع شده بود، یکی دیگر از میادین شهری بود. این میدان به فعالیت‌های نظامی اختصاص یافته بود. میدان مشق محوطه باز و فضای وسیعی بود که همه‌روزه پیاده‌نظام بالباس‌های مخصوص با روش‌های نظام اروپایی تمرین و قزاق‌ها نیز سوارکاری می‌کردند. در سرتاسر میدان مشق نقاره می‌زدند که پس از تخریب نقاره‌خانه در ارگ به آنجا منتقل شده بود.

در این محدوده بعدها، ساختمان اداره گمرک (امانات پستی)، باغ وزارت خارجه و شهربانی کل کشور احداث شد. ولی پیش از این کار، باغ وسیعی در همان فضای نسبتاً مهم ایجاد شده بود که به باغ ملی معروف شد و بسیاری از مارگیرها، شعبده‌بازها، دراویش، و قلندران در این باغ به نشان دادن چشمه‌هایی از کار خود سرگرم بودند و معرکه‌گیری می‌کردند. در پی این اقدامات، به دستور امیرکبیر در سال ۱۲۶۸، تغییرات عمده‌ای در وضع سبزه‌میدان داده شد. سبزه‌میدان که دارای موقعیتی ویژه در مرکز تجاری شهر شده بود، همچنان محل تجمع مردم و برگزاری مراسم مختلف



بود از جمله در ماه محرم دسته‌های عزادار پس از عبور از راسته‌های اصلی محلات در سبزه‌میدان گرد می‌آمدند.

نقش مؤثر امیرکبیر در توسعه و آبادی تهران که به علت مسافرت‌های ناصرالدین‌شاه به اروپا و دیدن وضعیت شهرها در آن دیار موردحمایت قرار می‌گرفت، چهره شهر را تا حد زیادی تغییر داد. بافت متراکم و فشرده شهر و گذرگاه‌های تنگ با اشکال غیر هندسی و نامنظم، مورد سامان‌دهی و بهسازی قرار گرفت. عمده تغییرات در شبکه معابر شهر در قسمت‌های شمالی شهر رخ داد. خیابان باب‌همایون که از خیابان‌های مهم دارالخلافه تهران بود از شمال به جنوب امتدادیافته بود و نیمه شمالی ارگ را به دو قسمت تقسیم می‌کرد و میدان توپخانه را به خیابان درب اندرون مربوط می‌ساخت. این خیابان درگذشته کوچه‌ای تنگ و کم‌عرض بود. با تبدیل آن به خیابان عریض، مغازه‌ها و دکان‌های منظم در دو طرف آن ساخته شدند. در این خیابان علاوه بر فعالیت‌های تجاری، بناها و ساختمان‌های دولتی از جمله مدرسه نظام، قورخانه، و مسجد مهد علیا نیز استقرار یافتند.

علی‌رغم گسترش وسعت شهر و تراکم ابنیه، شهر در زمان ناصری همچنان شهری محصور در میان باروها بود و از طریق دروازه‌های دوازده‌گانه به اطراف شهر دسترسی برقرار می‌شد. این دروازه‌ها و محورهای منتهی به آن‌ها از محورهای جاذب توسعه استخوان‌بندی اصلی شهر به شمار می‌رفتند. در شمال دروازه‌های یوسف‌آباد، دولت و شمیران در مشرق دروازه‌های دوشان تپه، دولا، و خراسان در جنوب دروازه‌های عبدالعظیم، غار، و خانی‌آباد در غرب دروازه‌های گمرک، قزوین، و باغشاه عامل ارتباط شهر و پیرامون بودند. آخرین دروازه‌ای که در دارالخلافه ساخته شد، دروازه میدان مشق (سردر باغ ملی) بود که نزدیک ساختمان پست‌خانه و وزارت امور خارجه فعلی در خیابان سپه قرار داشت. مجموعه این دروازه‌ها و محورهای ارتباطی بین آن‌ها که الگوی تقریباً شطرنجی نامنظم داشتند، شبکه ارتباطی شهر را شکل می‌دادند.

شهر تهران در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه از تمام جهات رشد کرد. اما این رشد به یک‌میزان و کیفیت نبود به‌طوری‌که رشد شهر در نواحی شمالی شهر بیش از سایر نواحی بود. ناحیه جنوبی بیش از غرب و غرب نیز بیشتر از نواحی شرقی توسعه یافت. وجود ارگ در شمال شهر، عامل اصلی توسعه شهر بود. علی‌رغم اینکه فعالیت‌ها و فضاهای مختلف طی دوره‌های گوناگون رشد شهر داخل ارگ سلطنتی احداث شده بود، احتیاجات روزافزون دستگاه حکومتی، به‌ویژه از لحاظ فضای نظامی، توسعه زیادی را ایجاب می‌کرد. این توسعه به سمت اراضی خارج از حصار ارگ کشانده شد زیرا دیگر داخل ارگ محلی برای تأسیسات موردنیاز وجود نداشت.

وجود املاک خصوصی دربار، امرا، و رجال مملکت در اراضی شمال شهر را که به دلیل مرغوبیت زمین، آب‌وهوا، چشم‌اندازهای طبیعی کوهپایه‌های شمیران، برخورداری از امنیت بیشتر ارگ، و نیز



ایجاد محدوده‌ای واسط از نظر اجتماعی در ناحیه شمالی شهر پیرامون ارگ حکومتی واقع شده بود نیز باید به عامل فوق‌الذکر افزود.

مجموعه عوامل فوق، زمینه توسعه بیشتر شهر را در نواحی شمالی و به تبع آن زمینه توسعه استخوان‌بندی شهر در این محور را فراهم کرد. محله حسن‌آباد در زمان ناصرالدین‌شاه ایجاد شد و در این راستا بهجت‌آباد، یوسف‌آباد، ونک، و اوین آباد شدند. بنای نخستین محله امیرآباد را نیز به میرزا تقی‌خان امیرکبیر نسبت می‌دهند. جلالیه یا نصرت‌آباد در عصر قاجاریه ایجاد شد و این همان منطقه وسیعی است که امروز پارک لاله در آن قرار گرفته است. جلالیه یک قرن پیش در شمال غربی تهران قرار داشت و مدتی مرکز رژه سپاهیان پادگان مرکز بود. در میان این مکان باغی و کوشکی قرار داشته است.

در توسعه به سمت جنوب، عامل اصلی وجود راه‌های ارتباطی شهر با شهرهای جنوبی کشور به‌ویژه شهرهای مذهبی بود. این عامل باعث می‌شد زوار داخل شهر و شهرهای دیگر برای رسیدن به بقاع متبرک بالاجبار از این محدوده عبور کنند. این موضوع باعث تجمع فعالیت‌های تجاری و نیز احداث کاروانسراها شد. همچنین وجود بازار و توسعه آن به سمت این محور ارتباطی داخل به خارج شهر به‌ویژه که نقش مرکزیت تهران از لحاظ سیاسی-اداری سبب قدرت یافتن بیش‌ازحد بازار تهران به‌عنوان قطب اقتصادی کشور شده بود، عامل مهمی در توسعه شهر به سمت جنوب به‌شمار می‌آید. در این دوران، علاوه بر توسعه بازار به‌عنوان ستون فقرات شهر، محله‌ای با تراکم زیاد در جوار محله بازار در خارج حصار اولیه شهر پدید آمد.

در توسعه غربی شهر، تجارت روزافزون آن زمان با عثمانی و روسیه و اهمیت یافتن گمرک عامل اصلی بود. تأسیسات گمرک تهران در جوار دروازه قزوین و راه تهران-کرج نیز در این محدوده مستقر شد. سمت شرقی شهر، به علت آنکه محل سکونت طبقات متوسط و پایین اجتماع و نیز اسکان مهاجران به تهران بود، رشد کمتری یافته و حتی عناصر شهری نیز به میزان کمتری در این ناحیه مستقر شد و رشد یافت.

در این مقطع زمانی، در تهران دو مسیر تراموای اسبی و ماشین‌دودی نیز احداث شد. محل کشیده شدن تراموای اسبی در خیابان لاله‌زار تهران بود و ماشین‌دودی نیز به‌عنوان اولین راه‌آهن ایران از محدود میدان شوش امروزی به‌سوی شاه عبدالعظیم امتداد می‌یافت که دروازه‌ای جداگانه نیز داشته است. گاراژ ماشین‌دودی در اراضی باز جنوب شرقی داخل باروی جدید احداث شد، ولی تراموای اسبی که در این زمان قطب گذران اوقات فراغت شهر محسوب می‌شد، در خیابان لاله‌زار احداث شد. ماشین‌دودی دو هسته جداگانه از استخوان‌بندی شهری تهران و ری را به هم متصل می‌کند.

هم‌زمان با گسترش شهر و تغییر در کیفیت و کمیت محله‌ها در شهر، ساختار اجتماعی شهر نیز دستخوش دگرگونی شد. دگرگونی شهری در تهران در این دوره نه‌تنها به اهمیت ملی و بین‌المللی



پایتخت یاری رساند، بلکه با فراهم آوردن منبع جدید درآمد برای حکومت، تأثیرات بی‌واسطه اقتصادی و اجتماعی بر جای گذاشت. تا این دوره، به‌رغم تفاوت‌های درآمدی ساکنین شهر، تفاوت معناداری در هنجارهای اجتماعی اقشار اجتماعی مشاهده نمی‌شد. اما نفوذ اندیشه تجدد در جامعه بسته دوره ناصری به‌تدریج این همگونی را برهم زد و برخی اقشار اجتماعی متأثر از اندیشه اروپایی، شیوه و هنجارهای نوینی برای رفتارهای اجتماعی برگزیدند.^۵

وجود این گرایش‌های نوین در جامعه شهری تهران موجب ایجاد نوعی تفکیک فضایی در بخش‌هایی از شهر شد که تا حدودی در سکونت برخی افراد متجدد در محله تازه تأسیس دولت قابل مشاهده بود. پاسخگویی به این ساختار جدید اجتماعی در چارچوب گسترش شهر و ایجاد محله‌های جدید آغازگر فرایند جداسازی طبقات اجتماعی شد که با تشدید آن در دوره پهلوی همچنان تا به امروز یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهر تهران به شمار می‌رود.

ساختار فضایی شهر درون حصار جدید با مرکزیت ارگ شکل گرفت. این ساختار با سازمان فضایی قدیمی شهر که در آن ارگ در شمال شهر استقرار داشت تفاوت کرد. ارگ سلطنتی که در گذشته از طریق دو میدان پی‌درپی به‌سوی جنوب به شهر متصل می‌شد به دو میدان جدید مشق و توپخانه در شمال و جنوب اتصال یافت. در مراحل بعدی توسعه، این دو میدان به نقاط کانونی فضای شهری بدل شدند و عملاً ساختار دوقطبی با ریخت‌شناسی دوگانه شکل گرفت.

به‌طوری‌که در یک‌سو میدان قدیمی با نهادهای سنتی اطراف آن و در سوی دیگر میدان جدید با نهادهای جدید پیرامون آن در مناطق جدیدالاحداث شکل گرفت. چنانچه اشاره شد، آغاز دوقطبی شدن شهر در اواخر دوره قاجار بود، اما اوج تأثیرات آن در دهه ۴۰ به سبب وجود بسترهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ساز تشدید آن، نمود یافت و عامل مهمی در تغییر و تحولات بعدی شهر شد.

در سال‌های آخر حکومت سلسله قاجار و به‌رغم اعلام بی‌طرفی، ایران در جنگ جهانی اول اشغال شد و مورد تاخت‌وتاز نیروهای درگیر قرار گرفت. ضعف دولت مرکزی، سر برآوردن جنبش‌های محلی در نقاط مختلف کشور، و بروز قحطی و ناامنی مانع از توسعه شهرنشینی و رشد شهر شد. در نتیجه، توسعه شهر در حاشیه بافت شهری صورت گرفت و از حدود دیوارها و خندق فراتر رفت. در اواخر دوران قاجار و با رشد تدریجی اهمیت بازرگانی شهر تهران، تعداد بازرگانان و دکان‌داران شهر افزایش قابل‌ملاحظه‌ای یافت و این روند سبب جذب افراد بیشتری به پایتخت شد. با گشوده شدن ساختار شهری به سمت مناسبات نوخاسته اجتماعی که برآمده از اندیشه تجدد و سبک زندگی نوگرایانه به‌شیوه‌ای غربی بود، شهر دچار دگرگونی‌های اساسی شد به‌طوری‌که جمعیت شهر تهران به ۲۱۰ هزار نفر رسید که این رشد به معنی بروز فشارهای تازه برای توسعه و گسترش شهری بود.

^۵ طرح ساختارشناسی هویت محلی شهر تهران - شرکت توسعه فضاهای فرهنگی - ۱۳۹۲.



یکی دیگر از دلایل عمده اهمیت یافتن شهر تهران در اواخر دوره قاجار به تغییر و تحولات عمده سیاسی این دوره بازمی‌گردد. انقلاب مشروطه در این سال‌ها خود مولود رسوخ اندیشه‌های اصلاحات و نوسازی صورت گرفته در دوره صدراعظم‌هایی چون قائم‌مقام فراهانی، میرزا تقی‌خان امیرکبیر، و میرزا حسین‌خان سپهسالار قزوینی و هم عاملی در جهت نوسازی بیشتر کشور بود. طبیعتاً نخستین آثار این روند در پایتخت به منصفه ظهور رسید. اصناف در مجلس شورای ملی دارای نماینده شدند و نمایندگانی از شهرهای مختلف کشور در پایتخت سکونت گزیدند.

همچنین برخی عملکردهای مدرن مانند کافه، سینما، و دفاتر روزنامه در این دوره فراگیر شد و در دسترس مردم عادی شهر قرار گرفت. وجود این عملکردها به تدریج سبک زندگی و نوع تفریحات مردم را تحت تأثیر قرار داد که آثار آن را می‌توان در مکان‌های شهری همانند پارک‌ها و گردشگاه‌هایی همچون لاله‌زار مشاهده کرد. با چاپ و انتشار روزنامه‌های متعدد و رواج فرهنگ روزنامه‌خوانی در میان بخش‌های از مردم، آگاهی در میان طبقه متوسط بسط یافت و تأثیرات قابل توجهی در چهره شهر و ساختار کالبدی و اجتماعی آن گذاشت.

دوره تجدیدگرایی شهری (۱۳۳۵-۱۳۰۰ شمسی - دوره پهلوی اول)

در دوره پهلوی اول، به سبب ورود کشور به مناسبات نظام سرمایه‌داری جهانی از طریق نفت، تغییر رژیم سیاسی ایران، و تحولات سریع تکنولوژی چهره زندگی اجتماعی-اقتصادی و سیمای کالبدی تهران دگرگونی‌هایی یافت و تهران از یک شهر سنتی محصور در حصار و خندق به یک شهر جدید با ساختاری نوین مبدل شد. از سال ۱۳۰۰ شمسی با کودتای رضاخان، دوره جدیدی در کشور و پایتخت به دلیل دولت و امنیت نسبی آن آغاز شد. در این دوره، حکومت پهلوی کشور را به سوی نظام سرمایه‌داری و مدرنیزاسیون همراه با نظام سیاسی اقتدارگرا پیش برد. در این راستا، جامعه ایران با ورود تکنولوژی و تمدن صنعتی غرب دچار تحولات شگرف اجتماعی-اقتصادی و به دنبال آن شهرسازی شد. برخی این دوره را دوره نوگرایی، مدرنیزاسیون، و به تعبیری دوره مشروطه تجدیدگرایی و برخی غرب‌گرایی نامیدند.^۶

در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، دولت ایران قدرت خود را تثبیت کرد و با گسترش نهادهای دولتی، مؤسسات اجتماعی، و اقتصادی جدید زمینه دگرگونی ساختار فئودالی (پیش سرمایه‌داری) ایران فراهم شد. نتایج این امر در محیط‌های شهری از سال ۱۳۰۹ به تدریج نمود یافت. در دوره دوم حکومت پهلوی اول (سال‌های ۱۳۱۰ الی ۱۳۲۰) دومین اقدام عمده بعد از عهد ناصری برای اصلاح شهر صورت گرفت. در سال ۱۳۰۸ وسعت تهران ۲۴ کیلومترمربع بود که در سال ۱۳۱۳ و با پر شدن خندق‌ها به ۴۶ کیلومترمربع رسید. در این دوره، مسیر خندق‌ها و دیوارها فضایی برای

^۶ همان منبع.



احداث بلوارهای عریض فراهم کرد. خیابان‌های تازه‌ای احداث شد که از میان بخش‌های بافت قدیمی شهر عبور کرد و به شریان‌های اصلی حمل‌ونقل بدل شد.

در این دوره، تغییرات ساختاری در کالبد شهر تهران پدید آمد. در این چارچوب، کلیت ساختار کالبدی قدیم شهر کماکان پابرجا ماند، ولی پوسته‌ها دگرگونی بصری یافتند، باروها و دروازه‌های شهر تخریب شدند و ایده ایجاد خیابان‌های کمربندی هم‌راستا با شیوه‌های نوین شهرسازی و معماری در دستور کار قرار گرفت. توسعه ارتباطات شهری و خیابان‌کشی‌های جدید نیز به همراه رواج استفاده از وسایل نقلیه موتوری روند روبه گسترش شهر به سمت شمال را فزونی بخشید و سبب شد فضای مابین دو پهنه تهران تاریخی و شمیران رفته‌رفته پر شود؛ اما ری کماکان اتصال خود را با تهران حفظ کرد.

تحولات کالبدی شهر تهران در دوره رضاخان را می‌توان تحت تأثیر جریان بین‌المللی جنبش مدرنیسم به شمار آورد. انتظام بخشی فضایی و کالبدی به ساخت شهر، به معنایی که شهرنشینی اروپایی به سبک هوسمانی^۷ زیر نفوذ آن بود، الهام‌بخش شهرهای ایران شد. سامان‌دهی تهران با الگویی از محورهای مستقیم و متعدد روی داد که میراث قرن نوزدهم اروپا بود. خیابان‌های فرعی و اصلی که شهر دوره قاجار را به‌سوی شمال کشاندند و ساختن میادین که بخش‌های مهم شهر را از یکدیگر متمایز می‌کردند، در این زمان از ویژگی‌های اساسی توسعه شهر شد، تحولات فوق‌الذکر به‌عنوان زیربنای دگرگونی‌های استخوان‌بندی شهر به شمار می‌آید.

پس از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط قوای متفقین در جنگ جهانی دوم و مقارن با اوایل حکومت پهلوی دوم، دهه‌ای بحرانی برای کشور آغاز شد. در سال‌های ۱۳۲۱-۱۳۲۸ نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر به جمعیت شهر افزوده شد و جمعیت تهران به یک‌میلیون نفر بالغ شد در نتیجه، مسکن و داشتن سرپناه به نیازی عمومی و اساسی تبدیل شد و توسعه تهران بسیار سریع و خارج از کنترل صورت گرفت. این رشد، به‌صورت توسعه آزادشهر در اراضی پیرامونی و رشد روستاهای حومه و شهرک‌های اقماری بروز کرد که به‌تدریج در اثر موج‌های جدید مهاجرت گسترش یافتند و درون بافت شهری ادغام شدند. محله‌های تازه در خارج از محدوده قانونی شهر از هر سو با رشد بی‌رویه و نامعمول پدیدار شد.

در فاصله سال‌های ۱۳۳۲ الی ۱۳۴۱، روند توسعه تهران با ایجاد شهرک‌های تهران‌پارس در شرق نارمک و نیز شهرآرا، تهران ویلا، و گیشا در غرب تهران ادامه یافت. اجرای سیستم آب‌لوله‌کشی تهران در سال ۱۳۳۴ و شرکت واحد اتوبوس‌رانی در این سال موجب توسعه مسکونی تهران در حومه در بخش‌های شمالی، شرقی، و غربی شد.

در این میان جداسازی سکونتگاه‌های حومه از یکدیگر بر مبنای جداسازی جغرافیایی طبقات اجتماعی انجام می‌شد. گروه‌های مختلف اجتماعی بر اساس شکاف فزاینده شمال-جنوب، از نظر

^۷ Haussman



مکانی نیز سامان‌دهی می‌شدند. فرایند حومه‌نشینی که از دوران قاجار با احداث باغ‌های بزرگ اعیانی بیرون شهر آغاز شده بود، شدت یافت، به ترتیبی که بازرگانان محل سکونت خود را از محله بازار که محل کسبشان نیز بود به مناطق حومه شمالی و غربی منتقل کردند.

همچنین در این دوره، مرحله اول صنعتی آغاز شد و کارخانجات سیمان، بلورسازی، چیت‌سازی، اسلحه‌سازی، هواپیماسازی، و کارخانه دخانیات و فرودگاه‌های قلعه مرغی و دوشان‌تپه پیرامون تهران ساخته شدند. ایستگاه راه‌آهن تهران نیز در سال ۱۳۱۳ افتتاح شد. ایجاد این کارکردهای جدید، موجب شکل‌گیری محلات جدیدی پیرامون قسمت‌های قدیمی شهر مانند ناحیه دروازه شمیران و عشرت‌آباد در شمال شرق، تخت جمشید، شاه رضا تا باغ شاه در شمال، نیروی هوایی در شرق، باغشاه در شمال غرب شد. در این محلات بیشتر کارگران، کارمندان، و صاحب‌منصبان اداری و نظامی ساکن شدند که به علت گسترش مؤسسات نوین صنعتی، اداری، نظامی نیاز به مراکز جدیدی برای سکونت داشتند. شکل‌گیری این طبقات جدید اجتماعی که تحت تأثیر تغییر نظام اقتصادی و سیاسی کشور پدید آمده بودند و سکونت آن‌ها در محلات جدید گونه‌های جدیدی از محلات را در شهر تهران رقم زد که دیگر بر پایه قدرت خانواده‌های متمکن دوره ناصری نبود و از این‌رو، آغازی بر تفکیک محلات برحسب طبقات اجتماعی بود.

هم‌راستا با این تغییرات و احداث خیابان‌های جدید، خرده‌فروشان فعال در بازار نیز به دلیل مشکلات دسترسی با اتومبیل به بازار، به جابه‌جایی به پیرامون خیابان‌های جدید تمایل یافتند. از سوی دیگر در راستای توسعه شتابان شهری، بسیاری از روستاهای شمال شهر تهران (شمیرانات) تبدیل به محله‌های شهری شدند و ساکنان مرفه محلات قدیمی شهر را به خود جلب کردند. جابه‌جایی ساکنان از جنوب و پهنه‌های مرکزی شهر، نشان از جابه‌جایی افشار قدیمی داشت؛ آن‌ها به لحاظ تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی که در جریان مهاجرت‌ها پدید آمده بود، به سکونت در جای دیگر تمایل داشتند.

این روند که از دوره پهلوی اول آغاز و از سال‌های آغازین دوره پهلوی دوم بر سرعت آن افزوده شد، در جریان اصلاحات اراضی و تحولات پس‌از آن به اوج خود رسید. به تدریج عده‌ای از ساکنان مرفه شهر، مناطق شمالی تهران و محدوده شمیران را که تا آن زمان کمتر شکل‌گرفته بود، به‌عنوان محل سکونت خود انتخاب نمودند. این روند آغاز قطبی‌شان شهر در این دوره است.

اما یکی از مهم‌ترین تغییرات شهرسازی در این دوره ایجاد محور شرقی-غربی برای تهران بود. سه حوزه مهم سکونتگاهی ری، تهران، و شمیرانات که در امتداد شمالی-جنوبی یکدیگر قرار داشتند، موجب شده بود در دوره‌های گذشته، مسیر توسعه تهران عموماً به شکل شمالی-جنوبی باشد. اما به جهت قرار داشتن موانع طبیعی در شمال (رشته‌کوه‌های البرز) و جنوب (کویر)، امکان این گسترش تا حد زیادی محدود شد. در این دوره با احداث خیابان شاه رضا (انقلاب کنونی) در جهت شرقی-غربی شهر، تهران به تدریج در این جهت گسترش یافت.

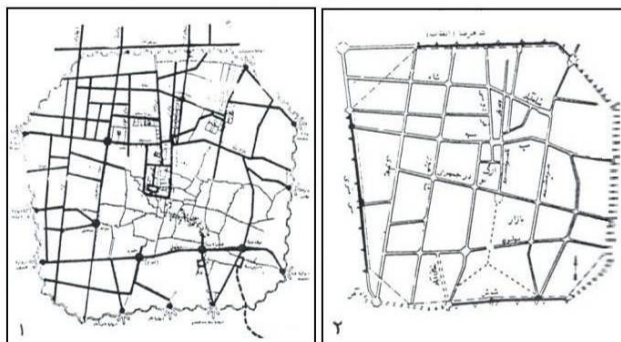


به‌طوری‌که حول محور شرقی-غربی شاه رضا و محورهای شمالی-جنوبی فردوسی، پهلوی، و جاده شمیران بیشترین ساختمان‌های جدید دولتی، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، دبیرستان‌ها، و سفارتخانه‌های خارجی ساخته شدند. هتل و کافه بلدیة در چهارراه پهلوی افتتاح شد و هتل‌ها، کافه‌ها، سینماها و تئاترها، و مغازه‌های لوکس در خیابان‌های شاه و لاله‌زار شکل گرفتند.

در ادامه سیر تحول شهر و استخوان‌بندی شهر در این دوره به تفصیل بررسی شده است. در آغاز روی کارآمدن رضاخان، تهران همان صورت پایان عهد قاجاریه را داشت (۱۲۹۹ شمسی)، خصوصاً که در زمان مظفرالدین شاه، اقدامات عمرانی خاصی انجام‌نشده و به وسعت شهر افزوده نشده بود. اما در زمان رضاخان، با فراهم آمدن توان مالی، تحولات همه‌جانبه‌ای در شهر پدیدار و رشد و توسعه فیزیکی شهر نیز آغاز شد. در این دوره، شهر تهران در کنار کارکردهای گذشته، دارای کارکردهای جدیدی به‌ویژه در جهت تمرکز فعالیت‌های اداری و توسعه صنعتی شد. این امر در فعالیت‌های سنتی شهر تأثیر گذاشت، پیدایش و گسترش نهادهای جدید شهری و اساس تحول و توسعه عملکردی و کالبدی تهران از آغاز قرن چهاردهم شد.

در دوره پهلوی اول، به علت تحولات سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی شهر تهران چهره جامعه اداری و صنعتی به خود گرفت. در این تحول بنیادین که در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شکل گرفت، دولت با اقدامات عمرانی به گسترش نهادهای دولتی و مؤسسات اجتماعی و اقتصادی جدید دست زد تا به‌عنوان ابزار تأمین اهداف سیاسی-اقتصادی خود و زمینه‌ساز دگرگونی ساختار اجتماعی به کار بسته شود. از نظر کالبدی در آغاز این دوره، مجموعه شهری تهران علی‌رغم توسعه‌هایی که یافته بود، داخل حصار ناصری قرار داشت. به علت سرعت روند رشد شهر و باهدف ایجاد تغییرات بنیادین، در پی گسترش شهر به خارج از حصار و خندق ناصری، که از سال ۱۳۰۹ شروع شد، در سال ۱۳۱۱ تخریب باروی قدیمی شهر آغاز شد و تا سال ۱۳۱۶ ادامه داشت و در این سال به‌طور کامل از میان برداشته شد. خندق‌های پیرامون شهر پر شده و به‌جای آن‌ها خیابان‌های جدید پیرامون شهر احداث شد.

۱. شروع تغییرات و نوسازها، ۱۳۱۰ ه. ش.
(قبل از تخریب دیوار)
 ۲. طرح جدید تهران مصوب ۱۳۱۶ ه. ش.
- خیابانهای جدید بر روی مسیر دیوار شهر
 - خیابانهای درست احداث برمسیر دیوار شهر
 - خیابانهای موجود
 - خیابانهای احداثی
 - خیابانهای که هرگز احداث نشد
 - میدان جدید



شروع تغییرات و طرح جدید تهران

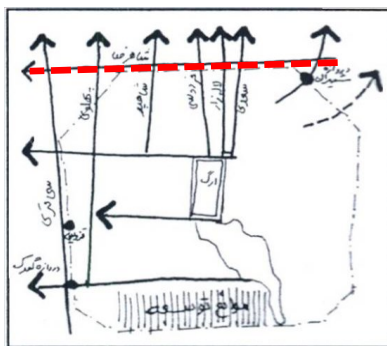


بدین ترتیب، سیما و هویت شهر قدیم که شهری قرون وسطایی و محصور بود تغییر یافته، محدوده‌های رشد فیزیکی آن از میان برداشته شد، شهر تهران در جهت دست یافتن به سیما و هویتی نوین گام برداشت، و نوسازی شهری سرلوحه اقدامات قرار گرفت. در دوره رضاخان بیشترین توسعه کالبدی در شمال شهر در امتداد خیابان‌های سعدی، لاله‌زار، فردوسی، حافظ، فروردین، و سی متری اتفاق افتاد.

جریان توسعه به طرف شمال از زمان ناصرالدین شاه و تشکیل محله دولت آغاز شده بود. این ناحیه عمدتاً محل سفارتخانه‌های خارجی و سکونت اروپائیان و گروه‌های جدید اجتماعی بود. در عصر رضاخان با فزونی گرفتن گرایش به مدرنیسم و تشکل گروه‌های اجتماعی جدید از شهرنشینان، حد شمالی شهر از باروی قدیمی فراتر رفت و تا خیابان تخت جمشید توسعه یافت.

توسعه ارتباطات شهری و خیابان‌کشی‌های جدید نیز به همراه رواج استفاده از وسایط موتوری، روند شتابان گسترش شهر به سمت شمال را فزونی بخشید. در نواحی شمال شهر، بیشترین توسعه فیزیکی پیرامون دروازه شمیران رخ داد. این نقطه، کانون اصلی توسعه تهران به طرف شمال شرق و شرق شهر شد. دروازه شمیران بعد از مدتی این نقش را به میدان فوزیه بخشید و توسعه به سوی جاده مازندران و خیابان‌های دوشان تپه و عشرت‌آباد، دروازه شمیران را به مرکز توسعه شمالی در این بخش از شهر تبدیل کرد. در این دوره، توسعه شهر به سمت جنوب بسیار کند اتفاق افتاد. وجود گودهای کوره‌های آجرپزی، اراضی کشاورزی، دیوارهای مخروبه حصار ناصری، و گورستان قدیمی (سر قبر آقا) عوامل بازدارنده توسعه کالبدی در این نواحی بودند.

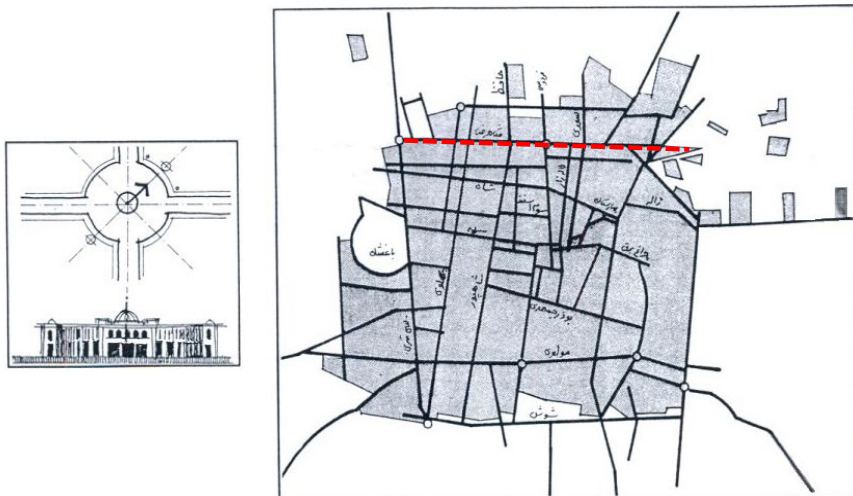
از تأثیر رضاخان در شهر تهران، آنچه بیش از هر چیز به یاد مانده، خیابان‌کشی‌هایی است که به تقلید از شهرهای اروپایی، بافت‌های شهری را بریده و ابتدا و انتهای شهر را به هم وصل می‌کرد. تغییر شکل خیابان‌های قدیم به بلوارهای جدید با اشکال نسبتاً منظم و هندسی در دو دهه اول ۱۳۰۰ انجام شد. با پر شدن خندق‌های پیرامون شهر، به جای آن‌ها خیابان‌های جدید در چهارسوی شهر بانام‌های **شاه رضا در شمال**، شوش در جنوب، شهباز در شرق و ۳۰ متری نظامی در غرب در سال ۱۳۱۲، در چارچوب برنامه نوسازی تهران «تعریض و توسعه معابر» احداث شدند.



توسعه کالبدی شهر در دوران رضاخان



البته شایان ذکر است، پیش از آن از سال ۱۳۰۹، تعریض خیابان‌های خیام، ناصرخسرو، فردوسی، استانبول، شاه‌آباد، نظامیه، سیروس، شاهپور، امیریه، مولوی (اسماعیل بزاز)، و خانی‌آباد شروع شده بود و پس‌از آن احداث خیابان‌های پهلوی و کاخ آغاز شدند.



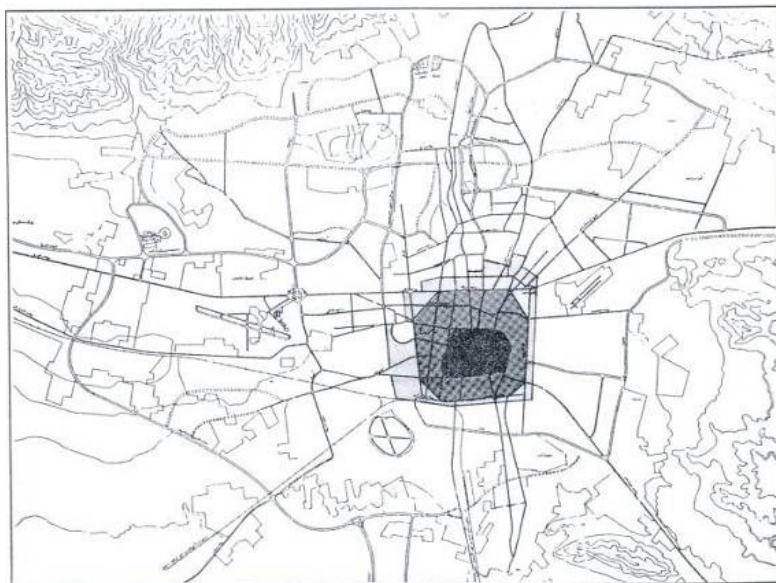
تغییر شکل خیابان‌های قدیم شهر به بلوارها جدید

در این دوره، به تدریج شبکه جدیدی از خیابان‌ها و بلوارها در سطح شهر تهران شکل می‌گیرد، به‌طوری‌که ۱/۸ کیلومترمربع از وسعت شهر (۹ درصد تمام شهر)، به ایجاد شبکه ارتباطی و دسترسی شهری و میادین اختصاص می‌یابد.

خیابان‌کشی‌های فوق‌الذکر، مبنایی برای توسعه شهر و استخوان‌بندی اصلی آن بودند. قسمت جدید شهر حول محور شرقی-غربی **خیابان شاه رضا** و محور شمالی-جنوبی خیابان فردوسی شکل گرفت. در این منطقه بیشترین ساختمان‌های دولتی و عمومی مانند دانشگاه، بیمارستان‌ها، دبیرستان‌ها، سفارتخانه‌های خارجی و ... ساخته شدند.

هتل و کافه بلدیہ (شهرداری) در چهارراه پهلوی بنا شدند، سینما و تئاتر، هتل‌ها، و کافه‌های دیگری در خیابان لاله‌زار به وجود آمدند. خیابان فردوسی محل استقرار ساختمان‌های مختلف دولتی، بانک‌ها، و سازمان‌های نظامی شد.

مرکز جدید دولتی با خیابان‌های منظم از جمله خیام، بوذرجمهری، سپه، و سوم اسفند احاطه شد. مراکز تجاری و خدماتی در طول خیابان‌های جدید مرکز شهر، جسته‌وگریخته به وجود آمدند. خیابان لاله‌زار و استانبول با پیدایش هتل‌ها، کافه‌ها، و مغازه‌های جدید نقش گردشگاهی یافت و مغازه‌های جدید در خیابان‌های ناصرخسرو، چراغ‌برق، سپه، و بوذرجمهری بخشی از نقش تجاری بازار را بر عهده گرفتند. در نتیجه تحولات در دوره رضاخان، یک منطقه با کارکرد مرکز شهری در شمال تهران با ساختمان‌های نوین، خیابان‌های مشجر، و میدان‌های بزرگ به‌وجود آمد.



محدوده شهر در دوران پهلوی اول در مقایسه با دوران پیش‌تر

به‌منظور تأمین عملکردهای جدید شهر در این دوره، نهادها و بناهای متعددی احداث می‌شود. از جمله مهم‌ترین این بناها می‌توان به شکل‌گیری نهادهای دولتی و وزارتخانه‌ها (وزارت مالیه (دارایی)، عدلیه (دادگستری)، شهربانی، وزارت امور خارجه، پست‌خانه و...)، بناهای آموزشی و فرهنگی (دانشگاه تهران، مرکز تربیت‌معلم، دانشکده نظام، موزه ایران باستان، کالج البرز و دبیرستان‌های انوشیروان و فیروز بهرام)، بناهای صنعتی (کارخانه سیمان تهران، دخانیات، چیت‌سازی، سیلوی تهران، کارخانه برق تهران در میدان ژاله، و کارخانه شهباز)، کاخ‌های جدید سلطنتی (مثل کاخ مرمر و کاخ سعدآباد)، نهادهای اقتصادی (بانک ملی، رهنی، بازرگانی)، بیمارستان‌ها، تغییر فرودگاه دوشان‌تپه، سایر مؤسسات مربوط به نیروی هوایی کشور و ورزشگاه امجدیه اشاره کرد.

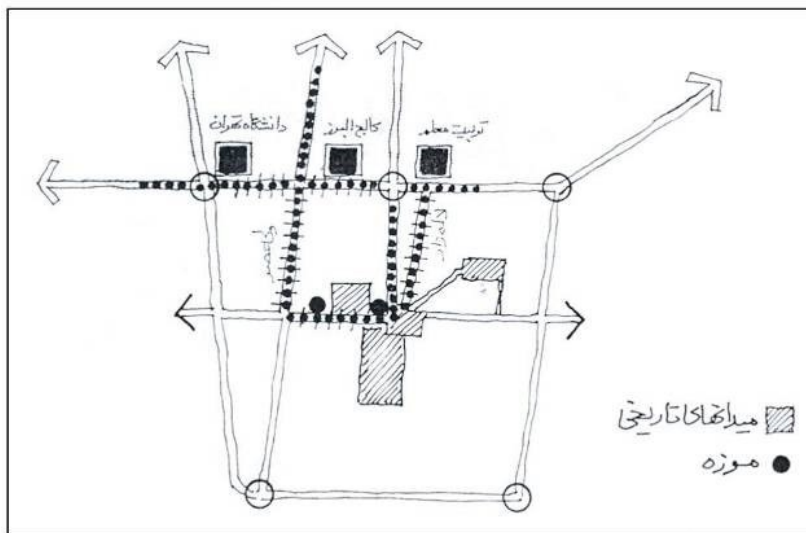
کاربری فرهنگی-آموزشی

آنچه در این دوره صورت می‌گیرد، در قالب سیاست‌ها و اقدامات تجددطلبی و ترقی‌خواهی در کلیه شئون مملکتی مطرح و بدین لحاظ به احداث کاربری‌های شهری جدید اقدام می‌شود. عملکردهایی که در این زمان در زمره کاربری‌های فرهنگی-آموزشی به کاربری‌های قبلی اضافه شدند عبارت‌اند از دانشگاه و مدارس جدید، موزه، تئاتر، و سینما.

در این گروه از کاربری از لحاظ تعداد، مدارس نظام جدید بیشترین میزان تأسیس را دارند. از لحاظ توزیع مکانی، با توجه به بافت متراکم شهر در داخل حصار دوره قاجار، عملکردهایی که نیاز فضایی



آن‌ها محدود بوده و به تخریب عمده نیازمند نبودند در داخل بافت قدیم، در کنار یا داخل استخوان‌بندی قدیمی شهر جای گرفتند.



میدان‌های تاریخی شهر^۸

به‌طور مثال، احداث تئاتر و سینما در راسته گذران اوقات فراغت (خیابان لاله‌زار) صورت می‌گیرد که با توجه به پتانسیل جذب جمعیت، این راسته را تبدیل به راسته فرهنگی و گذران اوقات فراغت کرده بود. موزه‌ها نیز مانند موزه ایران باستان در کنار استخوان‌بندی اصلی جای گرفتند. عملکردهایی که نیاز فضایی عمده داشتند یا با تغییر کاربری و استفاده از فضاهای قابل‌تبدیل (مانند ارگ و کاخ‌ها) احداث شدند یا به حاشیه شهر و به خارج از بافت شهری آن دوره منتقل شدند. کاربری‌هایی مانند دانشگاه تهران و دانش‌سرای عالی و ... در خارج از محدوده استخوان‌بندی اصلی شهر احداث شدند. این اقدام در آینده باعث به‌وجود آمدن راسته‌ای با پتانسیل فرهنگی-آموزشی شد. در این دوره برای اولین بار، توسعه عمده به‌صورت گسسته از بافت شهری در روند کاربری‌ها اتفاق می‌افتد. از عناصر عمده آموزشی در این دوره می‌توان به دانشگاه تهران، کالج البرز، و دانش‌سرای عالی (تربیت‌معلم) اشاره کرد. از عناصر عمده فرهنگی در این دوره می‌توان از موزه ایران باستان و موزه مردم‌شناسی نام برد. در این دوره، خیابان لاله‌زار نیز با پذیراشدن چند تئاتر و سینما اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

^۸ میدان توپخانه، در سال ۱۲۸۴ هجری قمری در دوره ناصرالدین شاه- میادین بهارستان و حسن آباد در سال ۱۳۰۹- میدان فردوسی در سال ۱۳۳۸



گذران اوقات فراغت

در این دوره با توجه به تغییر فرهنگ و وضعیت شهرنشینی، کاربری جدید مهمانسرا یا هتل در شهر تهران پدیدار می‌شود. قبل از آن کاروانسراها عهده‌دار پذیرش مسافران به‌ویژه در امور تجاری بودند. در این مقطع زمانی، کاربری قهوه‌خانه به تعداد زیاد در محلات جدیدالاحداث در اطراف یا خارج از خندق تخریب‌شده تأسیس می‌شود و زورخانه‌ها نیز در این زمان به تعداد زیاد در محلات پیرامونی بازار شکل می‌گیرند.

جای‌گیری عناصر این گروه از کاربری‌ها، به‌طور کلی، اطراف استخوان‌بندی اصلی شهر است. به‌عبارت دیگر، این گروه از عناصر جدیدالاحداث در جهت رشد یکپارچه استخوان‌بندی اصلی شهر عمل می‌کنند. شکل‌گیری میدان سپه، تأسیس زورخانه‌ها اطراف بازار، خیابان لاله‌زار، و میدان سپه شروع تأسیس هتل‌ها، کافه‌ها، و رستوران‌ها به سبک غربی اطراف خیابان لاله‌زار و ناصرخسرو، همگی مؤید این نکته می‌باشند. نکته قابل‌توجه اینکه خیابان لاله‌زار در این زمان به‌صورت راسته گذران اوقات فراغت عمل می‌کند. تأسیس برخی مکان‌های تفریحی در خیابان شاه رضا و پهلوی نیز در این دوره آغاز شد که از آن جمله می‌توان به کافه شهرداری در چهارراه شاه رضا و استادیوم امجدیه اشاره کرد.

موقعیت استخوان‌بندی اصلی

الگوی شطرنج گونه خیابان‌ها، بافت شطرنجی و منظم شهری، و منطقه بندی فعالیت‌ها از مبانی پایه تحولات شهری در دوران پهلوی اول‌اند. بر این مبانی، عملکردهای شهری جدید در قالب اقدامات نوسازی شهری در هسته کهن شهر جای می‌گیرند و ساختمان‌های قدیمی ارگ و برخی نقاط دیگر مثل توپخانه و میدان مشق و ... از میان برداشته و با عمارات جدید دولتی جایگزین می‌شود؛ گرچه برخی عمارات عالی‌ه در این محوطه‌ها مثل کاخ گلستان و شمس‌العماره از این مقوله مستثنی می‌شوند.

خیابان‌های چلیپایی دامنه توسعه شهر را به شمال، جنوب، شرق، و غرب می‌کشانند. ابتدا خیابان‌های خیام و بوذرجمهری، سپس شاه و فردوسی و بعد از آن پهلوی و شاه رضا این نقش را بر عهده می‌گیرند. عناصر و عملکردهای جدید در شمال و جنوب شهر توزیع می‌شوند. در حقیقت این را باید آغاز از هم‌گسیختگی عناصر اصلی استخوان‌بندی شهر یا تغییر الگوی توسعه پیوسته آن به الگوی توسعه گسسته دانست. برای مثال، دانشگاه تهران یا دانشگاه تربیت‌معلم در منتهی‌الیه شمال غربی و شمال شرقی شهر و ایستگاه راه‌آهن در جنوب شهر ساخته می‌شوند. نباید از نظر دور داشت که نقش خیابان به‌عنوان عنصر خطی، موجد تمرکز و انتظام خطی عناصر، در این دوره قوام‌یافته و در کنار تمرکز هسته‌ای گذشته به گسترش دامنه‌های نفوذ استخوان‌بندی اصلی شهر منجر می‌شود.



به طور کلی می‌توان گفت در این دوره، بافت نامنظم و ارگانیک دوره‌های قبل جای خود را به بافت منظم و شطرنجی از ساختمان‌ها و شبکه راه‌ها می‌دهد. از فشردگی بافت بخش‌های جدید کاسته می‌شود و بافت نیمه‌پیوسته غلبه می‌کند. بدین لحاظ تمایز محدوده‌هایی که متعلق به کاربری‌های عمومی و دولتی است کاملاً آشکار شده است و این ابنیه نه تنها به لحاظ مشخصه‌های معماری و حجمی که مرتفع‌تر از ساختمان‌های معمولی و مسکونی شهرند، بلکه به لحاظ قطعه‌بندی زمین و بافت شهری نیز تشخیص می‌یابند.



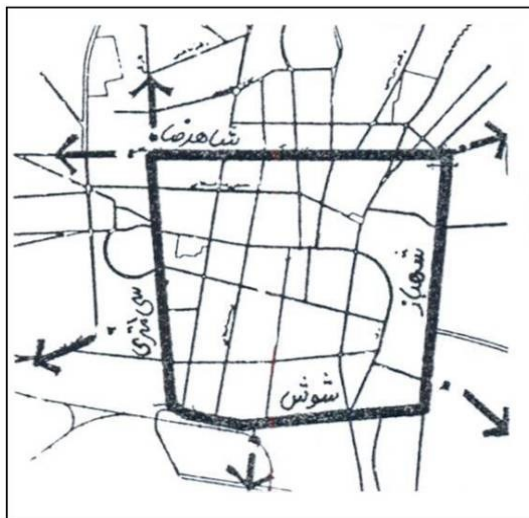
نظام کاربری اراضی در دوره پهلوی

ویژگی‌های شبکه دسترسی

بررسی نقشه شهر و شبکه راه‌ها در آن زمان، مبین آن است که احداث خیابان‌های اصلی به‌ویژه چهار خیابان واقع بر خندق‌های پیرامون شهر یعنی شهباز، شوش، سی متری امیرآباد، و شاه رضا مسیر کمربندی را شکل می‌دهد که همه دروازه‌های شهر را به هم مرتبط می‌سازد. به بیانی دیگر، تمام راه‌های منتهی به شهر از سطح منطقه، توسط این شبکه و نیز امتداد خیابان‌های اصلی که اغلب به محل دروازه‌های شهر می‌رسید، به درون شهر و استخوان‌بندی اصلی آن راه می‌یافت. الگوی شطرنجی نامنظم شبکه راه‌ها و نحوه توزیع آن در سطح شهر به مجموعه استخوان‌بندی اصلی از جمله عمده‌ترین هسته‌های تمرکز فعالیت‌های تجاری (بازار و ...) و اداری (محدوده ارگ و باغ ملی) از چند جهت دسترسی برقرار می‌کرده است.



سایر عناصر پراکنده در نواحی محدودتر (بهارستان، کاخ، و ...) و نیز هسته‌های منفرد (دانشگاه تهران، بیمارستان، پادگان‌ها، و ...) از طریق هم‌جواری مستقیم، با راه‌های اصلی ارتباط می‌یافته‌اند.



شبکه راه‌های اصلی شهر در دوره پهلوی

استقرار نظام نوین دسترسی در سطح شهر با احداث شبکه‌ای از معابر اصلی و خیابان‌ها که از زمان ناصرالدین‌شاه آغاز شده است، در این دوره تکمیل می‌شود و توسعه می‌یابد. با افزایش اهمیت خیابان در شبکه آمدو شد و به‌ویژه ضرورت‌های ناشی از به‌کارگیری وسایل نقلیه ماشینی، رابطه عناصر و کاربری‌های مستقر در استخوان‌بندی اصلی شهر و شبکه راه‌ها به سه صورت درمی‌آید:

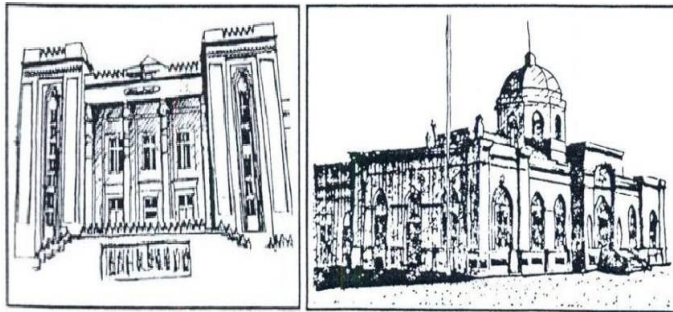
۱. اصلاح، تعریض، و تداوم مسیرهای قبلی در جهت ارائه دسترسی بهتر به کاربری‌های مهم شهری (مثل خیابان‌های خیام، مولوی، امیریه، خانی‌آباد، و ...);
۲. پیش‌بینی احداث کاربری همراه با احداث خیابان مثل خیابان شاه رضا و دانشگاه تهران یا ایستگاه مرکزی راه‌آهن و خیابان‌های پهلوی و سی‌متری؛ و
۳. احداث شبکه راه و سپس استقرار تدریجی ابنیه و مراکز تجاری، تفریحی و اداری در حاشیه خیابان مثل خیابان‌های لاله‌زار، استانبول، فردوسی، تخت جمشید، و

ویژگی‌های بصری استخوان‌بندی شهر

همان‌گونه که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، وجه ممیزه اقدامات دوره پهلوی اول، بر اساس آرمان تجدیدگرایی آن دوره، غلبه سبک‌های ویژه‌ای در معماری و شهرسازی بود که از نظر جلوه‌های بصری، ابعاد تازه‌ای در سطح استخوان‌بندی شهر مطرح کرد. این جلوه‌ها به لحاظ مشخصات ابنیه (عناصر شهری) و خیابان‌ها (چشم‌اندازها) قابل بررسی است. با رواج معماری به شیوه کلاسیک اروپا در کنار معماری به اصطلاح ملی، سیمای شهر از حالت سنتی آن درآمد و جلوه‌هایی تازه یافت.



با تعریض خیابان‌ها و احداث خیابان‌های جدید، میدان دید وسیعی ایجاد و معماری خیابانی به نمایش گذاشته می‌شود که ناشی از تفوق معماری برون‌گرا بر معماری درون‌گرای است. یک ساختمان، دیگر به تنهایی دیده نمی‌شود، بلکه در ترکیب با بناهای دیگر به چشم می‌آید و مجموعه آن‌ها به عنوان لبه‌های شهری مطرح و مشخص‌کننده محدوده استخوان‌بندی اصلی شهر می‌شود. در گذشته، بدنه‌سازی حداکثر در جداره میادین اصلی، مثل میدان نقش جهان اصفهان، میدان توپخانه، و محوطه میدان مشق صورت گرفته بود. در این مقطع، الگوی متمرکز بدنه‌سازی در محدوده یک میدان به بدنه‌سازی در الگوی خطی یعنی حاشیه خیابان‌ها تسری پیدا می‌کند. اصولی از طراحی مثل ایجاد نظم و ریتم از طریق تکرار المان‌ها، در نظر گرفتن اصل تقارن مهم از تقارن مرکزی یا محوری و تأکید بر آن باب می‌شود، قرینه‌سازی در اطراف میادین که در سطح تقاطع راه‌ها به وجود می‌آیند (حسن‌آباد، فردوسی، و ...) و ایجاد بناهای بارزش در گوشه‌های میادین، در زمره اقدامات مثبت این دوره به شمار می‌آید که خود به ایجاد چشم‌اندازها و جلوه‌های بصری جدید در استخوان‌بندی شهر منجر می‌شود.



غلبه سبک‌های ویژه‌ای در معماری و شهرسازی در دوران پهلوی اول

در ترکیب باقابلیتی که در این دوره به وجود می‌آید (خیابان‌ها)، ساختمان‌های مهم در انتهای محور خیابان‌ها یا در محور فضاهای باز شهری احداث می‌شود، بدین ترتیب، جلوه‌های جدیدی از معماری دولتی به نمایش گذاشته می‌شود. فضاهای مهم و عمده شهری به بناهای عمومی و غیرمذهبی اختصاص می‌یابد. به این بناها با رعایت نکردن مقیاس انسانی و افزایش ارتفاع اهمیت داده شده و مورد تأکید واقع می‌شوند. گرچه ابعاد این ساختمان‌ها به‌ویژه در مقایسه با بناهای امروزه چندان قابل توجه نیستند، در آن دوره و در مقایسه با ساختمان‌های کم ارتفاع سطح شهر و به‌خصوص تمرکز آن‌ها در یک محوطه مرکزی، از نظر بصری جاذب بوده‌اند. این برتری بصری به‌مرور از بین رفته و این گروه از ابنیه شهر در میان ساختمان‌های جدید جلوه‌های بصری و تجلی خود را از دست داده‌اند.



دوره گسترش سریع و کلان‌شهری شدن (۱۳۳۵-۱۳۵۷) - پهلوی دوم

در این دوره، به سبب توسعه رونق اقتصادی حاصل از درآمد نفت، توسعه فعالیت‌های بخش ساختمان، و درنهایت تداوم سیاست‌های تمرکززدایی و جذب مهاجران جویای کار جمعیت شهر تهران به صورتی بی‌سابقه افزایش یافت و محدوده قدیم شهر دیگر جوابگوی تمرکز فعالیت نبود. از این‌رو، در سال ۱۳۳۵، اراضی شهر در شعاع ده کیلومتری از میدان توپخانه توسط دولت مورد استفاده قرار گرفت و وسعت شهر به ۱۰۰ کیلومترمربع رسید و این آغازی برای رشد شهر و حوزه‌های هم‌جوار بود.

از دهه ۱۳۴۰، به دلیل تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی، دگرگونی ساختارهای اقتصادی، اصلاحات اراضی، افزایش قیمت نفت و ایجاد مشاغل جدید در بخش‌های صنعت و خدمات به‌خصوص از سال ۱۳۴۵ به بعد، جمعیت تهران با حضور مهاجران جویای کار به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. در نتیجه، شهرنشینی در تهران دستخوش تحولات بنیادی‌تری شد. اجرای برنامه‌های عمرانی، بهبود زیرساخت‌های شهری، و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی تهران را به کلان‌شهری مدرن مبدل کرد و موجب جذب نیروی کار ماهر و ساده به تهران شد. به‌طوری‌که شهر تهران در سال‌های اولیه دهه ۴۰ به دو میلیون نفر رسید.

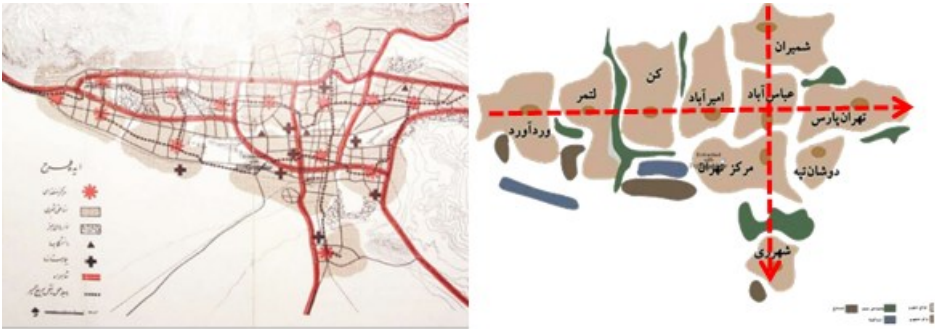
در ادامه این روند و رشد فزاینده مهاجرت، به‌تدریج ساکنان اصلی شهر از مهاجران جدا شدند و در بخش‌های شمالی شهر اسکان یافتند و مکان استقرار قبلی آن‌ها مأمن سکونت مهاجرانی شد که هرروز به تعداد آن‌ها افزوده می‌شد. در نتیجه، در اثر موج مهاجرت، شهر تهران عمدتاً به سمت شمال توسعه یافت و محدوده‌هایی نظیر شمال خیابان شاه رضا و محورهای تخت جمشید و تخت طاووس مکانی برای استقرار ساکنان قدیمی شهر شد که تمایل داشتند فاصله خویش را با مهاجران حاشیه‌نشین حفظ کنند. بدین ترتیب شکاف اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی بین گروه‌های جمعیتی شهر تهران عمیق‌تر و جدایی‌گزینی اقشار اجتماعی و شکاف فرهنگی شمال و جنوب بیشتر شد.

همچنین از اواخر دهه ۴۰، بسیاری از پهنه‌های مرکزی شهر به‌تدریج به عملکردهای کلان‌شهری و ملی اختصاص یافتند که به دلیل مراجعات فرا محله‌ای به این ادارات و سازمان‌ها برای ساکنان هم‌جوار مشکلاتی به وجود آورد و سبب کاهش کیفیت سکونت در این بافت‌ها شد. در تداوم این روند، کارکرد این پهنه‌های مرکزی از سکونت به عملکرد غالب غیرمسکونی و فعالیتی تغییر کرد، ساکنان خود را از دست داد، و افرادی در رده‌های پایین‌تر اقتصادی و اجتماعی را پذیرا شد.

در این سال‌ها، شهر تهران با گسترش و رشد بی‌رویه مواجه شد و در این راستا، تدوین اولین طرح جامع تهران (ویکتور گروئن، ۱۳۴۷) در دستور کار قرار گرفت. نخستین طرح جامع تهران، الگوی توسعه شرقی-غربی را برای گسترش شهر پیشنهاد کرد، به دنبال آن وسعت کالبدی شهر افزایش یافت و به ۲۵۰ کیلومترمربع رسید.



در این الگوی توسعه خطی، یک هسته مرکزی در نظر گرفته شده بود که القاکننده رشد و گسترش مراکز فعالیتی پیرامون هسته مرکزی بود؛ در نتیجه این فرایند، مرکزیت اداری-تجاری شهر ابتدا تا خیابان تخت جمشید (طالقانی) و سپس تا کریم خان، تخت طاووس (مطهری) و عباس آباد (بهشتی) گسترش یافت.



تثبیت امتداد شمالی-جنوبی و شرقی-غربی در الگوی توسعه طرح

همچنین، هم‌زمان با رشد شهر پیرامون هسته مرکزی، احداث خیابان‌های جدید و متمایل به پیرامون در اطراف مرکز اصلی تهران و اجرای زیرساخت‌های مبنی بر ساختار شرقی-غربی شهر زمینه‌های گسترش برون‌گرا و سریع شهر را فراهم آورد.

در این دوره برای نخستین بار، مناطق مسکونی همچون نارمک و چهارصد دستگاه در شرق و شهرآرا، شهرک غرب، و اکباتان در غرب با طراحی از پیش تعیین شده شکل گرفتند.

توسعه شهر در این دوره تابع برنامه از پیش تعیین شده نبود و رشد شهر بر اساس گرایش‌های موجود ادامه پیدا کرد. توسعه شبکه دسترسی سبب گسترش شهر به سمت بیرون شد.

در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ با افزایش درآمدهای نفتی، شهر تهران به قطب اقتصادی و اجتماعی کشور و کلان‌شهری بین‌المللی تبدیل شد. ایجاد صنایع بزرگ، مونتاژ، تأسیسات بزرگ اداری، خدماتی و آموزش عالی، ورزشگاه‌های بزرگ، فرودگاه و بانک‌های بین‌المللی تهران را بیشتر گسترش داد. اتوبان‌های شمالی-جنوبی پارک‌وی و شاهنشاهی و شرقی-غربی افسریه و ایوبی نواحی شرق، غرب و شمال تهران را به یکدیگر پیوند دادند و اراضی پیرامونی آن‌ها به نواحی توسعه شهری جدید تبدیل شدند. مجموع این عوامل موجب توسعه و گسترش شهر و ایجاد شهرک‌های مدرنی چون اکباتان، لویزان، شهرک غرب، شهرک شوش و ده‌ها کوی مسکونی دیگر شد.

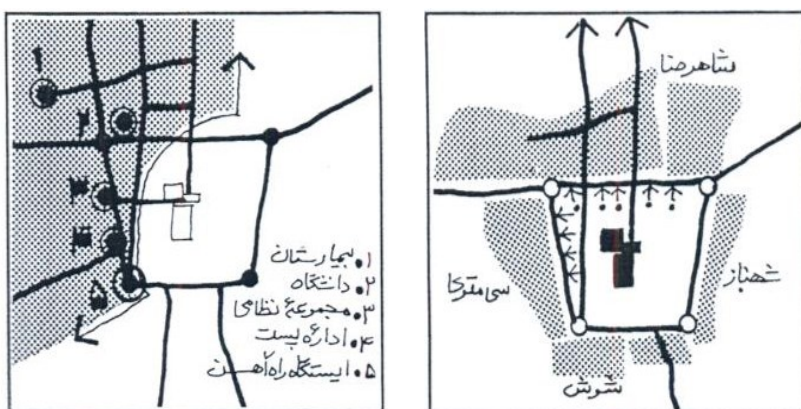
سیر تحول استخوان‌بندی اصلی شهر

چگونگی رشد تهران در دوره پهلوی دوم به دو مقطع زمانی قابل تقسیم است که عبارت‌اند از:



۱. گسترش تهران به دلیل دگرگونی‌های ساختار اقتصادی و اصلاحات اراضی (۱۳۴۵-۱۳۳۲)، واریز شدن سرمایه مالکان، ناشی از فروش اراضی کشاورزی و سرمایه‌گذاری آن‌ها در تهران؛ و
۲. توسعه شهر به دلیل افزایش قیمت نفت صادراتی و ایجاد اشتغال کاذب و فرهنگ مصرفی (۱۳۴۵-۱۳۵۷).

در این دوره، گسترش شهر همانند دوره رضاخان آهنگی نسبتاً ملایم داشت. در مراحل اولیه، توسعه به صورت پیوسته در حاشیه چارچوب اصلی شهر یعنی محدوده خیابان‌های شاه رضا، شهباز، سی متری و شوش انجام یافت. در مراحل بعدی، توسعه حومه‌ای در اراضی و نواحی پیرامون شهر از شمال، شرق، غرب، و جنوب صورت پذیرفت. در مراحل نهایی یعنی از دهه پنجاه به بعد، گسترش شهر با حاشیه‌نشینی و حومه‌نشینی و در نتیجه از هم‌گسیختگی پیکر شهر تهران همراه شد.

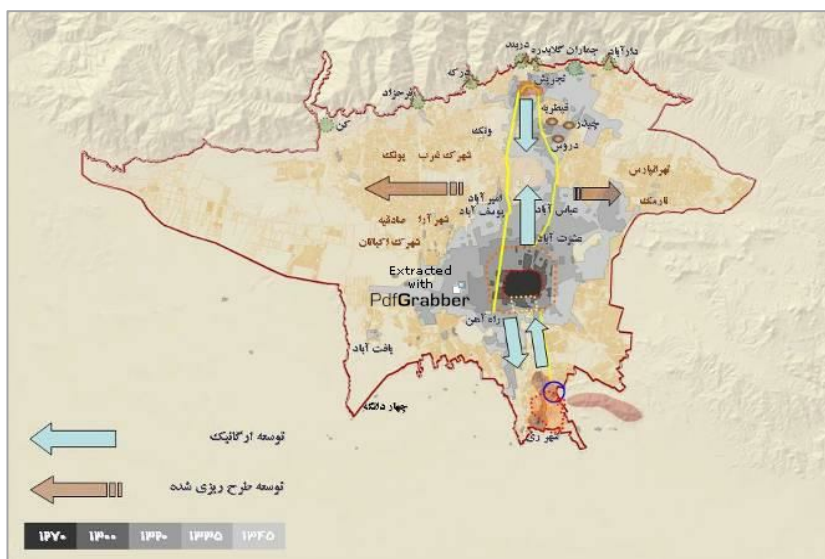


روند تحولات ساختار تهران

تا سال ۱۳۳۵، حدود توسعه شهر نسبت به محدوده آن در شروع رژیم پهلوی، عمدتاً از جهت جنوب غرب، غرب، و شمال تهران صورت گرفت و در جهت جنوب شرق و شرق وسعت کمتری به سطح شهر افزوده شد. احداث ایستگاه راه‌آهن، بیمارستان‌ها، و کارخانه‌ها و نیز وجود چند خیابان سراسری شمالی-جنوبی (پهلوی، حافظ، و ...)، در ناحیه جنوب غربی شهر، عاملی برای توسعه به این سمت شد. در جهت غرب نیز، غیر از احداث چندین مجموعه اداری و نظامی، وجود مسیرهای ارتباطی پرتردد به خارج شهر به‌ویژه امتداد مسیر قدیمی جاده قزوین و نیز در شمال غرب احداث مجموعه‌هایی مثل دانشگاه تهران، بیمارستان، و ... از عوامل کشش توسعه شهر بدان جهت بودند. در شمال شهر، توسعه سطح شهر عمدتاً در امتداد دو جاده ارتباطی به شمیران (جاده قدیم شمیران و خیابان پهلوی) اتفاق می‌افتد. احداث چند خیابان جدید از جمله شاه رضا و تخت جمشید نیز عاملی در گسترش دامنه شهر به سمت شمال محدوده قدیمی می‌شود. در ناحیه مرکزی شمال شهر تهران، وجود ناهمواری‌های زیاد مانع از توسعه شهر در این محدوده تا این



زمان شده بود. در این مقطع، توسعه‌های ناپیوسته در حوالی شهری و شمیران که غالباً شامل باغ‌ها بود، به‌منزله مناطق ییلاق‌نشین ساکنان مرفه، در حوالی دولت، دروس، و ... صورت گرفت. بعد از جنگ دوم جهانی، با ایجاد زمینه اشتغال در فعالیت‌های گوناگون در تهران، تثبیت موقعیت آن از نظر اداری، فرهنگی، تجاری، و صنعتی که از زمان رضاخان با احداث ادارات دولتی، کارخانه‌ها، و دانشگاه‌ها (تهران، دانشسرای تربیت معلم، دانشکده افسری) پایه‌گذاری شده بود دنبال شد.



رشد و گسترش شهر تهران در سال‌های ۱۲۷۰ الی ۱۳۴۵

جذب جمعیت مهاجر، ساکنان طبقه متوسط و مرفه شهر را به سکونت در نواحی حاشیه‌ای شهر قدیم و محلات جدید به‌ویژه در شمال شهر ترغیب کرد، اما برخی بازرگانان و به‌ویژه بازاریان در مرکز شهر باقی ماندند. در نواحی مرکزی شهر نیز ساختمان‌های مرتفع‌تر، به‌عنوان مراکز بزرگ اقتصادی و اداری مورد استفاده قرار گرفت. برای مثال، خیابان ناصرخسرو و حاشیه خیابان‌های شمالی و جنوبی پارک شهر به ساختمان‌های اداری اختصاص یافت. خیابان‌های جدید مثل شاه رضا به فعالیت‌های تجاری در جداره و مسکونی در پشت آن، اختصاص یافت. این عاملی در جهت انتقال مرکز ثقل آینده شهر به سمت شمال بود.

در گام‌های اولیه رشد شهر از سال‌های ۱۳۲۲ به بعد، ابتدا باغات درون شهر به زیر ساخت‌وساز رفت. با ادامه رشد شهر در اراضی پیرامون محدوده قبلی شهر، برخی از کاربری‌هایی که در حاشیه شهر و خارج آن قرار داشتند، مثل کاربری‌های نظامی و صنعتی جزء اراضی شهر شد و با کاربری‌های مسکونی احاطه شدند. در توسعه شهر در دهه‌های ۳۰ و ۴۰، جدایی‌گزینی بخش‌های تجاری و مسکونی و استقرار مراکز کاری و فعالیت در حاشیه خیابان‌های فردوسی، سعدی، لاله‌زار، تخت جمشید، جاده قدیم شمیران، و امیرآباد تشدید شد. مراکز صنعتی نه تنها در جنوب شهر بلکه



در طول جاده‌های منتهی به شرق و غرب شهر جایگزین شدند. بدین ترتیب غیر از بازار، خیابان‌های اطراف آن مثل شاه‌آباد، استانبول، و شاه مهم‌ترین مرکز تجاری و فعالیتی به شمار می‌رفتند. در این محدوده‌ها مغازه‌های کوچک و بزرگ، شرکت‌های تجاری، بانک‌ها، هتل‌ها، شرکت‌های بیمه و ... ساخته شدند. طبقات زیرین ساختمان‌ها به اشغال فروشگاه‌ها در آمد و طبقات بالاتر، دفاتر شرکت‌ها و یا آپارتمان‌های مسکونی قرار داشتند. طی این مدت، حفاصل بازار و بخش‌های جدید شهر به سرعت ساخت‌وساز شد. این محدوده مرکزی بالاترین قیمت اراضی، بلندترین ساختمان‌ها، بالاترین تراکم کاربری و بیشترین تمرکز جمعیتی را در طول روز دارد و به علت فشردگی فعالیت‌های مالی، بیمه، بانک، و ادارات دولتی بزرگ‌ترین ناحیه اشتغال شهر شد.

از سال ۱۳۴۰ به بعد تحت تأثیر برنامه اصلاحات اراضی و تزریق درآمد نفت در شهر تهران، ضمن دگرگونی نظام اقتصادی و اجتماعی، پویای شهرنشینی نیز تند و ناموزون و بر شدت تهاجم به اراضی شهری افزوده شد؛ به‌طوری‌که تا سال تصویب طرح جامع (۱۳۴۷) تابع هیچ ضابطه‌ای نیز نبود.^۹ همگام با تحول بنیادین در نظام اقتصادی شهر و ایجاد فعالیت‌های گوناگون شهری، جذب جمعیت و افزایش مهاجرت‌ها به تهران آغاز شد، لذا ضرورت تأمین مسکن، شکل‌گیری و توسعه محله‌های مسکونی جدید را در نواحی مختلف شهر به دنبال آورد.

گسترش شهر تهران در این مقطع نیز همچون گذشته در قالب محله‌های مختلف صورت گرفت. محله‌های یوسف‌آباد، جوادیه، خانی‌آباد، نیروی هوایی، قاسم‌آباد، نارمک، تهرانپارس، تهران‌نو، دولت‌آباد، شهرآرا، شهر زیبا، اختیاریه، دروس، فرمانیه، نیاوران، سعادت‌آباد، الهیه، و لویزان اغلب آبادی‌های کوچکی بودند که در گسترش شهر تهران به تحلیل رفتند. وجود پسوند آباد در نام محله‌ها مؤید این امر است. تشکیل محله‌های جدید تمام فضاها را خالی مابین نواحی کوهستانی شمال و شرق شهر را جزیی از پیکره شهر ساخت (به‌عنوان مثال سطوح خالی بین تپه‌های دوشان‌تپه و قصر فیروزه در شرق، عباس‌آباد و یوسف‌آباد ساخت‌وساز شد). بدین ترتیب، نواحی حومه‌ای شهر رشد و بافت میانی یا قدیمی شهر را احاطه کرد. این نواحی مناطق مسکونی جدیدی بودند که با طرح‌های مختلف به‌صورت کوی‌ها و شهرک‌های مدرن احداث می‌شدند.

از دهه ۵۰ به بعد، حاشیه‌های شهر شروع به رشد کردند. در جنوب شهر، بافت‌های خودرو پیرامون مجموعه‌های بزرگ صنعتی و تأسیساتی نظیر کارخانه‌ها، راه‌آهن، فرودگاه، و انبارها رشد کردند. گسترش‌های وسیع در غرب تهران و در حواشی جاده کرج در دهه‌های بعد اتفاق افتاد. شهرک‌های متعدد از جمله شهرک اکباتان، آپادانا، فرهنگیان، و ... در غرب تهران ساخته شدند. به تدریج تهران با شمیران از شمال و شهرری از جنوب پیوند خورد.

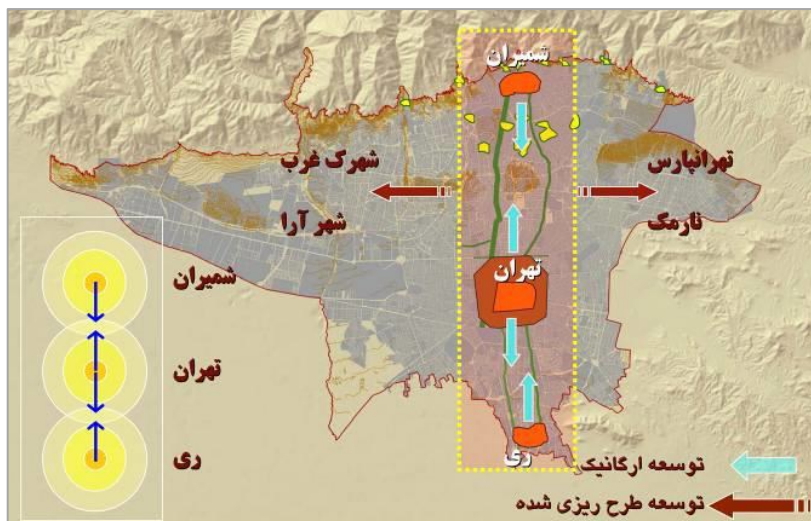
^۹ گرچه مهاجرت به تهران از سال ۱۳۲۰ به بعد ابعادی وسیع یافت، در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، تغییر مهمی در الگوی شهرسازی و معماری تهران رخ نداد، علی‌رغم آنکه گستره شهر در این مدت به میزان قابل‌توجهی اضافه شد.



توسعه شهر، احداث نهادهای جدید صنعتی، اداری، فرهنگی و تأسیساتی را در پی داشت از جمله فرودگاه مهرآباد، کارخانه برق آلستوم، کارخانجات کفش ملی و وین، ایران ناسیونال و ...، دانشگاه‌های ملی، صنعتی و ...، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، بانک‌های بزرگ، شرکت‌های خصوصی در زمینه‌های مختلف، تأسیسات ارتشی و نظامی، پارک‌ها، تأسیسات ورزشی، واحدهای صنعتی و تولیدی کوچک و بزرگ، مراکز خرید و مراکز تجاری، مراکز فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی مثل تئاترها و سینماها، تعدادی بیمارستان‌های کوچک و بزرگ در مرکز شهر و نواحی تازه رشد یافته احداث شدند.

برخی از عناصر شهری و کاربری‌های عمومی فوق‌الذکر بنا به ماهیت خود در نواحی حاشیه‌ای شهر بنا شدند؛ از آن جمله، دانشگاه‌ها که در شمال شرق، شمال غرب، و غرب احداث شدند. مراکز تأسیسات شهری و صنعتی مثل کشتارگاه تهران، کارخانجات بزرگ، کارخانه برق، تأسیسات نمایشگاه بین‌المللی، صداوسیما و ...، مراکز نظامی مثل پادگان‌های لویزان و قصر فیروزه، مراکز ورزشی مثل ورزشگاه آزادی و ... در حواشی شهر بنا شدند. این گروه از عناصر شهری عمدتاً به دلیل نیاز به اراضی وسیع‌تر در اراضی آزاد اطراف شهر مستقر شدند، با رشد تدریجی شهر در جوانب مختلف، برخی از این عناصر در حال حاضر در بافت شهری و مسکونی واقع شده‌اند. بخش اعظم تأسیسات و خدمات شهری ذکرشده از جمله مراکز تفریحی مثل سینما و تئاتر، مراکز خرید، ساختمان‌های اداری، و شرکت‌ها در مراحل اولیه در حاشیه خیابان‌های اصلی شهر احداث شدند. سپس گرایش به استقرار در حاشیه بزرگ‌راه‌ها و خیابان‌های جدید سبب شد تا در برخی موارد شعب یا ادارات مختلف وزارتخانه‌ها و مؤسسات بزرگ مالی و تجاری در کنار این بزرگ‌راه‌ها و خیابان‌ها استقرار یافتند.

در روند توسعه و تحول شهر، احداث شبکه راه‌های اصلی و خیابان‌های درون و بیرون شهر نقش و اهمیت زیادی ایفا کردند. احداث خیابان‌های متعدد در جهت پیوند چندراه اصلی قدیمی‌تر شهر را باید از اولین اقدامات دانست.



روند رشد و گسترش شهر تهران در امتداد محور شمالی شهر

احداث خیابان‌های تخت طاووس، عباس‌آباد، فرح، جاده مخصوص کرج، نظام‌آباد، نیروی هوایی، کریم‌خان زند، بلوار الیزابت و ... در مرحله‌ای که رشد شهر هنوز به صورت رشد هسته مرکزی در حواشی خود بود، صورت گرفت. در گام‌های بعدی راه‌های طولانی‌تر که نواحی جدید را تغذیه می‌کرد (از جمله آیزنهاور، پارک‌وی، ۴۵ متری سیدخندان «بزرگراه داریوش»، اتوبان کرج، و نواب) در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ احداث شدند. در مراحل نهایی، امتداد ۴۵ متری سیدخندان، امتداد پارک‌وی (بزرگراه شاهنشاهی)، خیابان‌های میرداماد و جردن، بزرگراه‌های طرشت، افسریه، و اتوبان‌های جنوب تهران مثل بهشت‌زهره احداث و شبکه‌ای از بزرگراه‌های درون‌شهری به عناصری پر اهمیت از استخوان‌بندی اصلی شهر تبدیل شدند.

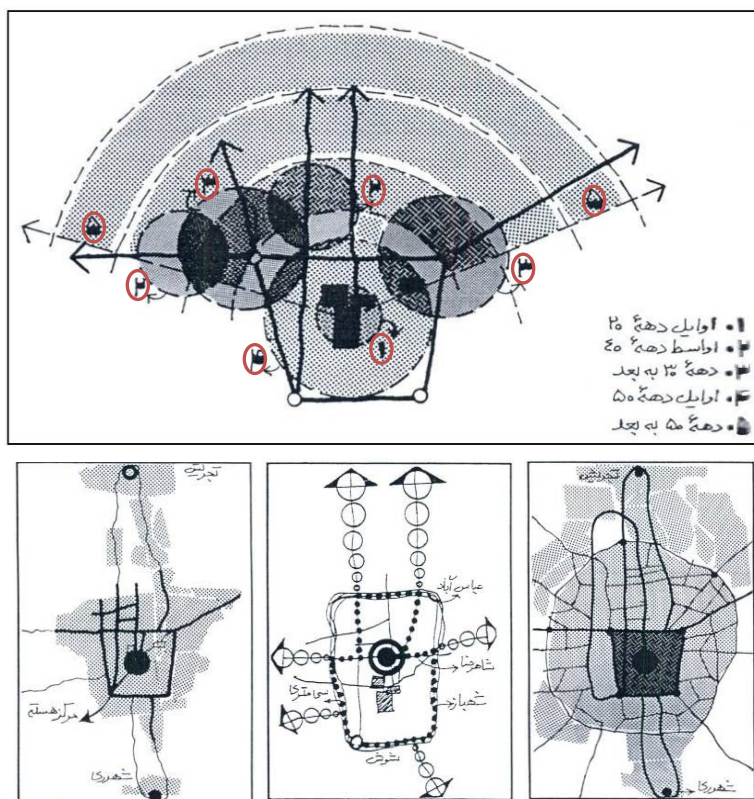
موقعیت استخوان‌بندی در شهر

هسته اصلی کلیه فعالیت‌های شهری پایتخت در مرکز ثقل شهر یعنی ناحیه بازار، میدان ارگ، و توپخانه متمرکز بود. در ابتدای حکومت پهلوی دوم، بخش اعظم توسعه استخوان‌بندی اصلی شهر، مؤسسات، ادارات و فعالیت‌های تجاری با بخش مرکزی تهران قدیم و ناحیه ارگ در ارتباط قرار گرفتند. ساختمان‌های اداری و تجاری جدیدتر که تا دهه ۴۰ بنا شدند، با توسعه در دو سوی ارگ و توپخانه، به سمت پارک شهر، خیابان سپه، و کاخ و از سوی دیگر تا میدان بهارستان همراه بودند. انتقال و حرکت از بخش مرکزی به شمال و غرب شهر از اواسط دهه ۴۰ به بعد شروع شد. برای نمونه، احداث وزارت کار و امور اجتماعی در خیابان آیزنهاور و وزارتخانه کشاورزی و منابع طبیعی در بلوار الیزابت از جمله این تغییر مکان‌هاست. به تدریج با توسعه محدوده مرکزی شهر به سوی شمال، خیابان‌های فرعی‌تر مانند ایرانشهر در ناحیه شمال تخت جمشید با ساختمان‌های اداری



اشغال شد. الگوی توسعه استخوان‌بندی اصلی شهر و منطقه مرکزی آن، در تطابق با الگوی توسعه شهر در دهه‌های ۲۰ تا ۴۰ بود. همان‌گونه توسعه شهر در ابتدا به‌صورت پوسته در حاشیه محدوده قبلی صورت پذیرفت، توسعه استخوان‌بندی اصلی شهر و موقعیت آن در شهر نیز از همان الگو تبعیت کرد. در مرحله بعد، توسعه شهر با رشدی شتابان با الگویی شعاعی در راسته خیابان‌های شعاعی منتهی به چارچوب اولیه شهر به وقوع پیوست و عناصر جدید شهری نیز در همین امتدادها احداث شدند.

از سال ۱۳۴۰ به بعد که گسترش همه‌جانبه تهران شدت گرفت، فشار روی نقاط مرکزی شهر افزایش یافت. گرایش شهر به توسعه شعاعی در امتداد جاده‌های منطقه‌ای، نقاط مرکزی شهر را بیشتر تحت‌فشار قرار داد، از این‌رو شبکه راه‌های درون محدوده مرکزی شهر، به‌تدریج و به‌تناسب بزرگ شدن شهر، از نظر واحدهای فعالیتی فشردگی بیشتر یافت و خیابان‌های موازی آن‌ها نیز این نقش را بر عهده گرفتند. در این روند، توسعه تجاری به‌صورت توسعه خطی حاشیه خیابان‌ها که هرکدام مانند بازار دارای راسته‌ای از صنوف بودند، صورت پذیرفت. محدوده مرکزی شهر به‌صورت هسته مرکزی شامل مجموعه بازار و ارگ، مرکز دادوستد، ادارات، و مبادله اطلاعات شده است.



روند توسعه هسته‌های اصلی فعالیت‌های شهر تهران در دهه‌های مختلف



صنایع کوچک و واحدهای تولیدی متنوع به صورت پراکنده اما با تعداد زیاد در درون همین مرکز اصلی شهر استقرار یافته‌اند، از طرف دیگر مراکز جدید شهری در مقیاس‌های عملکردی محدودتر، در طول محورها یا محل تلاقی محورهای اصلی شهر مانند میدان فوزیه، میدان شوش، میدان ۲۴ اسفند (انقلاب)، میدان راه‌آهن و حتی تا نواحی دورتر مانند میدان ونک، میدان صادقیه، و میدان هفت حوض نارمک تشکیل یافته‌اند.

محدوده‌هایی از کاربری‌های فرهنگی، ورزشی و اداری در امتداد یا محل تلاقی شبکه راه‌های جدید شهر که خود چارچوبی برای استخوان‌بندی اصلی شهرند، پدید آمده‌اند، مانند نمایشگاه بین‌المللی، مرکز رادیو و تلویزیون، استادیوم‌ها، و مراکز درمانی و آموزشی بزرگ که به صورت پراکنده‌تری در نواحی حاشیه‌ای شهر واقع شده‌اند.

ساختار کالبدی

با توسعه روزافزون گستره شهر تهران و به تبع آن استخوان‌بندی شهر، الگوی ساختاری آن نیز دگرگونی‌هایی را پذیرا شد و به تدریج ترکیبی از الگوهای مختلف به خود می‌گیرد.

در ساختار کالبدی استخوان‌بندی تهران، بارزترین مشخصه آن وجود یک مرکز قوی است که مرکز ثقل فعالیت‌های شهر نیز هست. این مرکز که همان هسته اولیه و قدیمی استخوان‌بندی شهر تهران است، به صورت مرحله‌ای و پوسته‌ای به تدریج توسعه یافته است. ساختار درونی این هسته مرکزی، به صورت شبکه‌ای از محورهای خطی یا راسته‌ها در ترکیب با هسته‌های متعدد و مجاور آن است. محدوده تقریبی این هسته مرکزی از شمال تا حدود خیابان عباس‌آباد، از جنوب تا حدود خیابان شوش، از شرق تا هفده شهریور و از غرب تا سی متری کارگر می‌رسد. الگوی رشد این هسته مرکزی، در امتداد راه‌های اصلی منتهی به آن است که به مثابه شعاع‌هایی از آن خارج شده و در جهت‌های مختلف به صورت خطی رشد کرده است. عناصر شهری در جداره‌های این محورها از اوایل راه به صورت پیوسته و سپس به تدریج به صورت ناپیوسته واقع شده‌اند. دو امتداد از این شعاع‌های منتهی به هسته مرکزی، در جهت شمالی-جنوبی و شرقی-غربی، از بقیه موارد اصلی‌ترند (محور خیابان آزادی-انقلاب و محور خیابان ولی‌عصر). به عبارت دیگر، رشد ساختاری استخوان‌بندی شهر به صورت قطاعی و در امتداد محورهای اصلی شهر به ویژه در جهت شمالی هسته مرکزی آن اتفاق می‌افتد. این قطاع از دو لوپ (حلقه بسته) درهم‌تنیده (بزرگراه چمران و مدرس، جاده قدیم شمیران و ولی‌عصر) و عناصر شهری مجاور آن تشکیل شده است.

تعدادی از عناصر شهری، به صورت هسته‌هایی پراکنده در امتداد راه‌های شهری (اعم از راه‌های اصلی یا فرعی) قرار گرفته‌اند. این هسته‌های پراکنده که دارای کاربری‌های متفاوت آموزشی، درمانی، اداری، تجاری، ورزشی، و تفریحی‌اند به مثابه قطعات خرد شده و جدا مانده از استخوان‌بندی پیکره یکپارچه شهرند. هسته‌های پراکنده از عناصر اصلی شهر از نظر نقش و اهمیت



شهری دو سطح مختلف دارند. مواردی مانند دانشگاه‌ها یا مراکز ورزشی و تفریحی عملکردی در سطح شهرداری دارند و هسته‌های دیگر مانند مراکز تجاری عملکردی در سطح منطقه شهرداری دارند. این الگوی هسته‌ای پراکنده، به دلایل متعددی از جمله نیاز به فضاهای گسترده شهری، قیمت اراضی، و محل تلاقی راه‌های اصلی شهر و منطقه در نقاط مختلفی از سطح شهر پراکنده شده‌اند.

سیر تحول کاربری

اداری و خدماتی: در اوایل حکومت محمدرضا شاه تا اواسط دهه چهل به واسطه موانع اقتصادی و مشکلات حکومت در تحکیم و استقرار قدرت، رشد اکثر کاربری‌ها از جمله کاربری اداری در بخش دولتی بسیار اندک است. در این دوران، توسعه کاربری اداری به صورتی خزانده از میدان توپخانه به سوی خیابان فردوسی و خیابان سعدی صورت می‌گیرد.

از اواسط دهه چهل، به واسطه افزایش درآمد حاصل از رشد قیمت نفت، تغییر اوضاع اقتصادی همچنین رشد دیوان‌سالاری، شهر تهران با احداث وزارتخانه‌ها و ادارات تابعه و نیز تأسیس تعداد زیادی از شرکت‌های خصوصی مواجه می‌شود.

رشد سریع دفاتر شرکت‌های خصوصی اعم از داخلی و خارجی و احداث وزارتخانه‌ها سبب به وجود آمدن راسته‌هایی از این کاربری می‌شود که هنوز هم به عنوان جزیی از مهم‌ترین محدوده‌های کاربری اداری به فعالیت خود ادامه می‌دهند. در مرحله نخست، خیابان تخت جمشید به عنوان نخستین راسته جدید این کاربری شکل می‌گیرد. نحوه جای‌گیری گسسته این راسته نسبت به راسته‌های قدیمی یعنی میدان توپخانه، خیابان سعدی، و خیابان فردوسی نمایانگر نیازهای کالبدی شهر برای جای‌گیری کاربری‌های جدیدالاحداث و جدای از محدوده قدیمی‌تر است. قرارگیری کاربری اداری در این راسته با توجه به قابلیت خیابان تخت جمشید از لحاظ موقعیتی که نسبت به محدوده شهر در آن زمان داشته و نیز وجود دفاتر شرکت‌های داخلی و خارجی، سبب جذب هتل‌ها به این محدوده شده است. در مراحل بعدی توسعه، به ترتیب راسته‌هایی از کاربری اداری در خیابان‌های کریم‌خان زند، تخت طاووس، و عباس‌آباد به این کاربری ملحق شدند.

همان‌گونه که ذکر شد، جای‌گیری راسته‌های جدید این کاربری نسبت به راسته‌های قدیمی‌تر به صورت گسسته، ولی نسبت به استخوان‌بندی اصلی شهر همواره به صورتی پیوسته و منسجم صورت گرفته است. اگرچه رشد و توسعه برخی از این راسته‌ها در طول زمان منجر به اتصال آن‌ها به یکدیگر شد (مانند راسته اداری خیابان سپهدر قرنی که به خیابان طالقانی متصل شده)، به تدریج تمام خیابان‌های فرعی‌تر بین این راسته‌های اصلی اداری نیز تبدیل به محدوده‌های اداری و تجاری شدند (خیابان‌های ویلا، حافظ، آبان، و ...).



نکته مهم دیگر نقش خیابان پهلوی در شکل‌گیری این راسته‌هاست. بدین ترتیب در مراحل مختلف توسعه، هرگاه قسمتی از خیابان پهلوی نقش بارزتری در استخوان‌بندی اصلی ایفا کرد راسته‌های شرقی-غربی متصل به آن در استخوان‌بندی اصلی شهر اهمیت و ارزش بیشتری یافته‌اند. این جریان توسعه از سمت جنوب به شمال در این خیابان روی می‌دهد. از دیگر راسته‌های مهم این کاربری می‌توان از خیابان شاه رضا (انقلاب) از محدوده خیابان حافظ تا میدان ۲۴ اسفند، خیابان آیزنهاور تا ابتدای خیابان آذربایجان و بلوار الیزابت نام برد. از وزارتخانه‌های مهم تأسیس شده در این دوران نیز به تناسب می‌توان از وزارت برنامه و بودجه واقع در میدان بهارستان، شرکت ملی نفت واقع در تقاطع خیابان تخت جمشید و خیابان حافظ، وزارت کشاورزی واقع در بلوار الیزابت، و وزارت کشور واقع در میدان آریامهر نام برد.

تجاری: در این دوره رشد کاربری تجاری به سه صورت زیر صورت گرفته است:

۱. بازار تهران شروع به استحاله کرد و کارگاه‌های تولیدی صنعتی و نیمه‌صنعتی با جایگزینی و اتصال به راسته‌های قدیمی، آرام‌آرام چهره‌ای تازه به برخی از قسمت‌های بازار می‌دهند. افزایش تراکم در بافت بازار که از دوره قبلی شروع شد بالأخص در اواخر دهه ۴۰، به واسطه رونق اقتصادی شدت می‌یابد و در کنار بی‌توجهی به توسعه و تکامل کالبد بازار، سبب می‌شود بافت مسکونی محله‌های اطراف بازار به تدریج در بافت تجاری حل شود و بدین ترتیب، فعالیت‌های تجاری پس از تصرف محدوده مسکونی محصور میان خیابان‌های مولوی، خیام، سیروس، و سپه به صورت شکل گرفته راسته‌های تجاری به رشد خود در امتداد این محورها ادامه دهند.

۲. خیابان پهلوی به مثابه محور و ستون فقران توسعه راسته تجاری (و اداری) عمل می‌کند. این محور به دلیل وجود نقاط عطف مهم، میدان راه آهن و میدان تجریش، در ابتدا و انتهای مسیر است و امکان دسترسی به مناطق ییلاقی شمیران در کنار چشم‌انداز زیبای مسیر و فضای دل‌نشین آن، نه تنها جاذب کاربری تجاری و اداری در نقاط مختلف می‌شود بلکه برای راسته‌های منشعب نیز، به واسطه قابلیت مناسب دسترسی، امکان استقرار کاربری‌های تجاری و اداری را فراهم می‌کند. البته شایان ذکر است، جاده قدیم شمیران نیز به صورت محدودتری واجد همین شرایط بوده است. بدین ترتیب، فعالیت‌های تجاری در خیابان‌های حافظ، سعدی، و لاله‌زار تا حد خیابان شاه رضا تدریجاً رشد می‌کند. محور تجاری موجود در حدفاصل میدان بهارستان تا سفارت انگلیس به سمت تقاطع این راسته با خیابان پهلوی رشد و پس از رسیدن به خیابان پهلوی در امتداد این خیابان شروع به پیشروی می‌کند و از این به بعد، از محل تقاطع این محور با خیابان‌های دیگر، محورهای جدیدی از توسعه کاربری تجاری شکل می‌گیرد. محورهایی که از این زمان به بعد بر اثر پیوند و ارتباط با خیابان پهلوی توسعه یافته‌اند به ترتیب اولویت زمانی توسعه عبارت‌اند از:

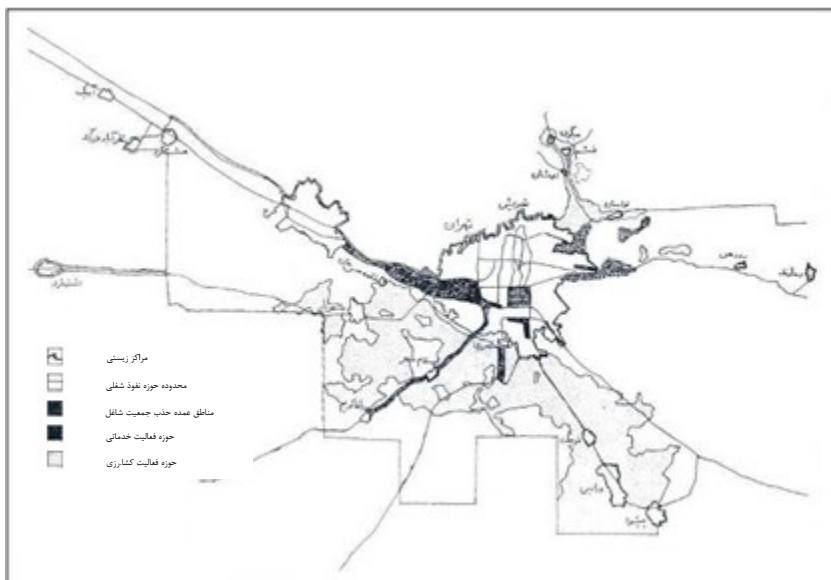


- خیابان تخت جمشید (تجاری-اداری)؛
- خیابان کریم خان (تجاری-اداری)؛
- خیابان تخت طاووس (اداری)؛ و
- خیابان عباس آباد (تجاری-اداری).

در مراحل مختلف از توسعه شهر، به‌ویژه در فعالیت‌های تجاری، هنگامی که محورهای قبلی دچار تراکم شده یا قشرهای استفاده‌کننده از آن‌ها تغییر کرده‌اند، محورهای جدید (مجاور آن) با ارائه قابلیت‌های مناسب در خدمات تجاری باکیفیت موردنظر، راسته‌های تجاری دوره بعدی را شکل می‌دهند. از نقاط مهم راسته خیابان پهلوی می‌توان از حدفاصل میدان گمرک تا میدان منیریه، سه‌راه استانبول تا میدان ولیعهد و تا خیابان آریامهر، میدان ونک تا چهارراه پارک‌وی و از باغ فردوس تا میدان تجریش نام برد.

۳. شکل‌گیری راسته‌ها یا هسته‌های تجاری می‌تواند بر اساس یک یا چند مورد از دلایل زیر باشد:

- دسترسی مناسب؛
 - تکمیل فعالیت‌های موجود؛
 - توسعه جمعیت و نیاز به سطح بیشتر برای ارائه خدمات تجاری؛ و
 - قابلیت مناسب فعالیت تجاری به‌واسطه اتصال یا نزدیکی به یکی از نقاط جاذب جمعیت.
- از نمونه‌های این حالت می‌توان به خیابان بهار اشاره کرد که به‌واسطه ارتباط میان خیابان تخت جمشید و خیابان شاه رضا در این دوره توسعه می‌یابد. از دیگر راسته‌هایی که در این زمان تشکیل می‌شوند می‌توان از راسته تجاری خیابان سهروردی نام برد.
- نکته قابل‌توجه این‌که در اکثر این راسته‌ها تجمع صنف خاصی از تجار صورت پذیرفته که خود عامل حفظ و رشد این مجموعه‌ها بوده است. به علت نیاز کاربری تجاری به فراهم بودن دسترسی کافی و میزان زیاد مراجعه‌کننده و استقرار آن در نقاط خاصی از شهر، همواره نسبت به محدوده قبلی استخوان‌بندی اصلی به‌طور پیوسته رشد کرده است.
- توسعه این کاربری نسبت به راسته‌های پیوسته و قدیمی تجاری در محدوده بازار و خیابان‌های اطراف آن و محور خیابان استانبول به‌طور پیوسته صورت گرفته است.



کاربری‌های اصلی اراضی در منطقه تهران (پهلوی اول)

آموزشی-فرهنگی

مراکز آموزش عالی در این دوره به دو صورت در شهر استقرار می‌یابند، یا به لحاظ نیاز به اراضی وسیع خارج از بافت شهر احداث می‌شوند مانند دانشگاه ملی و دانشگاه علم و صنعت یا با توجه به پتانسیل آموزشی ایجادشده در محور خیابان شاه رضا به واسطه حضور دانشگاه تهران، کالج البرز، دبیرستان انوشیروان، و دانشسرای عالی تربیت‌معلم در نزدیکی این محور جای می‌گیرند (مانند دانشگاه پلی‌تکنیک و دانشگاه آزاد). بدین ترتیب راسته ایجادشده آموزشی-فرهنگی خیابان شاه رضا از یک‌سو با احداث دانشگاه آزاد و دانشگاه پلی‌تکنیک تقویت شد، از سوی دیگر با احداث دانشگاه علم و صنعت و دانشگاه ملی بار دیگر توسعه گسسته در دونقطه دیگر دنبال می‌شود.

اغلب سینماها و تئاترها نیز در محدوده مرکزی شهر و خیابان‌های مهم حاشیه شمالی که راسته‌های جاذب جمعیت و فعالیت‌های جدید شهری بودند، استقرار می‌یابند (مانند سینماهای واقع در خیابان شاه رضا، تخت جمشید و در دوران بعدی، خیابان عباس‌آباد و جاده قدیم شمیران). یکی دیگر از کاربری‌های فرهنگی احداثی در این مقطع تالارهای نمایشی مانند تالار رودکی و تئاتر شهر است که در محدوده استخوان‌بندی اصلی شهر واقع می‌شوند.

تفریحی-فراغتی

در این دوره، قهوه‌خانه‌های جدیدالاحداث در محلات رشد بسیار چشمگیری دارند. دلیل این امر را شاید بتوان توسعه شدید شهر به واسطه مهاجرت وسیع جمعیت و عوامل و پدیده‌های فرهنگی حاصل از آن دانست. ورزشگاه‌ها در این زمان در سطح شهر در نقاط کم تراکم به رشد خود ادامه



داده، بالعکس تأسیس زورخانه‌ها در این دوره بسیار محدود بوده است. تناسبی معکوس میان احداث ورزشگاه و زورخانه وجود داشته است. شاید بتوان دلیل این امر را در توجه و تبلیغ برای ورزش‌های جدید و فراموشی تدریجی سنت پهلوانی در ایران دانست. در این دوره، رستوران‌ها در اطراف میدان تجریش و سرپل به رشد بطنی خود ادامه می‌دهند. احداث هتل‌ها به راسته خیابان تخت جمشید انتقال می‌یابد. تمرکز فعالیت‌های این گروه همراه با کاربری‌های فرهنگی در خیابان لاله‌زار به حداکثر می‌رسد.

تأسیسات و تجهیزات شهری

کاربری دیگری که در این دوره به این گروه از کاربری‌ها اضافه می‌شود فرودگاه است که در محل مهرآباد خارج از محدوده شهر در امتداد محور خیابان شاه رضا واقع می‌شود. قرارگیری فرودگاه در انتهای این محور خود باعث تقویت نقش این خیابان در دوره‌های بعدی در استخوان‌بندی می‌شود.

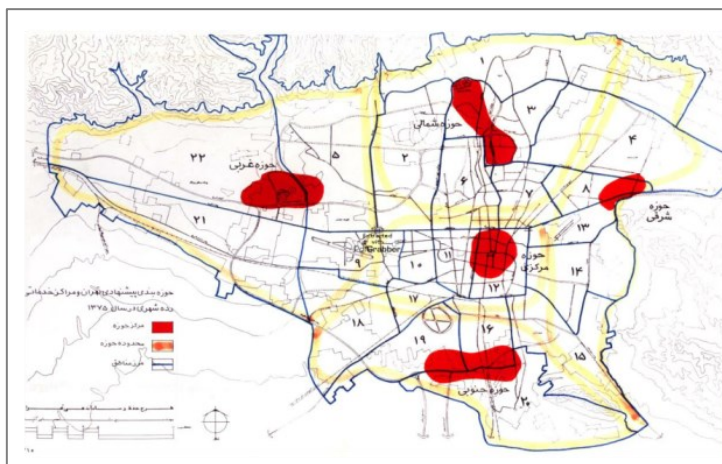
دوره پس از انقلاب اسلامی - رشدی شتابان و فزاینده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به تغییرات بنیادی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور، و شروع جنگ شهر تهران نیز تحت تأثیر این روند قرار گرفت و به شکل دیگری توسعه پیدا کرد. جنگ تحمیلی ایران و عراق پایتخت را با موج جدیدی از مهاجرت ساکنان مناطق جنگی مواجه ساخت. موج مهاجرت در سال‌های قبل از انقلاب و عمدتاً پس از سال ۱۳۴۲، پهنه‌های مرکزی و حاشیه‌های شرقی شهر را هدف قرار داد که در جریان گسترش شهر تهران پس از انقلاب، این بار نوبت حاشیه‌های غربی شهر بود که گسترش پیدا کنند و به شهر منضم شوند. در جریان این گسترش، شکاف شمال شهر-جنوب شهر تقویت شد. همچنین با افزایش سطح کاربری‌های نظامی، گسترش صنایع غیرمجاز، روند روبه رشد ورود مهاجران به شهر، ساخت‌وسازهای بی‌برنامه (به‌صورت تفکیک زمین و حاشیه‌نشینی)، و رشد شهرک‌های اقماری و حومه‌نشینی موجب تغییر و توسعه محدوده شهر شد. در این دوره، وسعت شهر به حدود ۷۲۰ کیلومترمربع رسید. پس از پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی پس از جنگ، به تدریج از میزان رشد جمعیت شهر کاسته شد و روند رشد جمعیتی شهر در سال‌های اخیر از رشد طبیعی جمعیت کمتر بوده و شهر تهران از شهری مهاجرپذیر به شهری مهاجر فرست تبدیل شده است. بالا رفتن هزینه‌های زندگی و عمدتاً هزینه‌های مسکن در شهر تهران و بالاتر بودن نرخ تورم در تهران در قیاس با سایر شهرستان‌ها از دلایل عمده این امر است.

در این دوره بعد از گذشت ۲۴ سال از تهیه اولین طرح جامع، در سال ۱۳۷۱ دومین طرح جامع تهران تحت عنوان طرح سامان‌دهی تهیه شد که پنج حوزه را برای شهر در نظر گرفت. این طرح در جهت رفع تمرکز از هسته مرکزی شهر، در هر یک از چهار حوزه دیگر، مرکزیتی را پیشنهاد



کرد. اما این طرح اجرا نشد و رشد شهر بر پایه گرایش‌های موجود ادامه پیدا کرد. ساخت‌وسازهای بی‌وقفه و ایجاد راه‌ها و دسترسی جدید، دسترسی شهروندان تهرانی به دورترین نقاط شهر و پیرامون، به‌ویژه شمیرانات و سرتاسر دامنه‌های جنوبی البرز را میسر ساخت و در نتیجه، توسعه و گسترش به سمت بیرون (شمال، غرب، شمال غرب و شمال شرق) را به‌همراه آورد.



حوزه‌بندی و مراکز خدماتی پیشنهادی شهر تهران - طرح سامان‌دهی ۱۳۷۰

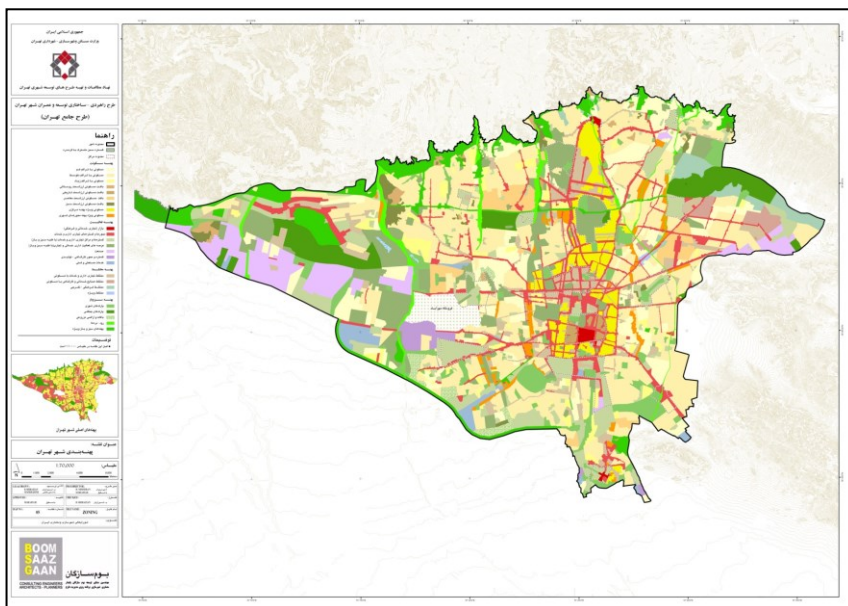
طرح سامان‌دهی بدون توجه به شهرها و آبادی‌های موجود در پیرامون شهر تهران، احداث پنج شهر جدید را، برای استقرار جمعیت، پیشنهاد کرد؛ در پی قطع کمک‌های دولت و تأکید بر خودکفایی و خودگردانی شهرداری‌ها، مقرر شد شهرداری تهران اعتبارات موردنیاز خود را از محل فروش تراکم و معامله با مالکان در خصوص نحوه استفاده از اراضی فراهم سازد. بدین ترتیب، طرح سامان‌دهی نیز به کناری نهاده شد.

طرح جامع راهبردی-ساختاری شهر تهران

بعد از طی یک دوره بی‌برنامگی، سومین طرح جامع تهران از سال ۱۳۸۳ در دستور کار قرار گرفت و در آذرماه سال ۱۳۸۶ به تصویب شورای عالی معماری و شهرسازی رسید و برای اجرا به شورای شهر و دستگاه‌های مربوط ابلاغ شد.



در این طرح با افق زمانی ۱۴۰۴ بر اساس ایده ساختاری و سازمان فضایی، پیشنهادی که چشم‌انداز کالبدی توسعه شهر است ارائه و بر مبنای آن نحوه استفاده از اراضی در محدوده شهر و حریم آن، پهنه‌بندی، و ضوابط و مقررات ملاک عمل تدوین شده است.



پهنه‌بندی شهر تهران - طرح جامع ۱۳۸۶

در این طرح، استخوان‌بندی شهر تهران مبتنی بر ساختاری شبکه‌ای است، نخست محورها و سپس مراکز شهری در انسجام ساختاری و تحکیم سازمان فضایی، و سایر عناصر تشکیل‌دهنده استخوان‌بندی در ارتباط با محورها و مراکز شهری سازمان نقش بارزی می‌یابند. این عناصر شامل شبکه حرکت، کریدورهای برون‌شهری، دروازه‌ها، و مؤلفه‌های بااهمیتی چون محدوده شهر و حریم شهر تهران است، که مجموعاً و در ارتباط باهم، سازمان فضایی را انتظام بخشیدند، استخوان‌بندی آن را سامان دادند و ارکان اصلی سازمان فضایی شهر تهران محسوب می‌شوند.

ساختار شبکه‌ای شهر تهران، هماهنگ با ساختارهای طبیعی، تاریخی، و نظام‌های حرکت، عملکرد، و فعالیت، از پنج محور شمالی-جنوبی و سه محور شرقی-غربی تشکیل شده است که ضمن تسهیل امکان حرکت و جابه‌جایی بهتر در سطح شهر و کاهش تقاضای سفر، سامان یابی عناصر بزرگ‌مقیاس با کارکردهای شهری و فرا شهری را فراهم می‌سازد. این محورها عبارت‌اند از:

- الف) ۵ محور شمالی-جنوبی: کن، فرحزاد، درکه، دربند-ری، و دارآباد-بی‌بی شهربانو؛ و
- ب) ۳ محور شرقی-غربی: محورهای سبز همت، فرهنگی انقلاب، و محور کار و فعالیت بعثت-شوش.

در سازمان فضایی شهر تهران، به‌منظور تمرکززدایی از مرکز شهر و تعدیل نظام شعاعی، با پالایش مرکز اصلی شهر و افزایش چشمگیر سهم نظام شبکه‌ای در ساختار شهر، با توزیع مرکزیت و



استقرار نظام سلسله‌مراتبی مطلوب، شبکه‌ای از مراکز در سطوح و مقیاس مختلف سامان می‌یابد و تجهیز می‌شود.



محورهای استخوان‌بندی سازمان فضایی شهر تهران - طرح جامع ۱۳۸۶

در ساختار شبکه‌ای شهر تهران، دو محور شهری درکه (بزرگ‌راه‌های چمران-نواب-تندگویان) و دارآباد (بزرگ‌راه‌های صیاد شیرازی-امام‌علی(ع)-خاوران) محدوده شهر را به سه حوزه متمایز شرقی، میانی، و غربی تقسیم کرده است.

حوزه میانی (بین دو محور) متشکل از سه پهنه شمالی، مرکزی، و جنوبی است. پهنه مرکزی که با دو محور همت-رسالت و بعثت-شوش از پهنه شمالی و جنوبی متمایز می‌شود، مرکز فعالیت شهر است که مجموعه‌ای در چهار مرکز پیوسته و مکمل با عملکردهای فرا شهری و شهری است.

از میان بزرگ‌راه‌های شمالی-جنوبی، که در شمال خیابان انقلاب شکل گرفته‌اند، بزرگ‌راه‌های امام‌علی(ع)، صیاد شیرازی، مدرس، چمران، یادگار امام، و اشرفی اصفهانی عناصر اصلی پیونددهنده مناطق شمالی با مرکز شهرند. بزرگ‌راه‌های شهید باقری، کردستان، و شیخ فضل‌الله اتصال مناطق شمالی و جنوبی بزرگ‌راه همت را برقرار می‌کنند.

بافت شهری استخوان‌بندی شهر

در بافت محدوده استخوان‌بندی شهر عموماً تراکم زیادی احساس می‌شود. این مسئله ناشی از قطعه‌بندی خردتر و ارتفاع ابنیه بیشتر، فضاهای باز کوچک و محدودشده توسط ابنیه و غیرقابل رؤیت از گذرگاه‌ها و به‌خصوص احساس تراکم زیاد در فضا به دلیل تفاوت‌ها، اغتشاش، و ناهمگنی

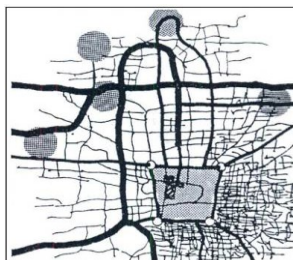
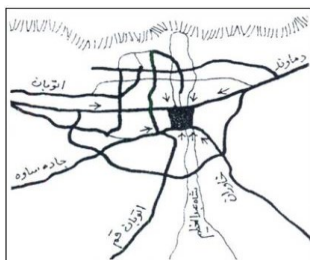


در دو ویژگی قطعه‌بندی و ارتفاع ابنیه است که در محدوده استخوان‌بندی اصلی شهر تشدید می‌شود. وجود پارک‌ها یا بافت‌های گسسته، در نقاطی از محدوده پرتراکم استخوان‌بندی شهر، از شدت تراکم کاسته و تخلخلی در بافت ایجاد کرده، به‌ویژه اگر در ترکیب و مجاورت با راسته‌های متراکم از ابنیه یا قطعه‌بندی‌ها و ارتفاع‌های مختلف (پارک ملت، ساعی، دانشجو، و ...) قرار گرفته باشد. حوزه اصلی عملکرد اداری و خدماتی به علت واقع‌شدن ساختمان اصلی همه وزارتخانه‌ها، هسته قدیمی و مرکزی استخوان‌بندی شهر، در این محدوده قرار دارد.

عمده‌ترین تمرکز راسته‌های اداری در شبکه‌ای از خیابان‌های هسته مرکزی (طالقانی، کریم‌خان، ایران‌شهر، شهید نجات الهی، و ...) پدیدار شده است. غیرازآن، یکی از راسته‌های انشعابی از این هسته اصلی (خیابان آزادی) نیز در مورد این بخش از فعالیت‌ها قابل توجه است. دفاتر شرکت‌ها و مؤسسات خدماتی کوچک که بیشترین تمرکز را در خیابان‌های محدوده مرکزی شهر دارند و محورهای منشعب از استخوان‌بندی به سمت شمال شهر (قطاع شمالی) و نیز محورهای غربی (قطاع غربی) مهم‌ترین حوزه‌های این بخش از عملکردهای استخوان‌بندی شهرند. مهم‌ترین و اصلی‌ترین تمرکز فعالیت آموزشی در هسته مرکزی، قسمت غربی آن به مرکزیت دانشگاه تهران است و چند دانشگاه و مؤسسه آموزشی قدیمی و جدید را دربر می‌گیرد.

ویژگی‌های دسترسی

دسترسی به معابر شکل‌دهنده استخوان‌بندی اصلی شهر اهمیت بسیار زیاد در کارکرد مناسب این مسیرها دارد. بر این اساس، شبکه بزرگراهی تهران (بزرگراه‌های رسالت، چمران، و مدرس) و راه‌های اصلی درجه‌یک (انقلاب، آزادی، شریعتی، و ولی عصر) به‌وسیله دسترسی‌های گسترده‌تر به ساختار مناطق شهر و درنهایت محلات مسکونی متصل می‌شود. دسترسی از بیرون شهر به محدوده مرکزی مستقیماً توسط امتداد شریان و مسیر اصلی برقرار می‌شود.



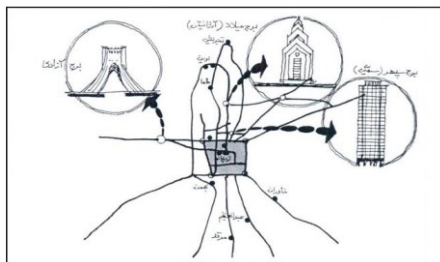
شبکه بزرگراهی تهران

ویژگی‌های بصری

در برخی راه‌های اصلی شهر و استخوان‌بندی آن، تعداد معدودی بنا با اهمیت شهری قابل‌رویت است، مثل میدان آزادی که از خیابان انقلاب و بزرگراه شیخ فضل‌الله نوری دید دارد و یا برج سپهر و برج میلاد که از بخش‌های محدودی از استخوان‌بندی قابل‌رویت است. وجود تمایزات



کالبدی و بصری عناصر اصلی استخوان‌بندی شهر (مثل سردر دانشگاه تهران یا بنای آزادی) که آن‌ها را به‌صورت نماد شهری یا فعالیتی خاص در اذهان مردم شهر مطرح کند، بسیار محدود است.



برخی عناصر نشانه‌ای شهر تهران در سال ۱۳۷۰

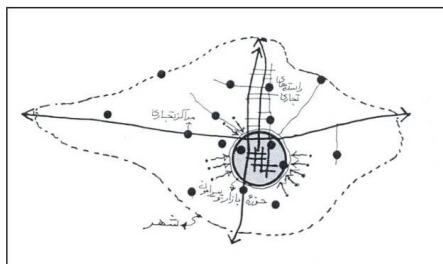
اداری

بعد از پیروزی انقلاب به‌واسطه وضعیت حاکم بر اوضاع اجتماعی، اعم از جنگ و تحریم اقتصادی و با حفظ محدوده‌های اداری قبلی، راسته‌هایی جدید در جهت شمالی و غربی به‌تدریج توسعه یافته‌اند که از آن جمله خیابان‌های میرداماد، شریعتی، آزادی، و ستارخان قابل ذکرند.

تجاری

الگوی توسعه کاربری تجاری مانند دوران قبلی است. در این دوره، محدوده بازار به دلیل تراکم بیش‌ازحد، مشکلات دسترسی، و حجم ترافیک پیاده و سواره ناشی از این تراکم از یک‌سو و قیمت بالای املاک تجاری، همچنین کالبد نامناسب و نیمه فرسوده از سوی دیگر نسبت به دوران قبلی با آهنگ کندتری رشد کرده است. مجموع این عوامل سبب افزایش قابلیت فعالیت پذیری محدوده شمالی بازار، بالأخص خیابان‌های امام خمینی و ناصرخسرو گشته که به‌صورت رواج پاساژ سازی به منصفه ظهور رسیده است.

راسته‌های منتهی به خیابان ولی‌عصر کماکان به رشد خود ادامه داده و در ادامه این توسعه، محور بلوار میرداماد نیز به جمع راسته‌های کاربری تجاری محورهای متقاطع با مهم‌ترین محور شمالی- جنوبی شهر تهران اضافه شده است. علاوه بر این، با توجه به ظرفیت و قابلیت این محور، بر توسعه نقاط رشد یافته در دوران قبلی در این راسته کماکان افزوده می‌شود.



الگوی توسعه مراکز تجاری پس از انقلاب



فرهنگی-آموزشی

بخش دوم احداث و گسترش دانشکده‌های جدید در اراضی موجود دانشگاهی است. بدین ترتیب مانند دوره قبل از یک سو دانشگاه آزاد، دانشگاه هنر، دانشگاه پلی‌تکنیک، و دانشگاه تهران با احداث ابنیه جدید به تحکیم نقش راسته فرهنگی خیابان انقلاب مشغول‌اند، و از سوی دیگر با احداث دانشگاه‌های جدید و ایجاد مجموعه‌های آموزشی (دانشگاه‌های الزهراء، راه‌آهن، امام صادق، علامه طباطبائی، تربیت مدرس، تهران، دانشکده‌های مدیریت و فنی، و بیمارستان شریعتی توسعه گسسته همچنان در محدوده شهر ادامه می‌یابد.

مذهبی

با توجه به تحولات بنیادی در نحوه اداره کشور، این تحولات سبب شد نماز جمعه یکی از ارکان فعالیت‌های مذهبی و اتفاقات فرهنگی و نمود انقلاب در جامعه باشد، لذا محل این فعالیت اهمیت خاصی داشت. به دلیل کافی نبودن فضای مسجد شاه و مسجد جامع نسبت به جمعیت نمازگزار و کهنه بودن کالبد این مساجد، اولین نماز جمعه تهران در بهشت‌زهرا برگزار شد. بعد از مدتی، محل نماز جمعه به دانشگاه تهران انتقال یافت و اکنون مصلاهی تهران در محدوده جنوبی اراضی عباس‌آباد بدین منظور در حال ساخت است. با تکمیل و آماده‌سازی مصلاهی شهر، کاربری‌های اصلی مذهبی تهران در مجموعه قدیمی بازار، مجموعه مصلاهی تهران، و مجموعه واقع در جنوب تهران جای می‌گیرند. با پیروزی انقلاب، مساجد زیادی در سطح شهر احداث‌شده و از این زمان مساجد واجد اهمیت و نقش اجتماعی-فرهنگی شده‌اند. از جمله مساجد مهم احداث‌شده در این زمان می‌توان از مسجد الغدير، مسجد دانشگاه شریف، و مسجد بلال نام برد.

خدمات و تجهیزات شهری

به سبب گسترش بسیار زیاد شهر و افزایش تقاضا در این دوره، ترمینال‌های مسافری در شرق و غرب شهر نیز شکل گرفتند. همچنین به دلیل رشد بسیار زیاد شهر و جمعیت آن، پایانه‌های اتوبوس‌های درون‌شهری نیز در نقاطی به‌صورت ترمینال‌ها مطرح می‌شود. نحوه جای‌گیری این نقاط به‌طور کلی در مکان‌ها و راسته‌های مهم از استخوان‌بندی اصلی صورت پذیرفته است.

استخوان‌بندی عملکردی

استخوان‌بندی کاربری‌های شهر از یک هسته مرکزی و متراکم در ناحیه جنوبی و راسته‌های بسیار مهم شمالی-جنوبی (ولی‌عصر و دکتر شریعتی)، دو راسته اصلی خیابان‌های آزادی و دماوند همچنین راسته‌های فرعی‌تر شرقی-غربی (طالقانی، کریم‌خان، استاد مطهری، عباس‌آباد، و میرداماد) به همراه چند هسته پراکنده در داخل و خارج از این راسته‌ها شکل گرفته است.



اصلی‌ترین کاربری، تجاری-اداری است که در محدوده خیابان انقلاب و خیابان فردوسی تراکم بالایی دارند. از دیگر راسته‌ها در محدوده می‌توان به خیابان دماوند از میدان امام حسین (ع) تا چهارراه سبلان و خیابان آزادی از دانشکده دامپزشکی تا میدان آزادی اشاره کرد. این محدوده ترکیبی از کاربری‌های متفاوت را دارد، حتی کاربری‌های فرهنگی و آموزشی و گذران فراغت نیز در این هسته اصلی شهر جای گرفته‌اند.

مهم‌ترین حوزه آموزشی و فرهنگی در محدوده خیابان انقلاب، از خیابان سعدی شمالی با دانشکده تربیت‌معلم شروع می‌شود و تا دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران واقع در خیابان آزادی پایان می‌یابد. حوزه خدمات و تجهیزات شهری به‌طور عمده در دونقطه به چشم می‌خورد که یکی از این دو حوزه حاصل هم‌جواری مجموعه فرودگاه مهرآباد و ترمینال غرب است که در حد غربی محدوده جای گرفته است. محدوده درمانی و خدمات آن نیز شامل دو مجموعه است که یکی پیرامون میدان امام حسین (ع) (شامل بیمارستان‌های بوعلی، جرجانی و امام حسین (ع)) و دیگری در محدوده بیمارستان نیروی هوایی است.

همان‌گونه که پیش‌تر در روند رشد و گسترش شهر اشاره شد در دوره پهلوی اول، انجام عملیات ساختمانی که بر ساختار فیزیکی دارالخلافه ناصری و نیز معابر موجود در این محدوده صورت گرفت، شکل اصلی تهران معاصر را پایه‌ریزی کرد و در این‌بین، محور انقلاب با استقرار عملکردهای آموزشی، فرهنگی، تجاری، و خدماتی پیرامون آن در روند رشد و توسعه شهر تهران از دوره پهلوی دوم به بعد، جایگاه مهمی در سازمان فضایی شهر تهران پیدا کرد.

در حال حاضر، این محور از منظر فیزیکی و کالبدی محدوده دماوند یا به عبارتی شرق تهران را به منطقه شهری کرج وصل همچنین این مناطق را به مرکز شهر تهران نیز متصل می‌کند. از سوی دیگر، کاربری‌های مهم و فرا منطقه‌ای شکل گرفته پیرامون محور نیز خود مقصد سفر بوده و این عوامل موجب سفرهای شهری متعدد در امتداد محور شده‌اند که الزاماً تمام آن‌ها مرتبط با مناطق مرکزی نیستند و مبدأ و مقصد دیگری دارند.

درواقع، حد محور از غرب تا کمربندی آزادگان و از شرق تا پارک جنگلی سرخه‌حصار است. بدین ترتیب محور و امتدادهای شرقی و غربی آن را می‌توان به چهار بخش فضایی تقسیم کرد:

- جاده مخصوص کرج (حداصل کمربندی آزادگان تا میدان آزادی)؛
- خیابان آزادی (حداصل میدان آزادی تا میدان انقلاب)؛
- خیابان انقلاب (حداصل میدان انقلاب تا میدان امام حسین (ع))؛ و
- خیابان دماوند (از میدان امام حسین (ع) تا بزرگراه بابایی).

با توجه به تغییر ماهیت و نقش این محور در بخش‌های مختلف، در ادامه به ویژگی‌های سه خیابان اصلی (از شرق به غرب) تشکیل‌دهنده محور اشاره شده است.



خیابان دماوند

طولانی‌ترین خیابان شرقی-غربی در نیمه شرقی تهران قطعاً خیابان دماوند است. این خیابان از میدان امام حسین (ع) به سمت شرق شروع می‌شود و تا بیابان‌های سرخه‌حصار و از آنجا تا جاده دماوند^{۱۰} پیش می‌رود. خیابان دماوند با جاده دماوند درهم‌آمیخته و تا نقطه‌ای که فعلاً در نقشه‌های پایتخت، مرز شرقی شهر، یعنی پایان منطقه ۴ شهرداری است، در حدود ۱۳۰۰۰ متر طول دارد.

این خیابان در ۱۳ کیلومتری میدان امام حسین (ع) و در سهره آزمایش، دوراهی می‌شود. یک‌راه به سمت شمال و شمال شرقی کشور می‌رود و دیگری که به جاده تلو-لشگرک معروف است به بیلاقات زیبای شمیرانات و روستاهای خوش آب‌وهوای لواسانات منتهی می‌شود. کاربری‌های هم‌جوار خیابان دماوند، در بخشی که درون حوزه خدماتی شهرداری است، تماماً تجاری و صنعتی است. دسترسی به پارک جنگلی سرخه‌حصار و پارک جنگلی غزال از این خیابان مقدور است.

خیابان دماوند از قدیمی‌ترین محورهای تردد مردم تهران و اصلی‌ترین معبر ورود و خروج مردم مازندران به پایتخت است. به این دلیل، در امتداد غربی خیابان دماوند، از میدان امام حسین (ع) تا میدان ابن‌سینا، خیابان مازندران قرار دارد. با این یادآوری که مازندرانی‌ها و گرگانی‌های مقیم تهران در اطراف میدان امام حسین (ع) و حواشی قسمت‌های غربی خیابان دماوند سکونت دارند. این خیابان در مسیر خود با خیابان‌ها و بزرگراه‌های متعدد برخورد می‌کند. محله‌های قاسم‌آباد، وحیدیه، نارمک، تهران‌نو، جوادیه، و تهرانپارس در حاشیه خیابان دماوند قرار دارند.

جالب اینکه، خیابان دماوند همه‌جا در مرز مناطق شهرداری (مرز بین مناطق ۷ و ۱۳، ۸ و ۱۳، ۸ و ۴ و خارج از محدوده) قرار دارد. خیابان دماوند در شروع خود با زاویه ۳۰ درجه نسبت به افق از میدان امام حسین (ع) شروع می‌شود و تقریباً تا انتها به‌سوی شمال شرقی پیش می‌رود.

خیابان انقلاب اسلامی

خیابان انقلاب اسلامی که در بیان محاوره‌ای «انقلاب» گفته می‌شود، یکی از مشهورترین معابر تهران است. همان‌گونه که در بخش‌های قبلی به تفصیل بدان اشاره شد، پیدایش این خیابان که به‌نوعی هسته اصلی محور نیز به شمار می‌رود به اوایل دوران پهلوی اول بازمی‌گردد که با تکمیل شبکه معابر ایجادشده در دوران ناصری و توسعه آن‌ها ایجاد شد. این خیابان محوری به‌گونه‌ای غیررسمی مرز دو پاره شمال و جنوب پایتخت محسوب می‌شود.

^{۱۰} دماوند، نام بلندترین قله کوه البرز و مرتفع‌ترین کوه ایران نیز است. چکاد آن همیشه پوشیده از برف است و در ایران این کوه بلند و زیبا، نشانه‌ای از استقامت و سرافرازی است و در ادبیات فارسی سمبل چنین ارزش‌هایی است. ارتفاع قله دماوند بیش از ۶۵۰۰ متر است و ۷۰ دهانه آتشفشانی دارد.



فاصله حدوداً ۵۰۰ متری بین میدان انقلاب و میدان امام حسین (ع) که پیش‌ازین خیابان شاه رضا نام داشت، همین خیابان انقلاب اسلامی است که به دلیل وجود ادارات، بانک‌ها، مراکز آموزشی مهم، و نیز فروشگاه‌های مهم تجاری مشهور شده است.

یکی از مراکز اصلی مبارزات خیابانی علیه رژیم پهلوی، خیابان شاه رضا از دانشگاه تهران در غرب آن و مسجد امام حسین (ع) در شرق آن بوده است. بسیاری از راهپیمایی‌های مهم و سرنوشت‌ساز که تهرانی‌ها را از شمال شهر و جنوب شهر به این معبر مهم می‌کشاند در این خیابان شکل می‌گرفت. به همین دلیل، در روزهای اوج مبارزات مردم تهران، نام شاه رضا را از پیشانی این خیابان برچیدند و تابلوی خیابان انقلاب اسلامی را بر جای آن نصب کردند.

مهم‌ترین مرکز آموزشی کشور، یعنی دانشگاه تهران و نیز دانشگاه بلندآوازه امیرکبیر در نزدیکی این خیابان واقع شده است. وجود دانشگاه‌های تهران و امیرکبیر (پلی تکنیک سابق) باعث شده است تعداد زیادی از مراکز آزاد آموزشی، کلاس‌های کنکور، مدارس غیرانتفاعی، و آموزشگاه‌های متنوع در خیابان انقلاب متمرکز شود و نیز تعداد زیادی از کتاب‌فروشی‌ها و ناشران کتاب در مغازه‌ها، پاساژها، و ساختمان‌های این خیابان با محوریت محدوده منتهی به میدان انقلاب مستقر شوند. در ابتدا و انتهای خیابان انقلاب اسلامی، شلوغ‌ترین میادین تهران، یعنی انقلاب و امام حسین (ع)، باعث شده‌اند این خیابان روزها با تردد زیاد خودروها روبه‌رو شود.

همچنین خیابان انقلاب اسلامی مرز مناطق ۶، ۱۱، ۶ و ۱۲ و مناطق ۷ و ۱۲ تعیین شده است. این خیابان با چند خیابان شمالی-جنوبی پایتخت از جمله خیابان کارگر (در میدان انقلاب)، خیابان ولی‌عصر (عج) (در چهارراه ولی‌عصر)، خیابان حافظ (در چهارراه کالج)، خیابان سعدی و مفتاح (در دروازه دولت)، خیابان فردوسی و سپهبد قرنی (در میدان فردوسی)، خیابان سپاه و ابن‌سینا (در پل چوبی)، و خیابان ۱۷ شهریور (در میدان امام حسین (ع)) برخورد دارد.

در تمام طول این خیابان به‌جز آن قسمت که سردر و نرده‌های دانشگاه تهران است، مغازه‌های مشاغل گوناگون ساخته شده‌اند. به‌غیراز مغازه‌های کتاب‌فروشی و لوازم‌التحریر که حوالی میدان انقلاب و فروشگاه‌های خودروی سواری و کفش و پوشاک که حوالی میدان امام حسین (ع) متمرکز است، سایر مغازه‌ها و فروشگاه‌های خیابان انقلاب، اجناس متنوعی می‌فروشند. چندین سینما، پارک دانشجو، تئاتر شهر و تعداد زیادی بانک و دفاتر شرکت‌های خصوصی نیز در خیابان انقلاب مستقرند.

خیابان آزادی

از مشهورترین خیابان‌های نیمه غربی تهران، خیابان نسبتاً عریض آزادی است. این خیابان که میدان آزادی را به میدان انقلاب وصل می‌کند، شاهد یکی از رویدادهای مهم ایران و پایتخت آن بوده است. نام خیابان قبل از پیروزی انقلاب، آیزنهاور، یکی از رؤسای جمهور آمریکا، بوده است.



در سال ۱۳۵۷ شمسی که اوج مبارزات اسلامی مردم ایران بود، یکی از مسیره‌های تظاهرات مردمی علیه محمدرضا پهلوی که معمولاً از حوالی میدان انقلاب (۲۴ اسفند سابق) آغاز می‌شد، از طریق خیابان آزادی به میدان آزادی (شهید) می‌رسید. در روز ۱۹ آذرماه ۱۳۵۷ که با روز تاسوعای حسینی (۹ محرم ۱۳۹۹ ه.ق) هم‌زمان بود، مهم‌ترین تظاهرات ضداستبدادی و ضد استعماری مردم تهران به دعوت جامعه روحانیت مبارز تهران برگزار شد. در این تظاهرات که شهید آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی (۱۳۶۰-۱۳۰۷ شمسی) سخنران آن بود، به‌طور صریح نظام شاهنشاهی و به‌تبع آن حکومت پهلوی از طرف عموم ملت ایران به رهبری امام خمینی طرد و نفی شد و حکومت اسلامی (بعداً جمهوری اسلامی) به‌عنوان بهترین جانشین نظام ۲۵۰۰ ساله معرفی شد. از آن به بعد نام آزادی به‌طور خودجوش از طرف مردم بر این خیابان گذاشته شد. در خیابان شرقی-غربی آزادی، هر ساله به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، جمعیت کثیری جمع می‌شوند تا خود را به محل برگزاری مراسم، یعنی میدان آزادی، برسانند.

در خیابان ۴۵۰۰ متری آزادی یکی از مهم‌ترین دانشگاه‌های ایران، یعنی دانشگاه صنعتی شریف قرار دارد. کاربری‌های مستقر در طرفین خیابان آزادی عموماً تجاری است که بسیاری از دفاتر اصلی شرکت‌های بزرگ صنعتی به‌ویژه شرکت‌های مهم خودروسازی را شامل می‌شوند. از جمله مهم‌ترین ادارات واقع در خیابان آزادی می‌توان به سازمان حج و زیارت، وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان آتش‌نشانی، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان گردشگری و میراث فرهنگی، بخشی از وزارت جهاد کشاورزی، و نیز ادارات مرکزی راهنمایی و رانندگی تهران اشاره کرد. در این خیابان بورس وسایل دندانپزشکی و نیز دانشکده دامپزشکی نیز واقع شده است.

خیابان آزادی از شرق با خیابان انقلاب اسلامی و سپس خیابان دماوند ادامه پیدا می‌کند تا به جاده هراز برسد. از غرب نیز با جاده مخصوص کرج به شمال و شمال غربی کشور می‌رسد. به عبارت دیگر، خیابان آزادی قسمتی از معبری طولانی است که تهران را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم و دو بزرگ‌راه مهم پایتخت، یعنی یادگار امام و نواب، خیابان آزادی را قطع می‌کنند. در این فصل هم‌پیوندی محور با استخوان‌بندی شهر تهران در چارچوب دوره‌های رشد و توسعه شهر بررسی شد و در بخش بعدی به تفصیل به نقش محور در ارتباط با فضاهای هم‌جوار آن و به‌نوعی معرفی بستر تاریخی شکل‌گیری محور پرداخته شده است.



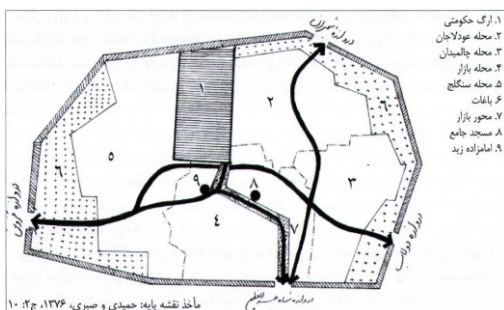
فصل دوم: چگونگی شکل‌گیری بستر تاریخی پروژه



در بخش پیشین با توجه به جایگاه محور در استخوان‌بندی شهر تهران، روند تحولات محور در هم پیوندی با شهر تهران بررسی شد. در این بخش جهت تدقیق هرچه بیشتر این بستر تاریخی، به‌اجمال به روند شکل‌گیری مراکز سکونت‌گاهی و فعالیتی پیرامون محور در دوره‌های گسترش شهر پرداخته شده است.

زمینه‌های نخستین شکل‌گیری محور

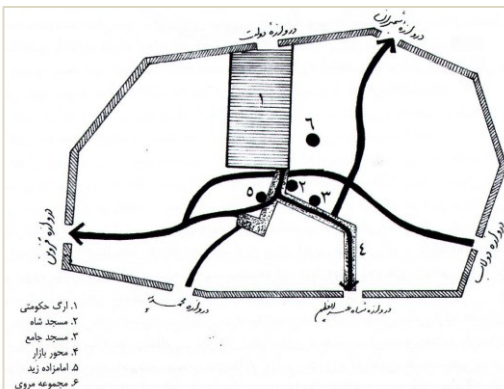
چنانچه در بخش پیشین بدان اشاره شد، در دوران صفوی احداث برج و باروی شاه‌طهماسبی اولین اقدام رسمی برای عمران تهران بود. باروی احداث‌شده در این دوران ۱۱۴ برج و ۴ دروازه داشت که عبارت‌اند از دروازه شمیران در شمال، دروازه قزوین در غرب، دروازه شاه‌عبدالعظیم در جنوب، و دروازه دولاب در شرق. این دروازه‌ها در مسیر جاده‌های ارتباطی شهر با شهرها و آبادی‌های پیرامون قرار داشتند.



در تطابق حصار طهماسبی با نقشه کنونی شهر می‌توان گفت در دوران صفوی شهر از شمال به خیابان امیرکبیر و امام خمینی (سپه)، از شرق به خیابان ری، از غرب به خیابان وحدت اسلامی (شاهپور)، و از جنوب به خیابان مولوی محدود بوده است.

باروی احداث‌شده در دوره صفوی

از زمان انتخاب تهران به‌عنوان پایتخت توسط آغامحمدخان قاجار، این شهر تحولات بسیار زیادی پشت سر گذاشت. روند تحولات تهران از آغاز قرن نوزدهم و هم‌زمان با حکومت فتحعلی شاه قاجار تسریع و متناسب با الزامات پایتخت، این شهر بستر تغییرات کالبدی گسترده‌ای شد و به‌تبع آن تغییراتی در شکل و سیمای شهر داده شد.

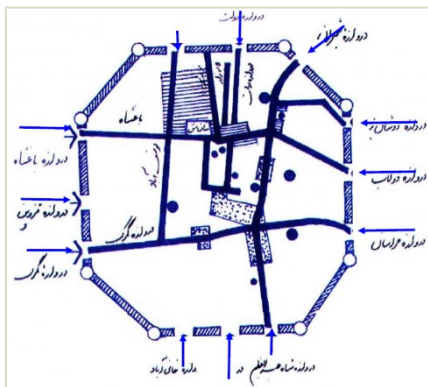


به‌این‌ترتیب که در دوران فتحعلی شاه خندقی در اطراف شهر ایجاد و ساختمان‌ها، مساجد، تکایا، بازارچه، و قصرهای متعدد در اطراف شهر ایجاد شد و محله‌های جدیدی به وجود آمد. در این دوره زمانی، تهران دارای شش دروازه شد و عناصر جدید در روند توسعه پیوسته شهر تهران پیرامون عناصر قبلی و در تکمیل آن مجموعه احداث شدند.

خندق احداثی پیرامون تهران در دوره قاجار

محدوده شهر تحت پوشش بافت مسکونی قرار گرفت که درواقع توسعه محله سنگلج بوده است. چون در آن دوران توسعه در هر سو تابع محله‌ای بوده است، اراضی توسعه‌یافته از غرب را تابع محله سنگلج قرار دادند.

بخش‌هایی از اراضی جدید تا سال‌ها بعد ساخته نشده ماند و قسمتی که از قبل توسعه باغ بود نیز به همان صورت باغ ماند.



تهران عهد ناصری شهری محصور در میان باروها بود که از طریق دوازده دروازه به اطراف شهر دسترسی داشت، شامل دروازه‌های یوسف‌آباد، دولت، و شمیران در شمال، دروازه‌های دوشان‌تپه، دولاب، و خراسان در شرق، دروازه‌های عبدالعظیم، غار، و خانی‌آباد در جنوب، و دروازه‌های گمرک، قزوین، و باغشاه در غرب بوده است. دروازه‌ها عامل ارتباط شهر با پیرامون و از محورهای جاذب توسعه استخوان‌بندی اصلی شهر به شمار می‌رفتند. ارتباط بین دروازه‌ها الگوی شطرنجی نامنظم داشتند و شبکه ارتباطی شهر را شکل می‌دادند به‌گونه‌ای که توسعه شهر نیز بعداز آن در امتداد دروازه‌ها و مسیرهای ارتباطی، منتهی به آن‌ها صورت گرفت.

رضاخان در ۲۱ آذر ۱۳۰۴ سلسله پهلوی را تأسیس کرد و ضمن انتقال ناحیه حکومتی به محدوده کاخ مرمر، تغییرات ساختاری وسیعی در پایتخت ایجاد کرد. در سال ۱۳۰۹، با تدوین قانون جدید بلدیّه، اراضی دایر و بایر داخل شهر، میدان‌ها، حریم‌ها، و خندق‌های بازمانده از دوره ناصری پر شد و به بلدیّه تهران تعلق پیدا کرد. برج و باروی دارالخلافه هشت‌ضلعی عصر قاجاری در سال ۱۳۱۱ برداشته و خندق‌های اطراف شهر نیز پر شد و شهر از هر سو، به‌ویژه شمال و غرب رو به توسعه نهاد و پایتخت وارد دوره جدید حیات تاریخی خود شد.



۱. شروع تغییرات و نوساناتها - ۱۳۱۰ ه. ش
(قبل از تخریب دیوار)
 ۲. طرح جدید تهران مصوب ۱۳۱۶ ه. ش
- خیابانهای جدید بر روی مسیر دیوار شهر
خیابانهای در دست احداث بر مسیر دیوار شهر
خیابانهای موجود
خیابانهای آحادی
خیابانهایی که هرگز احداث نشد
میدان جدید



روند تحولات شهر تهران در دوره ۱۳۱۰ الی ۱۳۱۶

خیابان‌های شبه کمربندی، شهر هشت‌ضلعی سابق را به صورت مربع محصور کرد. گستره جدید شهر (۴۶ کیلومتر مربع)، تقریباً یازده برابر زمان فتحعلی شاه و دو و نیم برابر زمان ناصرالدین شاه شد. تهران در پایان سلطنت رضاشاه و پیش از وقوع جنگ و کشیده شدن آن به ایران سال (۱۳۱۷-۱۳۱۸) از شمال به خیابان شاه رضا (انقلاب)، از شرق به کارخانه جدید برق یا خیابان شهپاز (۱۷ شهریور)، از جنوب^{۱۱} به ایستگاه راه‌آهن یا خیابان شوش، و از غرب به باغشاه یا خیابان سی متری (کارگر) محدود بود. در این دوره اولین نشانه‌های شکل‌گیری محور با احداث خیابان شاه رضا در شمال شهر قابل مشاهده است.

بعد از اتمام جنگ جهانی و ملی شدن صنعت نفت، تهران به تدریج دارای تأسیسات، مکان‌ها، و امکانات شهری (شامل تأسیسات و تجهیزات رفاهی، خدماتی، اداری، درمانی، صنعتی، آموزشی، فرهنگی، و نظامی) شد. برخی از اقدامات چون سنگفرش خیابان‌ها، بدنه‌سازی‌ها، تأمین روشنایی فضاهای شهری، و افزایش اماکن و فضاهای عمومی زندگی شهری را حتی در شب پررونق ساخته بود. شهر همچنین دارای نواحی مختلف اسکان با طبقات متمایز اجتماعی شد. به سبب برخی منطقه بندی‌های فعالیتی نظیر ایجاد محوطه‌های اداری یا تجاری در محدوده مرکزی شهر، برخی از مناطق بار خاصی پیدا کردند و توسعه کالبدی و فعالیتی شهر تهران پس از چندی سبب شد محوره‌های شاه رضا، سپه، شاه‌آباد، پهلوی، فیشر آباد، و امیرآباد به محل تمرکز ساختمان‌های جدید اداری و تجاری تبدیل شوند. به تدریج بانک‌ها، شرکت‌های جدید، بیمه‌ها، هتل‌ها، فروشگاه‌های بزرگ، و پاساژ آمیخته با مغازه‌هایی در همکف کاربری‌های مختلط و همکار را پدید آوردند.^{۱۲}

^{۱۱} کریمان، حسین، تهران در گذشته و حال، تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۵، ص ۳۲.

^{۱۲} دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۴۹۸.



در پایان دوره اول سلطنت محمدرضا شاه و مقارن با شکل‌گیری نهضت ملی ایران، ۱۳۲۸-۱۳۲۷، توسعه شهر تهران از شمال به امیرآباد، جلالیه، عباس‌آباد، و حشمتیه، از شرق به فرح‌آباد، دوشان‌تپه، و دولاب، از جنوب به شهر فیروزآباد، کشتارگاه، و کوره‌ها و گودال‌های جنوبی شهر، و از غرب به طرشت، جی، و بریانک، و امامزاده حسن^{۱۳} رسید. در این دوران توسعه محور به سمت شرق تا دوشان‌تپه و از غرب به محدوده طرشت رسید.

دوره پهلوی دوم

رشد کالبدی تهران، در دهه اول دوران پهلوی دوم، در قالب همان ساختار دوره قبل صورت گرفت. رشد پیوسته شهری در قسمت شمال و غرب بافت موجود، و رشد ناپیوسته شهری در شمیرانات و تا حدود شهری بیش از دیگر نقاط شهر رخ داد.

در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۵، و در ادامه سیاست شهری پیش، شهر تهران دارای مراکز فرهنگی چون تالار فرهنگ، سینماها، تئاترهای فعال، کافه‌هایی به سبک فرنگی، رستوران‌ها، و هتل‌های کوچک در خیابان‌های لاله‌زار، شاه‌آباد، شاه‌رضا، و پهلوی شد؛ ازجمله دو محوطه تفریحی بزرگ یکی در کنار مهمان‌خانه شهرداری با انواع بازی‌ها، سرگرمی‌ها، چرخ‌وفلک، و سینمای روباز به نام کافه شهرداری همچنین محوطه تفریحی دیگری به نام بوت کلاب با استخر بزرگ دریاچه ماندی که محل قایق‌رانی و حرکت زیردریایی‌های تفننی بود، با انواع غرفه‌های سرگرمی، و یک محوطه برای حرکت و مسابقه اتومبیل‌های برقی واقع در خیابان پهلوی شکل گرفتند که از جاذب‌ترین نقاط شهر برای گذران اوقات فراغت به شمار می‌آمدند.

اولین رشد ناپیوسته و برنامه‌ریزی‌شده در زمان قوام‌السلطنه، در سال ۱۳۲۵، توسط بانک رهنی در اراضی تقسیم‌شده سلیمانیه در جاده دوشان‌تپه به وجود آمد و هم‌زمان با آن، گروهی از مهاجران با اشغال اراضی شمال چهارصد دستگاه، دست به ساختن اولین مفت آباد یا زورآباد در حومه تهران زدند. در پی آن، محلات بسیاری با تفکیک و واگذاری اراضی بزرگ با قسط‌های درازمدت بانکی شکل گرفت. ازجمله آن‌ها می‌توان به یوسف‌آباد، نازی‌آباد (با طرحی از آلمانی‌ها شامل ۲۸۰۰ قطعه شهری) در جنوب تهران و نارمک^{۱۴} (با ۸۰۰۰ قطعه شهری طراحی‌شده) در شمال شرقی تهران ۱۵۱۳۳۳ اشاره کرد.

در این سال‌ها هم‌زمان با تقویت نقش فرهنگی بخش مرکزی محور (شاه‌رضا) توسعه محور به سمت شرق تا نارمک ادامه یافت.

^{۱۳} کریمان، همان، ص ۳۲۵.

^{۱۴} اراضی منطقه نارمک که از اراضی بلاصاحب بود، در اختیار بانک ساختمانی قرار گرفت و از آغاز با نقشه‌ای نسبتاً دقیق فضاهای باز (میدان، بوستان، خیابان‌ها، و کوچه‌های سه‌العبور) طراحی و زمین آن در ۸ هزار قطعه از ۲۰۰ تا ۵۰۰ متر تقسیم و ضمن دریافت متری ۱۰ ریال پیش‌قسط و ۳۰ ریال اقساط از راه پرسشنامه و قرعه‌کشی به درخواست‌کنندگان واگذار شد.

^{۱۵} دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج. ۱۶، ص. ۴۹۸.



در این دوره، پایتخت از شمال به امیرآباد، عباس‌آباد، حشمتیه، و محله جدید یوسف‌آباد، از شرق به دوشان‌تپه، دولاب و محله‌های جدید چهارصد دستگاه، تهران‌نو، و نارمک، از جنوب به نهر فیروزآباد، کشتارگاه، کوره‌پز خانه‌ها، گودال‌های جنوبی، محله‌های جدید جوادیه، و نازی‌آباد، و از غرب به طرشت، جی، بریانک، و امامزاده حسن، و محله‌های کوچک تازه شکل گرفته گسترش یافت.

افتتاح فرودگاه بین‌المللی مهرآباد در سال ۱۳۳۷، رشد سرمایه‌گذاری و حمایت دولت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و روی آوردن سرمایه به شهرهای بزرگ که بخش مهمی از آن به تبع تقسیم اراضی کشاورزی میان کشاورزان و ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۲ و گرایش سرمایه ملاکان سابق به ساخت‌وسازهای شهری رخ داد، به سرعت شکل پایتخت را تغییر دادند. البته شایان ذکر است، راهاندازی سد کرج و انتقال آب آن به تهران در سال ۱۳۴۰ نیز روند تغییرات را تسریع کرد.^{۱۶}

نهادهای جدید علمی و دانشگاه‌های متعدد چون ملی (۱۳۳۹)، پلی‌تکنیک، دانشگاه صنعتی آریامهر (۱۳۴۴)، تأسیس و ساختمان‌های جدیدی برای وزارت‌خانه‌ها، واردات، شرکت‌های بیمه و شرکت‌های بزرگ خارجی و داخلی ساخته شدند که تحولی چشم‌گیر در صنعت ساختمان‌سازی در محور مرکزی شهر پدید آوردند. ایجاد و توسعه تأسیسات نظامی در پهنه‌هایی چون دوشان‌تپه، سلطنت‌آباد، عشرت‌آباد، ایرانشهر، باغشاه، و قلعه مرغی حتی احداث آپارتمان‌های سازمانی، به سبب مقیاس وسیع آن، تأثیر بسیاری بر سیما، هویت، و منظر شهر تهران باقی گذارند.

همچنین احداث پارک‌هایی نظیر پارک شهر (۱۳۲۹)، ساعی (۱۳۴۳)، فرح (۱۳۴۴)، ساخت مساجد، کلیساها، سفارتخانه‌ها، موزه‌ها، فرهنگسراها، اولین تلویزیون بخش خصوصی (۱۳۳۷)، و احداث برج‌های متعدد مسکونی نقش مهمی در تقویت محور مرکزی و سازمان فضایی شهر تهران ایفا کردند. رشد پراکنده و پرشتاب شهر و اولویت یافتن امر عبور و مرور و پایه قرار گرفتن خیابان‌کشی به عنوان اساس اسکان شهری که در آن دوره رخ داد، تأثیری بسیار در ایجاد بلوک‌های شهری با الگوی شطرنجی و چگونگی شکل و سیمای شهر گذارد. در این دوره، رشد شهری که بر اساس این تکه‌های شطرنجی و پراکنده صورت گرفت، نه تنها استخوان‌بندی طرح فرمال رضاشاهی را دنبال نکرد، بلکه هیچ طرح دیگری را نیز جانشین آن نساخت.

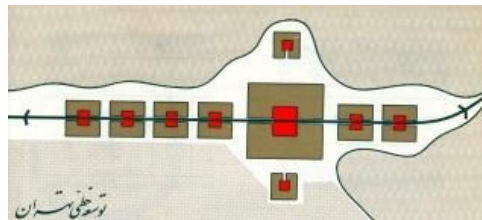
اصلی‌ترین اتفاقات در این دوره مرتبط با محور تقویت بار فرهنگی و علمی حوزه مرکزی از یک سو و نقش‌پذیری فعالیت‌های اداری و تجاری نوین پیرامون محور از دیگر سو بوده است.

در این دوره، جمعیت شهر تهران از ۱.۵۸ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ شمسی به ۲.۹۸ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ شمسی رسید. این رشد که هم‌زمان با گسترش صنایع بزرگ و کوچک در حومه تهران

^{۱۶} دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، همان.



و رشد بی‌رویه بدنه سیستم دولتی رخ داد، جمعیت مهاجر در جست‌وجوی کار را به تهران گسیل داشت. در نتیجه، این روند شهر عمدتاً به سمت شمال توسعه یافت و محدوده‌هایی نظیر شمال خیابان شاه رضا و محورهای تخت جمشید و تخت طاووس به مکانی برای استقرار ساکنان قدیمی شهر تبدیل شدند که می‌خواستند بافاصله بیشتری از مرکز و ساکنان مهاجر آن سکونت داشته باشند. بدین ترتیب، این امر عاملی برای تشدید شکاف اجتماعی و فرهنگی شمال و جنوب شد. گسترش و رشد بی‌رویه شهر در این سال‌ها سبب شد تدوین اولین طرح جامع تهران (ویکتور گروئن - ۱۳۴۷) برای سامان‌دهی وضع شهر در دستور کار قرار گیرد. این طرح الگوی توسعه شرقی-غربی برای گسترش شهر پیشنهاد کرد که به تبع آن با احداث خیابان‌های جدید و متمایل به پیرامون در اطراف مرکز اصلی تهران و اجرای زیرساخت‌های مبنی بر ساختار شرقی-غربی شهر زمینه‌های گسترش برون‌گرا و سریع شهر فراهم شد و مراکز جدید سکونتی و فعالیتی در غرب و شرق شهر شکل گرفتند.



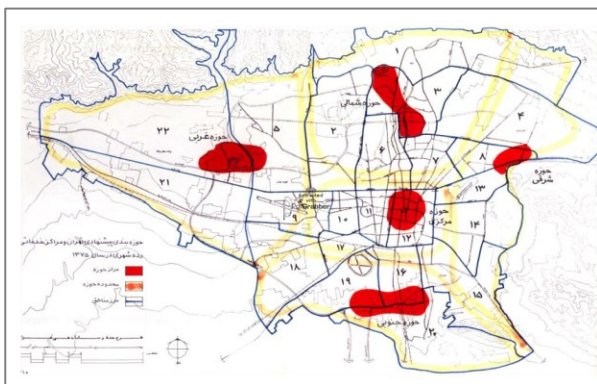
توسعه خطی پیشنهادی تهران در طرح جامع ۱۳۴۷

به‌طوری‌که اتوبان‌های شمالی-جنوبی و شرقی-غربی نواحی شرق، غرب، و شمال تهران را به یکدیگر پیوند دادند و اراضی پیرامونی آن‌ها به نواحی توسعه شهری جدید (شهرک‌های اکباتان، لویزان، غرب، شوش، و ...) تبدیل شدند، رشد صنایع و توسعه زیرساخت‌ها سیل مهاجرت به تهران را نیز شدت بخشید، به‌طوری‌که گسترش شهر از دهه پنجاه به بعد، با حاشیه‌نشینی و حومه‌نشینی و در نتیجه ازهم‌گسیختگی پیکر آن همراه شد و در جنوب شهر، بافت‌های خودرو، پیرامون مجموعه‌های بزرگ صنعتی و تأسیساتی نظیر کارخانه‌ها، راه‌آهن، فرودگاه، و انبارها رشد کردند. در این دوره، عملکرد امتداد شرقی محور تا محدوده تهرانپارس و حکیمیه و امتداد غربی آن نیز در راستای تأمین دسترسی مراکز مسکونی و فعالیت‌های هم‌جوار تقویت شد. در بخش میانی نیز با توجه به تحولات رخ داده در جای‌گیری فعالیت‌ها نقش مرکزی آن در هم پیوندی با پهنه مرکزی شهر تقویت شد. همچنین با توجه به تغییرات اجتماعی و توسعه شهری، محور به‌نوعی به تقسیم‌کننده ساختار قطبی شهر تهران در شمال و جنوب تبدیل شد.

دوره پس از انقلاب اسلامی



پس از پیروزی انقلاب و با بروز جنگ تحمیلی ایران و عراق، شهر تهران با موج جدیدی از مهاجرت مواجه شد. مهاجران عمدتاً در حاشیه‌های غربی شهر ساکن و سبب گسترش شهر در این جهت شدند. در جریان این گسترش، شکاف شمال-جنوب شهر نیز با محوریت محور تقویت شد. توسعه بی‌برنامه شهر و تبعات آن، باعث شد تهیه طرح سامان‌دهی تهران در دستور کار قرار گیرد. این طرح توسط مهندسین مشاور آتک در سال ۱۳۷۱ تهیه شد و در جهت رفع تمرکز از هسته مرکزی شهر، ایجاد ۴ حوزه دیگر را در شهر پیشنهاد کرد. اما این طرح اجرا نشد و در نتیجه، توسعه و گسترش شهر به سمت بیرون (شمال، غرب، شمال غرب، و شمال شرق) ادامه یافت.



حوزه‌بندی و مراکز خدماتی پیشنهادی شهر تهران - طرح سامان‌دهی ۱۳۷۱

در دهه ۸۰ و بعد از طی دوره بی‌برنامگی و نتایج حاصل از آن، تهیه طرح‌های توسعه شهری جدید تهران با الگوی ساختاری-راهبردی در دستور کار قرار گرفت. بر این اساس طرح جامع تهران تهیه، در آذرماه سال ۱۳۸۶ تصویب، و برای اجرا به شورای شهر و دستگاه‌های مربوط ابلاغ شد. در این طرح با افق زمانی ۱۴۰۴ بر اساس ایده ساختاری و سازمان فضایی پیشنهادی شهر، نحوه استفاده از اراضی در محدوده شهر، پهنه‌بندی و ضوابط و مقررات ملاک عمل تدوین شد.

در گام بعدی، تهیه طرح‌های توسعه شهری جدید تهران، تدوین طرح تفصیلی یکپارچه شهر تهران مطرح شد و پس از تهیه، تصویب، و ابلاغ آن در سال ۱۳۹۱ به مناطق بیست‌ودوگانه شهرداری تهران عملاً این فرایند در سطح دوم آن تدقیق شد.

در ادامه و در سطح سوم از تهیه طرح‌های توسعه شهری جدید تهران، تهیه طرح‌های موضعی و موضوعی شهر تهران برای سامان‌دهی عرصه‌هایی از شهر که نیازمند مداخله ویژه‌اند پیش‌بینی شد تا موجبات تحقق راهبردهای توسعه در شهر فراهم آید، که از بین طرح‌های موضعی و موضوعی تدوین‌شده سامان‌دهی محور شهری انقلاب (آزادی-انقلاب-دماوند) در ارتباط مستقیم با محور قرار دارد و این کتاب به شرح دستاوردهای این طرح پرداخته است.



در حال حاضر، این محور از منظر فیزیکی و کالبدی محدوده دماوند یا به عبارتی شرق تهران را به غرب آن و در امتداد خود به منطقه شهری کرج وصل می‌کند و ویژگی خاصی چه از منظر تأمین دسترسی این مناطق به مرکز شهر تهران و چه از منظر ارتباطی دارد. از سوی دیگر، کاربری‌های مهم و فرا منطقه‌ای شکل‌گرفته پیرامون آن نیز خود مقصد سفر بوده و این عوامل موجب سفرهای شهری متعددی در امتداد محور شده است که الزاماً تمام آن‌ها مرتبط با مناطق مرکزی نیست و مبدأ و مقصد دیگری دارند. ساخت مراکز سکونت به‌ویژه در امتداد شرقی و غربی محور نیز برشدت این نقش افزوده است. درواقع حد محور از غرب تا کمربندی آزادگان و از شرق تا پارک جنگلی سرخه‌حصار امتدادیافته است.

هرچند در دهه اخیر نسبت به دوره‌های گذشته اقدامات مؤثری در راستای شکست ساختار دوقطبی شهر تهران صورت گرفته است، همچنان محور به‌عنوان محور مرکزی شهر تهران جداکننده ساختار شمالی و جنوبی شهر تهران به شمار می‌رود و هم پیوندی محور به‌ویژه در بخش میانی با هسته مرکزی شهر تهران تقویت شده است.

بررسی روند شکل‌گیری پهنه‌های هم‌جوار محور

با توجه به اهمیت، نقش، و جایگاه محور در روند توسعه شهر تهران از یک‌سو و تفاوت دوره‌های شکل‌گیری بخش‌های مختلف هم‌جوار محور و حفظ پیوستگی بیان مطالب از دیگر سو، در ادامه به سابقه و روند تاریخی شکل‌گیری محدوده‌های پیرامونی محور به‌تفصیل از غرب به شرق محور پرداخته شده است. بر این اساس، اولین محدوده موردبررسی غربی‌ترین حد محور در انتهای خیابان آزادی است که برای سهولت حوزه غرب نامیده شده است.

حوزه غرب (محدوده هم‌جوار میدان آزادی و امتداد خیابان آزادی به سمت نواب)

غربی‌ترین بخش محور به محدوده پیرامونی میدان آزادی ختم می‌شود؛ میدانی که برای مدت‌های مدید سمبل شهر تهران به شمار رفته و همچنان علی‌رغم طرح برج میلاد به‌عنوان سمبل شهر تهران در خاطره ذهنی شهروندان هنوز هم نماد شهر تهران است. این محدوده از محور در شمال و جنوب شهر تهران بافتی متفاوت دارد، به‌طوری‌که مراکز سکونت و فعالیتی شکل‌گرفته پیرامون آن هریک نماینده دوره خاصی از تحولات شهری تهران به شمار می‌روند و در ادامه بدان پرداخته شده است.

منطقه غرب تهران پیش از تخریب دیوار ناصری، خارج از حصار شهر بوده است و تا شعاع وسیعی شامل روستاهای خوش آب‌وهوایی بود که در کنار شهر با فعالیت‌های زراعی و دام‌پروری روزگار می‌گذراندند. این روستاها که حول جاده قزوین، چند امامزاده و نهر پر آب فیروزآباد شکل‌گرفته بودند بریانک، جی، قلعه مرغی، اکبرآباد، و طرشت نام داشتند.



پس از تخریب حصار ناصری در سال ۱۳۱۱، گسترش توسعه غرب تهران آغاز شد و اراضی پهنه که جزئی از اراضی کشاورزی طرشت به شمار می‌رفتند به تدریج به شهر پیوستند و در پایان دوره



موقعیت باغات طرشت در سال ۱۳۱۱

سلطنت محمدرضا شاه و مقارن شکل‌گیری نهضت ملی ایران (۱۳۲۹-۱۳۲۸ شمسی) توسعه تهران از شمال به امیرآباد، جلالیه، عباس‌آباد، و حشمتیه، از شرق به فرح‌آباد، دوشان‌تپه، و دولاب، از جنوب به شهر فیروزآباد، کشتارگاه، کوره‌ها، و گودال‌های جنوبی شهر، و از غرب به طرشت، جی، بریانک، و امامزاده حسن رسید.

از اوایل دهه چهل، با برنامه اصلاحات اراضی و تزریق درآمد نفت ضمن دگرگونی نظام اقتصادی و اجتماعی، جذب جمعیت و افزایش مهاجرت‌ها به تهران آغاز شد. به‌طوری‌که در عکس‌های هوایی سال ۱۳۴۸ ملاحظه می‌شود، اراضی واقع در امتداد غربی محور (جاده کرج و قزوین) همانند سایر نقاط در معرض توسعه و ساخت‌وساز قرار می‌گیرند و رفته‌رفته به محدوده شهر تهران اضافه می‌شوند.

به بیانی دیگر، شکل‌گیری امتداد محور به سمت میدان آزادی از طرشت به بعد و غرب میدان حاصل توسعه شهر تهران در اواخر دهه ۴۰ است. در این دوره، محور با عبور خود از میان این پهنه تأمین‌کننده دسترسی مراکز سکونت و فعالیت جدید می‌شود.

در ادامه، برای روشن‌تر شدن چگونگی این روند، فعالیت‌های پیرامون محور و نحوه شکل‌گیری آن‌ها بررسی شده است.

شهرک‌های مسکونی

در امتداد محور و در ضلع شمال غربی میدان آزادی شهرک‌های مسکونی و نظامی و کارخانجاتی قرار گرفته‌اند که بخشی از آن‌ها دایر بوده اما بخش عمده‌ای تعطیل شده‌اند. ضلع جنوب غربی کاملاً در اختیار خدمات حمل‌ونقل قرار دارد و فرودگاه مهرآباد را شامل می‌شود. با توجه به اهمیت و تأثیر هریک از این مراکز در شکل‌دهی ساختار عملکردی این بخش از محور، در ادامه به روند تاریخی این استقرار پرداخته شده است.

از نیمه دوم دهه ۴۰ و دهه ۵۰، ساخت شهرک‌های مسکونی آپادانا و اکباتان برای پاسخگویی به تقاضای مسکونی طبقه متوسط جامعه در دستور کار قرار گرفت که بعد از انقلاب نیز با ساخت شهرک مسکونی فکوری ادامه یافت.



شهرک مسکونی آپادانا از شمال به اتوبان تهران کرج، از جنوب به کوی بیمه، از شرق به مجتمع مسکونی شهید فکور، و از غرب به شهرک اکباتان محدود می‌شود. ساخت این مجموعه بر محور توسعه متأخر شرقی-غربی تهران در سال ۱۳۵۰ در دستور کار قرار گرفت و بانک رهنی به‌عنوان مجری طرح، پس از اخذ مجوز از شهرداری و ضمن عقد قرارداد با پیمانکاران فرانسوی به احداث ساختمان‌های شهرک آپادانا اقدام کرد.^{۱۷}

شرکت سازنده شهرک آپادانا در آغاز، S.A.E.IRAN بود اما در جریان انقلاب اسلامی، پیمانکاران خارجی عملیات را نیمه‌کاره رها کردند و با توجه به تشکیل بانک مسکن، این بانک عملیات ساخت را ادامه داد و پس از تکمیل ساختمان‌ها از سال ۱۳۶۳، به فروش واحدهای مسکونی اقدام شد.

طرح ساخت شهرک اکباتان نیز به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مدرن‌ترین شهرک‌های خاورمیانه، در سال ۱۳۴۵ توسط مهندسین خارجی بر اساس روش بلندمرتبه‌سازی و طراحی شهری در آن دوره در دستور کار قرار گرفت. طراحی مجموعه بر عهده جردن گروزن آمریکایی و ساخت آن بر عهده شرکت آمریکایی استارت بود. این مجموعه نیز بر محور توسعه متأخر شرقی-غربی تهران ساخته شد و ساخت آن بیش از ده سال به طول انجامید، البته در سال‌های بعد از انقلاب نیز ساخت‌وساز در این پهنه با تغییراتی که در آن صورت گرفت، ادامه یافت و طرح‌های اولیه آن به‌صورت کامل انجام نشد. واحدهای ساخته‌شده این مجموعه در سال ۱۳۵۶ به کارمندان دولت واگذار شد و ادامه واگذاری بعد از انقلاب و توسط شرکت عمران و نوسازی محیط پی گرفته شد.

طرح ساخت این شهرک در ابتدا بسیار وسیع بود، و برای نمونه شامل ساخت دریاچه مصنوعی و بزرگ‌ترین مجموعه فرهنگی ایران و غیره بود. ویژگی‌هایی چون مقاومت در مقابل زلزله تا نه ریشتر، فضای سبز بسیار وسیع، نورگیری کاملاً کافی، شوتینگ زاله، ریزرهایی اختصاصی، پله‌های مخصوص فرار و ده‌ها استاندارد دیگر آمریکایی اکباتان را از بقیه ساخت‌وسازهای تهران و ایران متمایز کرد. این شهرک مسکونی مدرن‌ترین مجموعه در دوره خود به‌ویژه برای سکونت طبقه متوسط به شمار می‌رفت. بعد از انقلاب، تغییراتی در مجموعه‌های رفاهی و خدماتی آن صورت گرفت یا ساخت آن‌ها متوقف شد. اما در حال حاضر و پس از گذشت سی سال، بخشی از طرح‌های آن و در غالب مجموعه‌های رفاهی، فرهنگی، و اقتصادی ساختی (مگا مال به سرمایه‌گذاری مشترک ایران و مالزی بین فاز یک و فاز دو شهرک اکباتان) شده است.

درگذشته، شرق شهرک اکباتان با دیواری در خیابان اصلی از کوی بیمه جداشده و هیچ کوچه‌ای از سمت کوی بیمه به اکباتان راه نداشت. در سال‌های بعد با فشار اهالی بیمه این دیوار تخریب شد تا اهالی بیمه به راحتی بتوانند برای تأمین نیازهایشان به اکباتان مراجعه کنند. همچنین شکل‌گیری کاربری‌های بسیاری در این خیابان آن را به راسته عملکردی مهمی تبدیل کرده است.

^{۱۷} تاریخچه بانک رهنی ایران و فهرست طرح‌های عمرانی آن - سایت بانک مسکن، شهریور ۱۳۸۸.



نقش محور در این محدوده از یک سو تأمین دسترسی شهرک‌های مسکونی و فعالیت‌های شکل‌گرفته در امتداد آن به شهر تهران و برقراری ارتباط شبکه راه‌های غربی کشور به شهر تهران از سوی دیگر است.

فرودگاه مهرآباد

در ضلع جنوبی میدان، پهنه فرودگاه مهرآباد قرار دارد که نام خود را از روستایی به همین نام گرفته است. نام اصلی روستای مهرآباد «حسین‌آباد» و در تملک حاجی میرزا آقاسی صدراعظم محمدشاه قاجار بود. حاجی میرزا آقاسی، حسین‌آباد را به ناصرالدین‌شاه هبه کرد و بعد از مدتی جزء مهریه عصمت‌الدوله، دختر شاه و همسر دوست محمدخان معیرالممالک، در آمد و نام مهرآباد را بر آن گذاشتند. اما بعدها به مناسبت خرج‌های بی‌رویه دوست محمدخان، مهرآباد به گرو رفت، از تملک خاندان معیرالممالک خارج شد، و دادخواهی دوست‌علی معیری پسر دوست محمدخان نیز نزد رضاشاه برای بازپس‌گیری آن بی‌فایده بود. این روستا به همراه باغات، اراضی و آبادی‌های بریانک و جی و در جنوب آن‌ها یافت‌آباد در دو طرف جاده تهران-قزوین قرار داشتند که از محل دروازه قزوین در غرب حصار ناصری آغاز می‌شد. این آبادی‌ها به تدریج در گسترش کالبدی شهر تهران به آن ضمیمه شدند اما با پیشروی بعدی این گسترش تا مسیل کن ادامه یافت.

در سال ۱۳۰۴ در دوران سلطنت رضاشاه، حق انحصاری هواپیمایی به شرکت هواپیمایی آلمانی یونکرس^{۱۸} واگذار شد و پس از تأسیس باشگاه خلبانی، با ۲۰ فروند هواپیما در سال ۱۳۱۷، عملاً فرودگاه مهرآباد به دست آن‌ها شکل گرفت. در سال ۱۳۲۵، اولین گروه خلبانان نیروی هوایی به امریکا اعزام شدند و پس از آن نیروی هوایی در سال ۱۳۲۸ با هواپیماهای اف-۸۶ سیبر و تی-۳۳ در مهرآباد آغاز به کار کرد. رشد هوانوردی و عضویت ایران در سازمان ایکائو منجر به رشد روزافزون صنعت ترابری هوایی مسافری و باری در فرودگاه اصلی ایران یعنی مهرآباد شد.



باغ مهرآباد - معیرالممالک و همراهانش

اهمیت کارکرد این پهنه در شهر تهران و نقش آن به عنوان دروازه هوایی ایران به حدی بود که عملاً بر کارکرد این پهنه تأثیر گذاشت و بدان نقشی دروازه‌ای بخشید. احداث فرودگاه مهرآباد و

^{۱۸} Junkers



پس از آن میدان و برج آزادی (شهید) و کارخانجات صنعتی در ادامه در این پهنه توسعه شهری را به دنبال داشت. به‌طوری‌که در سال‌های بعد، این پهنه علاوه بر فرودگاه کاربری‌های وابسته و سازمان‌های مرتبط را جذب کرد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سازمان نقشه‌برداری، زمین‌شناسی، هواشناسی، آموزشگاه‌های مخصوص سازمان‌های مذکور، و صنایع هواپیمایی نام برد. وجود این عناصر تأثیر زیادی بر این ناحیه گذاشتند، به‌طوری‌که تا حدود سال ۱۳۳۵ این محدوده توسعه‌ای کند و ناپیوسته از طریق تغییر کاربری‌های مزروعی و باغات به مراکز صنعتی و خدماتی یافت، با شروع دهه ۴۰ این روند سرعت بیشتری گرفت و روند توسعه شهری در آن نمایان شد.

میدان آزادی (شهید)

اصلی‌ترین و یکی از نمادهای شهر تهران است و تقریباً در همه جای دنیا ایران را با این نماد می‌شناسند.^{۱۹} این بنا در سال ۱۳۴۹ شمسی، توسط حسین امانت، معمار ایرانی ساخته شد. این برج، به‌عنوان نماد «ایران مدرن» و برای یادبود جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در میانه



یکی از میدان‌های اصلی غرب تهران به نام میدان شهید (آزادی کنونی) طراحی و ساخته شد. در فرایند ساخت این بنا در سال ۱۳۴۵، طرح یک نماد شناسایی ایران میان معماران ایرانی به مسابقه گذاشته شد و در پایان طرح مهندس معمار حسین امانت، دانش‌آموخته هنرهای زیبای دانشگاه تهران برنده و برای ساخت برگزیده شد.

نمایی از میدان آزادی

عملیات ساخت برج در یازدهم آبان ۱۳۴۸ آغاز شد و پس از ۲۸ ماه کار، در دی‌ماه ۱۳۵۰ بانام برج شهید به بهره‌برداری رسید. معماری برج تلفیقی از دوران معماری هخامنشی، ساسانی، و دوره اسلامی است. این بنا دربرگیرنده سه طبقه، چهار آسانسور، دو راه‌پله و ۲۸۶ پلکان است.



در محوطه زیرین برج چندین نگارخانه، کتابخانه، موزه، سالن نمایش و دیگر فضاهای کاربردی قرار دارند. طول این بنا ۶۳۳ متر، ارتفاع آن از سطح زمین ۴۵ و ارتفاع از کف موزه ۵ متر است.

گفته می‌شود در ساخت برج آزادی ۴۶ هزار قطعه سنگ بریده و پرداخت‌شده به کار رفته است.

نمایی از برج آزادی در زمان ساخت

^{۱۹} نگاهی به نماد شهری و جایگاه آن‌ها در شهرنشینی - خورشیدچهر، حسن ظهوری (گفتگو با دکتر ناصر فکوهی).



در این بنا، قوس اصلی میان برج، نمادی از طاق کسری مربوط به دوره پیش از اسلام و دوره ساسانی است و قوس بالایی آن که یک قوس شکسته است که از دوران بعد از اسلام و نفوذ اسلام در ایران الهام گرفته است. رسمی‌سازی‌هایی که بین این دو قوس را پر می‌کنند بسیار ایرانی است و از گنبد مساجد ایران الهام گرفته شده است. دوطبقه داخل برج، یکی بالای قوس طاق اصلی و دیگری زیر گنبد است که با آسانسور قابل دسترسی است. طبقه بالا به‌عنوان نمایشگاه طراحی و با گنبدی از بتن سفید پوشیده شده است. در این گنبد، مقرنس ایرانی به شیوه تازه‌ای اجرا شده و ارتفاع آن از بام آزادی بیرون زده و با کاشی‌های فیروزه‌ای و معرق ایرانی پوشیده شده است.



مصرف بتن سفید در این قسمت و در سالن پذیرایی آن، در آن زمان کار نویی در ایران بوده است. به گفته حسین امانت «نقوشی که در میدان هست و باغچه‌ها و گل‌کاری‌ها را شکل می‌دهد، از طرح داخلی گنبد مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان الهام گرفته شده؛ منتها هندسه دایره گنبد تبدیل به بیضی شده است... طرح آب‌نما و فواره‌ها هم ملهم از باغ‌های ایرانی است.

عکس هوایی میدان آزادی

همین‌طور شیب میدان با دقت و به‌منظور خاصی طراحی شده است؛ حد ارتفاع برج آزادی ۴۵ متر است. چون نزدیک فرودگاه مهرآباد قرار گرفته و نمی‌شد بلندتر از این ساخت؛ ولی می‌خواستیم وقتی به بنا نزدیک می‌شوید به‌طرف بالا بروید، درحالی‌که بالا بردن بنا ممکن نبود. ما برای اینکه مشکل ارتفاع را حل کنیم، یک سرازیری در میدان به وجود آوردیم. یعنی شما از طرف فرودگاه که وارد میدان می‌شوید به شکل سرازیر به برج نزدیک می‌شوید و می‌رسید به آن آب‌نمای دایره شکل و وقتی به بنا نزدیک می‌شوید، دوباره بالا می‌آیید. زمین زیر برج کاملاً صاف است. این صافی و آن شیب میدان وقتی به هم می‌رسند، خط‌های قوسی جالبی ایجاد می‌کنند.

در دوران انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷، اجتماعی در این میدان برپا می‌شد و پس از پیروزی انقلاب نیز برنامه پیشواز از آیت‌الله خمینی در بازگشت از پاریس به تهران در این میدان انجام شد و نام آن نیز از میدان شهید به میدان آزادی تغییر یافت، در سال‌های بعد نیز این میدان به محلی برای تجمعات سیاسی مردم در شهر تهران بدل شد.

به‌عبارت دیگر، از اواخر دهه ۵۰ میدان علاوه بر ایفای نقش به‌عنوان مفصل ارتباطی شهر و محدوده بیرون، به قانونی برای تجمعات اجتماعی مردم به‌ویژه در زمان انقلاب و پس‌از آن تبدیل شد.



اما در پهنه جنوبی میدان، محلات واقع در ضلع جنوب‌شرقی میدان آزادی (حداصل بزرگراه سعیدی تا خیابان قصرالدشت) از منظر شکل‌گیری روایتی متفاوت داشته‌اند. اراضی این پهنه جزو اراضی وسیع طرشت بود که در گذشته (بیش از ۴۰ سال قبل) به‌عنوان مزارع گندم، جو، و باقلا زار و باغات میوه زیر کشت می‌رفته‌اند و تا شمال قریه جی ادامه داشته است.

تا پیش از نیمه اول دهه ۴۰، ساخت‌وساز در آن‌ها غیرمتمرکز بوده، ساختمان‌ها در میان باغات و مزارع متعلق به کشاورز و دامدار منطقه قرار داشته که برای حفظ و حراست از محصولات باغی دیده می‌شده است. با ایجاد خیابان‌های خاکی توسط دولت بعد از سال ۱۳۳۵ و تفکیک اراضی به قطعات کوچک، عده‌ای از مهاجرین به‌ویژه از استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، و همدان به این منطقه آمده و اقدام به ساخت‌وساز گسترده کرده‌اند. از اولین سکونتگاه‌های متمرکز در این پهنه می‌توان به مناطق هم‌جوار خیابان‌های لعل آخر، غیاثوند، غرب میدان هاشمی، و بخشی از منطقه جنوبی پهنه در محدوده خیابان‌های فعلی شهید دستغیب و مالک اشتر نام برد. اما در سال‌های ۱۳۴۵ به بعد و به دنبال افزایش جمعیت شهر تهران، کل محدوده مورد ساخت‌وساز قرار گرفت و از سال ۱۳۵۵ به بعد، اراضی بایر و غیرقابل استفاده در این محدوده کمتر دیده می‌شد.

ساخت‌وساز در این محدوده فاقد اصول طراحی، شهرسازی، و معماری بوده و اغلب دارای بافتی متراکم و فشرده است. امروزه بناهای موجود در این پهنه فرسوده بوده است و در برنامه‌های شهرداری برای نوسازی مسکن قرار دارد.

در امتداد محور و در محدوده شمال شرقی میدان آزادی محلات طرشت، تیموری، دریان نو، و تیموری قرار دارند که پیشینه شکل‌گیری تمام آن‌ها به‌نوعی به روستای طرشت مرتبط می‌شود. روستای طرشت قدیم یکی از روستاهای تاریخی دامنه جنوبی البرز بوده که مجموعه آن‌ها را شمیرانات یا قصران می‌نامیدند. طرشت و سایر روستاهای طرشت، نام‌های قدیمی ده طرشت است. قرارگیری این روستا در اراضی هموارتر و دشتی نسبت به سایر روستاهای کوهپایه‌ای پیرامون خود می‌تواند وجه‌تسمیه اسامی قدیمی آن مشتمل بر درشت، دوریست و احتمالاً دوربست، بیست و دستی بوده است. این پهنه در طول تاریخ و تا پیدایش تهران کنونی در عصر صفوی، همواره از توابع روستایی شهری باستان بوده است.

تحولات اساسی برای تعیین سرنوشت روستای طرشت با آغاز قرن ۱۴ شمسی در راه بود. این امر با فروریختن دیوارهای تهران در سال ۱۳۱۱ با دستور رضاشاه رقم خورد. اراضی طرشت بر سهراب جاده قزوین و کرج قرار داشت و با توسعه راه‌های شوسه و اهمیت یابی محور ارتباطی تهران به شمال در معرض توجه سوداگران زمین قرار گرفت. با سقوط دولت پهلوی اول و اشغال نظامی تهران توسط ارتش متفقین در شهریور ۱۳۲۰، نیروی نظامی ارتش شوروی در اراضی طرشت مستقر شدند و اردوگاه و کمپ نظامی خود را برپا داشتند (این کمپ نظامی در حاشیه خیابان



آزادی و در محل فعلی شرکت پارس الکتریک یا فرماندهی بسیج غرب تهران قرار داشت (معصوم، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۶).

بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، روند مهاجرت به تهران و گسترش مرزهای آن در پاسخ به تحولات سریع سیاسی پایتخت آهسته بود. با تثبیت نظام سیاسی-اداری کشور پس از کودتای ۲۸ مرداد و آغاز نوسازی‌ها و رفورم‌های اجتماعی-اقتصادی پهلوی دوم، سرعت حرکت مهاجرین به تهران و گسترش کالبدی آن افزایش یافت. مشاهده عکس‌های هوایی گرفته‌شده از تهران بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۸ نشان‌دهنده چنین شتابی در گسترش جمعیتی و کالبدی شهر تهران در جبهه غربی آن است. احداث کارخانه برق آلستوم در سال ۱۳۳۵، استقرار صنایع کوچک همچون شرکت ایران ناسیونال و شرکت پیسی (زمزم فعلی)، ساخت دانشگاه صنعتی شریف (آریامهر) در سال ۱۳۴۵، عبور خط لوله انتقال آب سد کرج، و وجود زمین‌های زراعی وسیع در اراضی طرشت زمینه‌های زیرساختی اشتغال و اسکان را در این بخش از شهر فراهم ساخت.

به بیانی دیگر، شکل‌گیری پهنه‌های هم‌جوار محور در امتداد آن از نواب تا آزادی در بخش جنوبی در نیمه دوم دهه ۳۰ و دهه ۴۰ شکل گرفتند.

بعدها اقداماتی نظیر گسترش فرودگاه مهرآباد، احداث خیابان آیزنهاور (خیابان آزادی)، و استقرار وسیع صنایع مونتاژ در محور تهران-کرج توجه بورس‌بازان زمین را برای قطعه‌قطعه کردن اراضی طرشت به خود معطوف کرد. در این محدوده از محور فعالیت‌های شاخصی استقرار دارند که در ادامه به شرح آن‌ها پرداخته شده است.

خیابان آزادی (آیزنهاور)

نام خیابان آزادی پیش از پیروزی انقلاب «آیزنهاور»، نام یکی از رؤسای جمهور سابق امریکا، بوده است. او از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۱ سی و چهارمین رئیس جمهور امریکا بود و در طول جنگ جهانی دوم عنوان «ژنرال ارتش» را داشت و فرمانده عالی نیروهای متفقین در اروپا بود.^{۲۰} در سال ۱۳۵۷ شمسی که اوج مبارزات اسلامی مردم ایران بود، یکی از مسیرهای تظاهرات مردمی علیه محمدرضا پهلوی که معمولاً از حوالی میدان انقلاب (۲۴ اسفند سابق) آغاز می‌شد، از طریق خیابان آزادی به میدان آزادی (شهید) می‌رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نام خیابان تغییر کرد و پس از آن نام آزادی را بر این خیابان گذاشتند. اما از آن به بعد این خیابان سمبل برگزاری مراسم گوناگون سیاسی و مذهبی شد، به‌طوری‌که هرساله به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، جمعیت کثیری خود را از این خیابان به محل برگزاری مراسم، یعنی میدان آزادی، می‌رسانند.

^{۲۰} بلانچ ویسن، کرک، امریکا و جنبش‌های ملی، تهران، نگارش، ۱۳۶۵.



در خیابان ۴۵۰ متری آزادی یکی از مهم‌ترین دانشگاه‌های ایران، دانشگاه صنعتی شریف، قرار دارد. کاربری‌های مستقر در طرفین خیابان آزادی عموماً تجاری است؛ بسیاری از دفاتر اصلی شرکت‌های بزرگ صنعتی به‌ویژه شرکت‌های مهم خودروسازی را شامل می‌شود. از جمله مهم‌ترین ادارات واقع در خیابان آزادی می‌توان به سازمان حج و زیارت، وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان آتش‌نشانی، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان گردشگری و میراث فرهنگی، بخشی از وزارت جهاد کشاورزی، و نیز ادارات مرکزی راهنمایی و رانندگی تهران اشاره کرد. در این خیابان بورس وسایل دندانپزشکی و نیز دانشکده دامپزشکی نیز واقع شده است. خیابان آزادی از شرق با خیابان انقلاب اسلامی و سپس خیابان دماوند ادامه پیدا می‌کند تا به جاده هراز برسد. از غرب نیز با جاده مخصوص کرج به شمال و شمال غربی کشور می‌رسد. به عبارت دیگر، خیابان آزادی قسمتی از معبری طولانی است که تهران را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم و دو بزرگراه مهم پایتخت، یعنی یادگار امام و نواب، خیابان آزادی را قطع می‌کند.

دانشگاه صنعتی شریف (آریامهر)

دانشگاه صنعتی آریامهر در سال ۱۳۴۴ باهدف تربیت و تأمین بخشی از نیروهای متخصص موردنیاز ایران، در سطوح بالای علمی، به دستور محمدرضا پهلوی که تا سال ۱۳۵۷ ریاست آن را بر عهده داشت، به دست دکتر محمد علی مجتهدی تأسیس شد.



این دانشگاه به همراه دانشگاه صنعتی اصفهان (دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان سابق) مستقیماً بر اساس ساختار دانشگاه ام‌آی‌تی در امریکا الگوبرداری شدند. معمار اصلی آن حسین امانت، طراح و معمار مشهور ایرانی بود.

دانشگاه صنعتی شریف

در این دانشگاه با استخدام حدود ۵۰ عضو هیئت‌علمی، در اولین دوره پذیرش دانشجو در مهر ۱۳۴۵، حدود ۴۰۰ دانشجو در رشته‌های مهندسی برق، مهندسی مکانیک، مهندسی شیمی، و مهندسی متالورژی پذیرفته شدند. سال بعد دانشکده‌های فیزیک، علوم ریاضی، مدیریت صنعتی، و اقتصاد مهندسی ایجاد شدند. در سال ۱۳۴۸، دانشکده شیمی تأسیس شد و دانشکده مدیریت صنعتی و اقتصاد مهندسی در سطح کارشناسی دانشجو پذیرفت و به دانشکده مهندسی صنایع تغییر نام داد. در سال ۱۳۵۰ نیز دانشکده مهندسی عمران فعلی بانام دانشکده مهندسی سازه تأسیس شد. پس از انقلاب اسلامی ایران، مجموعه دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان و تهران به دو دانشگاه صنعتی تهران و دانشگاه صنعتی اصفهان تفکیک شدند. نام دانشگاه صنعتی تهران در همان سال‌های نخستین پس از انقلاب به افتخار یکی از دانش‌آموختگان این دانشگاه، مجید شریف واقفی، که در جریان انقلاب شهید شده بود به دانشگاه صنعتی شریف تغییر نام داد.



ساختمان میراث فرهنگی

ساختمان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی، و گردشگری

احداث این بنا مربوط به دوره پهلوی دوم در دوره معاصر و معمار آن حسین امانت است که در کارنامه خود برج یادمانی آزادی را دارد. این بنا در خیابان آزادی نبش خیابان زنجان جنوبی واقع شده است. این اثر در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۸۳ با شماره ثبت ۱۱۴۰۰ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

کارخانه زمزم (پپسی کولا)

این کارخانه نیز در ضلع جنوبی محور و در مجاورت خیابان جیحون قرار دارد. نخستین کارخانه نوشابه‌سازی در ایران توسط میرزای تونی در تهران راه‌اندازی اما پس از مدتی ورشکست شد و کارخانه‌اش توسط برادران ساهاکیان که بعداً سلطان نوشابه‌سازی ایران لقب گرفت، خریداری شد. پس از ساهاکیان، حبیب ثابت پاسال - مؤسس تلویزیون ایران، صاحب‌امتیاز پپسی کولا، و شهروند یزدی (صاحب کارخانه خوشگوار در استان خراسان) - به این صنعت روی آوردند. شرکت پپسی تهران در تاریخ ۱۳۳۴/۰۹/۳۰ تأسیس و تحت شماره ۴۴۸۸ در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت رسید. این شرکت پس از انقلاب ۱۳۵۷، به مصادره سازمان بنیاد مستضعفان در آمد و زمزم نام گرفت. اکنون گروه زمزم شامل ۱۱ شرکت نوشابه‌سازی است که زمزم تهران در رأس آن‌ها قرار دارد. با توجه به جذاب بودن روند پر کردن شیشه‌های نوشابه تماشای این خط تولید به سرگرمی برای بخشی از خانواده‌های تهرانی تبدیل‌شده بود.



این عکس را در سال ۱۳۳۵ «ینگه موراس»، عکاس اتریشی، برداشت، نشان‌دهنده چند خانواده تهرانی است که بعدازظهر روز جمعه خود را با تماشای روند تولید نوشابه در کارخانه تازه تأسیس «پپسی کولا» می‌گذرانند.

عکس از خط تولید کارخانه-۱۳۳۵

در ضلع شمالی این کارخانه محله دربان‌نو قرار دارد. سابقه شکل‌گیری محله دربان‌نو در شمال محور به سال ۱۳۳۵ و بلوک‌بندی زمین‌های منطقه و فروش آن توسط فردی به اسم دریانی که اهل تبریز بوده است می‌رسد. در این سال، خیابان زنجان به‌صورت خاکی احداث می‌شود. در این حداث سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۸، محله دربان‌نو کاملاً شکل گرفته و مسکونی می‌شود. در این سال‌ها، خیابان ستارخان در شمال محله بر روی راه‌های خاکی احداث شد و هم‌زمان با شکل‌گیری محله، خیابان‌های بهبودی و شادمان نیز شکل می‌گیرند.



در این دوره، ساخت‌وساز اکثراً توسط بخش خصوصی و معمارهای یزدی و اصفهانی انجام می‌شد. از اتفاقات این دوره، جدا از احداث واحدهای مسکونی در مرز بلافصل شهر، توسعه مکان‌یابی و جای‌گیری برخی عناصر شهری بزرگ در منطقه دو است. از جمله وزارت کار و امور اجتماعی (در جنوب محله توحید) در محور آزادی شکل می‌گیرد (سراوند، ۱۳۸۲، ص. ۴).

محله سلسبیل

محله سلسبیل کنونی (در جنوب محور) جزو اراضی مظفری بوده که پیش از دوره توسعه غرب تهران تپه و گاوداری بوده است. وجه‌تسمیه نام‌گذاری مظفری به میرزا محمود خان حکیم‌الملک، طبیب مظفرالدین شاه قاجار بوده و معامله نیز در زمان حیات مظفرالدین شاه صورت گرفته است. میرزا محمود خان حکیم‌الملک و مشهدی کاظم مغازه با شراکت یکدیگر زمینی به وسعت ۳۰۰ هکتار را از طرشتی‌ها خریداری کردند که شمال آن خیابانی بود، از دروازه باغشاه تا طرشت، از جنوب با خیابانی از جنوب باغشاه تا شمال باغ اکبرآباد، از شرق به دیوار باغشاه که آن را خیابان اسکندری نامیدند، و از غرب به رودخانه خشکی که از شمال به سمت اراضی امامزاده حسن می‌رفته (رودخانه جیحون) محدود بوده است. در سال ۱۳۱۳ محله سلسبیل جزو حومه شهر بوده است.

در اواخر دوره پهلوی دوم، شکل‌گیری پهنه با خیابان‌بندی آغاز شد، دولت در سال‌های ۱۳۲۵ اراضی پهنه را به‌منظور ساخت خیابان خریداری کرد و اولین ساخت‌وسازها آغاز شد. در اواخر دهه ۲۰، پهنه محله سلسبیل با خیابان‌های اصلی شکل گرفت. سال ۱۳۳۲، پهنه کاملاً به شکل کوچه‌باغ و باغ‌های دارای واحدهای مسکونی بدل می‌شود. در دهه ۳۰، خیابان‌های پهنه به‌صورت جاده‌های خاکی بودند. در دهه ۵۰، خیابان‌های پهنه آسفالت شد و تغییرات اصلی در پهنه در همین سال‌ها و قبل از انقلاب رخ داد. بعد از انقلاب تغییرات قابل‌توجهی در محدوده رخ نداده و بیشتر اسامی خیابان‌ها تغییر کرده است.

خیابان آزادی (حداصل خیابان‌های نواب تا ولی‌عصر)

همان‌گونه که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، با تخریب حصار ناصری و احداث معابر جدید خارج از حصار، شهر تهران از جهات مختلف توسعه پیدا کرد. بیشترین توسعه تهران در این دوره بعد از شمال شهر به سمت غرب صورت گرفت. توسعه ناحیه غرب تهران (که پهنه مورد اشاره نیز در آن سو واقع شده است)، در شمال باغشاه، در ادامه توسعه شمال شهر تهران بود که از حد خیابان سی‌متری (کارگر) نیز تجاوز کرد.

اراضی واقع در حدفاصل خیابان‌های نواب صفوی و ولی‌عصر در جنوب محور به‌واسطه مجاورت با هسته‌های شکل‌گیری تهران قدیم و موقعیت بلافصل پهنه نسبت به مراکز حکومتی آن زمان، در روند شکل‌گیری و توسعه تهران و اندکی پس از انتخاب این شهر به پایتختی، از سوی دولتمردان



موردتوجه قرار گرفت. این مهم با انجام ساخت‌وسازهای گسترده کاربری‌های دیوانی-نظامی و ساخت کاخ‌ها و مراکز نظامی در دوره‌های قاجار و پهلوی در این پهنه نمود پیدا کرد. ازجمله این مناطق می‌توان به پهنه‌های باغشاه، اراضی مظفری، و ... اشاره کرد. بنابراین، بررسی شکل‌گیری این بخش از محور بدون توجه به این پهنه‌ها بیانگر روند ایجاد و تقویت نقش آن در چارچوب توسعه شهر نخواهد بود.

دروازه باغشاه، دروازه‌ای در شمال غربی حصار ناصری (تقاطع خیابان کارگر و امام خمینی امروزی) یکی از راه‌های ارتباط شهر با پیرامون به شمار می‌رفت. تا پیش از توسعه شهر به سمت غرب، اراضی این محدوده را که خارج از مرزهای شهر قرار داشتند، تعدادی باغ تشکیل می‌دادند. ازاین‌رو، باغشاه و باغ فرمانفرما به دلیل اهمیت تاریخی آن‌ها یا تغییرات به وجود آمده در آن‌ها، نامشان همچنان در ذهن ساکنان باقی‌مانده است.

این محدوده، در نیم‌قرن گذشته، جزء محدوده شمالی شهر تهران به حساب می‌آمد و عموم افراد متوسط جامعه و مردم عادی برای گذراندن اوقات تفریح خود به این منطقه می‌آمدند. این محله جزء اولین مناطق در شهر تهران بود که کافه‌هایی به سبک اروپایی در آن ایجاد شد و باعث جذب مردم از مناطق دیگر و انتقال انواع فرهنگ‌ها به این منطقه شد. ساختمان‌های موجود در محدوده این منطقه، در دوره پهلوی، اکثراً یک تا سه طبقه بودند و فقط در امتداد خیابان‌های اصلی شهر ساختمان‌های به‌مراتب بلندتری به‌منظور استفاده تجاری ساخته شدند.^{۲۱}

باغشاه (میدان اسبدوانی)

همان‌طور که گفته شد، در محدوده خارج از شهر و در مجاورت دروازه باغشاه، میدان اسبدوانی واقع بود. در دوره ناصرالدین‌شاه، در مکان میدان اسبدوانی باغی متعلق به شاه ایجاد شد که به سبب وجود محوطه مشجر واقع در آن، باغشاه نامیده شد. پیش از توسعه تهران و در حاشیه غربی خارج از شهر، میدانی برای اسبدوانی در گوشه بالای شهر واقع شده بود. این باغ دارای میدان مخصوصی برای نگهداری اسب‌های شاهان قاجار بوده که پیش از توسعه شهر تهران خارج از محدوده شهری و در سمت غرب آن قرار داشته است. به دستور فتحعلی شاه قاجار امارتی در شمال میدان ساخته شد، محمدشاه نیز بنایی به آن افزود و میدان اسبدوانی را در جلوی آن احداث کرد. به سبب وجود محوطه مشجر، چهارصد فواره، و دریاچه بزرگی که از آب قنات پدید آمده بود میدان اسبدوانی را باغشاه خواندند. سپس در پی سیاست‌های نظامی‌گرایانه پهلوی اول، باغشاه که از دوران قاجار به‌جامانده بود، به میدان مشق نظامیان تبدیل شد و تا به امروز به‌عنوان پادگان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

^{۲۱} شناسنامه محلات منطقه شش شهر تهران - ۱۳۸۷.



باغ فرمانفرما

این باغ متعلق به عبدالحسین میرزا فرمانفرما، فرزند میرزا نصرت الدوله بود و در محدوده امروزی در حفاصل خیابان‌های ولیعصر، امام‌خمینی (ره)، کارگر، و جمهوری واقع شده است و محل سکونت خانواده فرمانفرما بود. با روی کار آمدن پهلوی اول، به تدریج در مکان این باغ، کاخ مرمر احداث شد. اراضی اطراف این محدوده نیز متعلق به فرمانفرما بود. وجود چند کوچه و خیابان به نام فرمانفرما در پهنه مور مطالعه گواه این مطلب است. امروزه در امتداد خیابان آذربایجان درمانگاه و هنرستانی واقع شده که موقوفه فرمانفرماست. خانواده فرمانفرما هنرستان ولیعصر را در سال ۱۳۴۶ و درمانگاه فرمانفرمایان را در سال ۱۳۲۸ برای مصرف عامه در اختیار دولت قرار دادند.



تابلو هنرستان و مرکز درمانی ساخته شده توسط فرمانفرما

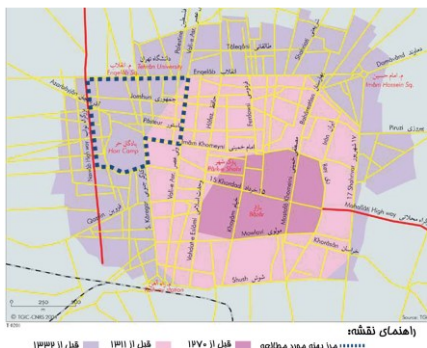
برای احداث کاخ مرمر در سال ۱۳۰۰، بسیاری از اراضی و خانه‌های پیرامون باغ فرمانفرما خریداری و کاخ درون باغ عمارت فرمانفرما و اراضی خریداری شده احداث شد. احداث این کاخ به دستور پهلوی اول و در سال ۱۳۱۳ آغاز شد که تا سال ۱۳۱۶ به طول انجامید. کاخ مرمر و محدوده پیرامونی از شرق به خیابان پهلوی (ولیعصر)، از سمت جنوب به خیابان سپه (امام خمینی)، و از سمت شمال به خیابان پاستور منتهی می‌شد. معماری آن تلفیقی از سبک‌های شرقی و غربی است و این کاخ در ابتدا محل سکونت پهلوی اول و پس از وی پهلوی دوم بود. احداث کاخ مرمر نخستین عاملی بود که سبب رونق سکونت در محدوده اطراف آن شد؛ زیرا در پی سکونت پهلوی اول، برخی افراد صاحب‌منصب دربار، دفاتر کار و خانه‌های خود را در این محدوده بنا کردند و این پهنه محل سکونت بسیاری از رجال حکومتی و اعیان و اشراف شد.

با احداث کاخ مرمر، پهلوی اول، به دلیل ایجاد و تسهیل دسترسی، دستور داد خیابان‌های پهلوی (ولیعصر) را برای ارتباط کاخ مرمر با کاخ صاحب‌قرانیه احداث کنند. احداث خیابان‌های جدید در دوران پهلوی اول، سبب توسعه شهر از جهات مختلف و به خارج از حصار قدیمی آن شد. در پی خیابان‌کشی‌های دوران پهلوی، ابتدا خیابان‌های خیام و بوذرجمهری، سپس شاه (جمهوری) و فردوسی و پس از آن پهلوی (ولیعصر) و شاه رضا (انقلاب) این نقش را بر عهده گرفتند و جاده‌های جدید مانند خیابان‌های کاخ (فلسطین) و پهلوی (ولیعصر) شهر را به اقامتگاه‌های تابستانی شمیران متصل کردند.



هرچند اقدامات پهلوی اول در سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ در مورد تحولات تهران نسبتاً دیر هنگام بود و اغلب تا پایان سلطنت وی ناتمام ماند، عمیق و غیرقابل برگشت بود. احداث چندین مجموعه اداری و نظامی و وجود مسیرهای ارتباطی پرتردد به خارج از شهر، به‌ویژه در امتداد مسیر قدیمی جاده قزوین، از عوامل کشش توسعه شهر به سمت غرب و شمال غربی بود.

در آغاز دوران پهلوی، شروع روند شتابان دگرگونی بافت‌های شهری با تفکر مدرنیزاسیون بود که با



احداث شبکه‌های شطرنجی و عناصر جدید زندگی شهری، مفهوم شهرنشینی را دگرگون و شیوه‌های زیست ساکنان را دچار تحول می‌کند.

همان‌طور که در نقشه مشاهده می‌شود، در این دوره بیشترین میزان توسعه شهر در غرب دارالخلافه به وقوع پیوست و تا سال ۱۳۳۲ (تا اواسط دوران پهلوی دوم)، پهنه موردبررسی کاملاً در درون شهر قرار می‌گیرد.

توسعه شهر تهران تا اواسط دوران پهلوی دوم

این گسترش در بخش‌های شمالی محور در محدوده موردبررسی با هویت غالب فرهنگی-آموزشی و نیز تقویت کارکرد آن در سطح شهر تهران همراه بوده است. در حقیقت می‌توان گفت، تأثیر دانشگاه تهران و نفوذ انتشارات وابسته به دانشگاه و کتابفروشی‌ها که عمدتاً در دوره پهلوی دوم در مرز شمالی پهنه و نیز معابر فرعی‌تر منشعب از آن استقرار یافتند، سبب توسعه فضاهای آموزشی پهنه شده است. صرف‌نظر از دانشگاه‌ها و فضاهای آموزشی، یکی دیگر از تحولات به وقوع پیوسته در دوره پهلوی دوم در پهنه موردبررسی، احداث سینما در مرزها و درون بافت پهنه بود.

سینما به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی، آموزشی، و تفریحی در دوره پهلوی گسترش یافت و مورد استقبال مردم قرار گرفت. تعدادی از قدیمی‌ترین سینماهای احداث‌شده در دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی در مرز شمالی و درون بافت، در امتداد خیابان شاه (جمهوری) احداث شدند که برخی از آن‌ها



سینما سانترال (مرکزی)

به‌مرور زمان تعطیل یا تغییر کاربری یافته‌اند. سینماهای احداث‌شده در مرز شمالی پهنه و در امتداد خیابان شاهرضا (انقلاب) به لحاظ قرارگیری در یکی از نقاط فرهنگی و مجاورت با دانشگاه تهران و جذب مراجعان دانشگاه، اهمیت بالایی داشت و از عمده‌ترین عوامل توسعه فرهنگی پهنه به‌حساب می‌آمدند.



سینما کاپری (بهمن) در ضلع شمال شرقی میدان ۲۴ اسفند (انقلاب) و سینما سانترال (مرکزی) در ضلع جنوب غربی میدان در اواخر دهه ۱۳۳۰ و اوایل دهه ۱۳۴۰ احداث شدند. حضور این سینماها به‌عنوان کاربری شهری نشان از کیفیت بالای زندگی شهری در گذشته این پهنه دارد. اما با گذر زمان و توسعه شهر تهران به سمت مرزهای شمالی و غربی، این پهنه روزبه‌روز مرکزیت بیشتری یافت و تراکم عملکردی بالایی در آن متمرکز شد. عملکردهای تجاری غالب نواحی پهنه را پوشانند و کیفیت زندگی شهری به‌ویژه در ضلع جنوبی محور تنزل پیدا کرد.

محدوده شمال پهنه موردبررسی، امروزه به محدوده‌ای خدماتی در سطح شهر تبدیل شده است. این پهنه زمانی شکل گرفت که در اثر افزایش مهاجرت به تهران، توسعه شهر از مرز محدوده قانونی آن زمان گذشت و موجب جابه‌جایی گروه‌های جمعیتی و طبقات اجتماعی مختلف بر مبنای جداسازی جغرافیایی در تهران شد. به‌طوری‌که مهاجران در حاشیه شهر سکنی گزیدند و به‌تدریج در روند روبه رشد توسعه تهران، حاشیه‌نشینان به مناطق جنوبی تهران پناه آوردند و ساکنان قدیمی هسته مرکزی به اراضی شمالی شهر نقل‌مکان کردند. در نتیجه این مهاجرت‌ها، محله‌های با هویت و ارزشمندی چون جلالیه، یوسف‌آباد، و امیرآباد شکل گرفتند که تا به امروز کمابیش هویت خود را حفظ کرده‌اند. بدین ترتیب، بستر دربرگیرنده محدوده موردبررسی را جامعه‌ای محلی تشکیل داد که در آغاز دوره شکل‌گیری محله، جزء طبقات بالای اجتماعی و فرهنگی تهران به شمار می‌آمدند. این پهنه که تا اواسط دهه ۱۳۳۰ مرز شمالی شهر را تشکیل می‌داد و از محله‌های شمال شهر به حساب می‌آمد، باگذشت زمان و توسعه شهر تهران، به‌تدریج موقعیت جغرافیایی خاصی در شهر به دست آورد و موقعیت مرکزی پیدا کرد. عواملی نظیر خیابان‌های شهری با کاربری غالب اداری، آموزشی، و فرهنگی در درون و مرزهای پهنه، وجود دانشگاه تهران، و تمرکز کاربری‌های آموزشی وابسته در پهنه باعث شد تا بیشتر نقش خدماتی داشته باشد و در موارد محدودی شامل کاربری مسکونی و هویت محله‌ای شود.

شکل‌گیری دانشگاه تهران و اهمیت و ارزش آن به‌عنوان اولین و بزرگ‌ترین فضای دانشگاهی در ایران به‌نوعی سهم بسزایی در تغییرات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی کشور داشته است. همچنین قرارگیری بسیاری از عناصر حکومتی، وزارت‌خانه‌ها، و ... در درون و مرزهای پهنه موردبررسی نشان‌گر این است که این پهنه از گذشته‌های دور پذیرای اقشار تصمیم‌ساز سیاسی و اجتماعی بوده و از آن زمان تاکنون منشأ تأثیرات اساسی در تحولات ساختاری شهر تهران همچنین نقطه شروع بسیاری از تحولات اجتماعی بوده است.

در این محدوده علاوه بر دانشگاه تهران، عناصر مهمی شکل و قوام‌یافته‌اند که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به بلوار کشاورز و مراکز فرهنگی چون موزه‌های فرش و هنرهای معاصر، پارک لاله و مهم‌تر از آن‌ها میدان انقلاب (۲۴ اسفند) اشاره کرد که در ادامه به شرح آن‌ها پرداخته شده است.



میدان انقلاب (۲۴ اسفند)

میدان ۲۴ اسفند در تقاطع خیابان‌های انقلاب، کارگر، و آزادی یکی از میدان‌های اصلی شهر تهران به شمار می‌رود. این میدان در دوران قاجاریه جزو اراضی بایر خارج از شهر بوده است. در دوران پهلوی اول و در سال ۱۳۱۱، طبق اطلاعیه بلديه (شهرداری تهران) میدان وارد محدوده شهر شد. به عبارتی، میدان انقلاب نتیجه رشد شهر تهران در فاصله سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۲۰ است.



میدان انقلاب قبل از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب، نام میدان از ۲۴ اسفند به انقلاب تغییر یافت که بیانگر تغییر عظیمی است که در دهه‌های گذشته رخ داده است؛ به‌طوری‌که این میدان از ایفای نقش تفریحی-فرهنگی در دوران مدرنیته پهلوی دوم به ایفای نقش فرهنگی-آموزشی و سیاسی-اجتماعی تغییر نقش داد و به‌واسطه تقویت نقش مرکزی، ازدحام و شلوغی ناشی از آن، توسعه شهر و تبعات آن به‌نوعی عملکرد تفریحی و فراغتی خود را مشابه آنچه پیش از انقلاب داشته ازدست‌داده است.



به دلیل مرکزیت این میدان و نیز امکان دسترسی به دیگر مناطق شهر، روزانه افراد بسیاری از این میدان می‌گذرند. پیش‌ازین، بنای یادبود «هشت سال دفاع مقدس» در مرکز این میدان قرار داشت و در سال ۱۳۸۸ طی عملیات عمرانی راه‌اندازی ایستگاه مترو تهران جای خود را به یک حجم گنبدی شکل داد.

میدان انقلاب در سال ۱۳۸۸

میدان به دلیل استقرار در مرکزیت جغرافیایی شهر تهران از یک‌سو و به لحاظ موقعیت و هم‌جواری با مرکز ثقل قدیمی شهر (محدوده بازار، میدان ارگ، و توپخانه)، تحت تأثیر اقدامات پهلوی اول و حرکت تدریجی مرکز شهر به سمت شمال و شمال غربی از دیگر سو قرار گرفته است. در سال‌های بعد با گسترش تهران، میدان انقلاب به‌عنوان مرکز شهر مطرح شد. وجود دانشگاه تهران در نزدیکی این میدان و نقش آن در مرتبط کردن جاده کرج به جاده دماوند، اهمیت این مرکز را دوچندان ساخت.

با شکل‌گیری دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزشی هم‌جوار، به‌مرور واحدهای تجاری پیرامون میدان نیز گسترش یافتند؛ شمار زیادی از این واحدها هم‌سو با کارکرد دانشگاه و تحت تأثیر آن و شمار دیگری نیز برای پاسخ‌گویی به نیازهای روزمره ساکنان و مسافران شکل گرفتند. به‌طوری‌که امروزه بیشترین تعداد کتاب‌فروشی‌ها و انتشارات به‌طور متمرکز در این محدوده فعالیت دارند. سینما بهمن در شمال شرقی میدان، سینماهای مرکزی، شهر تماشا، و پارس در جنوب غربی میدان و در شمال و جنوب میدان نیز بازار عرضه مواد غذایی و ... قرار دارند.



علاوه بر این، امروزه میدان انقلاب به واسطه واقعه انقلاب و زنجیره وقایع پس از انقلاب اسلامی، چهره‌ای سیاسی، دولتی، و حکومتی یافته که مربوط به روزهای خاص و از جنس تجمع‌ها، راهپیمایی‌ها، سخنرانی‌ها، و ... است.



نمونه‌ای از تجمعات در میدان

به بیانی دیگر، سلسله تجمعات قبل از پیروزی انقلاب در این محدوده بعد از آن نیز ادامه یافته و به واسطه برپایی نماز جمعه در دانشگاه تهران نیز تقویت شده است.

دانشگاه تهران



ایجاد این دانشگاه در پی نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه به متخصصان و کارشناسان رشته‌های گوناگون علمی، فنی، و هنری در دوره پهلوی اول و در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۱۳ شمسی، با خرید زمین‌های جلالیه برای ساخت دانشگاه تهران شکل گرفت و سرانجام در روز پانزدهم بهمن ۱۳۱۳ شمسی در مساحتی حدود ۲۲۵۰۰۰ مترمربع در شمال شهر تهران سنگ بنای این نهاد آموزشی به دست رضاشاه گذاشته شد.

عکس هوایی دانشگاه تهران

دانشگاه تهران بزرگ‌ترین مرکز آموزش عالی در ایران و قدیمی‌ترین دانشگاه ایران است. در نام‌گذاری آن به اصرار شخص رضاشاه، فرهنگستان زبان واژه «دانشگاه» را به جای «اونیورسیت» برگزید.

دانشگاه تهران با داشتن چندین دانشکده^{۲۲} و مدرسه عالی، و دانشسرا روزبه‌روز گسترش یافت، ساختمان‌های پراکنده آن در شهر به درون دانشگاه انتقال پیدا کرد، و بسیاری از بناها، دانشکده‌ها، و مؤسسات در خارج از ساختمان‌های مرکزی باقی ماندند.^{۲۳} دانشگاه تهران هم‌اکنون ۲۵ دانشکده دارد و با داشتن ۳۲ هزار دانشجوی یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های خاورمیانه است.

پردیس دانشگاه تهران که از جنوب به خیابان انقلاب، از شمال به خیابان پور سینا، و از شرق و غرب به ترتیب به خیابان‌های قدس و ۱۶ آذر محدود است، در سال ۱۳۱۳ شمسی در مساحتی به وسعت ۲۱ هکتار تأسیس شد. در این مجموعه، ساختمان دانشکده‌های هنرهای زیبا، ادبیات و علوم

^{۲۲} مهم‌ترین واحدهای دانشگاه تهران شامل دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی، اقتصاد، بهداشت، پزشکی، دانش‌سرای عالی مامایی (و آموزشگاه‌های دیگری چون فیزیوتراپی و بهیاری)، بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه، دانشکده‌های جنگل‌داری، حقوق، داروسازی، دامپزشکی، دندانپزشکی، علوم، فنی، کشاورزی، علوم اداری و مدیریت بازرگانی، علوم تربیتی، هنرهای زیبا و مؤسسات گوناگون دانشگاهی (مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تحقیقات اقتصادی، تحقیقات بهداشتی، ژئوفیزیک، علوم جزا و جرم‌شناسی، مرکز اتمی دانشگاه، سازمان لغت‌نامه، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، کتابخانه دانشگاهی (مرکزی-دانشکده‌ای)، کوی دانشگاه، تأسیسات دانشگاهی مانند باشگاه، کانون، چاپخانه، و ... است.

سر^{۲۳} تکمیل همایون، ناصر، تاریخ/اجتماعی و فرهنگی تهران، جلد سوم.



انسانی، علوم، فنی، حقوق و علوم سیاسی، پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، ساختمان کتابخانه مرکزی که از مهم‌ترین کتابخانه‌های کشور به شمار می‌آید، و مسجد دانشگاه واقع شده است. سازمان مرکزی دانشگاه، اداره امور دانشجویی، مرکز بهداشت و درمان دانشجویان، دانشکده محیط‌زیست، جغرافیا، و ... نیز در خیابان‌های اطراف دانشگاه قرار دارند. دانشکده‌های علوم اجتماعی، علوم تربیتی، کوی دانشگاه، اقتصاد، الهیات و معارف اسلامی به ترتیب در امیرآباد شمالی و خیابان مطهری واقع شده‌اند. شماری دیگر از دانشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی دانشگاه تهران نیز در بیرون از شهر تهران و در شهرهای قم، کرج، پاکدشت، ساری، چوکا، و نشتارود واقع شده‌اند. در سال ۱۳۷۰ شمسی دانشکده‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی از دانشگاه تهران جدا شدند و دانشگاه علوم پزشکی تهران را تشکیل دادند.

پردیس دانشگاه تهران زمینی مستطیل‌شکل با محور شمالی- جنوبی است که شیبی از جهت شمال به جنوب دارد. با به وجود آوردن فضایی باز در بخش میانی محور در امتداد محوطه اصلی زمین (شمالی-جنوبی) ارتباط بصری و فضایی را میان اجزای مجموعه به وجود آورده است، به‌مثابه مراکز و هسته ارتباطی دانشجویان عمل، و عناصر مجموعه را در اطراف خود سامان‌دهی می‌کند که به‌صورت طراحی فضای سبز و وسیعی که در ابتدا به زمین‌های فوتبال و تنیس اختصاص یافته و دانشکده‌ها در اطراف آن سامان‌دهی شده‌اند، در بخش میانی زمین مشاهده می‌شود. طراحی متقارن و محوری حول دو محور شمالی-جنوبی و شرقی- غربی زمین از دیگر عوامل حاکم بر طرح مجموعه بوده که به‌صورت طراحی دو مسیر پیاده، از ورودی جنوبی آغاز و در شمال به فضای سبز و دانشکده پزشکی ختم می‌شود، و یک مسیر اصلی شرقی-غربی، زمین را به دو بخش مساوی تقسیم می‌کند.

تأسیس دانشگاه تهران که با آغاز آشنایی جدی ایرانیان با مغرب زمین مقارن بود، این دانشگاه را به بستر اصلی ارتباط با تمدن مغرب زمین و علوم جدید تبدیل کرد. از آغاز فعالیت‌های آموزشی دانشگاه تهران تاکنون، همواره افراد شایسته، شخصیت‌های برجسته، و چهره‌های صاحب‌نامی در آن به تدریس یا تحصیل پرداخته‌اند. این دانشگاه بر اساس مؤسسات آموزش عالی فرانسه الگوبرداری شد و حتی طراحان ساختمان‌های دانشگاه تهران مهندسين فرانسوی (رولاند دوبرول، ماکسیم سیرو، مارکوف، الکساندر موزر، و آندره گدار) و محسن فروغی بودند و دروس و برنامه‌های هنرکده (دانشکده هنرهای زیبای فعلی) دقیقاً بر اساس الگوی مؤسسه «اکول د بوزار» طراحی شد.

در اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی، ساختار درسی و پژوهشی دانشگاه رفته‌رفته به سمت الگوبرداری از سیستم دانشگاه‌های آمریکایی شروع به حرکت کرد. به‌طور نمونه، دانشکده کشاورزی این دانشگاه به کمک دانشگاه یوتا توسعه و گسترش یافت، دانشگاه‌های دیگر آمریکایی که مستقیماً ناظر فعالیت‌های علمی و آکادمیک دانشگاه تهران بودند عبارت‌اند از دانشگاه ایندیانا، دانشگاه ایلینوی در اوربانا شامپاین، دانشگاه کلرادو در بولدر، دانشگاه آلاباما، و دانشگاه ایالتی کلرادو.



پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران و دو سال تعطیلی اجباری در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ به واسطه انقلاب فرهنگی ایران توسط جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۶۴ دانشکده‌های علوم پزشکی از دانشگاه تهران به دستور بخشنامه جدید دولت رسماً جدا و مستقل شدند و دانشگاه علوم پزشکی تهران را تشکیل دادند، اما بر اساس تفاهم‌نامه بین دو دانشگاه، اعضای هیئت‌علمی دانشجویان و پژوهشگران دو دانشگاه کماکان متعهدند مقالات علمی و پژوهشی خود را در مجلات، کتب، و کنفرانس‌های خارجی و بین‌المللی با یک نام به چاپ برسانند. تأسیس دانشگاه تهران و رفت‌وآمد مکرر طبقه دانشگاهی موجب شد بافت اطراف به سرعت، به سبب اقامت استادان و دانشجویان در خانه‌های مجاور دانشگاه و گشایش کتاب‌فروشی‌های متعدد، دارالترجمه‌ها، دفاتر حقوقی، و ... سابقه فرهنگی پیدا کند. همچنین از آنجاکه در تاریخ معاصر ایران قشر روشنفکر دانشگاهی در تمام تحولات، وزنه اساسی به شمار می‌آمدند، کانون تحولات سیاسی و برگزاری هرگونه مراسم، میتینگ، و راهپیمایی دانشگاه تهران و اطراف آن بوده است. در دوران پهلوی اول، دانشگاه کمابیش محیطی صرفاً علمی بود و ردپایی از سیاست، حداقل به شکل علنی، در آن دیده نمی‌شد. اما با سقوط حکومت پهلوی اول در شهریور ۱۳۲۰ و باز شدن فضای سیاسی، دانشگاه تهران مرکز فعالیت گروه‌های مختلف سیاسی شد. نقطه اوج این فعالیت‌ها سال‌های پایانی دهه ۲۰ و آغاز دهه ۳۰ بود، یعنی هنگام ملی شدن صنعت نفت و صدارت دکتر محمد مصدق که با حوادثی چون ترور نافرمان پهلوی دوم در دانشگاه تهران به سال ۱۳۲۷ و حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشکده فنی توأم شد و دانشگاه تهران را در آن دوران به یکی از کانون‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی تبدیل کرد.

در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، دانشگاه تهران و خیابان‌های مجاور آن یکی از مراکز مهم راهپیمایی دانشجویان بود. از آن پس دیگر دانشگاه تهران و اطراف آن مهم‌ترین مرکز بسیج نیروهای سیاسی مخالف رژیم پهلوی تلقی می‌شد. پس از انقلاب نیز نام خیابان شاه رضا به خیابان «انقلاب» و نام میدان «۲۴ اسفند» به میدان «انقلاب» تغییر کرد که این مهم نشان‌دهنده نقش این مکان در شکل‌گیری انقلاب اسلامی است. بدین ترتیب، محور و میدان انقلاب همچنان نقش سیاسی- اجتماعی خود را تا حد زیادی حفظ کرده، از سال ۱۳۵۷ تاکنون، شاهد تجمعات و راهپیمایی‌های گوناگونی نظیر روز قدس، برگزاری نماز جمعه، و ... بوده، و گویا شهر تهران این مسیرها را به عنوان



بستری برای راهپیمایی‌های گوناگون پذیرفته است. خیابان انقلاب بدون داشتن طراحی و برنامه‌ریزی مناسب برای تبدیل شدن به فضای جمعی و تنها به دلیل مجاورت با دانشگاه تهران و موقعیت جغرافیایی خود و تنها در فضای عرض پیاده‌رو و عقب نشستن سردر دانشگاه، تأثیرگذارترین فضای جمعی در طول دوران مختلف بوده است.

تظاهرات مقابل دانشگاه تهران-۱۳۵۷



باوجود فضاهای دیگر با همین قابلیت در مجاورت سایر دانشگاه‌ها، وجود سابقه تاریخی، و خاطره مشترک شهروندان از این فضا ظرفیت ویژه‌ای برای آن ایجاد کرده؛ به‌طوری‌که فضای مقابل سردر دانشگاه تهران عرصه رویدادهای سیاسی-اجتماعی مهمی بوده است و یکی از خاطره‌انگیزترین فضاهای دوران انقلاب و تظاهرات‌های مدنی-سیاسی محسوب می‌شود.

سردر اصلی دانشگاه تهران نیز یکی از نمادهای فرهنگی^{۲۴} تأثیرگذار به‌شمار می‌رود. این سردر



سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۶ خورشیدی بر پایه طرحی از کوروش فرزنامی، یکی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ساخته شده است. محاسب این طرح سیمون سرکیسیان بوده و ساخت آن را شرکتی ایرانی بنام «شرکت آرمه» بر عهده داشته است.

سر در دانشگاه تهران

پس از انقلاب، نماز جمعه تهران برای اولین بار در دانشگاه تهران اقامه شد که این دانشگاه در طول این سال‌ها بیشترین تعداد نماز جمعه‌ها را به خود اختصاص داده است. در آبان سال ۱۳۶۷ به درخواست ائمه جمعه تهران، امام خمینی (ره) دستور به ساخت مصلی دادند و به‌دنبال آن مجوز ساخت مصلی آغاز شد. از تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۸۲ نیز قرار بر انتقال نماز جمعه به مصلی تهران بود که با امامت مقام معظم رهبری اولین نماز جمعه در مصلی برگزار شد؛ اما به دنبال بروز برخی مشکلات تا رفع آن‌ها همچنان دانشگاه تهران می‌عادگاه جمعه‌های نمازگزاران است.

دانشگاه تهران به دلیل کارکرد آموزشی، جایگاه یگانه‌ای که از نظر فرهنگی (دانشگاه مادر و محل برگزاری نماز جمعه) در تهران دارد، و نیز محل قرارگیری در بافت فشرده مرکز شهر در نزدیکی شمال شرقی میدان انقلاب بسیار حائز اهمیت است. این ویژگی‌ها باعث شده است که این مجتمع به‌عنوان یکی از عناصر بااهمیت استخوان‌بندی اصلی شهر تهران قلمداد شود.^{۲۵}

استقرار تعداد کثیری از انواع آموزشگاه‌های رسمی و غیررسمی در زمینه‌های مختلف علمی و هنری پیرامون محور به همراه کتاب‌فروشی‌ها، دفاتر نشریات، مراکز عرضه محصولات فرهنگی، و نظایر آن‌ها، کافه‌ها، و سینماهایش باعث شده است تا نقش فرهنگی و اجتماعی این بخش از محور تقویت شود و آن را به کانونی فرهنگی بدل کند.

شکل‌گیری بازارهای تخصصی مرتبط با نشر و فروش کتاب در خیابان انقلاب و برخی معابر این پهنه در مقیاس عملکردی شهری و فرا منطقه‌ای به همراه دانشگاه تهران کارکرد این محدوده را شهری و فرا منطقه‌ای ساخته است. بازار تخصصی کتاب و نشر سبب نفوذ این فعالیت‌ها در بافت

^{۲۴} این اثر در ۱۸ آبان ۱۳۷۸ به شماره ۲۴۴۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

^{۲۵} همان منبع



پیرامون محور عمده‌تاً در ضلع جنوبی شده تا جایی که برخی بناهای مسکونی قدیمی محدوده نیز به انبار کتاب تبدیل شده‌اند.

محدوده پیرامون **دانشگاه تهران** از ابتدای شکل‌گیری تاکنون مراحل و دوره‌های مختلفی طی کرده که در حال حاضر از هر یک از این دوره‌ها نمود معماری رایجی باقی‌مانده است. بناهایی کوتاه‌مرتبه با ویژگی هویت‌مند معماری خاص دوره پهلوی اول در قسمت‌هایی از محدوده همچنان باقی‌مانده است. گستردگی بنا در سطح، نسبت کم بازشوها در نما، استفاده گسترده از آجر قزاقی، و تزئینات ابنیه به‌ویژه تزئینات آجرکاری نمونه‌ای از ویژگی‌هایی است که منجر به برخورداری محله از بدنه‌های هماهنگ و موزون شده است. برخی از بناهای محدوده نیز، باقی‌مانده از ابنیه احداث‌شده در دوره پهلوی دوم‌اند. بناهای این دوره در قالب دودسته مسکونی و عمومی قابل دسته‌بندی است. معماری این دوران که به‌صورت التقاطی و هم‌زمان با ورود معماری مدرن غرب به ایران و آمیزش معماری ایران و معماری غربی است، دارای ویژگی‌هایی است که در برخی از بناهای محدوده مشاهده می‌شود. استفاده از آجر، نوع بازشوها، مرکزیت و تقارن، استفاده از تراس‌های ممتد، فضاهای ورودی، و ... ازجمله این ویژگی‌هاست که در نتیجه آن، بناها واجد ویژگی‌های معماری شاخص دوره خود هستند.

تاجایی که دکتر جنیدی محوطه اطراف دانشگاه را محوطه‌ای یگانه دانسته و می‌گوید: «تمام ساختمان‌های این محوطه بعد از جنگ جهانی دوم ساخته شدند و همه از ویژگی معماری ایرانی برخوردار بودند. متأسفانه برای توسعه دانشگاه، بیشتر آن‌ها خریداری و ویران شدند. اما از خانه‌های باقی‌مانده می‌توان حدس زد این محله چقدر زیبا بوده و شخصیت معماری معاصر ایرانی و کم‌نظیری داشته است».

نمونه دیگر و گونه جدیدی از بناهای دوره پهلوی دوم، ابنیه بلندمرتبه‌ای است که در دوران پهلوی دوم برای اولین بار در تاریخ معماری ایران ظهور کرد. برج‌های سامان و وزارت کشاورزی ازجمله این موارد است که در مرز شمالی پهنه واقع شده‌اند. این‌گونه معماری در پیروی کامل از اصول معماری مدرن غرب شکل گرفت و دارای ویژگی‌هایی ازجمله اصول معماری مینیمال، پرهیز از تزئینات و نماهای ساده و یکدست است.

دسته دیگر از ابنیه، بناهای شکل‌گرفته در دوره بعد از انقلاب است. در این دوران، با شکل‌گیری طیف گسترده‌ای از انواع ابنیه در محدوده مواجه هستیم که ویژگی‌های بسیار متفاوتی با یکدیگر دارند. این ابنیه تقریباً در هیچ نقطه‌ای اشتراک ندارند و فاقد هرگونه هماهنگی با یکدیگرند. انبوهی از ابنیه با ارتفاع‌های گوناگون، کیفیت‌های ساخت، و جزئیات نمای بسیار متفاوت که بعضاً اغتشاش بصری را سبب شده‌اند. این ساختمان‌های ظاهراً مدرن که اکثراً کاربری‌های اداری دارند، دارای نماهایی از جنس آلومینیوم و شیشه و به‌طور تقریبی ۶ و ۷ طبقه‌اند.



با توجه به موقعیت محدوده و استقرار بسیاری از کاربری‌های اداری در مقیاس شهری و کارکرد پهنه به‌عنوان لکه‌ای خدماتی در مقیاس شهری، به‌مرورزمان بر تعداد کاربری‌های اداری افزوده شد.

همچنین قرارگیری دانشگاه در مجاورت پهنه فرهنگی-هنری (پارک لاله) در ضلع شمالی آن، از ویژگی‌های خاص محدوده به شمار می‌رود. این پهنه سهم قابل‌توجهی از رویدادهای فرهنگی تاریخ معاصر تهران را دربر دارد. مجموعه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی و بناهای ضلع جنوبی بلوار کشاورز، در جذب ساکنان این محدوده تأثیرگذار بوده است. تبدیل باغ جلالیه به پارک فرح (لاله) و احداث موزه‌های فرش و هنرهای معاصر در دهه ۱۳۵۰ (حدود سال ۱۳۵۶) با عملکردی در مقیاس شهری، فرا شهری، ملی و بین‌المللی موجب شکل‌گیری هویت ویژه هنری برای این محدوده از شهر تهران و جذب مخاطبان به این فضاها شده است.

بنابراین، با توجه به اهمیت هم‌پوندی حوزه فرهنگی دانشگاه با این حوزه هنری، در ادامه به شکل‌گیری برخی عملکردهای بارز مرتبط با ضلع شمالی محدوده موردبررسی پرداخته‌شده است.

بلوار کشاورز (الیزابت)

شمالی‌ترین حد این محدوده به بلوار کشاورز یا الیزابت سابق منتهی می‌شود. این بلوار از زمان شکل‌گیری تاکنون به‌شدت تغییر کرده است. بلوار کشاورز (الیزابت) در فاصله سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۵ تا اوایل دهه ۴۰ با جاری شدن نهر آب کرج در امتداد آن، فضای تفریحی در شمال غربی تهران محسوب می‌شد و مورد استفاده اқشار میانی جامعه به‌ویژه برای تفریح قرار می‌گرفته است.



بلوار الیزابت در دهه ۴۰

اما هم‌اکنون، باوجود استقرار فروشگاه‌های فروش پوشاک و در امتداد این محور در مجاورت میدان ولی‌عصر، سینما بلوار، بدنه و ورودی جنوبی پارک لاله، همین‌طور فضای سبز، نهر آب، استقرار مبلمان شهری در میان آن، و ظرفیت‌های فرهنگی موجود کمتر حالت قدیمی خود را حفظ کرده و دیگر چندان مورد استفاده تفریحی قرار نمی‌گیرد. تنها استفاده‌کنندگان از این فضای سبز میانی، افرادی‌اند که به‌قصد مراجعه به فضای خاصی از این محور برای گذر استفاده می‌کنند. دلیل اصلی آن این است که بلوار الیزابت (نهر آب کرج) در ابتدای شکل‌گیری در مناطق شمالی تهران و دور از کاربری‌های مرکز شهر واقع شده بود تا جایی که تا اواسط دهه ۱۳۳۰، مرز شمالی شهر تهران محسوب می‌شد و به‌عنوان محور تفریحی و تفرجگاهی شهری عمل می‌کرد.



باگذشت زمان و تمرکز روزافزون کاربرهای گوناگون در این محور و پیرامون آن، روزبه‌روز نقش تفرجگاهی بلوار کمرنگ‌تر و به معبری برای تأمین دسترسی به خدمات مذکور بدل شد. به بیانی دیگر، از بین رفتن عملکرد تفریحی این بلوار ناشی از توسعه تهران در مناطق پیرامونی بلوار و تأثیر آن در تشدید موقعیت مرکزی آن بوده است. این موضوع در کنار نقش ترافیکی بلوار کشاورز به‌عنوان محور مواصلاتی به میدان ولیعصر، همگی منجر به غلبه عملکرد عبوری و ترافیکی بر عملکرد تفرجگاهی در بلوار کشاورز شد.

پارک لاله (فرح)



این پارک با مساحتی معادل ۳۵ هکتار در مقیاس شهری عمل می‌کند، از قدیمی‌ترین پارک‌های تهران است که در دهه ۱۳۴۰ در مکان میدان اسبدوانی جلالیه شکل گرفت. در دوران پهلوی اول، میدان بزرگ اسبدوانی احداث شد و این میدان در اختیار ارتش و محل رژه سربازان مقیم مرکز بود که برای رژه از آن استفاده می‌شد.

نمایی از پارک لاله در دهه ۴۰

در دوره پهلوی دوم، ارتش این اراضی را درازای مطالبات وزارت دارایی به آن وزارتخانه واگذار کرد. این پارک در سال ۱۳۴۵ به درخواست فرح پهلوی از پادشاه احداث شد. طرح احداث پارک توسط معمار فرانسوی (ژوفه)، سایر طراحان پارک، و همکاران ایرانی تهیه و سایر عملیات اجرایی بر عهده شهرداری گذاشته شد. شهرداری عملیات اجرایی را طبق طرح ادامه داد تا در سرانجام در سال ۱۳۴۵ پارک فرح^{۲۶} تأسیس شد. پس از انقلاب، نام این پارک ابتدا به پارک خسرو گل‌سرخ و سپس به بوستان لاله تغییر یافت. بخش جنوب شرقی این پارک به شیوه پارک‌های ژاپنی طراحی شده و دارای آب‌نما و جویبارهای مارپیچ است. در خیابان‌های شمالی پارک، محوطه میزهای شطرنج جای‌داده شده است. زمین‌های ورزشی پارک شامل زمین‌های بسکتبال و والیبال نیز در بخش شمالی جای گرفته است. در این پارک همچنین یک مرکز تئاتر عروسکی، یک کتابخانه زیرپوشش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، و یک مسجد دایر است. مجسمه‌ها و تندیس‌های گوناگونی نیز در این پارک وجود دارد که نامدارترین آن‌ها تندیس خیام و تندیس ابوریحان بیرونی است. پارک لاله از گذشته تاکنون شاهد فعالیت‌هایی چون برگزاری مراسم اجتماعی-فرهنگی مختلفی نظیر گاردن‌پارتی، عملیات چتربازی نمایشی، ارائه اولین ماشین برقی، و برگزاری اولین سیرک در تهران بوده که این خصیصه اجتماعی خود را هم‌اکنون نیز حفظ کرده است و همواره شاهد حضور اجتماعی و فرهنگی مداوم در این پارک هستیم.

^{۲۶} یوسفی، حسن، دین‌های تهران، چاپ اول، مؤسسه کتاب همراه، ۱۳۷۶، ص. ۵۰، شابک ۹۶۴۶۰۳۴۳۵۷.



خیابان انقلاب (حداصل محورهای پهلوی (ولی‌عصر) و فردوسی)

در ادامه بررسی در امتداد مسیر محور به سمت شرق، ویژگی‌ها و سابقه شکل‌گیری پهنه حذفاصل محورهای پهلوی (ولی‌عصر) و فردوسی در مجاورت محور بررسی شده است.

توسعه اولیه شهر همچون بیشتر مراحل بعدی توسعه شهر تهران، غالباً به‌سوی شمال بود. خندق شمالی شهر که از شمال مجموعه ارگ و جنوب محور فعلی سی تیر عبور می‌کرد پر شد و اطراف ارگ به خیابان‌های جدید تبدیل شد.

در این‌بین، ایجاد خیابان شاه رضا به‌عنوان مرکز تمرکز متنفذین، هسته مرکزی شهر را به سمت شمال کشید. این هسته مرکزی، به‌تدریج به دو بخش مراکز اداری و فعالیت‌های بازرگانی و سکونت تقسیم شد. خیابان‌های فردوسی، لاله‌زار، سعدی، ناصرخسرو، و تمام ناحیه بازار به بخش مراکز اداری و بازرگانی اختصاص یافت و به این قسمت تنها اکتفا نشد، بلکه دامنه این مرکز تا تخت جمشید و اوایل جاده شمیران کشیده شد. هسته مرکزی سکونت نیز به حوالی خیابان تخت جمشید به‌جانب امیرآباد و سی متری کشیده شد.

این پهنه در گذشته، جزء اراضی بهجت‌آباد محسوب می‌شده است. آبادانی بهجت‌آباد در سال ۱۲۸۸ هجری قمری به دست میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، صدراعظم ناصرالدین‌شاه قاجار صورت گرفته است. اما به‌طور کلی سابقه شکل‌گیری پهنه موردبررسی به سال‌های ۱۳۰۰ الی ۱۳۳۰ بازمی‌گردد، و نکته قابل‌توجه اینکه این محدوده در تمام ادوار تاریخی به‌عنوان پهنه فعال سکونتی و فعالیتی عمل کرده و وجود بناهای تاریخی و معابر قدیمی گواه بر قدمت سکونت و فعالیت در این محدوده است. آن‌چنان‌که رد پای نخستین بناهای دولتی، سیاسی، تجاری، خدماتی، اولین کافه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، پاتوق‌ها، و ... را می‌توان در این محله جست.

در این‌بین، اراضی بهجت‌آباد به دلیل گستردگی در یک دوره توسعه‌نیافته است و با شکل‌گیری محورهای اصلی عبوری بخش‌های مرتبط با آن‌ها نیز توسعه یافتند. برای نمونه، با شکل‌گیری محور شمالی-جنوبی استاد نجات‌اللهی (ویلا) در سال ۱۳۰۵ (شرق محدوده)، رشد و توسعه محدوده در ضلع شمالی محور آغاز شد. این خیابان محل استقرار بناهای لوکس و عمدتاً ویلایی محسوب می‌شد و نام‌گذاری محور نیز بر اساس این امر صورت گرفت. احداث و توسعه این خیابان موجب رونق این پهنه شد. به‌طوری‌که اولین دفاتر هواپیمایی هما و به دنبال آن سایر دفاتر مسافرتی و آژانس‌های هواپیمایی در این محدوده ایجاد شدند که در پی خود رفت‌وآمد مسافران و توریست‌ها را به همراه داشت. این امر سبب شکل‌گیری مسافرخانه، هتل‌ها، رستوران‌ها، و کافه‌ها (کافه‌قنادی لرد، رستوران سورن، پیتزا پنتری، و ...) در محدوده شد. در ادامه روند توسعه در دهه ۵۰، ساختمان‌های دولتی نیز در این محدوده شکل گرفتند.

شکل‌گیری کلیسای سرکیس مقدس در مجاورت این خیابان نیز تأثیر ویژه‌ای در جذب ارامنه به سکونت در این محدوده داشت.



دوره دوم توسعه در پهنه از سال ۱۳۲۰ به بعد در قسمت غربی پهنه صورت گرفت. در این دوره، عملکرد سکونت کمتر توسعه یافت و بیشتر فعالیت‌ها با عملکردی فرا منطقه‌ای در حاشیه محورهای تخت جمشید (طالقانی)، شاه رضا (انقلاب) و پهلوی (ولی‌عصر) استقرار یافتند. این کاربری‌ها از سمت جنوب تا خیابان حافظ امتدادیافته بودند. در تقاطع شاه رضا و حافظ کالج احداث شد و این تقاطع کالج نام گرفت. در این محدوده امروزه، راسته خیاطی و فروش پوشاک مردانه استقرار دارند.

سپس در سال ۱۳۳۵، در بخش‌هایی از محدوده، ساختمان پلی‌تکنیک تهران (دانشگاه صنعتی امیرکبیر) احداث شد. بخش غربی پهنه (ضلع شرقی محور پهلوی) آخرین بخش توسعه پهنه از منظر عملکرد مسکونی است.

نکته قابل توجه استقرار مراکز دانشگاهی همچون دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه هنر، دانشگاه پیام نور، دبیرستان البرز، و ... در این پهنه است که به‌نوعی باعث شکل‌گیری کاربری‌های وابسته به دانشگاه (آموزشی، خوابگاه، دفاتر فنی، و ...) در محدوده شده است.

بر این اساس در ادامه به برخی عناصر بارز شکل‌دهنده این پهنه شامل محورهای اصلی و اماکن و بناهای شاخص موجود در محدوده پرداخته‌شده است.

خیابان ولی‌عصر (پهلوی)

خیابان ولی‌عصر نام طولانی‌ترین خیابان شهر تهران همچنین طولانی‌ترین خیابان خاورمیانه است که در سال‌های اول حکومت رضاشاه ساخته شد. طول آن ۱۷،۹ کیلومتر است که از میدان راه‌آهن (۱۱۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا) تهران شروع و به میدان تجریش (۱۶۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا) در منطقه شمیرانات ختم می‌شود.



این خیابان پیاده‌رو، جوی بزرگ آب، و حدود یازده هزار چنار در دو طرف خود دارد. این خیابان در عصر پهلوی از مهم‌ترین خیابان‌ها بود که در مجاورت یا حوزه آن بسیاری از بناهای مهم دولتی، عمومی، حتی عمارات رجال آن دوره، و کاخ‌های سلطنتی قرار گرفته بود.

خیابان ولی‌عصر (ع) دهه ۴۰

ابنیه مشهوری نظیر کاخ سعدآباد، کاخ مرمر، باغ فردوس (قاجاری)، سازمان صداوسیما، سفارتخانه‌ها، ایستگاه راه‌آهن، تئاتر شهر، دانشکده افسری، بیمارستان‌ها، رستوران‌ها، هتل‌ها، ادارات دولتی، باغ‌وحش، پارک ملت، پارک ساعی، و ... از این‌گونه ابنیه در مجاورت محور استقرار یافته‌اند.



پیش از انقلاب ۱۳۵۷، این خیابان به نام «خیابان پهلوی» نامیده می‌شد. پس از پیروزی انقلاب



اسلامی این خیابان نخست به «دکتر مصدق» و سپس به «ولی‌عصر» تغییر نام یافت. در این دوران نیز این خیابان شاهد حوادث مهمی از تظاهرات مردمی بود که از اواخر عصر پهلوی شروع شده بود. امروزه هم خیابان ولی‌عصر از مهم‌ترین خیابان‌های پایتخت به شمار می‌آید.

چهارراهی پیرامون خیابان ولی‌عصر (ع)

خیابان فلسطین (کاخ)

خیابان فلسطین در جنوب غربی پهنه موردنظر نیز به راسته فروش پارچه تبدیل شده و محدوده اطراف و حتی کوچه‌های بن‌بست منتهی به آن نیز به این کاربری اختصاص یافته است. استقرار این فروشگاه‌ها چهره‌ای تجاری بدان بخشیده است؛ اما در امتداد شمالی این خیابان چهره فعالیت‌های تجاری به بورس فروش و عرضه انواع عینک تغییر می‌یابد. همچنین استقرار ساختمان دانشگاه آزاد، موقوفه کانون فرهنگی آموزشی قلم‌چی و سینما فلسطین نیز بدان چهره‌ای فرهنگی بخشیده است. در این نیمه از محور و به‌ویژه پیرامون میدان فلسطین همچنان خانه‌های ویلایی زیبای دوطبقه قدیمی با چهره‌ای نسبتاً فرسوده مشاهده می‌شود که عمدتاً متعلق به دوران پهلوی دوم‌اند.

همان‌گونه که بررسی شد، توسعه محور این بخش در ضلع جنوبی بیشتر مرتبط با توسعه تهران در دوره پهلوی اول و قبل از ۱۳۱۱ بازمی‌گردد، به‌طوری‌که قدمت بناهای باارزش آن بعضاً به دوره‌های قبل نیز می‌رسد. اما در ضلع شمالی نقش ارتباطی محور عمدتاً ناشی از توسعه شهر تهران به سمت شمال و شمال‌غرب شهر در دوره پهلوی دوم و قبل از دهه ۳۰ تقویت شده است. هرچند توسعه بخش‌هایی از این محدوده نیز در دهه اولیه (سال ۱۳۰۰) شکل گرفته، اما عمدتاً محور در ارتباط با فضاهای نوین ایجاد شده است.

چهارراه ولی‌عصر (ع) (پهلوی)



چهارراه ولی‌عصر قبل از انقلاب

چهارراه ولی‌عصر که قبل از انقلاب ۱۳۵۷ «چهارراه پهلوی» و بعدازآن مدت کوتاهی «چهارراه مصدق» نام‌گذاری شد، در تقاطع خیابان انقلاب و خیابان ولی‌عصر واقع شده است.

این محدوده از ابعاد مختلفی نظیر واقع‌شدن در مرکز شهر، وجود مجموعه تئاتر شهر، وجود پارک دانشجو، مجاورت با تالارهای وحدت و رودکی، ظهور اولین بازار کامپیوتر ایران (بازار رضا)، نزدیکی به دانشگاه صنعتی امیرکبیر و تجمع‌های گاه‌وبیگاهی که در این چهارراه اتفاق می‌افتد



حائز اهمیت است. در حال حاضر، این چهارراه تغییرات بزرگی کرده که ماهیت این مکان را دگرگون ساخته است. این تغییر با اتصال چهارسوی چهارراه ولی‌عصر (عج) به وسیله احداث زیرگذر رخ داده است. بر این اساس، تردد سواره و پیاده از یکدیگر جدا شده و عابران در زیرزمین تردد می‌کنند. این زیرگذر چهارراه ولی‌عصر (عج) را به دو خط سه و چهار مترو متصل می‌کند و علاوه بر این، در سه ایستگاه بی‌آرتی واقع در حریم چهارراه، دارای ورودی و خروجی است.

تئاتر شهر

مجموعه تئاتر شهر تهران بزرگ‌ترین مجموعه نمایش تئاتر ایران است که در دوران سلطنت پهلوی دوم و به ابتکار و ریاست عالی‌ه فرح پهلوی در تهران ساخته شد. مجموعه تئاتر شهر در چهارراه ولی‌عصر (تقاطع خیابان انقلاب و خیابان ولی‌عصر) در مجاورت پارک دانشجو با محوطه سنگ‌فرش وسیع و زیبایی قرار دارد.

پروژه ساخت تئاتر شهر برای اجرای تئاتر در سال ۱۳۴۷ تصویب شد و ساختمان تئاتر شهر تهران



در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۵۱ آماده بهره‌برداری شد. این بنا به شکل دایره و بر اساس طرحی از بیژن انصاری با نظارت مهندسی سردار افخمی، در طول پنج سال، در محلی که پیش‌تر کافه شهرداری خوانده می‌شد، ساخته شد.

ساختمان تئاتر شهر

طرح تئاتر شهر شباهت ظاهری خیره‌کننده‌ای به ساختمان «تالار بکمن» در انستیتو تکنولوژی کالیفرنیا دارد. تئاتر شهر با قطعه باغ گیلان آنتون چخوف به کارگردانی آربی آوانسیان گشوده شد. در آغاز، تئاتر شهر و اجرای تئاترها تحت سرپرستی سازمان جشن هنر شیراز بود، ولی پس از چندی به سازمان رادیوتلوویزیون ملی ایران واگذار شد. این مجموعه معماری زیبایی دارد و جزء میراث فرهنگی کشور محسوب می‌شود. مجموعه تئاتر شهر همچنین کتابخانه تخصصی هنر است که هنرمندان، متخصصان، دانشجویان تئاتر، و هنرجویان کارگاه‌های نجاری و خیاطی از آن استفاده می‌کنند.

تئاتر شهر از فضاهای فرهنگی-تفریحی است که با فاصله نزدیکی از دانشگاه تهران قرار داشته و هم‌جواری آن با انبوه کتاب‌فروشی‌ها، در قلب منطقه فرهنگی تهران قرار گرفته است. استقرار بنا در پارک دانشجو در مجاورت مجموعه به کارکرد فرهنگی-تفریحی آن افزوده است. از این نظر، در همه‌سالیان گذشته تئاتر شهر مهم‌ترین پاتوق فرهنگی تهران بوده است.



مجموعه تالار وحدت و رودکی

مجموعه تالار رودکی در تاریخ ۳ آبان ۱۳۴۶ توسط محمدرضا شاه پهلوی و فرح پهلوی گشوده شد. این تالار برای اجرای نمایش‌های باله، اپرا، و کنسرت‌های موسیقی ایرانی و اروپایی به ابتکار فرح پهلوی ساخته شد.



این تالار به نام شاعر پرآوازه قرن سوم هجری ایران، رودکی نامیده شد. تالار رودکی در خارج از ایران به نام Tehran Roudaki Hall Opera House، شناخته می‌شد و سازمان باله ملی ایران نیز تا قبل از انحلال در سال ۱۳۵۸ در همین مجموعه فعالیت داشته است.

تالار رودکی

مجموعه تالار رودکی در اصل شامل دو تالار بوده که بعد از انقلاب نام تالار بزرگ‌تر را به وحدت و کوچک‌تر را به رودکی تغییر دادند. پس از انقلاب، در این تالار بیشتر کنسرت‌های موسیقی و نمایش‌های تئاتر اجرا شده است.

تالار وحدت در خیابان حافظ، خیابان محمدحسین شهریار قرار دارد. این تالار در سال ۱۳۴۶ توسط یوگینا آفتاندلیانس بر اساس مدل نمونه اپراهای وین ساخته شده است. زیربنای این تالار حدود ۱۵۷۰۰ مترمربع است و شامل یک سالن همکف و سه طبقه بالکن به صورت مدور می‌شود که در مجموع گنجایش ۹۰۰ تماشاگر را دارد. این ساختمان دارای دو زیرزمین، تالار کنسرت شامل صحنه و سالن تماشاچیان در طبقه همکف و ساختمان اداری است.

صحنه از چهار بخش جدا از هم درست شده است. جلوی صحنه ویژه اجرای باله‌ها و اپراهاست و آن را می‌توان تا سه متر پایین برد. دو بخش کناری صحنه را می‌توان تا شش متر بالا برد و بخش پشتی صحنه‌گردان است، بدین معنا که صحنه (سن) این تالار قابلیت حرکت افقی و دورانی و امکان



تغییر ارتفاع (۵/۴- تا ۵/۱+) دارد. ساختمان اداری هفت طبقه پشت صحنه تالار بنا شده که در آن خدمات و امور اداری تالار رودکی، سالن‌های تمرین اجرای قطعات، و رستوران وجود دارد. طبقه چهارم این ساختمان ویژه کنسرت‌های مجلسی است.

نمایی از تالار وحدت

امکانات ویژه این سالن‌ها سبب شده است همیشه اجراهای تئاتر و موسیقی ویژه مورد توجه هنرمندان قرار گیرد. در این تالار هنرمندان بزرگ ایرانی مانند استاد بنان کنسرت اجرا کرده‌اند. همچنین در کنار کنسرت‌های هنرمندان ایرانی، ویولونیست‌ها، پیانیست‌ها، و رهبران ارکستر نامی جهان چون روجیرو ریچی، هنریک شرینگ، کلادیو آرائو در تالار رودکی کنسرت داده‌اند. رهبر



نامی کنسرت هربرت فون کارایان، ارکستر مجلسی اشتوتگارت، برلین فیلارمونیک و دیگر گروه‌های اپرا، باله، و ارکستر مجلسی همچنین نابغه پانتومیم ماسل مارسو در تالار رودکی برنامه اجرا کردند. رودلف نوریف، مارگوت فونتین، موریس بژار، الوین ایلی، بیرژیت کولبرگ از هنرمندان صاحب‌نام در رشته باله کلاسیک و مدرن‌اند که در تولیدات سازمان باله ملی ایران در قبل از انقلاب مشارکت و در این تالار برنامه داشته‌اند.

دبیرستان (کالج) البرز

در سال ۱۲۹۳، اراضی محل فعلی دبیرستان از آقای مستوفی‌الممالک (صدراعظم ایران) خریداری و برای احداث ساختمان فعلی دبیرستان از آن استفاده شد. این بنا در سال ۱۳۰۳ با ظرفیت پذیرش ۷۰۰ دانش‌آموز افتتاح شد و به‌صورت کالج در آمد. در سال ۱۳۱۲، ساختمان دیگری به نام تالار



لینکلن و یک ساختمان کوچک برای کاربری بیمارستان ساخته شد. در سال ۱۳۱۹، مؤسسه فرهنگی، کالج البرز، و تالار لینکلن از آمریکایی‌ها خریداری و تصرف شد و در اختیار وزارت فرهنگ ایران قرار گرفت و به دبیرستان البرز تغییر نام داد.

کالج البرز در سال ۱۳۰۳

مساحت کل دبیرستان که بخشی از آن به دانشگاه صنعتی امیرکبیر اختصاص یافته ۴۵ هزار مترمربع بوده که شامل ۱۱ هزار مترمربع زیربنا و ۱۰ هزار مترمربع فضای سبز است. بنای اصلی این دبیرستان از نخستین آثار نیکلای مارکف، معمار تفلیسی، است. ساختمان مرکزی البرز و ساختمان علوم این دبیرستان جزء آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند.

خیابان حافظ (یوسف‌آباد)

این خیابان که در نقشه دارالخلافه ناصری، از دروازه یوسف‌آباد تا خیابان سپه ادامه یافته، در گذشته‌های دور یوسف‌آباد نامیده شده بود. این خیابان در سال ۱۳۲۸ شمسی به خیابان حافظ تغییر نام یافت. در حاشیه خیابان حافظ، مراکزی چون سفارت روسیه، دانشگاه امیرکبیر، تالار وحدت، وزارت نفت، وزارت بهداشت و درمان، سازمان بورس اوراق بهادار، شرکت مترو، پارک ابن‌سینا، شهر کتاب، و چند بیمارستان قرار دارند.

میدان فردوسی

این میدان یکی از میدان‌های مهم شهر تهران است که محورهای شرقی-غربی انقلاب و شمالی سپهبد قرنی و جنوبی فردوسی آن را قطع می‌کنند. نام آن برگرفته از حکیم ابوالقاسم حسن بن علی توسی معروف به فردوسی (۳۱۹-۳۹۷ شمسی) شاعر حماسه‌سرای ایرانی و سراینده شاهنامه فردوسی است که در ناحیه توس خراسان به دنیا آمد و به خاک سپرده شد.



با تأسیس اداره بلدیه در سال ۱۲۹۸، تصمیم به تخریب باروهای ناصری گرفته شد و این باروها طی سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۱۶ تخریب شدند.



با اتمام طرح تخریب باروها و پرشدن خندق دوره ناصری، خیابان انقلاب (شاهرضا) جای خندق را گرفت و بدین ترتیب، نخستین پایه‌های شکل‌گیری میدان فردوسی در شهر تهران ایجاد شد.

میدان فردوسی در دهه ۳۰

در این میان توسعه و ارتقا عملکردی و کالبدی محدوده خیابان علاءالدوله (فردوسی کنونی) نیز که از توسعه باغ ایلخانی در دوره ناصری آغاز و با ساخت سفارتخانه‌ها، ساختمان بانک ملی ایران، و تماشاخانه‌های نخستین شهر تهران ادامه یافت، بر روند شکل‌گیری این میدان بسیار تأثیرگذار و حائز اهمیت بوده است. توسعه معبر شهری سپهبد قرنی نیز، باهمت یک اتریشی به نام فیشر که باهدف دسترسی به مناطق شمالی مدنظر قرار گرفت، بر رشد و توسعه شهری در این منطقه اثرگذار بوده است. این میدان پس از ایجاد میدان‌های اصلی شهر تهران در آن دوره، به‌عنوان گام دوم توسعه شهری در تهران به همراه ۱۵ میدان دیگر ایجاد شد.

با اقدامات صورت گرفته در خصوص ساخت و نصب مجسمه ادیب بزرگ ایرانی، فردوسی توسی در



بازه زمانی ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۳ در این میدان، نام فردوسی بر آن نهاده شد. تاریخچه ساخت مجسمه مذکور به سال ۱۳۰۵ و به مناسبت هزارمین سالگرد تولد فردوسی و افتتاح آرامگاه این شاعر نامدار پارسی بازمی‌گردد.

مجسمه فردوسی

امروزه از اماکن مهم پیرامون این میدان می‌توان به وزارت آموزش و پرورش، دانشکده کامپیوتر، دانشکده علوم سیاسی، بوستان فردوس، اداره آموزش هنرهای دستی، بیمارستان دادگستری، اداره امور ایثارگران، کمیته امداد، و دانشگاه پیام نور اشاره کرد.

خیابان فردوسی (علاءالدوله)

خیابان فردوسی از دیگر معابر قدیمی این پهنه است. این خیابان که در گوشه شمال غربی میدان توپخانه قرار دارد، از ضلع شمالی میدان امام خمینی (سپه) شروع و پس از قطع خیابان جمهوری اسلامی (شاه) به میدان فردوسی وصل می‌شود.

نام سابق خیابان فردوسی در دوره‌های زمانی تغییر کرده است؛ به‌طوری‌که در سال ۱۲۴۸ که ناصرالدین‌شاه دستور احداث آن را داد به دلیل وجود باغ ایلخانی به نام خیابان ایلخانی مشهور شد. اما پس از مدتی نام آن به امین‌السلطان تغییر کرد، زیرا منزل امین‌السلطان در آنجا بود؛ سپس به



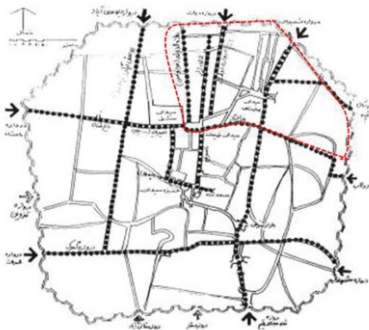
خیابان علاءالدوله به همان دلیل قبلی تغییر نام می‌دهد. اگرچه علاءالدوله مشهورترین نام آن قبل از فردوسی است، به دلیل وجود چند سفارتخانه و رفت‌وآمد سفیران، به آن خیابان سفرا هم گفته می‌شد. در سال ۱۳۱۳ پهلوی اول، نام خیابان علاءالدوله را به خیابان فردوسی تغییر داد. در دو طرف این خیابان نهرهای پرآب قرار داشت و کف آن سنگ‌فرش بود. در این خیابان اغلب، عمارت‌ها، باغ‌ها، و خانه‌های رجال و مستوفیان زمان ناصری نظیر ظهیرالدوله، فخرالدوله و امین‌السلطان قرار داشت. بیشتر سفارتخانه‌ها و خانه‌های اتباع خارجی نظیر روسیه و انگلستان و ارامنه نیز در این خیابان قرار داشتند.

بخش عمده صراف‌ها و عتیقه‌فروشی‌ها نیز در حاشیه این خیابان قرار دارند. اولین فروشگاه بزرگ تهران تحت عنوان فروشگاه فردوسی که بعدها به فروشگاه مرکزی شهر و روستا تغییر نام داد نیز در این خیابان واقع است. در حال حاضر، یکی از مراکز بورس پوشاک و مصنوعات چرمی در شمال غرب این خیابان دیده می‌شود. مجتمع چاپخانه‌ای و تشکیلات اداری روزنامه کیهان و نیز ورودی غربی کوچه برلن که از کوچه‌های تجاری معروف تهران است، به‌اضافه ساختمان زیبای شرکت فرش ایران در این خیابان قرار دارد.

در امتداد حرکت از غرب به شرق محور، در این بخش چگونگی شکل‌گیری نقش و جایگاه محور در ارتباط با محیط پیرامونی آن در حدفاصل خیابان فردوسی تا میدان امام حسین (ع) بررسی شده است.

خیابان انقلاب حدفاصل خیابان فردوسی تا میدان امام حسین (ع)

این پهنه وسیع از خیابان ۱۷ شهریور در شرق تا خیابان فردوسی در غرب گسترده شده است و در ضلع جنوبی محور در هم پیوندی با هسته تاریخی تهران قرار دارد، شامل سه پهنه لاله‌زار، سعدی، و دروازه شمیران است.



توسعه شمالی حصار طهماسب

پهنه در خارج از منتهاالیه شمالی حصار شاه‌طهماسب و در مسیر رشد و توسعه آتی شهر تهران قرار داشته است، بنابراین، از اولین محدوده‌های توسعه‌یافته شهر تهران شد و به‌عنوان حومه «شیک» شمال شهر، محل احداث مؤسسات دولتی، سکونتگاه اتباع خارجی، و سایر بزرگان و دولتمردان شد.

بسیاری از درباریان، متمولان، اطرافیان نزدیک شاه و خارجی‌ان در این دوره به پهنه موردنظر نقل‌مکان کردند. به این منظور باغاتی در محدوده شکل گرفتند که از جمله آن‌ها می‌توان به باغ‌های سردار، امین‌الدوله، فخرالدوله، مخبرالدوله، مسیح‌الملک، جلال‌الملک، نظامیه، و غیره اشاره کرد. با



استقرار مؤسسات دولتی، سفارتخانه‌ها، باغ‌ها و عمارت‌های بزرگان، درباریان و دولتمردان در اراضی شمال ارگ سلطنتی، این محدوده به محله دولت شهرت یافت.

در ادامه، روند توسعه یکی از دروازه‌های حصار شمالی شهر نیز بنام «دروازه دولت» ساخته شد. احداث باغ و عمارت بهارستان در این دوره رونق و هویت بیشتری به این محدوده بخشید. پس از احداث خیابان لاله‌زار در این دوره، بسیاری از اطرافیان شاه، تجددگرایان، و خارجیان به این خیابان نقل‌مکان کردند، از آن جمله دکتر تولوزان پزشک دربار را می‌توان نام برد. بدین ترتیب، اراضی شمال ارگ سلطنتی بنام محله دولت در این دوره گسترش یافت.

در دوران پهلوی اول و با به‌وجود آمدن کارکردهای جدید، نیاز به گسترش و توسعه شهر و نیز تحولاتی در چهره فیزیکی و کالبد شهر به وجود آمد. در سال ۱۳۰۹ و هم‌زمان با اجرای قانون دوم شهرداری‌ها، دروازه‌های پیرامونی میدان توپخانه تخریب شدند.

این اقدام نیز در راستای فعالیت‌های شهرسازی مدرن صورت گرفت. در همان سال، تعریض خیابان‌های خیام، ناصر خسرو، فردوسی، استامبول، شاه‌آباد، نظامیه، سیروس، شاهپور، امیریه، مولوی، و خانی‌آباد آغاز شد و سازمان حمل‌ونقل عمومی (درشکه، اسب، واگن‌خانه) در خیابان‌های مجلل، از جمله خیابان لاله‌زار، برپا شد.

در ادامه در سال ۱۳۱۲ و با تصویب اولین قانون شهرسازی، تحت عنوان «اصلاح معابر و خیابان‌ها» دروازه‌های دوازده‌گانه ناصری و حصار پیرامونی شهر تخریب شدند و با پر شدن خندق‌های پیرامون شهر، به‌جای آن‌ها خیابان‌های جدید در چهارسوی شهر بانام‌های شاه رضا (انقلاب) در شمال، شوش در جنوب، شهناز (۱۷ شهریور) در شرق، و سی متری نظامی (کارگر) در غرب ساخته شد. بدین ترتیب و در پی این اقدامات، سیما و هویت شهر محصور قدیمی تهران تغییر یافت و در جهت دست یافتن به هویت و سیمایی نو گام برمی‌داشت و نوسازی شهری سرلوحه اقدامات بعدی قرار گرفت.

در این دوره عملاً زمینه شکل‌گیری هسته اولیه محور ایجاد شد. در این راستا، پهنه‌ای مثلث شکل حدفاصل دروازه شمیران، میدان ژاله (شهدا)، و میدان فوزیه (امام حسین ع) نیز در این زمان شکل گرفت. در این دوره، بیشترین توسعه فیزیکی شهر در نواحی شمال شهر و پیرامون دروازه‌های دارالخلافه ناصری (میدانی در محل قدیم دروازه شمیران احداث شد (میدان بوعلی سینا) که شش خیابان مازندران، سرتیپ نامجو (گرگان)، سپاه، روشندلان، بهارستان، و شهید ناطقی (خورشید) از آن منشعب می‌شدند) رخ داد. هم‌زمان با اقدامات صورت گرفته و در راستای روند مدرنیزاسیون دوره پهلوی، بسیاری از باغات قاجاری نظیر پارک امین‌الدوله تفکیک شد و خیابان‌کشی در آن‌ها صورت گرفت.



در این دوره، توسعه به‌سوی جاده مازندران و خیابان‌های دوشان‌تپه و عشرت‌آباد، دروازه شمیران را به مرکز توسعه شمالی در این بخش از شهر تبدیل کرد. دروازه شمیران پس از مدتی این نقش را به میدان فوزیه (امام حسین (ع)) بخشید.

از مهم‌ترین فعالیت‌های شهرسازی دوره پهلوی نیز می‌توان به احداث خیابان‌های عریض و اقداماتی در زمینه ساخت اماکن دولتی و فرهنگی اشاره کرد. در این دوره سعی شد شهر تهران ساختار منظمی به خود بگیرد و بر این اساس میادین در انتهای محورهای عمده شهری یا در محل تقاطع خیابان‌ها احداث شدند. در این دوره قسمت‌های جدید شهر حول محور شرقی- غربی انقلاب و خیابان شمالی- جنوبی فردوسی شکل گرفتند و بیشترین ساختمان‌های دولتی و عمومی مانند دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، دبیرستان‌ها، سفارتخانه‌های خارجی، و غیره پیرامون آن‌ها ساخته شدند. همچنین در این دوره، خیابان‌های لاله‌زار و استامبول با پیدایش هتل‌ها، کافه‌ها، و مغازه‌های جدید نقش گردشگاهی یافتند.

در دوره پهلوی اول به دلیل تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهر تهران چهره جامعه‌ای اداری و صنعتی به خود گرفت. در این راستا، سطوح جدیدی زیر ساخت‌وساز رفت و محله‌های جدید احداث شد یا برخی از محله‌های قدیمی به‌طور اساسی تخریب و بازسازی شدند. در این میان، برخی باغ‌ها و عمارت‌های اعوان‌وانصار دربار به کاربری‌های جدید شهری اختصاص داده شدند و ساختمان‌های دولتی نیز عمدتاً در درون محدوده قدیمی و در بخش‌های توسعه‌یافته جدید احداث شد. به‌موازات این اقدامات، توسعه شبکه راه‌ها و خیابان‌کشی‌های جدید، امکان دسترسی به نقاط مختلف شهر را با استفاده از خودروها و وسایل نقلیه عمومی فراهم کردند.

روند تغییر و تحولات ساختار شهر تهران که از آغاز دوره پهلوی اول آغاز شده بود، در دوره پهلوی دوم نیز ادامه داشت. گسترش شهر همانند دوره پهلوی اول با آهنگ نسبتاً ملایمی صورت می‌گرفت. در مراحل اولیه توسعه که عمدتاً سال‌های (۱۳۲۰-۱۳۳۲) مقارن با جنگ جهانی دوم) را دربر می‌گیرد، توسعه به‌صورت پیوسته در حاشیه چارچوب اصلی و قدیمی شهر و محدوده خیابان‌های شاه رضا (انقلاب)، شهباز (۱۷ شهریور)، سی متری (کارگر) و شوش صورت گرفت. لاله‌زار پس از گسترش شهر در نیمه پایانی دوران پهلوی دوم از تفرجگاه طبقه بالا به تفرجگاه طبقه متوسط و سپس طبقه کارگر تغییر ساختار جایگاه اجتماعی داد. طبقه مرفه، محله‌های تفریحی خود را از طبقه پایین جدا کردند و لاله‌زار که زمانی محل برگزاری بهترین کنسرت‌ها، نوازندگان، بهترین تئاترها، و فیلم‌های دوره خود بود، به‌تدریج تبدیل به محلی برای عامه مردم بالأخص مردم پایین‌شهر، مسافران، و مهاجران روستایی و شهرستانی شد که به دنبال تفریحات عامه‌پسند می‌گشتند.

از مهم‌ترین بناها و تأسیسات این دوره در محدوده می‌توان به ساختمان‌های بانک ملی ایران، اداره پست، شهرداری، وزارت امور خارجه، شهربانی کل کشور، ایستگاه راه‌آهن، دانشگاه تهران، ایستگاه



فرستنده رادیو تهران، باشگاه افسران، ساختمان پلاسکو، بازار کویتی‌ها، و چندین بیمارستان مهم اشاره کرد. برخی از این بناها در دوره پهلوی اول ساخته شدند و در دوره پهلوی دوم تکمیل و توسعه یافتند، مانند ساختمان دانشگاه تهران یا ایستگاه راه‌آهن.

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی روند تغییرات کالبدی عمدتاً در قالب تغییر کاربری‌های پهنه آغاز شد و محله‌ها به تدریج از شکل مسکونی خود خارج شدند و عرصه را هرچه بیشتر به کاربری‌های تجاری واگذار کردند. به عبارت دیگر، پس از آنکه محله‌هایی همچون لاله‌زار، سعدی، و فردوسی از رونق اولیه خود افتادند، به تدریج زمینه برای گسترش کاربری‌های تجاری در محدوده فراهم شد.

در دوره پس از انقلاب اسلامی، اقدامات کالبدی مهم و جالب توجهی در پهنه مورد بررسی صورت نگرفته است. بناهای مهم و بازارش تاریخی پهنه، از جمله قسمت‌هایی از بدنه خیابان فردوسی نیز به دلیل گذر ایام و بعضاً بی‌توجهی و رهاشدگی در معرض فرسودگی قرار گرفتند. بخشی از پهنه نیز از جمله محله‌های ظهیرالاسلام و اکباتان طی این دوره به تدریج از کارکرد مسکونی خارج و به محله‌ای تجاری در سطح شهر بدل شدند.

آنچه در خصوص شکل‌گیری فضای پیرامونی محور در این بخش قابل توجه است تحولات رخ داده در جنوب محور در هم پیوندی با هسته مرکزی شهر عمدتاً ناشی از دوره‌های توسعه اولیه تهران در دوره ناصری بوده، اما در جبهه شمالی این روند بیشتر ناشی از تحولات دوره‌های توسعه پهلوی اول و دوم است. به بیان دیگر، جبهه شمالی محور عمدتاً در راستای توسعه شهر به سمت شمال شکل گرفته است.

در این دوره، محور بیشتر نمایانگر روند دوره مدرنیزاسیون تهران و توسعه شهر در دوران پهلوی اول و ادامه آن در دوره پهلوی دوم از یک سو و نزدیک شدن نقش محور از خیابانی در شمال شهر به خیابانی مرکزی در شهر از دیگر سو است که به نوعی در ادامه روند و پس از انقلاب به نمادی مرکزی برای جدایی شمال و جنوب شهر تبدیل شده است. از جمله بارزترین عناصر و محورهای این پهنه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

خیابان لاله‌زار

باغ عمارت لاله‌زار که تا پیش از گسترش شهر در دوره ناصرالدین‌شاه جزء باغات خارج از حصار شهر محسوب می‌شد، از آثار دوره فتحعلی شاه قاجار است که به تدریج در دوره‌های بعد به‌ویژه در زمان ناصرالدین‌شاه بر وسعت آن افزوده شد. این باغ که در اصل متعلق به «رضاقلی‌خان الله باشی» بود، یکی از گسترده‌ترین و سرسبزترین باغ‌های شهر تهران به شمار می‌آمد که در تابستان هوای بسیار خنکی داشت. طول این باغ از شمال تا جنوب در حدود یک هزار ذرع بود و دو بنای مجزا



در آن ساخته شده بود. در دوره ناصرالدین‌شاه، پس از گسترش شهر تهران باغ لاله‌زار در محدوده شهر جای گرفت. در شرق باغ قفس‌هایی برای نگهداری حیوانات مانند شیر، پلنگ، گرگ، خرس، و پرندگان ساخته بودند و به همین سبب، باغ لاله‌زار را باغ‌وحش نیز می‌خواندند.

ناصرالدین‌شاه پس از سفر به پاریس در سال ۱۳۲۶ شمسی و بازدید از شانزله‌لیزه، سودای ایجاد شانزله‌لیزه‌ای در پایتخت را در سر پروراند و باغ لاله‌زار را به آن اختصاص داد؛ وی دستور داد از میان باغ مصفای لاله‌زار خیابان بکشند، زمین‌های اطراف خیابان نیز میان «مقربین درگاه» تقسیم شد. باغ لاله‌زار برای فروش گذاشته و نود هزار تومان فروخته شد و پیش از فروش، اراضی آن تفکیک شد. دو خیابان لاله‌زار و سعدی از باغ لاله‌زار بیرون آمد. کم‌کم زمین‌های باغ تبدیل به خانه و دکان شد و درخت‌های آن را بریدند. از آنجاکه خانه میرزا اصغر خان اتابک در لاله‌زار واقع شده بود برای تسهیل آمدورفت او، یک خط واگن اسبی از میدان توپخانه تا لاله‌زار کشیده شد. خیابان لاله‌زار از اوایل مشروطه رو به ترقی گذاشت. پس از استقرار و اسکان اعیان و خارجی‌ان در



نمایی از لاله‌زار قدیم

این محدوده، عملاً فعالیت‌ها و خدمات لوکس مربوط به آن‌ها به این پهنه سرازیر شد. در این زمان لاله‌زار خیابانی زیبا بود با مغازه‌های لوکس، تفریحات جدید و غیر سنتی، و محل رفت‌وآمد اعیان و اروپاییان. این خیابان در دوران اوج خود به راسته‌ای تجاری برای عرضه لوکس‌ترین و جذاب‌ترین کالاهای اروپایی همچنین راسته‌ای تفریحی و فرهنگی برای قشر مرفه و فرهنگی‌مآب جامعه تبدیل شد.

بدین ترتیب، لاله‌زار به بستری مناسب برای فعالیت‌های تفریحی-فرهنگی بدل شد و این امر زمینه‌ای برای ایجاد تئاترها، سالن‌های اپرا، سینماها، و تماشاخانه‌ها شد. بعدها در دوره پهلوی،



تماشاخانه تهران

خوانندگان موسیقی عامیانه ایران همگی در لاله‌زار به روی صحنه می‌رفتند. در لاله‌زار ۱۵ سینما و چندین تئاتر و تماشاخانه فعالیت داشتند که از جمله آن‌ها می‌توان به سینما خورشید اولین سینمای تهران، سینماهای پری، فردوسی، رویال، مرجان، مترو پل، رکس، کریستال، و ... تئاتر نصر، سفیر، پارس، تماشاخانه گیتی، و ... اشاره کرد.

مراکز مشهوری مانند نخستین مهمانخانه ایرانی به نام گراند هتل، مجموعه فروشگاه‌های پیرایش، جواهرفروشی مظفریان، کفش‌داری «دنر»، دیپلمات، فروشگاه پرنس، و ... و مجرب‌ترین عکاسی‌ها که معروف‌ترین آن‌ها «مادام لیلیان» بود، همه در این خیابان قرار داشتند.



افول و نزول موقعیت لاله‌زار در دوره پهلوی دوم با افزایش جمعیت شهر و حرکت اعیان و متمولان به شمال شهر اتفاق افتاد. واحدهای تجاری لوکس‌تر نیز به دنبال مشتریان خود راهی آن مناطق شدند و کیفیت مغازه‌ها به فراخور مصرف‌کنندگان جدید تنزل پیدا کرد. پس از انقلاب اسلامی کافه‌ها و کاباره‌ها تعطیل شدند و جلوی اکران فیلم‌های مبتذل گرفته شد. امروزه از تفریحات لاله‌زار تنها چند سینمای درجه سه باقی‌مانده که مختص نمایش فیلم‌های جنکی است و چند تئاتر که عمدتاً نمایش‌های نازل اجرا می‌کنند.

«خانه و باغ اتحادیه» یا «خانه امین‌السلطان» عمارتی مربوط به دوران قاجار است که تنها بازمانده از خیابان لاله‌زار قدیم و یکی از نفایس معماری عصر قاجار شناخته می‌شود.

خیابان لاله‌زار حداقل ۱۰۰ سال کارکرد تجاری خود را حفظ کرده و در حال حاضر بیش از ۹۵ درصد از بناهای موجود در این خیابان کارکرد تجاری دارند و خیابان پرترددی در عرصه شهر تهران است. پیش از انقلاب بسیاری از صنوف در این خیابان حضور داشتند، ولی به تدریج بعد از انقلاب و به خصوص با پایان جنگ تحمیلی، این خیابان به بورس فروش لوازم الکتریکی تبدیل شد. در حال حاضر، محدوده خیابان لاله‌زار به بورس مغازه‌های الکتریکی تبدیل شده و محدوده خیابان لاله‌زار نو، غالباً به فروشگاه‌های لوستر فروشی اختصاص یافته است.

خیابان سعدی

چنانچه پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، این خیابان نیز همانند خیابان لاله‌زار در پی تفکر تجدیدطلبانه



ناصرالدین‌شاه، در دل باغ لاله‌زار کشیده شد. خیابان شمالی-جنوبی سعدی که به موازات خیابان لاله‌زار قرار دارد، از دروازه دولت و خیابان انقلاب در شمال آغاز شده و در جهت جنوب پیش رفته و به خیابان امیرکبیر در نزدیکی میدان امام خمینی می‌رسد.

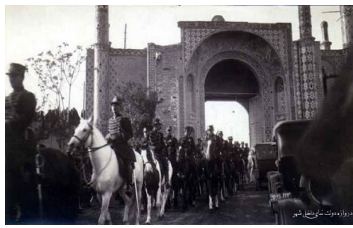
خیابان سعدی دهه ۴۰

خیابان سعدی که اخیراً بانام سعدی جنوبی پس از تقاطع با امیرکبیر ادامه می‌یابد، از گذرگاه‌های مرکزی شهر تهران است. این خیابان محل استقرار دفاتر شرکت‌های صنعتی و تجاری مهم در سطح فرا محله‌ای است و عملکرد اصلی آن تجاری است. مشاغل حاشیه این خیابان بسیار متنوع‌اند، اما در قسمت جنوبی آن بورس موتورهای صنعتی و لوازم مربوط به آن است.

بیمارستان «امیراعلم»، ساختمان اصلی شرکت بیمه ایران، و دفتر مرکزی انتشارات امیرکبیر در این خیابان مستقر است. خیابان سعدی خیابان پرترددی است که مقیاس عملکردی آن شهری است و تنوع عملکردهای آن، در طول روز افراد بسیاری را از سرتاسر شهر به خود جذب می‌کند. همچنین این خیابان بورس فروش آینه و شمعدان، لوازم‌آرایی و کفش است.



دروازه دولت یا محله دولت



این محله حدفصل خیابان‌های لاله‌زار، فردوسی، سعدی، اکباتان، ایران، ۱۷ شهریور، بهارستان، و دروازه شمیران را دربر داشته که به دلیل قرار گرفتن یکی از دروازه‌های شهر تهران بنام دروازه دولت به این نام خوانده می‌شده است.

دروازه دولت قدیم

بافت قدیم شهر تهران تا زمان حکومت پهلوی اول به شکل قدیم خود (البته با تغییراتی جزئی) باقی‌مانده بود. با تخریب حصار شهر تهران و دروازه‌های آن، تغییرات عمده‌ای در تمام شهر به وجود آمد. به‌رغم تداوم دگرگونی‌ها در زمان پهلوی دوم، هسته قدیمی شهر تهران همچنان مرکزیت خود را تا به امروز حفظ کرده است. تهران دروازه‌های مختلفی داشته که اکنون فقط نامی از آن‌ها باقی‌مانده است، دروازه دولت تهران که یکی از این دروازه‌هاست خندقی هم در کنار خود داشته است. اکنون نام این دروازه باقی‌مانده و یکی از ایستگاه‌های مترو تهران هم به همین نام است، اما دیگر نشانی از آن دروازه نیست.

پل چوبی

پل چوبی در مرکز شهر تهران، در امتداد خیابان سپاه و در تقاطع خیابان‌های انقلاب و سپاه واقع شده است و دسترسی میدان‌های سپاه و بهارستان را امکان‌پذیر می‌سازد. در گذشته، بورس مغازه‌های چوب‌فروشی در این محل که خروجی تهران محسوب می‌شد، قرار داشت و وجه‌تسمیه آن به همان چوب‌فروشی‌ها بازمی‌گردد. البته پیش از آن در گذشته‌های بسیار دورتر و در دوره دوم قاجاری، پل چوبی‌ای بر روی خندق شمالی شهر، برای عبور و مرور از شهر به خارج آن احداث شد که وجه‌تسمیه اولیه محدوده پل چوبی است. امروزه از این دروازه و آن خندق پر از آب اثری نیست، اما این محل همچنان بنام پل چوبی معروف است.

دروازه شمیران

یکی از دروازه‌های شمالی شهر در تهران قدیم بوده که مسیر تهران به شمیرانات از میان آن عبور می‌کرده است. منطقه دروازه شمیران در اطراف خیابان فخرآباد



، خیابان هدایت و انتهای جنوبی پل چوبی در خیابان بهارستان قرار دارد، که به علت مرکزیت و قدمت زیاد محل تمرکز ساختمان‌ها و مراکز متعددی از جمله مسجد فخرالدوله، کوچه پارک امین الدوله، دبیرستان علوی، تکنیکوم تهران (هنرستان شهید سرونندی)، بیمارستان طرفه، سفارت‌های رومانی و تایلند است.

دروازه شمرون در سال ۱۳۲۰



میدان امام حسین (ع) (فوزیه)

میدان امام حسین (ع) یا فوزیه سابق از میدان‌های مرکزی شهر تهران است. این میدان بعد از ازدواج محمدرضا شاه پهلوی با فوزیه، همسر مصری تبارش، فوزیه نام گرفت. میدان از سمت غرب به خیابان انقلاب (شاه رضا)، از سمت شرق به خیابان دماوند (تهران‌نو)، و از سمت جنوب به خیابان ۱۷ شهریور (شهناز) متصل است.



میدان امام حسین (ع) - دهه ۴۰

اما با تحولات رخ داده و احداث زیرگذر امروزه اتصال خیابان انقلاب و خیابان دماوند از طریق زیرگذر ماشین‌رو برقرار است و حرکت پیاده در سطح صورت می‌گیرد. پس از اجرای طرح پیاده‌راه‌سازی آئینی این میدان تا میدان شهدا، تغییرات عظیمی در کاراکتر میدان ایجاد شد. در طرح تعریض میدان امام حسین (ع) مسیرهای سواره‌رو از سطح به زیر میدان انتقال یافت و پس از



تعریض زیرگذر میدان، سطح آن فقط به عابران پیاده اختصاص یافته است و سواره برای دسترسی به مسیرهای عبوری شرق به شرق و غرب و برعکس از داخل زیرگذر و مسیرهای شرق به شرق و غرب به غرب از طریق دوربرگردان‌ها انتقال می‌یابد.

میدان امام حسین (ع) - دهه ۹۰

این میدان یکی از فضاهای شهری است که خاطرات جمعی بسیاری را در تاریخ شهر تهران رقم زده و در خاطرات مردم با فضای عمومی-تفریحی پیوند خورده است. به علاوه، میدان امام حسین (ع) در حیات سیاسی معاصر و در جریان مبارزات انقلاب ۱۳۵۷ یکی از نقاط مهم سازمان‌دهی تظاهرات مردمی بوده است. خیابان ۱۷ شهریور نیز از میدان امام حسین (ع) تا میدان خراسان به عنوان خیابان و محور شهباز در خاطرات جمعی مردم تهران نقش بسته است.

خیابان هفده شهریور (شهناز)

این خیابان از میدان امام حسین (ع) در منتهالیه شمالی آن آغاز می‌شود و پس از عبور از میدان شهدا در میانه راه، به بزرگراه بعثت در جنوبی‌ترین حد خود می‌رسد. بنابراین، این خیابان دو میدان مهم و شناخته‌شده در شرق تهران را به هم متصل می‌سازد. کاربری غالب این خیابان تجاری و راسته‌های فروش و خدمات موتورسیکلت و اتومبیل از خدمات غالب آن است. مجتمع اداری برق تهران (برق ژاله) از تأسیسات مهم شهری است که در این خیابان قرار دارد.



خیابان انقلاب حدفاصل خیابان سپهبد قرنی تا میدان امام حسین (ع) (شمال محور)

اراضی واقع در امتداد شمالی این کلان پهنه جزئی از اراضی شاهان و شاهزادگان قاجار بوده‌اند که فصل تازه ساخت‌وساز در آن‌ها با روی کار آمدن فتحعلی شاه قاجار آغاز می‌شود. آب‌وهوای مطبوع و قنات‌های متعددی که تضمین‌کننده آب کافی بودند، دلیل سکناگزیدن شاهان قاجار در این اراضی بوده است. در پایان حکومت پهلوی اول، خیابان انقلاب مرز مشترک توسعه شهر به سمت شمال، شمال غربی، و هسته مرکزی شهر محسوب می‌شد. تعریض جاده تهران-شمیران در میان باغ‌ها و قنوات ساختار عمده پهنه را تشکیل می‌دهد. سایر بناها و قصرهای باقی‌مانده از دوره قاجار به‌طور کامل تغییر کاربری یافتند و بخشی از باغات تخریب شدند.

در ادامه روند توسعه در دوره‌های بعدی و به تبع رشد عمومی شهر تهران (از نظر کالبدی و اجتماعی)، توسعه در این محدوده نیز از روندی دوگانه تبعیت کرده است. اراضی ح واسط جاده قدیم شمیران و امتداد خیابان روزولت (دکتر مفتاح) و جاده سوم (بزرگراه مدرس) ناشی از گرایش توسعه به سمت شمال شکل گرفتند.

با توجه به مالکیت دولتی، عمده اراضی در این محدوده (اراضی عباس‌آباد) با تفکیک درشت‌دانه، به تملک اقشار شهرنشین جدید با رفاه اجتماعی بیشتر در آمد. اراضی حد واسط جاده قدیم شمیران، خیابان دماوند و سبلان نیز که گرایش به سمت شرق تهران دارند، با توجه به کاربری‌های غیرشهری پادگان، زندان و ... با تفکیک ریزدانه، به تملک اقشار شهرنشین جدید (کارکنان ادارات دولتی، کارگران کارخانه‌ها، و صاحبان حرف شهری) با گرایش عمده به رفاه اجتماعی پایین‌تر درآمدند.

در دوره پهلوی دوم، هسته مرکزی ابتدا به خیابان تخت جمشید (طالقانی) با نقش تجاری-اداری و سپس به ترتیب خیابان کریم‌خان زند با نقش تجاری-اداری، تخت طاووس (شهید مطهری) با نقش تجاری، و عباس‌آباد (شهید بهشتی) با نقش مشابه تجاری-اداری امتداد یافت و در نتیجه، بخش جنوبی و غربی محدوده (در هم‌جواری محور) به تدریج در هسته مرکزی شهر ادغام می‌شود. به‌طوری‌که امروزه این محدوده جزء بخش مرکزی شهر به شمار می‌آید.

به‌منظور آگاهی از شکل‌گیری زیر پهنه‌های این کلان پهنه لازم است تاریخچه شکل‌گیری فضاهای شاخص هر پهنه به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد:

در کل قدمت سکونت پهنه بین ۶۰ تا ۷۰ سال بوده که متناسب با زمان شکل‌گیری با فواصل زمانی نسبت به یکدیگر رخ داده است. در عکس هوایی سال ۱۳۳۵، محور شریعتی (جاده قدیم شمیران) که مرز شرقی این کلان پهنه است، به‌صورت جاده‌ای آباد وجود داشته و مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گرفته است. به همین دلیل، اراضی پیرامون این محور نیز کاملاً تفکیک و ساخت‌وسازهای پراکنده‌ای در آن‌ها انجام شده بود. در این دهه، هنوز باغ‌های موجود در پهنه باغ صبا وجود داشتند و پیرامون آن‌ها تعداد محدودی پلاک مسکونی پراکنده شده بود. درواقع پهنه



امروزی باغ صبا (سهروردی) تا دهه ۳۰ فقط شامل ساخت‌وسازهای پیرامون خیابان شریعتی، باغ‌ملک، و خیابان ملک بود و سایر بخش‌های پهنه به‌صورت خاکی بودند.

در سال ۱۳۳۵، خیابان بهار نیز کاملاً شکل‌گرفته و به‌عنوان خیابان شهری مورد استفاده قرار می‌گرفته است. به‌تبع حضور فعال این خیابان و جاده قدیم شمیران، اراضی حدفاصل جاده شمیران در شرق و بهار در غرب نیز تفکیک و ساخت‌وسازهای زیادی در این محدوده انجام‌شده و محله بهار کاملاً شکل‌گرفته بود. با توجه به شکل‌گیری این پهنه در دهه ۳۰، قدمت سکونت در این محله را می‌توان در حدود ۷۰ سال تخمین زد. مرز شمالی این پهنه (خیابان بهار شیراز) به‌صورت جاده خاکی وجود داشت و امتداد آن تا خیابان بهار کشیده شده بود (تا سازمان آب و فاضلاب).

در شرق این محدوده (امجدیه) و در حدفاصل خیابان‌های بهار و روزولت نیز مطابق با عکس هوایی سال ۱۳۳۵، اراضی (حدفاصل خیابان بهار در شرق و خیابان روزولت (مفتح) در غرب) کاملاً شکل‌گرفته بودند. درواقع، قدمت شکل‌گیری پهنه امجدیه نیز با قدمت پهنه محله‌ای بهار هم‌زمان بوده است. زیرا از یک‌سو ورزشگاه امجدیه (شیرودی) به‌عنوان پتانسیل شکل‌گیری سکونت در مرکز این پهنه در سال ۱۳۱۴ تأسیس‌شده بود و از سوی دیگر به علت شکل‌گیری کامل دو محور بهار و روزولت (مفتح)، اراضی حدفاصل این دو محور نیز به تبعیت از پیرامون خود آباد شده و ساخت‌وسازهای زیادی در آن‌ها صورت گرفته بود.

در این چارچوب می‌توان گفت هرچند اراضی این پهنه در ابتدا متعلق به شاهزادگان و متمول قاجاری بوده، در آن دوره توسعه چندانی نیافته و شکل‌گیری محدوده‌های پیرامونی آن بیشتر تابع روند توسعه در نیمه دوم دهه ۳۰ بوده است. با حرکت از میدان فردوسی به سمت شرق، تا حدفاصل جاده شمیران (شریعتی) ساخت‌وسازهای صورت گرفته ناشی از تحولات دوره پهلوی دوم بوده است.

با توجه به وسعت محدوده برای بررسی دقیق‌تر روند تحولات رخ‌داده، می‌توان آن را به دو بخش عمده تقسیم کرد. در بخش اول، روند توسعه در حدفاصل خیابان سپهبد قرنی تا خیابان شریعتی و در بخش دوم، از خیابان شریعتی تا میدان امام حسین (ع) بررسی‌شده که در ادامه نتایج آن به‌تفصیل ارائه است.

بخش اول در حدفاصل خیابان سپهبد قرنی تا خیابان شریعتی

در ابتدای این بخش در ضلع شمالی محور محله **ایران‌شهر** قرار دارد که در زمان قدیم به فیشر آباد معروف بوده است. سابقه تاریخی باغ به دوره قاجار برمی‌گردد، زمانی که یکی از شاهزاده‌های قاجار طراحی باغی را در اراضی خود به یک معمار آلمانی بنام «فیشر» سپرد و بعدها آن باغ را «فیشر آباد» نامیدند. به هنگام وقوع جنگ جهانی دوم، از اراضی این باغ به‌عنوان انبار تسلیحات متفقین استفاده می‌شد. در آن ایام تعدادی ساختمان آجری با معماری خارجی به‌منظور نگهداری ملزومات ساخته شد. پس از خروج متفقین، این محوطه در اختیار نیروهای نظامی ایران قرار



گرفت. این حضور تا سال ۱۳۷۵ ادامه یافت. اما در این سال، این ملک برای تغییر کاربری و اهداف فرهنگی از ارتش خریداری شد. با تخریب بناهای اضافی، اصلاحات، و کاشت درختان این مکان به‌صورت وضعیت فعلی (باغ هنر) در آمد.

همچنین، راه‌اندازی خانه هنرمندان (ساختمان سابق بهداری ارتش) در جبهه جنوبی این پارک باعث رونق فعالیت فرهنگی و هنری در این پارک شده است. نمایندگان خانه تئاتر، انجمن هنرمندان نقاش، انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز، انجمن شاعران، جامعه معماران، طراحان گرافیک، خانه موسیقی، انجمن خوشنویسان، و خانه سینما در این بنا دورهم جمع می‌شوند. امروزه محدوده پیرامون پارک ایران‌شهر و خانه هنرمندان را که در میان خیابان‌های کریم‌خان زند در شمال، دکتر مفتاح در غرب، انقلاب در جنوب، و سپهبد قرنی در شرق واقع است، پهنه محله‌ای ایران‌شهر می‌نامند. این پارک از شمال به خیابان بهشهر، از شرق به خیابان عاصم ترابی، از غرب به خیابان ایران‌شهر، و از جنوب به کوچه علیرضا برفروشان محدود می‌شود.

پس از طی این محله، محور از ضلع جنوبی **محله امجدیه-خاقانی** عبور می‌کند. وجه‌تسمیه نام‌گذاری آن به سال‌ها پیش بازمی‌گردد که در این محل، میدانی وجود داشت و به مناسبت نام امجدالوزرا، یکی از علما زادگان قزوین، به امجدیه موسوم شد. مراحل شکل‌گیری این محدوده در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ آغاز شد. در این زمان اطراف محله سرتاسر بیابان بود و محلات بهار و سهروردی هم هنوز ساخته نشده بودند. به‌طورکلی، در هر کوچه و خیابانی تنها چند منزل ساخته‌شده بود. از سال ۱۳۳۵ با ورود بیشتر نظامیان، محله رونق بیشتری گرفت اما هنوز محله از خدمات عمومی محروم بود.

علاوه بر واگذاری زمین‌ها به مقامات ارتش، مناسب بودن آب‌وهوا نیز بر تعداد ساکنین محله افزود، به‌طوری‌که در سال‌های دهه ۱۳۴۰ اکثراً خانه‌های یک طبقه و گلی محله به منازل ۲ یا ۳ طبقه تبدیل شدند و رشد محله تا سال ۱۳۵۷ نیز ادامه داشت. با وقوع انقلاب اسلامی، بسیاری از ساکنان اولیه محل که درجه‌داران ارتش و افراد درباری بودند به خارج از کشور رفتند و چهره محله عوض شد. افرادی از اشرار مختلف اجتماعی و اقتصادی به محله وارد شدند و تنوع در سطح محله بیشتر شد. در ادامه با گسترش شهر به سمت شمال، بسیاری از ساکنان متمول محله به مناطق تازه‌ساز نقل‌مکان کردند و با مرکزیت یافتن محله در شهر، تعداد زیادی از ادارات و شرکت‌های دولتی و خصوصی به این محله جذب شدند. در حال حاضر، محله امجدیه-خاقانی از جنوب به خیابان انقلاب، از شرق به خیابان بهار، از شمال به خیابان بهار شیراز، و از غرب به خیابان دکتر مفتاح محدود می‌شود.

نام محله انتهایی این بخش **بهار** است که از نام ملک‌الشعرای بهار گرفته‌شده است. اصلی‌ترین خیابان محدوده محور بهار است که محدوده‌ای از خیابان بهار شیراز تا دروازه دولت را شامل می‌شود. در این محدوده تا دهه ۱۳۱۰ شمسی به‌جز شماری از باغات، ساختمان‌های مسکونی



وجود نداشت و خیابان بهار شیراز خیابانی بود با یک پیاده‌رو و جوی آبی که در وسط آن جریان داشت و از چشمه زلال عباس‌آباد سرچشمه می‌گرفت. ساختمان‌های قدیمی محله عمدتاً در دهه ۳۰ و ۴۰ ساخته شدند. که از جمله آن‌ها می‌توان به مدرسه ارامنه بانام رستم (۱۳۳۰)، دبستان ودادی (مریوان)، و مسجد قدیمی خرقانی (۱۳۲۹) که در سال ۱۳۴۰ بازسازی شد اشاره کرد.

سابقه سکونت در این محله به حدود سال‌های ۱۳۱۰ بازمی‌گردد، اما در آن زمان تعداد منازل مسکونی بسیار اندک و خیابان‌ها خاکی و نیمه‌کاره بودند، به‌طوری‌که از خیابان بهار شیراز به بالا تا عباس‌آباد تپه‌ماهورها بوده است.

این وضعیت تا سال‌های دهه ۱۳۳۰ ادامه داشت. طی سال‌های گذشته، یک تغییر از همه بیشتر خودنمایی می‌کند و آن‌هم ورود اصناف مختلف به این محله و کوچ ساکنان اولیه به سایر محلات است.

به دلیل قرار گرفتن محله در مرکز شهر و قابلیت دسترسی سریع، از دهه ۱۳۷۰ به مرکز فروش لوازم صنعتی، سرمایه‌ی، گرمایشی، و تهویه در خیابان طالقانی و خیابان بهار تبدیل شده است. در خیابان بهار پایین‌تر از خیابان سمیه نیز فروشندگان لباس و جامه کودکان متمرکزند. خیابان سمیه نیز به محل فروش لوازم بازی کودکان تبدیل شده است.

خیابان شریعتی (جاده قدیم شمیران)

در گذشته، برای رسیدن به جاده خاکی و باریک قدیم شمیران و خروج از شهر از دو دروازه نزدیک آن استفاده می‌شد: دروازه‌های شمیران و دولت. هر دو دروازه به پیچ شمیران منتهی می‌شدند و



از آنجا به سمت شمال، مسیر جاده قدیم شمیران بود. این جاده تا پیش از ناصرالدین‌شاه خیلی باریک و البته مناسب چهارپایان یعنی مال‌رو بود، ولی در اواسط دوره ناصری وضع آن بهبود یافت به‌ویژه تا حوالی دوراهی ضرابخانه؛ چون از تهران تا کاخ‌های سلطنت آباد و نیاوران بسیار مورد استفاده ناصرالدین‌شاه قرار می‌گرفت، به همین سبب، به‌فرمان او جاده را شوسه و برای عبور درشکه و کالسکه عریض کردند.

جاده شمیران قدیم

در آغاز، عملکرد آن در اتصال شهر به ییلاقات شمیران بود، اما در دوره‌های بعد نقش اتصال بخش‌های توسعه‌یافته شمالی شهر به مرکز نیز بدان اضافه شد. این خیابان در دوره پهلوی دوم بانام جاده سوم شمیران، به شکل امروزی خودساخته شد.



بخش دوم از خیابان شریعتی تا میدان امام حسین (ع)

در این بخش از مسیر، اولین محله که محور از مرز جنوبی آن عبور می‌کند، محله **خواجه نصیر-حقوقی** است. این محله در دوره قاجار خارج از محدوده شهر بوده است. در آن زمان محدوده شهر در شمال شرقی به دروازه دولت و دروازه شمیران محدود می‌شد و محله خواجه نصیر بیرون از این محدوده قرار داشته است.

این محله در میان بیابان‌های وسیعی محصور شده بود و راه‌های ارتباطی کمی داشته است. زمین‌های این محل در ابتدا متعلق به فخرالدوله، نوه ناصرالدین‌شاه، بود و خود منزلی بزرگ به مساحت ۱۸۰۰ متر در این محل ساخت که هنوز هم پابرجاست و در زیر این ساختمان قناتی قدیمی وجود دارد. این محله در بیرون دروازه شمیران قرار داشته است و کارگران شب‌ها پشت دروازه‌های شهر و در قهوه‌خانه‌ای که در این محله بود می‌خوابیدند تا صبح بتوانند وارد شهر شوند. با شروع روند توسعه و گسترش شهر تهران و رواج ساخت‌وساز، این محدوده نیز به شهر پیوست. وجه‌تسمیه نام‌گذاری محله بزرگداشت خواجه‌نصیرالدین توسی، دانشمند و ریاضیدان مسلمان و ایرانی، بوده است. همچنین به آن، حقوقی هم گفته می‌شود که دلیل آن سکونت تعداد زیادی از وکلا و حقوقدانان مجلس و درباری در این محل بوده است.

در قسمت پائین محله یعنی درجایی که امروزه پل چوبی ساخته شده است یک خندق بود که از بین رفته است. در آن زمان، اهالی برای عبور از این خندق با استفاده از چوب، پلی روی خندق احداث کرده بودند و به این دلیل به آن پل چوبی گفته می‌شد که تا به امروز نیز به همین نام خوانده می‌شود. در مرکز این محل و در عشرت‌آباد ساختمان کلاه‌فرنگی قرار داشت که هنوز هم وجود دارد اما در تقسیم‌بندی امروزی، جزء محله کاج به شمار می‌آید. در سال ۱۳۳۲، که محمد مصدق زمین‌های اطراف میدان امام حسین (ع) را به‌رایگان حراج کرد این محله شکل بیشتری پیدا کرد و مردمی که بیشتر کاسب، بازاری، و کارگران ساختمانی بودند به این محل آمدند. با آسفالت شدن خیابان‌های محل در دهه ۳۰، محله شکل امروزی خود را پیدا کرد. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به‌جز چند ساختمان جدید در اطراف میدان سپاه ساختمان‌های محل تغییر چندانی نداشته‌اند.



در امتداد مسیر محور به محدوده محله نظام‌آباد می‌رسیم که چون از یک‌سو فقط بخش کوچکی از این محله قبل از رسیدن به میدان امام حسین (ع) قرار دارد، در بخش بعدی، روند شکل‌گیری آن در قالب پهنه محله‌های نظام‌آباد، حشمتیه، و وحیدیه بررسی شده است.



خیابان دماوند حدفاصل خیابان خواجه نصیر تا خیابان گلشن دوست (شمال محور)



در امتداد مسیر محور، پهنه کلان هم‌جوار بعدی که محور مرز جنوبی آن را طی می‌کند، شامل محله‌های نظام‌آباد، حشمتیه، و وحیدیه است که حدود ۲۰۰ سال پیش در زمره آبادی‌های خارج از حصار تهران و جزء بیلاقات پادشاهان قاجار محسوب می‌شدند.

توسعه محلات نظام‌آباد، حشمتیه و وحیدیه

دو قصر مهم قجر و عشرت‌آباد در اراضی این کلان پهنه به ترتیب در زمان پادشاهی فتحعلی شاه و ناصرالدین‌شاه شکل گرفتند. اما پس از رشد و گسترش تهران ناصری، اراضی این پهنه به تدریج در محدوده شهر تهران ادغام شد و در ادامه روند توسعه شهر مورد توجه مهاجران شهرستانی و ساکنان محله‌های جنوبی تهران قرار گرفتند.

این اراضی که جزء آبادی‌های خارج تهران بودند، اولین عمارت‌ها و بناهای پادشاهان قاجار را در خود جای داده‌اند؛ اما امروزه بسیاری از این عمارت‌ها تغییر کاربری داده یا از بین رفته‌اند، فقط نامی از آن‌ها باقی‌مانده و حتی در پاره‌ای موارد نام‌ها نیز به دست فراموشی سپرده شده است و تنها با مراجعه به اسناد و مدارک قدیمی می‌توان به وجود آن‌ها پی برد.

بر این اساس تاریخچه و پیشینه اراضی پهنه مذکور را در دودسته زیر می‌توان بررسی کرد: دسته اول شامل اراضی است که امروزه نیز هویت پررنگ و شناخته‌شده‌ای دارند، بناهای قدیمی آن‌ها موجود ولی تغییر کاربری یافته‌اند. این اراضی عبارت‌اند از قصر، عشرت‌آباد، حشمتیه، و نظام‌آباد.

دسته دوم شامل اراضی است که امروزه نه تنها نامی از آن‌ها بر سر زبان‌ها نیست، بلکه هم‌اکنون هیچ نشانی دال بر وجود چنین اراضی (عیش‌آباد، قلعه امام‌جمعه (امامیه) و معینیه) وجود ندارد و صرفاً با مراجعه به اسناد و مدارک قدیمی می‌توان به وجود آن‌ها در گذشته پی برد.

تاریخچه شکل‌گیری و توسعه اراضی دسته اول به دوره حکومت قاجار بازمی‌گردد. این اراضی نیز همچون بسیاری دیگر از آبادی‌های شمیران، در زمان قاجار بر اثر توجه شاهزادگان و درباریان قاجاری رو به رشد و توسعه گذاشت، زیرا قاجاریان اصولاً طایفه‌ای چادرنشین بودند و بیلاق و قشلاق جزئی از آداب زندگی آنان محسوب می‌شد، لذا در مناطق بیلاقی اطراف تهران به‌خصوص شمیرانات، باغ‌های بزرگ و کاخ‌هایی برای آنان احداث می‌شد تا در فصول گرم سال در آن‌ها اقامت کنند. برخی از این کاخ‌های بیلاقی در فصل گرمای تابستان به مقر سیاسی حکومت نیز تبدیل می‌شد. در آن زمان نخستین عمارت‌هایی که در این آبادی‌ها شکل گرفتند، قصرها و بناهای متعلق به پادشاهان قاجار بودند.

اولین آن‌ها یعنی قصر قجر در سال ۱۲۱۳ قمری در مسیر راه تهران به شمیران توسط فتحعلی شاه ساخته شد. پس از آن در عهد سلطنت محمدشاه، در خارج از حصار شهر از طرف شمال که مبدأ



آب‌های خنک جاری از شمیران و دامنه‌های توچال بود، بزرگان و اعیان نیز به تبعیت از شاه به احداث باغ‌های تفریحی و خانه دوم در خارج از حصار شهر پرداختند و به‌مرورزمان، مالک زمین‌های دایر و بایر اطراف آن‌ها نیز شدند. پس‌ازآن، در دوران حکومت ناصرالدین‌شاه در جنوب قصر قاجار، باغ وسیع و عمارت عشرت‌آباد ساخته شد.

از طرفی احداث جاده شمیران در دوره ناصری به‌منظور تسهیل رفت‌وآمد درباریان به تجریش و سایر نقاط شمیران، ازجمله عواملی بود که در تسریع رشد این آبادی‌ها، خصوصاً اراضی هم‌جوار این محور ارتباطی، تأثیر بسزایی داشت. بنا به دستور ناصرالدین‌شاه، جاده باریک و ناهمواری که تهران را به شمیران متصل می‌کرد، به‌ویژه تا حوالی دوراهی ضرابخانه که مسیر تردد وی بود، تعریض شد تا درشکه و کالسکه بتواند به‌راحتی از آن عبور کند. در پایان این دوره (قاجار)، اراضی واقع در محدوده از بیابان پیرامون شهر، به یکی از مناطق بیلاق‌نشین سلاطین، امرا، و درباریان قاجار تبدیل شد که مرکب از قصرها و باغ‌های بسیار بود. این عمارت‌ها بعدها به کانون‌های جذب جمعیت تبدیل شدند و سکونت در پیرامون آن‌ها شکل گرفت.

با شروع حکومت پهلوی و توسعه تهران، این زمین‌ها که در زمره اراضی خارج شهر محسوب می‌شدند به‌تدریج در داخل محدوده شهر ادغام شدند و در زمره شمال شرق تهران درآمدند. در این دوره، بناهای شاخص و باغ‌های این پهنه به عملکردهای نظامی و زندان تبدیل و سپس توسط بافت مسکونی احاطه شدند. هم‌زمان با توسعه و تمرکز دستگاه‌های اداری و نظامی کشور در تهران از یک‌سو و رشد جمعیت و افزایش مهاجرت از شهرستان‌ها به تهران از سوی دیگر، اراضی این محدوده تفکیک و به‌تدریج محله‌های قصر، حشمتیه، عشرت‌آباد، گرگان، و نظام‌آباد شکل گرفتند. درواقع در پهنه‌های هم‌جوار میدان امام حسین (ع) و محورهای شریعتی و انقلاب به‌عنوان مرزهای غربی و بخشی از مرز جنوبی محدوده، سکونت بیشتر و پررنگ‌تر از سایر قسمت‌های دیگر این پهنه شکل گرفت و با دور شدن از این محورها سکونت کم‌رنگ‌تر و به‌صورت پراکنده وجود داشت. در دوره پهلوی دوم و در سال ۱۳۳۵، پهنه‌های محله‌ای خواجه نصیر، خواجه نظام‌الملک، گرگان، و قصر به‌صورت کامل شکل گرفت و عملکرد سکونت تمام سطوح این پهنه‌ها را پوشش می‌داد. اما در پهنه‌های محله‌ای سرباز، نظام‌آباد، و حشمتیه هنوز اراضی خالی وجود داشته است. درحرکت به سمت شرق پهنه، سکونت در اراضی مجاور محورهای شاخص رشد یافت و به‌مرورزمان، اراضی این محدوده به تملک آرامنه درمی‌آید؛ این روند تا به امروز ادامه پیدا کرده و این پهنه‌ها را (آرامنه، وحیدیه، و زر کش) به پهنه‌های ارمنی‌نشین تبدیل کرده است.

در دهه ۴۰، سکونت در این پهنه‌ها کامل‌تر شد و پس از اصلاحات ارضی، زمین‌های این پهنه محل استقرار مهاجران شهرستانی با قومیت‌های مختلفی می‌شود که غالباً به‌منظور کسب شغل یا برخورداری از مزایایی که در پایتخت متمرکز بودند، به تهران مهاجرت می‌کردند. در نتیجه این روند، بسیاری از خانه‌های یک یا دوطبقه ویلایی و درشت‌دانه محدوده به خانه‌های آپارتمانی



متوسط و ریزدانه تفکیک می‌شوند. امروزه نیز روند این مهاجرت‌ها ادامه دارد. بدین‌صورت که، بسیاری از ساکنان مناطق جنوبی تهران که موقعیت مالی مساعدتری به دست آورده‌اند یا مهاجران شهرستانی که عمدتاً به‌منظور کار کردن در تهران وارد این شهر می‌شوند، این نقطه از تهران را مکان مناسبی برای سکونت خود می‌دانند و طبیعتاً بعضی از اعضای این گروه بعد از چند سال سکونت در این منطقه و برخورداری از رفاه اقتصادی بالاتر، به مناطق شمالی‌تر تهران مهاجرت می‌کنند.

در تقسیم‌بندی کلی، روند شکل‌گیری و دوره‌های توسعه این کلان پهنه را به شرح زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

دوره اول، دوره قاجار: همان‌گونه که اشاره شد، در این دوره باغ‌ها و بناهای اشراف توسط شاهان قاجار ایجاد می‌شود و ساخت‌وساز با صدارت آغامحمدخان آغاز می‌شود و با به سلطنت رسیدن فتح‌علی‌خان به اوج خود می‌رسد.

دوره دوم، پهلوی اول: در این دوره، رضاشاه به دو دلیل، خصوصیت با قاجار و علاقه به پیشرفت و همگامی با غرب، دست به تغییر در بافت منطقه می‌زند. در این راستا، باغ‌ها به کاربری نظامی و زندان تغییر یافته و توسط بافت مسکونی احاطه می‌شوند.

دوره سوم، دوره پهلوی دوم: در این دوره، بافت مسکونی به‌طور کلی با تفاوت‌های اجتماعی-کالبدی در دو سمت خیابان شریعتی شکل می‌گیرد. این تغییر در قسمت شرقی خیابان شریعتی در محدوده پهنه موردنظر به‌وضوح (ریزدانگی و فشردگی قطعات) قابل‌رویت است.

دوره چهارم، بعد از انقلاب اسلامی: بعد از انقلاب اسلامی و ازدیاد جمعیت در این دوره، بافت شهری تغییر یافت و در این راستا، خانه‌های یک یا دوطبقه به خانه‌های آپارتمانی (پلاک‌های متوسط دانه و ریزدانه) تفکیک شدند. بنابراین، روند توسعه این پهنه از سمت جنوب آغاز شده و **نظام‌آباد** اولین محله‌ای است که در این پهنه شکل گرفته (با قدمتی حدود ۶۰ سال) است. به‌طوری‌که اولین منازل مسکونی ساخته‌شده در این محل در فاصله سال‌های دهه ۱۳۳۰ ساخته شدند، اما از دهه ۱۳۴۰ به این‌سو، محله نظام‌آباد شکل امروزی خود را پیدا کرد. در آن زمان اطراف منازل محله را که به‌صورت پراکنده ساخته‌شده بودند بیابان‌های وسیعی فراگرفته بود. در تقسیم‌بندی ابتدایی از میدان امام حسین (ع) فعلی تا محله نارمک، همه اراضی تحت عنوان نظام‌آباد شناخته می‌شدند. در سال ۱۳۴۳، محلات سبلان، وحیدیه، ارباب مهدی، و سیه‌چشم از نظام‌آباد جدا شدند و بعدها هم محلات دیگری مثل گرگان و دهقان جدا شدند تا اینکه محله نظام‌آباد محدوده امروزی خود را پیدا کرد.

از اماکن قدیمی محدوده می‌توان به بانک ملی شعبه امام حسین (ع)، مدرسه اورت (که سابقاً متعلق به یهودیان بود) و آزادی فلسطین فعلی، قبرستان، سرای سالمندان یهودیان (که امروزه در کوچه مهران نائبی هنوز وجود دارد)، بیمارستان‌های فرح (امام حسین (ع))، و جرجانی اشاره کرد.



پس از انقلاب تغییر چندانی در این محدوده به وجود نیامده و تنها در سال‌های اخیر طرح احداث اتوبان امام علی (ع) در آن اجرا شده که به واسطه آن تعداد زیادی از منازل تخریب شده است.

در ادامه، مسیر محور به سمت شرق محله وحیدیه قرار دارد که تا سال‌های ۱۳۲۰ جزء اراضی نظام‌آباد محسوب می‌شد. این پهنه در امتداد خیابان نظام‌آباد قرار داشت که محل گذر سواره‌نظام از پادگان حشمتیه به پادگان چکش بود. این محدوده (وحیدیه و زرکش) در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم تا سال‌های دهه ۴۰، پذیرای مهاجران ارمنی شد. ارمنی‌های ساکن در این پهنه توانستند با گذشت زمان خود را با شرایط زندگی در شهر تطبیق دهند و با کسب تخصص برای مشاغل تخصصی مانند مکانیکی، در شهر شاغل و به‌مرور زمان، به اقشار متوسط شهری بدل شوند. بیشتر ساکنان اولیه این پهنه نیز هنوز هم در آن ساکن‌اند.

خیابان دماوند-محله نارمک (شمال محور)

در امتداد شرقی محور در مجاورت ضلع شمالی محور محله نارمک قرار دارد و از شرق به تهرانپارس محدود می‌شود. سابقه شکل‌گیری محدوده به دهه ۱۳۲۰ و حوادث رخ داده در پی اشغال متفقین و بروز بحران اقتصادی آن دوره بازمی‌گردد. در آن سال‌ها، اوضاع مردم در شهرستان‌ها چنان وخیم شد که بسیاری دوام نیاوردند و با امید کسب درآمد و زندگی بهتر راهی پایتخت شدند. تراکم جمعیت در نواحی مرکزی شهر موجب شد مردم در اراضی شرق تهران برای داشتن سرپناه دست به تصرف عدوانی اراضی بایر بزنند و به خانه‌سازی در این اراضی تصرفی (کوی مفت آباد) شروع کنند. برای مقابله با این هجوم بی‌سابقه و خانه‌سازی بی‌ضابطه در اراضی مفت آباد، دولت دستور داد در دو ناحیه نازی‌آباد و نارمک که اراضی آن‌ها خالصه و در تملک دولت بود، طرحی با اصول و ضوابط شهری اجرا شود و در آن مهندسين ایرانی هم به‌عنوان مشاور همکاری داشتند. در اصل، بانی ساخته‌شدن محدوده دکتر مصدق به شمار می‌رود. مهم‌ترین شاخص‌ها که در ساخت در قالب طرح تهیه شد، نقشه‌های ساختمانی توسط دفتر فنی بانک ساختمانی است که به‌رایگان در اختیار خریداران زمین قرار گرفت و نظارت بر ساخت‌وساز بر عهده دفتر فنی و سپس شهرداری اختصاصی نارمک بود.

میدان بزرگ هفت‌حوض (که نام خود را از هفت‌حوض طراحی‌شده در وسط آن گرفته و اینک توسط مدیریت شهری «میدان نبوت» نام‌گرفته است) و ایستگاه دفتر (که به جهت قرا داشتن دفتر شرکت ساختمانی به این نام خوانده شد) نخستین قسمت‌های نارمک بودند که آباد شدند. پس از ساخت واحدهای مسکونی اولیه، ساختمان‌های عمومی نظیر واحدهای تجاری، آموزشی، و ... بنا شد. ساخت بخش اصلی مسکونی نارمک حدود هشت سال به طول انجامید و سپس به شهرداری تهران تحویل شد.



سیر تحول و دگرگونی در نارمک را می‌توان در سه دوره مشخص زمانی بیان کرد:
دوره اول: مربوط به ساخت‌وساز در قالب طرح اولیه شهرک مسکونی که هشت سال به طول انجامید. ساختمان‌های طراحی‌شده غالباً یک و دوطبقه بودند و دفتر فنی بانک ساختمانی بر آن نظارت کامل و دقیق داشت.

دوره دوم: مربوط به زمانی است که شهرک نارمک به شهرداری تهران تحویل شد. در این دوره، تحولات و دگرگونی‌هایی در روند ساخت‌وساز اتفاق افتاد و با کاسته شدن از نظارت بر ساخت‌وساز، بناهای جدیدی با فرم‌های متفاوت در این قسمت ساخته شد.

دوره سوم: سال‌های اخیر را شامل می‌شود که بر تراکم فضاهای مسکونی افزوده و کالبد آن به همین سبب دستخوش دگرگونی شده است. با این حال، شاید تنها عنصر کالبدی از شهرک نارمک که به هیچ‌وجه تحت تأثیر جریان‌های مختلف قرار نگرفت و همچنان در تطبیق کامل با طرح اولیه است، میدان‌های نارمک باشند؛ همان‌گونه که ذکر شد، با فضای سبز خود عرصه‌های عمومی و نیمه عمومی منحصربه‌فردی تشکیل می‌دهند که شاید نظیر آن‌ها را در جای دیگری نتوان یافت. وجود این میدان‌ها همچنین موجب ایجاد تناسب فضایی و تناسب در فضاهای پر و خالی‌شده است. این میدان‌ها عامل بسیار مهمی در هویت‌مندشدن محله نارمک بوده و هست. به‌طوری‌که «نارمک» نزد بسیاری از ساکنین آن و نیز در روایت‌های مردم شهر تهران به «محله صد میدان» مشهور است. در این محله، نام‌های بسیاری از معابر پس از پیروزی انقلاب تغییر کرده است که از آن جمله می‌توان به خیابان آیت (سی‌متری نارمک)، میدان هلال‌احمر (شیر و خورشید)، میدان نبوت (هفت‌حوض)، خیابان جانبازان (گلبرگ)، و خیابان شهید سهیلیان (شیر مرد) اشاره کرد.

خیابان دماوند حدفاصل خیابان ۱۷ شهریور تا کوی زینبیه (جنوب محور)

در مسیر محور از میدان امام حسین (ع) به سمت شرق و در ضلع جنوبی محور دماوند پهنه محله‌ای تهران-نو-نیروی‌هوایی-شهباز قرار دارد که در تقسیمات اداری شهر تهران در منطقه ۱۳ قرار می‌گیرد. این پهنه از شمال به مناطق ۴، ۷، و ۸ (محور دماوند)، از غرب به منطقه ۱۲ (محور ۱۷ شهریور)، از جنوب به منطقه ۱۴ (محور پیروزی)، و از شرق به بزرگراه شهید عباس دوران و سرخه‌حصار حریم (شرق تهران) محدود می‌شود. بر اساس محله‌بندی شهرداری، این پهنه به ۱۲ محله بانام‌های صفا، شهید اسدی، زاهد گیلانی، قاسم‌آباد، دهقان، پیروزی، نیروی هوایی، حافظیه، شورا، امامت، فلکه آشتیانی، و محله کوی زینبیه تقسیم‌شده است.

این اراضی در گذشته در مسیر تهران به دماوند، قصر فرح‌آباد و در محدوده شرقی دروازه دوشان‌تپه قرار داشته‌اند. پس از توسعه شهر در دوره ناصری، دروازه دوشان‌تپه به‌عنوان دروازه شرقی تهران در محدوده میدان ژاله (شهید افسری) واقع بوده و این پهنه، اراضی دوشان‌تپه، امامیه (حکیمیه)، امانیه، و دهکده فرح‌آباد را دربر می‌گرفته است.



دهکده فرح‌آباد جزء بخش شمیران و متصل به دوشان‌تپه بوده است. در شرق دوشان‌تپه و میان دوشان‌تپه و کوه سه‌پایه، باغ و قصر فرح‌آباد واقع شده بود. کوه‌های اطراف این دهکده شکارگاه مخصوص و تفرجگاه پادشاهان قاجار بوده است. در سال ۱۳۲۰ قمری، در دهکده فرح‌آباد احداث قصر فیروزه آغاز شد که در سال ۱۳۲۲ به پایان رسید. در بخش شمالی دوشان‌تپه اراضی امامیه، در بخش جنوبی آن اراضی مفت آباد، و در بخش شرقی آن نیز اراضی سرخه‌حصار وجود داشته است.

در دوره پهلوی اول، بیشترین توسعه کالبدی شهر تهران در جهت شمال و شمال شرقی اتفاق افتاد. توسعه ارتباطات شهری و خیابان‌کشی‌های جدید نیز به همراه رواج استفاده از وسایط موتوری این روند را سرعت بخشید. در این میان بیشترین توسعه فیزیکی، پیرامون دروازه شمیران (میدان بوعلی) رخ می‌دهد و این نقطه کانون اصلی گسترش تهران به سمت شمال شرق و شمال می‌شود. دروازه دوشان‌تپه (میدان شهدا) بعدها این نقش را به میدان فوزیه (میدان امام حسین(ع)) می‌بخشد. توسعه به‌سوی جاده مازندران و خیابان‌های دوشان‌تپه و عشرت‌آباد، دروازه شمیران را به مرکز توسعه شمالی در این بخش از شهر تبدیل می‌کند.

از دیگر تغییراتی که در این زمان در محدوده پهنه فعلی رخ می‌دهد، تأسیس کارخانه برق تهران در میدان ژاله (شهدا) تا مسیر فرودگاه دوشان‌تپه و سایر مؤسسات مربوط به نیروی هوایی کشور است. ضمناً چند ناحیه نظامی نیز در اطراف شهر شکل گرفت، ازجمله در حاشیه شرقی شهر تأسیسات نظامی مربوط به نیروی هوایی کشور با احداث فرودگاه دوشان‌تپه، تأسیس کارخانه هواپیماسازی شهپاز، ادارات و سایر مؤسسات مربوط به آن توسعه یافت. تأسیسات مذکور در حال حاضر در محل مجموعه پایگاه دوشان‌تپه فعلی واقع است. این پایگاه تقریباً هم‌زمان با فرودگاه قلعه مرغی در جنوب احداث شد. روند تغییر و تحولات تهران که از شروع حکومت پهلوی آغاز شده بود، در این دوره نیز ادامه یافت.

در گام‌های اولیه رشد شهر از سال ۱۳۲۲ به بعد، ابتدا باغات درون شهر زیر ساخت‌وساز رفت. با ادامه رشد شهر در اراضی پیرامون محدوده قبلی شهر، برخی کاربری‌ها که در حاشیه شهر خارج آن قرار داشتند، مثل کاربری‌های نظامی و صنعتی جزء اراضی شهر و با کاربری‌های مسکونی احاطه شدند. از دهه ۴۰ به بعد، تحت تأثیر دگرگونی نظام اقتصادی و اجتماعی، پویش شهرنشینی نیز تند و ناموزون شد. همگام با تحول بنیادی در نظام اقتصادی شهر و ایجاد فعالیتهای گوناگون شهری، جذب جمعیت و افزایش مهاجرت‌ها به تهران آغاز شد، لذا ضرورت تأمین مسکن، شکل‌گیری و توسعه محله‌های مسکونی جدید را در نواحی مختلف شهر به دنبال آورد. مهم‌ترین دگرگونی پهنه مورد مطالعه در این دوره زمانی در پی ایجاد محله‌های مسکونی تهران‌نو و نیروی هوایی شکل گرفت، که مصادف با به‌وجودآمدن محله‌های مسکونی در سایر نقاط شهر است. از



دیگر عواملی که در رشد و توسعه این پهنه در این مقطع زمانی مؤثر است، اشغال فضاهای خالی مابین نواحی کوهستانی شمال و شرق شهر و درنهایت ساخت‌وساز تپه‌های دوشان‌تپه و قصر فیروزه در شرق است.

از منظر سکونت در پهنه به تفکیک بخش‌های مختلف، اولین ساکنین بخش میانی پهنه افسران و درجه‌داران نیروی هوایی ارتش ایران بودند. اما نخستین ساکنان بخش غربی و شرقی پهنه مهاجرینی بودند که از شهرستان‌های مختلف به تهران آمده بودند. بخشی از قسمت غربی این پهنه حدفاصل خیابان منتظری تا دیواره غربی فرودگاه نیروی هوایی، در اواخر دهه ۱۳۲۰ «مفت آباد» نامیده می‌شد. دلیل این نام‌گذاری (بنا به روایت برخی ساکنین قدیمی) آن است که دکتر مصدق در زمان نخست‌وزیری، زمین‌های این پهنه را به‌صورت رایگان در اختیار مردم قرار داد. در حال حاضر نیز ساکنین بخش‌های دیگر پهنه، این قسمت را به همین نام می‌شناسند و مطلوبیت سکونت در آن همچنان از دیگر نقاط پهنه کمتر است.

بررسی کلی سیر پیدایش و گسترش بخش‌های مختلف پهنه مورد مطالعه نشان می‌دهد این پهنه به لحاظ قدمت و تاریخ تکوین به سه دوره قابل تفکیک است که عبارت‌اند از:

دوره اول (۱۳۰۰-۱۳۲۵)

دوره اول که شکل‌گیری آن مربوط به سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۵ است، غربی‌ترین قسمت پهنه و شامل بافتی عمدتاً فرسوده و قدیمی است که بین خیابان‌های ۱۷ شهریور و مهمان قرار دارد. مهم‌ترین ابنیه در این محدوده، شرکت برق منطقه‌ای در مجاورت میدان شهدا و کارخانه مهمات‌سازی در مجاورت محور پیروزی است. کارخانه برق یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری این پهنه بوده است. با ورود به دوره پهلوی و شکل‌گیری صنایع کارخانه‌ای نوین (۱۳۰۴-۱۳۲۰) و انتقال صنایع از داخل شهرها به اطراف و حومه عامل مهمی برای توسعه شهر از لحاظ وسعت شد. یکی از این کارخانجات حومه تهران، کارخانه برق شهباز بود. که در سال ۱۳۱۶ شمسی به‌عنوان نخستین نیروگاه برق دولتی به قدرت ۶۴۰۰ کیلووات بخار، توسط بلدیة تهران (شهرداری) در شمال شرقی، بیرون دروازه دوشان‌تپه (میدان شهدا) راه‌اندازی شد. احداث این کارخانه در حومه شرقی شهر تهران باعث تشدید روند رشد تهران به سمت شرق و آغازی برای شکل‌گیری محله‌های مسکونی پیرامون این کارخانه شد. این روند رشد تا حدی بود که حریم قابل‌توجهی برای این کارخانه در نظر گرفته نشد و اطراف آن تماماً کاربری مسکونی داشت. به‌این‌ترتیب، یکی از عوامل شکل‌گیری این پهنه احداث این کارخانه بوده است. امروزه، این کارخانه به موزه تبدیل‌شده است و به‌عنوان عملکرد با کاربری فرهنگی در مقیاس شهری در این پهنه عمل می‌کند.

دوره دوم (۱۳۲۵-۱۳۵۵)



دوره دوم توسعه بین خیابان مهام در غرب پادگان نیروی هوایی و خیابان خاقانی در شرق تهران‌نو شکل گرفت. این بخش به علت قرارگیری پادگان نیروی هوایی در مرکزیت آن دچار ساختار گسسته و ناهمگن (خصوصاً) در قسمت غربی است. در قسمت غربی، محورهای ارتباطی قطع‌شده و بافت مسکونی به‌صورت باریکه‌ای در حاشیه معابر اصلی قرار گرفته است و سلسله‌مراتب صحیحی ندارد. در بخش شرقی، برخلاف بخش غربی محله‌های طراحی‌شده تهران‌نو و نیروی هوایی ساختار نسبتاً منسجمی دارند. تهران‌نو در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۵ و نیروی هوایی در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ شکل گرفته‌اند. وجود کارخانه جوراب‌بافی در میدان چایچی (که در حال حاضر به‌عنوان انبار وزارت دفاع استفاده می‌شود) از جمله عوامل مؤثر بر آبادانی محله تهران‌نو محسوب می‌شود.

دوره سوم (سال‌های پس از ۱۳۵۵)

بخش شرقی خیابان خاقانی یعنی شرقی‌ترین بخش این پهنه متأخرترین بافت پهنه است، که پس از سال ۱۳۵۵ شکل گرفته است. عامل اصلی توسعه این بخش که شامل باریکه‌ای در سمت جنوب محور دماوند است، واقع‌شدن در جوار مهم‌ترین محور ورودی شرق تهران (محور دماوند) بوده که به تدریج در قالب استقرار واحدهای ریزودرشت کارگاهی و صنعتی گسترش یافته است. وجود پایانه شرق و قرارگیری آن در حاشیه شمالی جنگل سرخه‌حصار از دیگر عوامل توسعه و گسترش این بخش بوده است.

پهنه مورد مطالعه به دلیل محصوریت با محورهای تاریخی و مهم شهر تهران نظیر خیابان‌های ۱۷ شهریور (شهباز)، دماوند و پیروزی (فرح‌آباد) و بزرگراه شهید دوران (اسب‌دوانی)، نزدیکی به گره‌های مهم شهری مانند میدان امام حسین (ع) و میدان شهدا (ژاله) همچنین مجاورت با عملکردهای فرا منطقه‌ای نظیر پارک سرخه‌حصار، ترمینال شرق، بیمارستان بوعلی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، پادگان نیروی هوایی، و اراضی نظامی شرق تهران جایگاه ویژه‌ای در سازمان فضایی شهر تهران دارد.

این پهنه به دلیل تراکم بالای بافت، جمعیت بسیار زیادی دارد و به دلیل قیمت نسبتاً مناسب اراضی، محل مناسبی برای سکونت دهک‌های متوسط و پایین درآمدی جامعه در آن است. شکل غالب سکونت در این پهنه خانه‌های تک‌ساز یا آپارتمان‌های مسکونی کوتاه‌مرتبه در بافتی فرسوده و بی‌کیفیت است. اخیراً بخشی از بافت مسکونی بخش شرقی پهنه نوسازی شده و بخش غربی و میانی به دلیل توانایی مالی کمتر ساکنین با نوسازی کمتری به نسبت روبه‌رو بوده است. شرقی‌ترین بخش پهنه کوی زینبیه است که مربوط به سپاه پاسداران بوده و در دهه ۷۰ ساخته و در اختیار کارکنان و کارمندان سپاه پاسداران قرار گرفته است.

الگوی معماری و ساخت در پهنه محله‌ای موردنظر بر اساس دوره‌های شکل‌گیری به سه بخش تقسیم می‌شود: بخش غربی، بخش میانی و بخش شرقی.



بخش غربی: دوره ساخت این بخش به سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۵ مربوط می‌شود و کیفیت ساخت نامطلوبی دارد. این بخش بافتی خودرو و کوتاه‌مرتبه (بناهای یک الی چهار طبقه) دارد که امروزه در زمره بافت فرسوده شهر تهران قرار می‌گیرد. در تعریف فرسودگی سه ویژگی موردبررسی قرار می‌گیرد که هر یک به‌تنهایی برای اطلاق واژه فرسوده کفایت می‌کند. درواقع، بافت بخش غربی پهنه مورد مطالعه هر سه ویژگی را دارد و دچار بالاترین درجه فرسودگی است.

بخش میانی: در بخش‌های میانی پهنه (محله‌های تهران‌نو و نیروی هوایی) که دوره ساخت آن مربوط به سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ است، ساختمان‌های کوتاه‌مرتبه و میان‌مرتبه دیده می‌شود. در محدوده‌های پیرامون فرودگاه دوشان‌تپه به دلایل امنیتی، مجوز ساخت بیش از دوطبقه داده نمی‌شود. درنتیجه، این بخش از پهنه در زمره بناهای کوتاه‌مرتبه قرار می‌گیرد. در سال‌های اخیر، به دنبال مهاجرت‌های زیاد از شهرستان‌ها به تهران و در پی روند افزایش جمعیت در شرق تهران ساخت‌وسازها افزایش یافته است و به‌تدریج ساختمان‌های کوتاه‌مرتبه به آپارتمان‌های چندطبقه تبدیل می‌شود.

بخش شرقی: در شرقی‌ترین بخش پهنه، کوی زینبیه قرار گرفته که متأخرترین قسمت پهنه است و شامل آپارتمان‌های میان‌مرتبه و خانه‌های ویلایی کوتاه‌مرتبه است. این مجموعه طراحی‌شده متعلق به سپاه پاسداران است.

در کل می‌توان گفت محور دماوند در این بخش از یک‌سو تأمین‌کننده دسترسی مراکز مسکونی، فعالیتی، و تفریحی در امتداد مسیر به سمت شرق و از دیگر سو تأمین‌کننده ارتباط حوزه شرقی با بخش مرکزی و میانی شهر است.

در ادامه، ابتدا به اصلی‌ترین محله‌های موجود در این پهنه و ارکان ویژه آن اشاره شده است.

محله امام حسین (ع) (شهbaz)

این محله در بخش شرقی میدان امام حسین (ع) و دروازه دوشان‌تپه طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۵ شکل گرفته است. اراضی این محله شامل حدفاصل خیابان ۱۷ شهریور (شهbaz) از غرب، خیابان دماوند از شمال، خیابان پیروزی از جنوب، و خیابان حجت و دیواره غربی فرودگاه دوشان‌تپه از شرق است. ایجاد عملکردهای شهری مهم نظیر کارخانه برق و بیمارستان و زایشگاه بوعلی شکل‌دهنده این پهنه‌اند. این بیمارستان در محل بخشی از گورستان قدیمی کلیمی‌ها احداث شده و بخش دیگر آن گورستان نیز، امروزه به خانه سالمندان کلیمی‌ها تغییر کاربری داده است. جنب این بیمارستان نیز لکه عملکردی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، به دلیل عبور بزرگ‌راه تازه احداث امام علی (ع) از خیابان مهام و علوی، این زیر محله به دو نیم تقسیم شده، بااین حال، هنوز هر دو بخش آن به شهbaz (امام حسین (ع)) معروف است. در تقسیمات شهری این محدوده به سه محله شهید اسدی، صفا، و زاهد گیلانی تقسیم شده است.



محله نیروی هوایی

نیروی هوایی پهنه محله‌ای بعدی در امتداد ضلع جنوبی محور است که شکل‌گیری آن به اوایل دهه ۱۳۴۰ بازمی‌گردد. اولین ساکنان این محله افسران و درجه‌داران نیروی هوایی ارتش ایران بودند و به این دلیل و مجاورت با پادگان نیروی هوایی به این نام خوانده می‌شد. این محله دارای دو میدان به نام‌های فلکه اول و دوم نیروی هوایی بوده و طبق تقسیمات مدیریتی شهر تهران به چهار محله نیروی هوایی، دهقان، قاسم‌آباد، و پیروزی تقسیم‌شده است؛ از جنوب به خیابان پیروزی، از شرق به کوی زینبیه و ادامه بزرگراه بسیج، از شمال به خیابان‌های شورا، مسیل منوچهری، امامت و ۳۰ متری نیروی هوایی و از غرب به دیواره شرقی فرودگاه دوشان‌تپه محدود می‌شود.

خیابان پیروزی

این خیابان، یکی از خیابان‌هایی است که نام بلندی در تاریخ مبارزات ملت ایران در دوره انقلاب دارد. این خیابان که در سلسله‌مراتب شبکه راه‌های شهری در زمره خیابان‌های درجه یک شهری قرار می‌گیرد، از میدان شهدا شروع و به سه‌راه پیروزی در نقطه اتصال بزرگراه بسیج و بزرگراه شهید دوران ختم می‌شود. نام سابق این خیابان فرح‌آباد بوده و محل تجمع تعدادی از واحدهای نظامی متعلق به نیروی هوایی ارتش است. کاربری خیابان پیروزی عمدتاً تجاری و اداری است. کاربری اداری آن، محل استقرار واحدهای ستادی و پشتیبانی نیروهای نظامی، فرودگاه دوشان‌تپه، اداره مرکزی برق تهران، و بیمارستان فجر است.

فرودگاه دوشان‌تپه

دوشان‌تپه نام قریه‌ای واقع در اطراف تهران بود که در گذشته جزو حومه تهران محسوب می‌شد، اما در حال حاضر به‌صورت بخشی از تهران بزرگ درآمده است. یکی از دروازه‌های قدیمی شهر تهران به نام دروازه دوشان‌تپه، به مسیر منتهی به این قریه گشوده می‌شده است.



دروازه دوشان تپه - ۱۳۰۴

کلمه دوشان در زبان ترکی به معنای خرگوش است و به دلیل فراوانی خرگوش وحشی در این قریه مرتفع، به این نام خوانده می‌شده است. دوشان‌تپه در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار شکارگاه وی بوده و عمده شهرت این محل در کتاب‌های تاریخی، به همین خاطر است. در شمال شرقی دوشان‌تپه یک میدان اسب‌دوانی و دروازه ویژه‌ای نیز بنا شد که در روزهای مسابقه تا سی هزار نفر از مردم تهران برای مشاهده در آنجا جمع می‌شدند. دیگر بنای بسیار مشهور موجود در دوشان‌تپه، کاخ مشهور فرح‌آباد است که ناصر نجمی در کتاب تهران درگذر زمان، مانند بسیاری دیگر آن را منسوب به مظفرالدین‌شاه قاجار دانسته است. عمارت اصلی دوشان تپه را که ساختمانی هشت‌گوش بود، در بالای تپه ساختند. روی این تالار یک کلاه‌فرنگی قرار داشت که از آنجا منظره تهران قابل دیدن بود.



کاخ فرح آباد

در جنوب عمارت و در پایین تپه باغی بزرگ واقع بود و هنگامی که شاه در دوشان‌تپه نبود برای عموم باز بود و تهرانی‌ها و بیشتر اروپایی‌ها در آن به تفریح و هواخوری می‌پرداختند.

گذراندن روز سیزدهم نوروز در دوشان‌تپه نیز موردعلاقه مردم بود و حتی ناصرالدین‌شاه نیز بیشتر روزهای سیزده فروردین را به آنجا می‌رفت. ناصرالدین‌شاه قاجار در دوشان‌تپه یک باغ‌وحش بنا کرد که قبل از آن، در محل باغ لاله‌زار قرار داشت و به دستور شاه قاجار، حیوانات و تجهیزات آن به دوشان‌تپه انتقال یافت. در دوره پهلوی دوم فرودگاه نظامی در آنجا بنا شد که تا به امروز نیز شخصیت نظامی خود را حفظ کرده است و بانام فرودگاه دوشان‌تپه شناخته می‌شود. دوشان‌تپه پس از انقلاب زیر نظر سپاه قرار گرفت و از عمارت‌های آن نیز اثری به‌جای نماند. در حال حاضر، طرح تغییر کاربری فرودگاه دوشان‌تپه مطرح است. در آخرین توافقات با ارتش قرار بر این است که این فرودگاه در زمان بروز بحران با کاربری نظامی امکان مانور برای امداد رسانی را داشته باشد و در شرایط عادی نیز به کاربری‌های عمومی و فضای سبز اختصاص یابد.

محله تهران‌نو

این پهنه به دلیل گسترش اخیر شهر تهران به سمت شرق همچنین تغییر نام خیابان دماوند به تهران‌نو، به نام تهران‌نو مشهور شده است. یکی از عملکردهای مؤثر بر گسترش و آبادانی این بخش از تهران کارخانه جوراب‌بافی استارلایت در اطراف میدان چایچی بوده که امروزه به انبار وزارت دفاع تبدیل شده است. این محدوده طبق تقسیمات شهری، شامل چهار محله بانام‌های آشتیانی، امامت، حافظیه، و شورااست؛ شامل حدفاصل خیابان دماوند از شمال، خیابان حجت از غرب، کوی زینبیه از شرق و دیواره شمالی فرودگاه دوشان‌تپه، و خیابان شورا از جنوب است.

خیابان‌کشی این محله نظم هندسی داشته است و خیابان‌های شمال غربی به جنوب شرقی آن با بهره‌گیری از واژه مهر به‌صورت مهربار، مهر افروز، مهر‌آور، مهر‌پرور، و مهر‌آگین نام‌گذاری شده‌اند. البته پس از انقلاب ۱۳۵۷، دگرگون کردن برخی از این نام‌ها، این نظم نام‌گذاری را برهم زده است.

محله کوی زینبیه

این شهرک در انتهای بخش شرقی محله تهران‌نو و شمال افسریه، روبه‌روی پادگان دوشان‌تپه قرار دارد. این شهرک به‌عنوان محله دهم منطقه ۱۳ ثبت‌شده است. این مکان جزء خانه‌های سازمانی سپاه پاسداران بوده و پیرامون تمام محله دیوار و حصارکشی شده است.



در ادامه مسیر خیابان دماوند به پهنه حوزه شرق می‌رسیم، محور با عبور از این پهنه به دروازه خروجی شرقی تهران متصل می‌شود. پس از خروج از محدوده شهری، این امتداد به جاده دماوند تغییر نام می‌یابد. در این بخش، به تاریخچه و ویژگی‌های خاص شکل‌گیری محدوده‌های پیرامونی محور پرداخته شده است.

حوزه شرق (خیابان دماوند حدفاصل تهرانپارس تا حکیمیه در شمال محور)

به‌طور کلی، پیدایش و توسعه سکونت در پهنه شرقی تهران به دهه‌های ۳۰ و ۴۰ بازمی‌گردد. در نیمه دوم دهه ۳۰، بازتاب فضایی رشد سریع تهران آغاز شد و تا نیمه دوم دهه ۴۰ بیشتر به سمت شمال (تجربیش) و شرق (تهرانپارس) پیشروی کرد. در این مقطع زمانی، برای تنظیم و جلوگیری از رشد شتابان، سریع، و حجیم تهران برنامه‌ای منظم در قالب اولین طرح جامع ۲۵ ساله شهر تهران تهیه و تصویب شد. یکی از اهداف اصلی طرح، تعیین جهات و محدوده‌های توسعه شهر تهران بود که تأثیر قاطعی بر توسعه شرقی-غربی ناپیوسته تهران و گسست کالبدی و افت کیفی فضا بر جای نهاد.

در این فرایند، سازمان فضایی شهر تهران نوعی تقسیم عملکرد اجباری را پذیرا شد. بافت‌های تاریخی و قدیمی و قسمت‌های چسبیده به آن‌ها با مرکزیت تجاری، خدماتی و اداری تا حد اشباع و لبریز شدن پر شد و بافت‌های حومه‌ای و ناپیوسته، فعالیت‌های کارگاهی، کارخانه‌ای و تولیدی را در خود جای داد. این قطبی‌شدن تحمیلی عملکردها، بر مهاجرت‌ها و سکونت‌های درون و برون شهری تأثیر گذاشت. به‌طوری‌که بافت‌های حومه‌ای و ناپیوسته، بدون تأسیسات و تجهیزات شهری، مستقر بر اراضی دایر و بایر کشاورزی روزبه‌روز گسترده‌تر شدند و کم‌کیفیت‌ترین سکونتگاه‌های شهری را شکل دادند.

بدین ترتیب، تهران حاشیه‌ای به همراه گران‌شدن زمین و هزینه‌های زندگی در محدوده قدیمی و مرکزی تهران، بیرون از محدوده‌های خدماتی طرح جامع، روی بخش‌هایی از اراضی فاقد مالکیت مشخص، در کنار کوه، تپه، رودخانه، و اطراف جاده‌های پیرامون تهران جدید پدیدار شد که فاقد کیفیت‌های لازم برای ساخت‌وساز بود.

بنابراین، کلان‌شهر تهران که از اواخر دهه ۴۰ شکل گرفت، از همان مراحل اولیه رشد خود، با توسعه گسترده سکونتگاه‌های غیررسمی مواجه شد. اواخر دوره حکومت پهلوی دوم با بروز تعارض‌هایی بین حاشیه‌نشینان و دولت همراه بود. این درگیری‌ها در نتیجه مداخله شهرداری برای تخریب ساخت‌وسازهای غیرمجاز آغاز شد و واکنش ساکنان را برانگیخت. پیروزی انقلاب اسلامی موجب درهم شکستن مقاومت‌های اداری در مقابل رشد حاشیه‌نشینی شهری و ادغام نواحی حاشیه‌ای در شهر شد.



در نخستین سال‌های پس از انقلاب، تقریباً تمام سرمایه‌گذاری‌های سنگین و کارهای بزرگ زیربنایی متوقف شدند و شهر صاحب حومه‌های گسترده‌ای متشکل از خانه‌های مسکونی شخصی کوچک شد. در فاصله سال‌های پس از انقلاب اسلامی تا اوایل دهه ۶۰، رشد جمعیت در شهرک‌های تهران روندی لجام‌گسیخته داشت. شهرک‌هایی پیرامون تهران که خانه‌سازی در آن ممنوع بود، ساخته شد. زیرا قوانین مربوط به مناطق خارج از محدوده شهر دیگر نمی‌توانست از سوی دولتی بحران‌زده چه قبل و چه بعد از انقلاب اعمال شود. مهاجران اغلب در فکر خرید زمین نبودند و ترجیح می‌دادند به سرعت خانه‌ای بسازند و بعد اگر لازم باشد با مالک زمین و در صورت نبود او با دولت وارد معامله شوند.

بسیاری از واحدهای مسکونی طی این سال‌ها، بدون جواز شهرداری ساخته شد. با از میان رفتن نظام کنترل و نظارت بر توسعه شهر، اقشار کم‌درآمد برای تملک زمین و ساخت سریع مسکن به نواحی شرقی و جنوبی شهر هجوم آوردند. یکی از مناطقی که با افزایش قدرت اجتماعی اقشار کارگری و کم‌درآمد مورد هجوم ساخت‌وسازهای مسکونی قرار گرفت، حد انتهای شرق تهران بود.

هسته اصلی پهنه سکونت شرق تهران را نواحی نارمک و تهرانپارس تشکیل می‌دهد. احداث این دو پهنه مسکونی از اواسط دهه ۳۰ آغاز شده که شروع و پایان ساخت‌وساز تهرانپارس نسبت به نارمک متأخرتر است. به روایتی، پهنه تهرانپارس همچون شهرک غرب تهران به قصد ایجاد یک شهرک خوابگاهی به‌دوراز مراکز کار و فعالیت برای اقشار متوسط جامعه شکل می‌گیرد. لذا تهرانپارس، مرکزی برای توسعه بعدی منطقه شرق تهران می‌شود. همان‌طور که ذکر شد، در اواخر دهه ۵۰ و اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل ازهم‌پاشیدگی ساختارهای قانونی دولت، شهرداری، و بی‌ثباتی ساختارهای جدید اقتصادی توسعه هرج‌ومرج طلبانه‌ای در این منطقه صورت می‌گیرد و نواحی جدیدی همچون خاک سفید، حکیمیه، جوادیه، و شمیران نو همچون زائده‌هایی از هسته اصلی تهرانپارس منشعب می‌شوند. غالب زمین‌های این ناحیه‌ها بدون هیچ‌گونه اخذ مجوزی به زیر ساخت‌وساز رفته و در حال حاضر بسیاری از املاک آن فاقد سند است.

در سال‌های اولیه انقلاب، در اراضی همچون خاک سفید، شمیران نو، و اوقاف توسط اقشار کارگر و کم‌درآمد خانه‌سازی شد، به‌طوری‌که ناحیه خاک سفید به حلبی‌آباد معروف بود.

سپس در دهه‌های بعد، شهرک‌های مسکونی در اراضی حکیمیه و نزدیک به تپه‌های لویزان احداث شد. لذا، در حال حاضر با کلان‌پهنه‌ای در شرق تهران مواجه هستیم که به لحاظ ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و عملکردی دارای محدوده زیر پهنه‌هایی با هویت‌های نسبتاً متمایز است.

لذا با توجه به نقش و اهمیت این زیر پهنه‌ها در ادامه به بررسی دوره‌های توسعه کانون‌های اصلی شکل‌گرفته در مجاورت محور پرداخته‌شده است.



خیابان دماوند

یکی از خیابان‌های شهری درجه یک شهر تهران خیابان دماوند است. این خیابان طولانی‌ترین خیابان شرقی-غربی در نیمه شرقی تهران است. این خیابان از میدان امام حسین (ع) به سمت شرق شروع می‌شود و تا بیابان‌های سرخه‌حصار و از آنجا تا جاده دماوند پیش می‌رود. کاربری قسمتی از این خیابان که در پهنه موردنظر قرار می‌گیرد، تماماً صنعتی و تجاری است. دسترسی به پارک سرخه‌حصار از این خیابان مقدور است. این خیابان از قدیمی‌ترین محورهای تردد مردم تهران است. از نکات قابل توجه این خیابان آن است که این محور مرز محله‌های زیادی از جمله قاسم‌آباد، وحیدیه، نارمک، تهران‌نو، جوادیه، و تهرانپارس است و بدین ترتیب همانند مفصل جداکننده عمل می‌کند. این خیابان از میدان امام حسین (ع) به سمت شرق شروع شده و تا بیابان‌های سرخه‌حصار و از آنجا تا جاده دماوند پیش می‌رود. خیابان دماوند با جاده دماوند درهم‌آمیخته و تا نقطه‌ای که فعلاً در نقشه‌های پایتخت، مرز شرقی شهر، یعنی پایان منطقه ۴ شهرداری است، در حدود ۱۳۰۰۰ متر طول دارد.

خیابان دماوند از قدیمی‌ترین محورهای تردد مردم تهران و اصلی‌ترین معبر ورود و خروج مردم مازندران به پایتخت است. به این دلیل در امتداد غربی خیابان دماوند، از میدان امام حسین (ع) تا میدان ابن سینا، خیابان مازندران قرار دارد. با این یادآوری که مازندرانی‌ها و گرگانی‌های مقیم تهران در اطراف میدان امام حسین (ع) و حواشی قسمت‌های غربی خیابان دماوند سکونت دارند.

تهرانپارس

تهرانپارس نام زیر پهنه‌ای وسیع در محدوده است که قسمت اعظم آن در اراضی مجیدآباد (محدوده مابین مسیر قنات مهدی‌آباد و مسیل اردیبهشت) واقع است. آبادی مجیدآباد که به‌نوعی هسته اصلی ایجاد تهرانپارس به شمار رفته و این کلان پهنه در اراضی آن احداث شده است، نام خود را از نام مالک اصلی آن که سنگ بنای ایجاد آن را گذاشت (عبدالمجید میرزا عین‌الدوله) برگرفته شده است. وی نوه فتحعلی شاه از احمد میرزا بوده و طی چند دوره متفاوت در دربار قاجار به سمت صدارت اعظمی نائل شده بود. همچنین بخش اعظم محدوده تهرانپارس در گذشته متعلق به زرتشتیان بوده است که از مالکان اصلی این اراضی می‌توان از ارباب هرمز نام برد. خرد مالکان دیگری، مانند ارباب رستم گیو، ارباب پرویز، و ارباب جمشید نیز در زمره مالکان اولیه این اراضی قرار دارند، که ایشان ساکنین اولیه محله تهرانپارس نیز محسوب می‌شوند.

این محدوده در دوره پهلوی اول بر اساس طراحی مدرن توسط مهندسین فرانسوی ساخته شد. در دهه ۱۳۱۰ شمسی، ارباب هرمز از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران زرتشتی این شهرک را در شمال شرق تهران ساخت و نامش را تهرانپارس گذاشت. نام تهرانپارس نیز با توجه به تمایلات ناسیونالیستی دوران پهلوی که موجب اهمیت یافتن موضوعات تاریخی شده بود، برای آن انتخاب شده است.



امروزه این مجموعه سکونت‌ی به‌عنوان هسته اصلی قوام‌دهنده و سوق‌دهنده جمعیت به شرق تهران به شمار می‌رود.

در کل، شکل‌گیری این پهنه ریشه در دوره قاجار دارد. در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار مجیدآباد به حاجب‌الدوله تعلق داشت، اما باروی کار آمدن رضاشاه پهلوی این اراضی به یکی از سران ایل بختیار (امیر مخم بختیار پدر ابوالقاسم بختیار) واگذار شد تا در تهران ساکن شود و به این شیوه بر شورش و یاغی‌گری ایلات و عشایر بختیاری غلبه شود. تا به این زمان، هیچ ساخت‌وساز مهم و وسیعی در تهرانپارس وجود نداشته و تنها چند ساختمان اربابی و چند چهاردیواری و قلعه وجود داشته است. به‌طوری‌که عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ نیز تأییدی بر این امر است و نشان می‌دهد تا آن تاریخ مستحذات زیادی در تهرانپارس ایجاد نشده بود. اما مهم‌ترین آبادانی محدوده تهرانپارس را باید باغ و عمارت مجیدآباد دانست که یکی از بزرگ‌ترین باغات تهران به‌شمار می‌رفته است. عمارت باشکوه آن را که دو اشکوب داشته و با سرستون‌های کرینتین مزین بوده را حاجب‌الدوله بنانهاده است. امروزه این مجموعه در آستانه ثبت در فهرست آثار ملی است. در اوایل توسعه تهرانپارس (اوایل دهه ۱۳۳۰)، یعنی درست با پایان خیابان‌کشی‌ها برای رونق یافتن این محدوده، بسیاری از قطعات درشت‌دانه این اراضی به سران، درباریان، و افراد بانفوذ زمان (چند تن از اعضای مجلس شورای ملی و مقربان دربار پهلوی) واگذار شد. آن‌ها تعداد محدودی خانه و ویلا در املاک تازه خود بنا کردند.

در آن دوره، پهنه وسیعی را برای ایجاد تهرانپارس تسطیح و خیابان‌بندی کردند که ۱۲۷۰ هکتار مساحت داشته و از غرب به مسیل اردیبهشت و امتداد آن اتوبان شهید باقری، از شرق به مسیر قنات مهدی‌آباد، از شمال به جنوبی‌ترین بخش حصار باغ مجیدآباد، و از جنوب به خیابان دماوند محدود بوده است.

شکل‌گیری تهرانپارس در قالب شهر، پس از خرید اراضی، توسط ارباب هرمز و تصمیم‌وی به آبادانی آغاز می‌شود. در این راستا، از گروه مهندسی‌نی که کار طراحی و اجرای بهشت‌زهر را بر عهده داشتند، برای نقشه‌برداری، تسطیح، خیابان‌بندی، جدول‌کشی، لوله‌کشی، ساختن منابع آب، احداث کارخانه برق، و ... کمک گرفته می‌شود که آقایان مهندس ناصر زاده و مهندس پور تیمور از اعضای آن گروه بودند.

با پایان‌یافته جدول‌بندی‌ها، مجموعه خانه‌هایی نیز برای جلب دهک‌های بالایی ساکن تهران که از ازدحام و تراکم مرکز تهران به تاب آمده و به‌دنبال نقل‌مکان بودند، بانام چهارصد دستگاه ایجاد شد. این مجموعه که در خیابان بهار (شهید رضا حسینی)، در جنوبی‌ترین بخش تهرانپارس، در شمال خیابان دماوند، و شرق خیابان دردشت واقع شده بود (امروزه بخشی از زیر محله فلکه اول محسوب



می‌شود)، در حدود سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۲ در متراژهای حدوداً ۵۰۰ و ۱۰۰۰ متری احداث و به عموم مردم عرضه شدند.

تا به این زمان، سایر آبادی‌هایی که در اطراف مجیدآباد سابق قرار داشتند مانند جوادیه، حکیمیه، قنات کوثر، قاسم‌آباد، و ده نارمک همگی هنوز در حالت روستایی بوده و سکونت را به‌صورت غیرمترکام در خود جای‌داده بودند. تنها محدوده مترکام مسکونی در حوالی تهرانپارس، نارمک بود که کمی زودتر از تهرانپارس شروع به شکل‌گیری کرده بود.

بعدها در سال ۱۳۴۶، نوبت به ایجاد مراکز عمومی پیش‌بینی‌شده در طرح اصلی رسید، از آن جمله می‌توان به مهدکودک پری‌دخت در نزدیکی خیابان استخر فعلی، سینمای ماشین‌رو^{۲۷} با ظرفیت ۲۷۰ خودرو در محدوده بین خیابان‌های ۱۸۲ شرقی و ۱۸۳، درمانگاه روئین‌تن آرش، زمین مسجد بهار، منزلی برای پیش‌نماز مسجد مزبور، دبیرستان دخترانه پری آگاهی آرش، مدرسه راهنمایی هرمز آرش، هنرستان (مجموعه دینی، فرهنگی، و ورزشی) و ... اشاره کرد

در حدود سال‌های ۴۶ تا ۵۰، ارباب هرمز بخش‌هایی از شمال شرق تهرانپارس، حوالی خاک سفید، را برای اسکان برخی کارگران عمرانی تهرانپارس و افراد کم‌بضاعت اختصاص می‌دهد.

تا اینکه با آغاز انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و آشفتگی‌هایی که در پی آن رخ داد، بسیاری از اموال کسانی که ایران را ترک گفته بودند به مصادره دولت درآمد؛ برخی واگذار شد و برخی دیگر از این قطعات مورد تغییر کاربری قرار گرفت و به عملکردهای دولتی (سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی) یا عمومی (خدمات شهری و نظایر آن) تبدیل شدند. از سویی دیگر، موج رشد شهرنشینی که به دنبال خشک‌سالی‌های متعدد و کمبود آب کشاورزی در دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ اتفاق افتاد بود، با احداث کارخانجات متعدد در تهران (به‌ویژه در جوادیه و خیابان دماوند) هم‌زمان شد و به یک‌باره عده زیادی را به دنبال کار به تهران کشاند که تا پس از انقلاب نیز این روند ادامه داشت. این قشر مهاجر که چند سالی از کارکردنشان در کارخانجات شرق تهران می‌گذشت، بر آن شدند تا شمال تهرانپارس و خاک‌سفید را برای خود انتخاب و اقدام به سکونت رسمی و غیررسمی کنند. سال‌های بعد بسیاری از آن‌ها ادعای مالکیت اراضی تصرف‌شده خود را کردند.

پس از انقلاب به‌ویژه در دوران جنگ و پس‌از آن، بسیاری از زمین‌هایی که در تهرانپارس بلااستفاده مانده بود و یا مالکان آن مشخص نبود، توسط بنیاد ۱۵ خرداد (بنیاد شهید) و بنیاد مستضعفان مورد توسعه قرار گرفت، به تعاونی‌ها واگذار، یا حتی به مالکان خصوصی فروخته شدند.

جوادیه، جوادیه/جشنواره، و پهنه صنعتی جنوب خیابان دماوند (سرخه‌حصار)

در ادامه مسیر محور و بعد از محدوده تهرانپارس به محله جوادیه می‌رسیم. جوادیه نام آبادی در نزدیکی جاده مازندران بوده که امروزه نام محله‌ای در شرق تهرانپارس است. در حال حاضر، این

^{۲۷} drive in cinema



پهنه به اسامی دیگری مانند جشنواره نیز شناخته می‌شود. جوادیه در ابتدا یک آبادی از توابع شمیران به شمار می‌رفته، که به دلیل قنات پرآب آن، دارای مزارع سرسبز صیفی و غلات بوده است. محدوده این آبادی از غرب به مسیر قنات مهدی‌آباد و امتداد آن مسیر آب راه‌های بوده که امروزه خیابان امین (خاکسفید) بر روی آن قرار دارد و از شرق نیز به مسیل حکیمیه محدوده بوده است. شکل‌گیری تهرانپارس در غرب این پهنه موجب رونق و توسعه این محدوده نیز شده است و به مرور زمان، آمیختگی این دو پهنه موجب شد تا تمایز آن‌ها کمتر شود. از سوی دیگر از دهه ۴۰ تا اواخر دهه ۶۰، بخشی از اراضی این پهنه به همراه بخش‌های غربی حکیمیه مورد بهره‌برداری صنعتی قرار گرفت و سبب ایجاد پهنه‌ای صنعتی شد که کارگران بسیاری را به این بخش از شهر جذب کرد. این امر به همراه تحولات اجتماعی اقتصادی پس از انقلاب اسلامی موجب شد تا محدوده شمالی جوادیه که با خاک سفید هم‌مرز است به‌صورت زاغه‌نشینی، جمعیت زیادی را در خود جای دهد. در حال حاضر، این محله به‌عنوان پهنه مسکونی-صنعتی در کنار تهرانپارس قابل مشاهده است.

از سویی دیگر، در جنوب جوادیه و در حدود دهه ۴۰ در مجاورت خیابان دماوند که مسیر عبور مسافران بسیاری به‌سوی مازندران و شرق کشور است، راسته خدماتی و صنعتی پرشماری در حال شکل‌گیری بود که هم‌اکنون نیز بسیاری از آن‌ها فعال‌اند. این محدوده که از شمال دوشان‌تپه و میدان امام حسین (ع) آغاز می‌شود تا حوالی ده قدیمی سرخه‌حصار امتداد می‌یابد، تنها محدوده مابین خیابان دماوند و مسیل سرخه‌حصار در درون محدوده شهری تهران است و از این‌رو، آبادی سرخه‌حصار در خارج از محدوده شهری تهران واقع شده است. این امر موجب کندی رشد و توسعه در آبادی سرخه‌حصار شد و این آبادی با ساکنین محلی بسیار اندکی در قالب بافت کوچک باغی در شرق تهران استقرار دارد.

پس از انقلاب نام امتداد خیابان فرجام که از جنوب باغ جوادیه می‌گذرد و به‌نوعی اصلی‌ترین گذر این محله محسوب می‌شود، به خیابان جشنواره تغییر نام پیدا کرد، به همین خاطر برخی از ساکنین بعدی، این محدوده را بانام جشنواره می‌شناسند.

در این محدوده، هرچه به سمت شمال می‌رویم و از خیابان دماوند دور می‌شویم به میزان سکونت در آن افزوده می‌شود، چند زیر محله وجود دارد که شامل هویت‌های محوری و شهرکی می‌شود. شهرک شاهد، شهرک فیلیپس، محورهای درختی، جشنواره، اسفندانی، و محمدی از آن جمله‌اند.

شهرک فیلیپس

در خیابان درختی، یکی از شهرک‌های قدیمی شرق تهران قرار دارد. این شهرک پیش از انقلاب ساخته شد و به بهره‌برداری رسید. این شهرک متعلق به تعاونی مسکن شرکت فیلیپس (راديو الكتريك ايران) است که در سال ۱۳۶۰ در قالب ویلاهای یک طبقه (۱۰۸ واحد) برای کارکنان این شرکت در زمینی در خیابان درختی جوادیه احداث شد. این شهرک به سه فاز، فیلیپس یک، دو، و



سه تقسیم می‌شود. در میان غالب کوچه‌های آن فضای سبز وجود دارد، در سال ۱۳۶۵، که زمین این شهرک از وضعیت تعاونی مسکن خارج شد، مالکان و ساکنان توانستند املاک خود را واگذار کنند. در سال ۱۳۷۹، برای اولین بار در این شهرک جواز ساخت گرفته شد و پس از آن هر مالک با توجه به سلیقه و توانایی مالی یک آپارتمان چندطبقه ساخت و واحدهای شهرک فیلیپس به ۲۸۵ واحد مسکونی افزایش یافت. از آن پس، سیمای این محدوده، که از خانه حیاط دار قدیمی تا آپارتمان چهار طبقه را شامل می‌شود، دچار تضادی شد که تا حدودی محله جشنواره را تداعی می‌کند تا یک شهرک را. با ادامه حرکت در ضلع شمالی محور به سمت شرق، به پهنه محله حکیمیه می‌رسیم که در ادامه به روند شکل‌گیری آن پرداخته شده است.

حکیمیه

نام آبادی حکیمیه برگرفته از نام میرزا علی‌نقی خان حکیم الممالک است، که در عهد محمدشاه آن را تملک و آباد می‌کند. این منطقه در دوران ناصری، منزل اول سفر به طرف دماوند به‌شمار می‌رفته، مدتی به نام امامیه معروف بوده است، ولی هیچگاه نام آن در میان عامه مردم تغییر نمی‌کند تا بدانجا که در حال حاضر نیز این محدوده همچنان به نام حکیمیه خوانده می‌شود. در اواسط دهه ۴۰ و تا اواخر دهه ۶۰، نام حکیمیه بیشتر با موضوعات صنعتی مطرح می‌شد. این محدوده به دلیل آنکه در نزدیکی یکی از مبادی ورودی مهم تهران (خیابان دماوند) قرار دارد، هم‌راستا با پهنه هم‌جوار خود، این محدوده نیز برهه‌ای از تاریخ خود شاهد ساخت‌وسازهای صنعتی بسیاری بوده است که تا محدوده شرقی تهرانپارس نیز ادامه می‌یابد. به‌طور کلی، بزرگ‌ترین تحولات کالبدی ایجادشده در این آبادی قدیمی معطوف به توسعه‌ها سی سال گذشته است که در زمره فعالیت‌های عمرانی متأخر تهران برای رفع معضل مسکن صورت گرفته است.

در چند دهه اخیر، بیشتر اراضی این آبادی در اختیار تعاونی‌های مسکن دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی قرار گرفته و همگی تبدیل به شهرک‌های مسکونی شده‌اند. محله حکیمیه از شهرک‌هایی از قبیل شهرک حکیمیه، کوی دانشگاه، فاز دو مجتمع مسکونی دانشگاه امام حسین (ع)، شهرک والفجر و مجتمع خانه گستر تشکیل می‌شود. غالب شهرک‌های مذکور برحسب تاریخ ساخت (که حدوداً پنج‌ساله‌اند) به سه فاز ۱، ۲، و ۳ تقسیم می‌شوند که فاز ۱ قدیمی‌ترین قسمت حکیمیه است.

در سال ۱۳۸۴، حدود ۲۱۰ هزار مترمربع از اراضی حکیمیه برای احداث سایت دانشگاهی و تمرکز تدریجی دانشکده‌های واحد تهران شمال از طریق وزارت علوم به دانشگاه آزاد واگذار می‌شود. این محله در حال حاضر دارای چند دانشگاه است که به نهادها و سازمان‌های مختلفی وابسته‌اند. مانند دانشگاه امام حسین (ع) وابسته به سپاه پاسداران، دانشکده صنعت آب و برق شهید عباسپور وابسته به وزارت نیرو، دانشکده حفاظت و ایمنی کار و مرکز تربیت بدنی شهید دکتر چمران.



طرح جامع جدید تهران نیز با توجه به موقعیت این پهنه و تمرکز این فعالیت‌ها، حکیمیه را پهنه ویژه شرق تهران با کارکرد غالب تحقیقاتی صنعتی معرفی کرده است.

محور دماوند حد انتهایی شرقی (جنوب محور)

در امتداد محور به سمت شرق و در ضلع جنوبی پهنه صنعتی هم‌جوار آن محدوده پارک ملی سرخه‌حصار قرار دارد که محور یاسینی از مرز شمالی آن به سمت شرق عبور می‌کند. با توجه به اهمیت و وسعت آن در این محدوده، در ادامه به اختصار به شرح ویژگی‌های آن پرداخته شده است.

پارک ملی سرخه‌حصار

پارک ملی سرخه‌حصار یکی از چند پارک جنگلی مهم اطراف تهران است. سرخه‌حصار یکی از قدیمی‌ترین شکارگاه‌های ایران محسوب شده، به همین خاطر، در گذشته اهمیت خاصی داشته است. از روزگار آغامحمدخان قاجار منطقه جاجرود به‌عنوان قرق انتخاب شد و در روزگار فتح‌علی‌شاه قاجار تمام منطقه جاجرود، خجیر، و سرخه‌حصار به‌صورت قرق درآمد. در ۱۳۱۰ شمسی، حدفاصل اراضی و کوه‌های جاجرود و ورجین به نام تلو و هزار دره به این مناطق افزوده شد. علت نام‌گذاری این آبادی که در جنوب خیابان دماوند و بر روی دامنه کوه خاک سفید قرار دارد، به دلیل سرخی خاک و سنگ‌های آن منطقه بوده است.

این پارک در سال ۱۳۵۹ به‌عنوان پارک ملی به ثبت رسید و طی مصوبه شماره ۹۱ مورخ ۱۳۶۱/۰۶/۲۶ شورای عالی حفاظت محیط‌زیست با عنوان پارک ملی تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست قرار گرفت. بر مبنای تبصره ۴ ماده ۳۱ اصلاحی قانون جنگل‌ها، کلیه مراتع و اراضی ملی و مناطق حفاظت‌شده در اختیار سازمان محیط‌زیست قرار دارد و قابل‌واگذاری به غیر نیستند. اما این پارک با احداث جاده و عبور خط لوله گاز در سال‌های گذشته صدمات جبران‌ناپذیری متحمل شده و در معرض خطر ساخت‌وساز قرار گرفته است. به‌طوری‌که در مقایسه‌ای سطحی از کاهش مجموع مساحت این پارک (۲۱۲ هکتار) از سال ۸۴ تا ۸۶ به‌خوبی می‌توان این روند را مشاهده کرد. مطابق با شناسنامه پارک ملی سرخه‌حصار مساحت آن با ۲۱۲ هکتار کاهش، از ۹۳۸۰ هکتار به ۹۱۶۸ هکتار رسیده است.

در ادامه مسیر، خیابان دماوند (محور) به سمت شرق این محور به بزرگراه یاسینی می‌پیوندد که تأمین‌کننده دسترسی به سمت مراکز سکونت و فعالیت‌های شمال شرق کشور است. این خیابان در ۱۳ کیلومتری میدان امام حسین (ع) و در سه‌راه آزمایش، دوراهی می‌شود. یک‌راه به سمت شمال و شمال شرقی کشور می‌رود و دیگری که به جاده تلو-لشگرک معروف است، به ییلاقات زیبای شمیرانات و روستاهای خوش آب‌وهوای لواسانات منتهی می‌شود. کاربری‌های



هم‌جوار خیابان دماوند، در بخشی که درون حوزه خدماتی شهرداری است، تماماً تجاری و صنعتی است. دسترسی به پارک جنگلی سرخه‌حصار و پارک جنگلی غزال از این خیابان مقدور است. اما در امتداد شرقی، خود این محور به سمت استان مازندران بعد از شهرهای رودهن و بومهن دوشاخه می‌شود؛ در یک شاخه و بانام جاده هراز به سمت آمل و در شاخه دوم جاده فیروزکوه به سمت قائم‌شهر می‌رود.

درگذشته، شاخه‌ای که به نام جاده هراز شناخته می‌شد تأمین‌کننده دسترسی مردم به یکی از پیست‌های اسکی قدیم اطراف تهران به نام پیست اسکی آبعلی بوده که به دلیل هویت بخشی به این امتداد در ادامه به‌اختصار بدان اشاره شده است.



ادامه مسیر، خیابان دماوند (محور) به سمت شرق



پیست اسکی آبعلی

پیست اسکی آبعلی در ۴۵ کیلومتری شهر تهران در جاده هراز و نزدیکی شهر آبعلی واقع است. از سال ۱۳۳۲، بالا‌برهای مخصوص در این پیست نصب شد و از این نظر قدیمی‌ترین پیست اسکی ایران است. هم‌اکنون نیز این پیست دارای تله کابین، تله سیز و ۸ تله‌اسکی است.

کارخانه دوغ آبعلی

کارخانه دوغ آبعلی که سنبل نوشیدنی سالم ایرانی بود در سال ۱۳۱۷ در نزدیکی چشمه‌ای که آب گازدار داشت راه‌اندازی شد. روزانه بین ۷۰ تا ۱۰۰ جعبه دوغ در چشمه آبعلی تولید می‌شد. در آن دوره، دوغ آبعلی برای مردم چه در خیابان و کنار جاده چه در رستوران‌های چلوکبابی معروف آن روزها (مثلاً البرز سر منوچهری) مخصوصاً در ناهار بسیار پرتعداد بود و به‌نوعی در مسیر جاده یکی از تفریحات سرراهی محسوب می‌شد.

همان‌گونه که در معرفی تاریخی بستر پروژه گذشت، محور در سال‌های گذشته پیوندی عمیق با رشد و توسعه شهر تهران داشته و به‌نوعی توسعه آن به سمت شرق و غرب از یک‌سو و تغییر نقش آن از محوری در شمال شهر و مرز آن با هسته مرکزی شهر در دهه‌های گذشته به خیابانی مرکزی



و اصلی در شهر از سوی دیگر، موقعیت و نقش آن را در شهر دگرگون ساخته و محور را به عنصری هویت‌بخش در شهر تهران با کارکردی در مقیاس شهر و بعضاً فرا شهر بدل ساخته است. لذا با توجه به جایگاه و اهمیت محور در شکل‌گیری شهر تهران مطالعات ارتقا کیفی محور (دماوند-انقلاب-آزادی) باهدف سامان‌دهی و طراحی سنجیده و شایسته کارکردی و کالبدی آن در جهت دستیابی به توسعه پایدار شهر تهران در دستور کار مدیریت شهری قرار گرفت که در فصول بعدی به تفصیل به ساختار، فرایند، و نتایج حاصل از این پروژه پرداخته شده است.



فصل سوم: ساختار و چکیده مطالعه

محور بخشی مستقیم از یک ساختار یا سیستم است که بقیه بخش‌ها به آن متصل می‌شوند. با چنین تعریفی، محور ۱۷ کیلومتری دماوند-انقلاب-آزادی در شهر تهران جایگاهی بی‌همتا می‌یابد، چراکه به‌راستی واجد خصلت مذکور طی دهه‌های گذشته از تاریخ رشد شهر تهران بوده است. به‌علاوه این محور ۲۹ بر روی دالان ۳۰ توسعه کشیده شده بر آستانه «البرز جنوبی» جای می‌گیرد که از فیروزکوه تا قزوین ادامه دارد.

محورها خلاف مراکز شهری دارای تنوع فعالیت بسیارند و به همین دلیل در تقابل با آن‌ها قرار می‌گیرند. در مراکز شهری ۳۱ به دلیل گران بودن قیمت زمین، فعالیت‌های دارای ارزش‌افزوده بالا و باقابلیت استفاده از تراکم ساختمانی (ساختمان‌های بلندمرتبه) جای می‌گیرند. چراکه مساحت اراضی مرکز شهر بسیار محدود بوده و پر تقاضا و قیمت آن بسیار بالاست. درنتیجه، تنها فعالیت‌های با زمین‌بری اندک (پرتراکم) می‌توانند در آن مستقر شوند. این واقعیت باعث می‌شود فعالیت‌های محدودی بتوانند در مرکز شهرها مستقر شوند که دارای سرانه ارزش‌افزوده یا سود بالا باشند. اما بر روی محوری که از یک کرانه شهر به کرانه دیگر آن کشیده می‌شود و از مراکز آن می‌گذرد، انواع فعالیت‌های زمین‌بر و با سرانه ارزش‌افزوده پایین نیز می‌توانند مکان‌گزینند، چراکه قیمت زمین از حداقل در حاشیه تا حداکثر در مرکز در نوسان است. به همین دلیل، چیدمان فعالیت بر روی محورها بسیار متنوع بوده و برای کارآمدی مکان‌گزینی، بر اساس اصل مکمل بودن ۳۲ یا هم‌افزایی، به حداکثرسان مطلوبیت با هم‌جواری مناسب و حضور فرصت‌های ۳۳ بیشتر باید انجام پذیرد.

بر محور دماوند-انقلاب-آزادی، فعالیت‌های متنوع و دارای کارکردهای شهری، فرا شهری، ملی، و فراملی در پهنه‌ها، راسته‌ها، گره‌ها (میدان‌ها و تقاطع‌ها)، و مراکز تجاری-اداری مکان‌گزیده‌اند و از این بابت نیز متنوع‌ترین و برترین محور در شهر تهران است. قرار داشتن این محور بر دالان توسعه فیروزکوه-قزوین نیز بر اهمیت و برتری آن می‌افزاید. به نظر می‌رسد تنوع این فعالیت‌ها و اهمیت آن‌ها از هر محوری در تهران، ایران، حتی خاورمیانه، و آسیای جنوب غربی بیشتر باشد و از این نیز می‌تواند فراتر رود. ازاین‌رو، ارتقا کیفی محور باید چنین جایگاهی را فراروی خود نهد.

بر روی این محور و در اتصال با آن، تعدادی از برترین دانشگاه‌های خاورمیانه (تهران، شریف، و امیرکبیر) پهنه‌های صنعتی اصلی شرقی و غربی شهر تهران، مناطق ۱۲ و ۶ (به‌مثابه مراکز اصلی

۲۸ اطهری، کمال - مطالعات ارتقا کیفی محور دماوند-انقلاب-آزادی- تدوین چشم‌انداز

۲۹ axis

۳۰ corridor

۳۱ Central Business District (CBD)

۳۲ Complementarity

۳۳ intervention of opportunities



تجاری-اداری، اوقات فراغت فرهنگی، و صنایع کوچک شهر) و ... جای دارد و بدین ترتیب، اعضا و اندام‌های کارکردی اصلی شهر تهران به این محور متصل شده است. شایان ذکر است، رشد و توسعه محور هم‌زمان و در هم پیوندی با رشد و توسعه شهر از دلایل اصلی شکل‌گیری چنین ساختاری در شهر است و بر همین اساس، این محور به مکان خواسته‌های سیاسی مردم تهران و نماد حرکت‌ها و جنبش‌های سیاسی-اجتماعی ایران نیز تبدیل شد.

چیدمان این محور در درون شهر تهران (شامل پهنه‌های صنعتی، دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، مراکز اداری و تجاری، راسته‌های تخصصی، هتل‌ها، و محیط مسکونی دارای بهترین و بیشترین خدمات برتر شهری در شهر تهران، آن را مصداق واژگان «محیط نوآوری»^{۳۴} ساخته است؛ که در عصر اقتصاد دانش‌پایه و جهانی‌شدن، مبنای فضایی توسعه است. به علاوه همان‌طور که اشاره شد، این محور بر دالان توسعه جنوب یا آستانه البرز جنوبی جای گرفته است. این کریدور بزرگ‌ترین مناطق جمعیتی و فعالیتی را در ایران، در فضایی کمابیش هم پیوند و یکپارچه و در تعامل کارکردی با یکدیگر، به هم متصل می‌کند. پیوندی که مرکز آن شهر تهران و محور اصلی این مرکز، محور دماوند-انقلاب-آزادی است. کوتاه‌سخن، ارتقا کیفی یا سامان‌دهی و طراحی سنجیده و شایسته کارکردی و کالبدی با توجه به سیستم فضایی این محور، یکی از شروط لازم توسعه پایدار شهر تهران، دالان توسعه البرز جنوبی و بر این پایه، توسعه کل ایران به شمار می‌آید.

رویکرد

ارتقا کیفی محور، دو مؤلفه کالبدی^{۳۵} و کارکردی^{۳۶} و برآیند آن‌ها فضایی^{۳۷} را دربر می‌گیرد. این دو مؤلفه باید هم‌افزا و هم‌جهت باشند تا فضای مناسب برای توسعه پایدار شهر را فراهم آورند. فضا تجلی‌بخش روابط اجتماعی (اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی) است و زمینه این روابط را فراهم می‌کند. فضا هرچند تجلی جامعه است، سازمان‌دهی و سامان‌دهی آن، قواعد مخصوص به خود را دارد و سازمان‌دهی و سامان‌دهی خلاق فضا، مایه بالندگی جامعه است.

فضای شهر باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و طراحی شود که خلاقیت را در زندگی شهروندان آن برانگیزاند و توسعه پایدار آن را محقق سازد. به عبارت دیگر، رعایت اصول توسعه پایدار در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، حق مردم به شهر خود است. توسعه پایدار شامل پنج اصل پایه است: رونق اقتصادی، عدالت اجتماعی، مشارکت همگانی، سلامت اجتماعی، و حفظ و ارتقا محیط‌زیست. درواقع باید کالبد، کارکردها، و فضاهای شهری به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و طراحی شوند که این اصول را محقق سازند؛ که متضمن برآوردن «حق (شهروندان) به شهر»^{۳۸} است. بر اساس مطالعه و بررسی

^{۳۴} Innovation Environment

^{۳۵} Physical

^{۳۶} functional

^{۳۷} Spatial

^{۳۸} Right to the City



تجربیات جهانی و ایران، همچنین مطالعه سند طرح جامع تهران، طرح تفصیلی مناطق، و دیگر اسناد فرادست و فرودست محور دماوند-انقلاب-آزادی، در این کار پایه، اصول، و ارزش‌هایی که می‌بایست بر طراحی شهری این محور حاکم باشند تدوین شده است. این اصول، ارزش‌ها، و چشم‌انداز برآمده از آن‌ها درواقع پیونددهنده طراحی شهری با اصول عام و خاص طرح‌های فرادست و راهنمای پیوند بین رشته‌های مختلف مؤثر در طراحی شهری محور است، به‌علاوه، جایگاه سند طراحی شهری حاضر را در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت فضایی در شهر مشخص می‌کند.

برای روشن شدن بیشتر این رویکرد، به روابط بین کارکرد^{۳۹} و کاربری^{۴۰} می‌پردازیم، که گاه به‌غلط با یکدیگر مشتبه می‌شوند. می‌دانیم که کارکردها و به‌خصوص فعالیت‌های اقتصادی از قواعدی زمان‌مند (تاریخی) و فضامند (جغرافیایی) تبعیت می‌کنند. به‌طور مثال، در دوران نوین یا عصر پساصنعتی، به‌طور تاریخی یا در روابط اقتصادی صرفه‌های میزان^{۴۱} بیش از صرفه‌های مقیاس^{۴۲} اهمیت یافته است. بازتاب زمان‌مند این غلبه در سازمان تولید، غلبه شرکت‌های کوچک و متوسط^{۴۳} بر شرکت‌ها و مجتمع‌های بزرگ، و بازتاب فضایی آن، احیا پهنه‌های صنعتی داخل شهرها، و موجودیت یافتن خوشه‌های صنعتی و خدمات است، که در اختصاص فضا از لحاظ کالبدی در کاربری زمین باید مدنظر قرار گیرد. همچنین از لحاظ تاریخی در دوران پساصنعتی، اقتصاد دانش^{۴۴} بر اقتصاد کالا غلبه یافته است. اقتصاد دانش شامل رشته‌های صنعتی دارای فناوری پیشرفته، خدمات مولد و ارتباطی، آموزش و پرورش، و فعالیت‌های پژوهشی است که باید در برنامه‌ریزی شهری اختصاص فضاهای خاص آن‌ها و در کاربری زمین بیش‌ازپیش مدنظر قرار گیرد.

به‌عبارت‌دیگر، تقلیل کارکرد به کاربری باعث می‌شود از فراهم آوردن کالبد و فضای لازم برای پذیرش روابط و سازمان‌دهی‌های نوین اقتصادی و اجتماعی غفلت شود؛ چراکه در هر دوره تاریخی، معنای روابط و سامان‌دهی پیشروی اقتصادی و اجتماعی تفاوت داشته است. به‌طور مثال، کارکرد بالنده پهنه صنعتی یا خدماتی و تجاری در دوران نوین (پساصنعتی) دارای الزامات و شروط تحقق کالبدی و فضایی متفاوتی با دوران صنعتی است. درحالی‌که «کدگذاری» کاربری زمین نسبت به آن دوران، تفاوت برجسته‌ای ندارد. به‌علاوه چیدمان این فضاها باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند سازنده «محیط نوآوری» شود. به‌طورکلی، برای ورود به دوران نوین، نیاز به ایجاد و تجهیز فضای مجازی

^{۳۹} function

^{۴۰} land use

^{۴۱} economies of scope

^{۴۲} economies of scale

^{۴۳} Small and medium-sized enterprises (SMEs)

^{۴۴} knowledge economy



(دیجیتال) و نیز ایجاد فضای واقعی مناسب این دوران است. در فضاهای مجازی^{۴۵} دانش تثبیت شده^{۴۶} ردوبدل می شود.

در حالی که فضاهای واقعی^{۴۷} که انسان ها در آن ها ارتباط مستقیم می یابند، دانش حضوری^{۴۸} مبادله می شود. باید در نظر داشت هر چند دستیابی دانش تثبیت شده شرط لازم برای گسترش دانش است، این دانش حضوری است که نوآوری را به ارمغان می آورد. از این رو، تجهیز شایسته فضاهای واقعی درونی (همچون فضاها و اماکن کار و فعالیت و ...) و بیرونی (عرصه عمومی)^{۴۹} برای رشد پایدار دانش و اقتصاد ضرورت دارد. درست به همان گونه که فراهم آوردن فضای لازم (مجازی و واقعی) برای مشارکت دموکراتیک همگان، از شروط توسعه پایدار است.

به طور کلی می توان گفت، برای ایجاد فضای واقعی، کارکردها که عمدتاً از اصول تاریخی تبعیت می کنند، در قلمرو برنامه ریزی شهری به کاربری ها تبدیل می شوند و کاربری ها در قلمرو طراحی شهری هیأت مکانی به خود می گیرند و بدین ترتیب چرخه برنامه ریزی فضایی کامل می شود و در تعامل افزایش با یکدیگر ادامه می یابد. با این زمینه روشن است که استقلال کاربری از کارکرد و جدایی طراحی از این دو به منزله جدایی فضا از جامعه یا تقدم فضا به جامعه خواهد بود، که به طور حتم، به ناکارآمدی و تحقق نیافتن طراحی ها و در بهترین حالت به تزئینی شدن طراحی شهری خواهد انجامید؛ یعنی طراحی شهری به جای اینکه سازمان دهی و سامان دهی خلاق فضا را برای پویایی و پایایی جامعه تداوم بخشد و بدین ترتیب خود به اثری ماندگار تبدیل شود، فضا را به شیئی مستقل و بدون پیوند با بالندگی جامعه تبدیل خواهد کرد. به عبارت دیگر، ارتقا کیفی محور هنگامی محقق خواهد شد که طراحی شهری زمینه ساز تولید فضایی و متضمن توسعه پایدار شهر شود و این توسعه امکان در انداختن طرحی نو را به تاریخ توسعه فضای شهر در ایران دهد. با این رویکرد، راهبردهای طراحی شهری برای مداخله سازنده در محور دماوند-انقلاب-آزادی که در ادامه خواهد آمد، با توجه به ضرورت های ذیل تدوین شده اند:

- اصول شناخته شده و پایه طراحی شهری را ارائه کند؛
- جهت گیری های اصلی و آینده نگر کل محور را به دست دهد؛ و
- مفاهیم اساسی، راهبردها، و راهکارهای کلانی را که در طرح ها و پروژه های محور باید رعایت شوند معرفی کند.

^{۴۵} virtual

^{۴۶} codified

^{۴۷} real

^{۴۸} tacit

^{۴۹} Public realm



راهبردهای فضایی ارتقا کیفی

راهبردهای فضایی دارای سه سطح است که انواع مداخله را نیز تعریف می‌کند. انواع مداخله حاصل تعامل وجوه کارکردی، کالبدی، و برآیند آن‌ها فضایی است. بر اساس این سطوح راهبردی، طراحی شهری نیز نقش‌های متفاوتی از لحاظ نوع و زمان ارائه طرح و اجرا به خود می‌گیرد. یک، تثبیت و ارتقا کیفیت‌های باارزش فضایی و جلوگیری از تنزل و رفع تراحم‌ها و گسیختگی‌ها برای توسعه پایدار شهر.

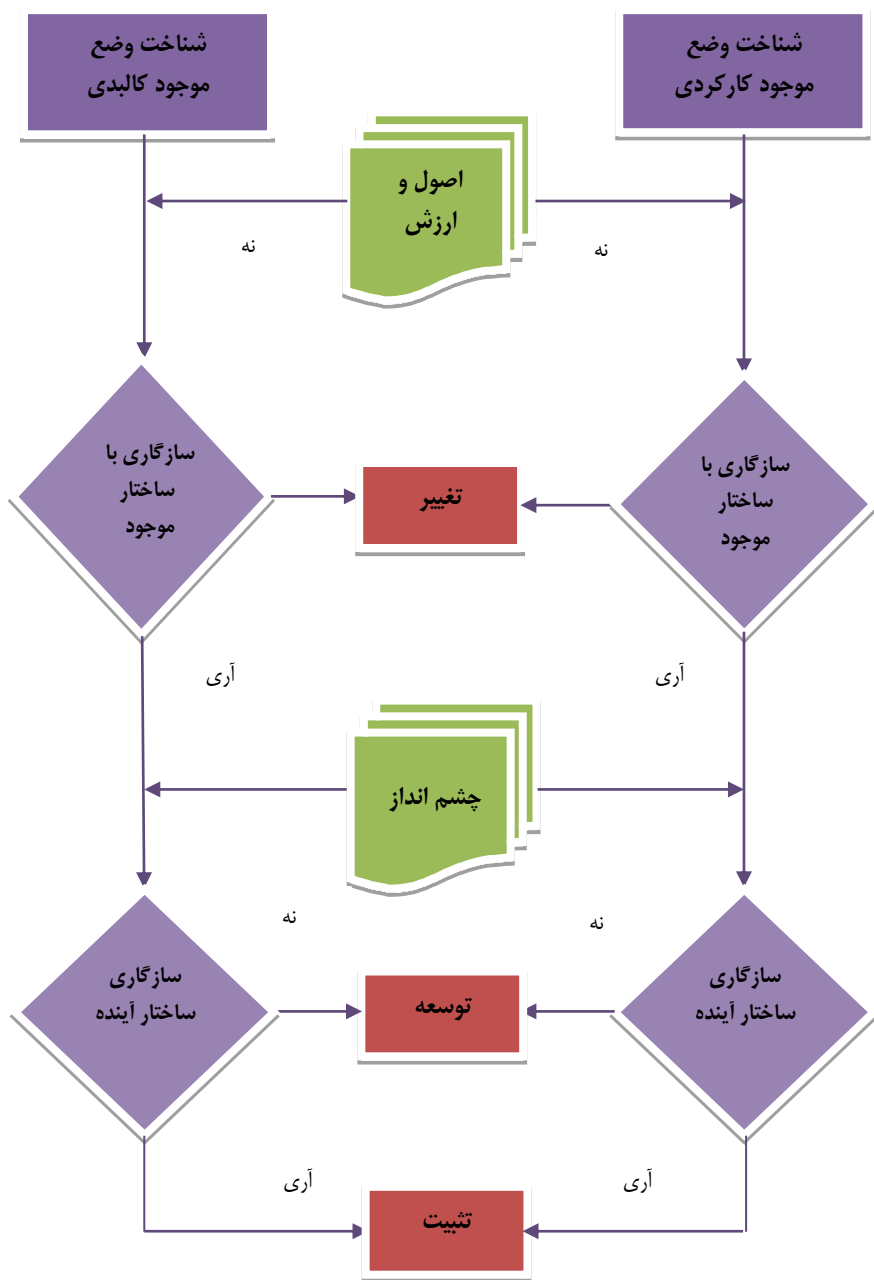
دو، ارتقا و توسعه کارکردی و کالبدی در جهت چشم‌انداز و توسعه پایدار شهر. سه، تغییر و خلق کارکرد-کالبد و در نتیجه فضاهای نوین برای تحقق چشم‌انداز و توسعه پایدار شهر. در جدول و نمودار ۱ شیوه و فرایند ارزیابی سازگاری فضایی در مقابل وجوه کارکردی و کالبدی مشخص شده‌اند. همان‌طور که مشخص است، رابطه سطوح پیش‌گفته از لحاظ کارکردی و کالبدی، انواع نه‌گانه سطوح راهبردی مداخله را تعیین می‌کنند. در این فرایند هر کدام از رشته‌های کارکردی و کالبدی بنا بر اصول و معیارهای خود فضا را ارزیابی می‌کند، آنگاه با هم‌پوشانی آن‌ها سیاست نهایی اتخاذ می‌شود. در فرایند ارزیابی فضایی، ابتدا فضای موجود از لحاظ کارکردی و کالبدی بر اساس اصول و ارزش‌های اساسی هر رشته مطالعاتی وضع موجود بررسی و تحلیل می‌شود، ناسازگاری وضع موجود با این اصول و ارزش‌گویی آن خواهد بود که این فضا از لحاظ کالبدی یا کارکردی یا هر دو باید تغییر کند و چشم‌انداز نوع آن را نشان خواهد داد. اگر وضع موجود با اصول و ارزش‌ها سازگار باشد، از لحاظ سازگاری با ساختار آینده کارکردی و کالبدی در هر رشته ارزیابی می‌شود. ناسازگاری با آینده به معنای آن است که ارتقای کیفی باید به صورت توسعه صورت پذیرد. به‌طور مثال، پهنه‌های صنعتی بنا به چشم‌انداز طرح جامع، در محدوده درونی شهر، باید به صنایع دارای فناوری برتر و خدمات مولد اختصاص یابد. این مهم، به معنای توسعه یک پهنه است، نه تغییر کارکرد و کاربری آن. بر این مبنا، اگر فضای پهنه یا محدوده‌ای چشم‌انداز را محقق سازد، تثبیت آن در دستور کار قرار خواهد گرفت. بدیهی است، ارزیابی رشته‌های مختلف کارکردی و کالبدی می‌تواند متفاوت باشد، که در تلفیق باهم، سطوح نه‌گانه مداخله را به دست ده اند (جدول زیر). این ارزیابی تلفیقی با بهره‌گیری از روش‌های وزن دهی به‌طور اسنادی و نظرخواهی از ذی‌نفعان صورت گرفته است.

چارچوب ارزیابی فضایی در طراحی شهری

کارکردی	کالبدی	تثبیت	توسعه	تغییر
تثبیت	سامان‌دهی کارکردی و بهسازی کالبدی	سامان‌دهی کارکردی و بهسازی کالبدی	سامان‌دهی کارکردی و نوسازی کالبدی	سامان‌دهی کارکردی و بازسازی کالبدی
توسعه	کارآمدسازی کارکردی و بهسازی کالبدی	کارآمدسازی کارکردی و بهسازی کالبدی	کارآمدسازی کارکردی و نوسازی کالبدی	کارآمدسازی کارکردی و بازسازی کالبدی
تغییر	نوآوری کارکردی و بهسازی کالبدی	نوآوری کارکردی و بهسازی کالبدی	نوآوری کارکردی و نوسازی کالبدی	نوآوری کارکردی و بازسازی کالبدی



فرایند عمومی ارزیابی سازگاری کارکردی و کالبدی (فضایی)





فرازهای چشم‌انداز و راهبردهای کلان تحقق آن

چشم‌انداز محور دماوند-انقلاب-آزادی چنانکه آمد، ملهم از طرح جامع، قواعد کارکردی، و کالبدی حاکم بر آن طی دوره‌های گذشته و شناخت پایه از خصایص آن تدوین شده است. تهیه این چشم‌انداز برای یکپارچگی رویکرد بخش‌های مطالعاتی و سامان‌دهی و توسعه کارکردی، کالبدی، و فضایی آن به‌عنوان شرط لازم طراحی شهری ضرورت است. درواقع با چنین چشم‌اندازی، ترسیم وضعیت آینده هر «محدوده»، بر اساس اصول طراحی شهری، به‌طور هم پیوند و هم‌افزا ممکن می‌شود. فراز محور دانایی از آنجاکه جامع کارکردها و فضای موجود و آینده محور است، بر دیگر گزاره‌های چشم‌انداز تقدم منطقی دارد. بدیهی است گزاره‌های چشم‌انداز تعیین‌کننده ساختار آن است و در تمام اجزاء آن باهم حضور نمی‌یابد.



فرازهای چشم‌انداز

یک- محور دانایی: دارای برترین محیط و کارکردهای دانش پایگی و پیشرو برای تحقق اقتصاد دانش‌پایه برای شهر تهران و ایران

- جایگزینی کارکردهای نامتناسب با کارکردهای دانش‌پایه (صنعت با فناوری برتر و خدمات مولد، تجارت جهانی، شرکت‌های علمی و فنی)؛
- اختصاص فضا به خوشه‌های صنعتی، خدماتی، و تحقیق و توسعه؛
- جایگزینی کارکردهای نامتناسب با نقش محور با کارکردهای شهری و فرا شهری و متناسب با نقش ملی و فراملی تهران؛
- ایجاد فضای مناسب واقعی و مجازی برای دانش پایگی برای تعامل مثبت و جریان داخلی و خارجی دانش و مبادلات؛ و



- اختصاص فضای پشتیبان دانش پایگی (هتل و سالن همایش بین‌المللی، گذران وقت فراغت تخصص‌های برتر (ورزشی، فرهنگی، و ...)).

دو- محور فرهنگی: دارای برترین محیط و کارکردهای فرهنگی، هنری، علمی، و فعالیت‌های هم‌افزا، مکمل آن‌ها، و تشکیل محیط نوآوری

- تقویت کالبدی و کارکردی فعالیت‌های فرهنگی، هنری، علمی، و صنایع خلاق؛
- اختصاص فضا به فعالیت‌های مکمل یا برای تولید کالاها و خدماتی که دارای رابطه پیشین و پسین با کارکردهای فرهنگی، هنری، و علمی‌اند؛
- چیدمان متناسب و هم‌افزای کارکردها برای ایجاد محیط نوآوری؛
- اختصاص فضای پشتیبان برای گذران وقت فراغت، برگزاری جشنواره‌ها، و غیره؛ و
- شکل‌دهی به کالبد برای برقراری ارتباط میان حوزه‌ها و مراکز هنری، علمی، و ایجاد عرصه متناسب با آن‌ها.

سه- محور هوشمندی: دارای محیط و کارکردهای برتر برای برقراری و تقویت مشارکت و ارتباطات سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی در سطح ملی و جهانی با بهره‌گیری توانمند از فضاهای واقعی و مجازی، سرزندگی مدنی، و حیات جمعی

- اختصاص و تقویت فضاهای همگانی و یادمانی (میدان‌ها، ورزشگاه‌ها، و ...) برای حضور مستقیم مردم؛
- اختصاص یا تقویت فضای ویژه برای استقرار انجمن‌های مدنی، صنعتی، علمی، فرهنگی، احزاب، و ...؛
- اختصاص یا تقویت فضاهای ویژه برای برگزاری همایش‌ها، جشنواره‌های جهانی هنری، فرهنگی، علمی، و سیاسی؛
- ایجاد شبکه ارتباطی دیجیتال ویژه برای ارتباط دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی، و بنگاه‌ها؛
- انتظام بخشی نهادی و سازمانی به مشارکت ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی و اجرا؛ و
- فراهم آوردن فضاهای ویژه برای استقرار فعالیت‌های با محوریت فناوری‌های هوشمند.

چهار- محور همگان: دارای برترین و بیشترین امکانات و دسترسی برای عرصه‌های عمومی و فعالیت‌های مرتبط چون مدنی، سیاسی، فرهنگی، و ورزشی

- ایجاد پیوستگی و مکمل بودن در نظام فضاهای عمومی و سامان‌دهی سلسله‌مراتب آن؛
- دربرگیرندگی، توجه و احترام به تنوع قومی، فرهنگی، مذهبی، سنی، و جنسی در فضاهای عمومی؛
- تقویت حیات مدنی و ایجاد و تقویت هم‌پیوندی و هم‌افزایی بین شمال و جنوب تهران؛



- هویت بخشی و احترام به عناصر تاریخی و ایجاد و تقویت سرزندگی از فضاهای عمومی با آثار و رخداد‌های هنری، فرهنگی، ورزشی و ...؛
- بهره‌گیری از بخش خصوصی برای احداث و نگهداری انواع عرصه‌های عمومی؛ و
- فراهم آوردن امکانات رفاهی و استراحتگاهی برای مسافران، بازدیدکنندگان، و گردشگران.

پنج- محور سلامت: محوری پیشرو برای تأمین سلامت و امنیت اجتماعی، و حفظ و ارتقا محیط‌زیست

- برتری بخشیدن به نظام حمل و نقل همگانی با بهره‌گیری از سیستم‌های چندگانه؛
- جایگزینی کارکردهای آلوده‌کننده با کارکردهای مناسب؛
- زمینه‌گرایی و توجه به هویت مکان در هرگونه سامان‌دهی و توسعه؛
- زمینه‌سازی و تشویق پویای پیاده و دوچرخه‌سواری؛
- هم‌پیوندی شبکه‌های عرصه‌های عمومی، مسیرها، و فضاهای سبز؛
- باز زنده سازی عناصر اکولوژیک موجود به‌خصوص رود دره‌های شمالی-جنوبی؛
- تقویت فضاهای سبز و فراغت همگانی با تنوع عملکرد و کالبد منعطف؛
- حفاظت فعال از محیط‌زیست و جذب مشارکت مردم برای حفظ و ارتقای محیط‌زیست؛ و
- حضور و نظارت و مشارکت مردم در فضاهای عمومی و ایجاد محیط شفاف عمومی.

اصول راهنمای طراحی شهری محور

طراحی شهری هنر برقراری ارتباط خلاق و سازنده میان عوامل تأثیرگذار بر فرم شهر در جهت شکل‌دهی محیط زندگی مطلوب، پویا، و پایدار است. در نگاه جزئی‌تر، طراحی شهری هدایت‌کننده رابطه مردم با مکان‌ها، فضاهای عمومی با خصوصی، محیط طبیعی با مصنوع، و حرکت و کارکرد با بستر و کالبد است. اصول و معیارهای مهم طراحی شهری که تحقق آن‌ها موجب انسجام و مطلوبیت فرم شهر می‌شود و مورد توافق نظریه‌پردازان این حرفه است، به شرح زیر تعریف شده است. ارائه این اصول برای توافق و اشتراک درباره واژگان و مفاهیم اصلی طراحی شهری ضروری به نظر می‌رسد. همگرایی این اصول با چشم‌انداز محور، جهت‌گیری‌های راهبردی طراحی شهری را به دست خواهد داد.

خوانایی:^{۵۰} امکان شناخت و ادراک نظم فضایی حاکم بر یک مکان که می‌تواند از سطح شهر تا سطح محله تعریف شود. ساختار فضایی خوانا، همچنین، امکان شناخت آسان جایگاه فرد در فضای شهری را فراهم می‌آورد و موجب تقویت حس مکان برای شهروندان می‌شود.

^{۵۰} legibility



اتصال:^{۵۱} کیفیت و کمیت اتصال و پیوندیابی ابعاد مختلف کالبدی، دید و منظر، و شبکه‌های ارتباطی (معابر، پل‌ها، خطوط ریلی، و ...) را دربر می‌گیرد. امکان هم پیوندی بیشتر در فضای شهری، ارتقا حیات اجتماعی را در پی خواهد داشت. «محور» بودن محدوده مورد مطالعه، اهمیت هم پیوندی در ابعاد مذکور را پررنگ می‌کند.

تنوع:^{۵۲} جامعه نیازها، خواسته‌ها، و آرزوهای متنوع و گوناگون اعضاء خود را جمع و برآورده می‌کند. فضای شهری (فرم شهر) نیز باید این تنوع را تجلی دهد. تنوع اقتصادی و اجتماعی جامعه را پویاتر، پایاتر، و سرزنده‌تر می‌کند و بستر کالبدی باید زمینه آن را فراهم آورد.

تناسب:^{۵۳} هماهنگی و تناسب کالبد با کارکرد، نه تنها ارتباط با مکان را برای شهروندان تسهیل می‌کند، بلکه بر میزان جذابیت فضا برای شهروندان می‌افزاید و رضایت شهروندان را در پی خواهد داشت.

معنا:^{۵۴} محیط در هر حالت واجد معناست. معنای محیط ساخته شده از چگونگی پیوند آن با عوامل طبیعی و ویژگی‌های فرهنگی-تاریخی که به گونه‌ای اصالت مکان را شکل می‌دهند از یک سو و ماهیت ارتباط و نظم ساختار درونی آن از سوی دیگر حاصل می‌شود.

اختیار:^{۵۵} مقوله اختیار مفهومی بسیار گسترده و عمیق است که در علوم مختلف اهداف متفاوتی را پیگیری می‌کند؛ اما در فضای شهری، انعطاف‌پذیری برای فعالیت‌های مختلف امکان انتخاب مسیر برای حرکت، پیاده‌روی، و تفریح، انتخاب وسیله حرکت و دسترسی به هدف، امکان مکث یا حرکت، دیدن یا دیده شدن، ایجاد درگیری فعال یا غیرفعال، و امکان اکتشاف از مهم‌ترین مقولات قابل دستیابی است.

نظارت:^{۵۶} مفهوم نظارت در فضای شهری در دو زمینه اصلی قابل دستیابی است؛ نظارت عموم شهروندان بر اقدامات و تصمیمات مؤثر در وضعیت شهر و کیفیت زندگی، که به طور مشخص مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود را موردسنجش قرار می‌دهد و نظارت شهروندان بر رفتارها و چگونگی فعالیت‌های شکل گرفته در قرارگاه‌های رفتاری، که بر میزان امنیت عمومی می‌افزاید.

^{۵۱} Connectivity

^{۵۲} Diversity

^{۵۳} Proportion

^{۵۴} Significance

^{۵۵} Liberty

^{۵۶} Surveillance



از این رو، فضای شهری همواره باید به گونه‌ای شکل گیرد یا سامان یابد که افزایش نظارت همگانی در فضای عمومی را در پی داشته باشد.

دسترسی: ^{۵۷} دسترسی به فضای شهری، مراکز کار و فعالیت، تفریح، و گذران اوقات فراغت به چگونگی بستر کالبدی از لحاظ میزان نفوذپذیری ^{۵۸} همچنین، وضعیت سیستم حمل و نقل وابسته است. امری که تأمین آن، در تقویت فضای واجد اصول مطرح شده فوق، بر کارایی فضا (کارکرد/کالبد) می‌افزاید و نقش مؤثری در تحقق عدالت اجتماعی خواهد داشت.

سرزندگی: ^{۵۹} قانون عمومی آن است که مردم جاذب مردم‌اند. در عین حال، فضا نیز باید جذب‌کننده مردم باشد. فضای شهری سرزنده فضایی است که در آن حضور تعداد چشمگیر مردمی با تنوع اجتماعی در گستره زمانی وسیع (روز و شب) به چشم می‌خورد، مردمی که فعالیت‌ها و رفتارشان در آن فضا عمده‌تاً به شکل انتخابی یا اجتماعی است.

سطوح عمومیت در فضاهای شهری: فضای عمومی ^{۶۰} جایگاه مهمی در طراحی شهری دارد. در فضاهای عمومی ارتباط مردم با یکدیگر ممکن می‌شود، بین کارکردها و فعالیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره تعامل و تبادل برقرار می‌شود، و گذار از یک مکان به مکان دیگر صورت می‌پذیرد. سطوح عمومیت ^{۶۱} در فضا در جدول ۲ تعریف شده است. تشخیص این سطوح در فضاهای موجود شهری و سنجش میزان کمی و کیفی عمومیت، مبنایی اساسی برای طراحی شهری برای تحقق اصول مختلف آن است.

سطوح عمومیت در فضاهای شهری

فضای بلامعارض عمومی، فضاهایی که در محیط شهری مالکیت عمومی دارد و حق غیرقابل منع دسترسی و استفاده به آن وجود دارد.
فضاهایی در مالکیت خصوصی، که خواهان دسترسی و استفاده عمومی‌اند، مشروط به اینکه مردم از آن‌ها با رابطه اجتماعی متناسب بهره‌گیرند.
فضاهای بینابینی، که فراز و فرود و تبدالی طبیعی بین فعالیت خصوصی و عمومی در آن رخ می‌دهد.
فضاهای خصوصی، که بسته و دسترس‌ناپذیرند، هرچند که در دید گذر کنندگان جای دارند.

^{۵۷} Accessibility

^{۵۸} Permeability

^{۵۹} Vitality

^{۶۰} public realm

^{۶۱} publicity



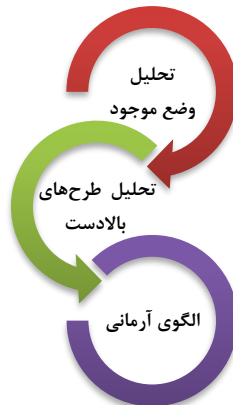
ساختن داستان آینده

چشم‌انداز محور دماوند-انقلاب-آزادی در چارچوب فرازهای چشم‌انداز، راهبردهای فضایی ارتقا کیفی، و با تکیه بر اصول طراحی شهری تدوین شده است، معطوف به ماهیت پروژه و برای دستیابی به عناصر اصلی شکل‌دهنده چهره آینده محور، با روش کارگاهی «چشم‌انداز سازی در عمل» بر پایه مدل چشم‌انداز سازی ارگون تعریف شده است.

بر این اساس، در پاسخ به سؤال «به کجا می‌خواهیم برسیم؟» سه لایه مفهومی کلیدی مطابق شکل زیر را باهم همپوشانی و واژگان چشم‌انداز محور را رخنمون می‌کند.

سه لایه مذکور، تحلیل وضعیت موجود، تحلیل طرح‌های بالادست، و الگوی آرمانی مفروض برای این محدوده را مورد توجه قرار می‌دهد. سنجش وضع موجود مکان، علاوه بر معرفی خصلت‌های آن، تأثیر گرایش‌ها و نیروهای سیاسی-اقتصادی-اجتماعی را تا زمان حاضر مورد نقد قرار می‌دهد. اشاره لایه دوم، تحلیل طرح‌های بالادست، برجسته‌سازی گرایش‌ها و نیروهای مذکور را در شکل‌دهی وضعیت آتی در سطح کلان مورد نظر دارد. این مهم، در قیاس با سنجش وضعیت موجود، فرایند تغییر و تحولات در گذشته، حال، و آینده را شفاف‌تر می‌کند.

مدل دستیابی به واژگان بیانیه چشم‌انداز محور



در طول تاریخ شهرسازی دوره معاصر، گروه‌ها و مکتب‌های مختلف خصوصیات متفاوتی برای خلق فضای شهری متصور شده‌اند. واژگانی که به‌طور مشخص از پایگاه‌های ایدئولوژیک آغاز شده و تا تحدید خصوصیات شهر آرمانی به چگونگی کیفیت‌های کالبدی و کارکردی و پس‌از آن و در طول دهه‌های گذشته، جنبه‌ها و ابعاد گوناگونی را چون پایداری محیط‌زیست و پایداری اجتماعی-اقتصادی در بر گرفته است. از این‌رو، ترکیب این لایه با دولا به سنجش وضعیت موجود و تحلیل طرح‌های بالادست، درواقع، گامی است که می‌تواند آرمان‌های مورد نظر را بر اساس واقعیت‌های موجود و روندهای آتی به مفاهیم قابل تحقق ارتقا دهد.



مرحله بعد، از روش کارگاهی اتخاذ شده است، استخراج سؤالات کلیدی متکی بر هر یک از حلقه‌های نامبرده جهت تدقیق فرازهای کلیدی چشم‌انداز یا داستان آینده محور است.

در این راستا، پنج سؤال کلیدی به شرح زیر مطرح شد:

۱- آیا محور دماوند-انقلاب-آزادی نقش غالب کارکردی/... برای شهر تهران داشته است؟
۲- نقش کارکردی مختص به کل محور یا محدوده‌هایی از آن که در حوزه‌های دیگر شهر قابل رقابت نیست کدام است؟

۳- آیا محور دماوند-انقلاب-آزادی یا محدوده‌هایی از آن، نماینده ویژگی یا ویژگی‌های خاصی (کالبد/کارکرد/فعالیت) از فرایند رشد شهر تهران است؟

در پاسخ به سه سؤال فوق، هر یک از گروه‌های تخصصی نتایج مطالعات مربوطه را مبنای کار قرار دادند و به تدقیق این مهم پرداختند. بخشی از هویت محور که نماینده هویت شهر تهران است، در این بخش شفاف شد. در عین حال، موتور تحلیلی وضع موجود/ طرح‌های بالادست، سه‌گانه محتمل برای پاسخ‌ها را بر اساس جدول ۱ مشخص کرد. در اینجا نیز کارکرد/... های مکمل در هر یک از گزینه‌های تثبیت، تغییر، و توسعه ارائه و بر این اساس، یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم مربوط به داستان آینده رخنمون شد.

۴- کلیدی‌ترین پهنه/راسته/مرکز و فعالیت‌ها از جهت تأثیرگذاری بر ابعاد مختلف وضعیت محور دماوند-انقلاب-آزادی، در محدوده بلافصل پروژه کدام است و نسبت به محور در چه مختصات جغرافیایی قرار گرفته است؟

پاسخ به این سؤال از یک‌سو، کلیدی‌ترین پشتیبان‌های کارکرد/ فعالیت‌های محور را مشخص کرده است و از سوی دیگر، موجب شد بافت پیرامونی از تحولات سازنده محور بهره‌مند شود و شبکه‌ای به هم پیوسته از فعالیت‌ها، کارکردها، و کالبد سخت و نرم، محور را به بستر پیرامونی گره زند.

۵- الگوی ایده آل موردنظر چیست؟
همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره شد، در این بخش با توجه به خرد جمعی، دستاوردهای مطالعات و اهداف امروزی طراحی و برنامه‌ریزی شهری برای شکل‌دهی فضای مطلوب محیطی، واژگان اتوپای مفروض شفاف شد.

نتایج سؤالات مذکور، که طی جلسات متعدد به دست آمد، در مرحله بعد، با نظرات، تحلیل‌ها، و پیشنهادات سازمان‌های ذی‌ربط و ذی‌نفوذ از جمله شهرداری‌های مناطق همچنین مشاورین مسئول سامان‌دهی محدوده‌های با وسعت کمتر در طول محور تطبیق داده و مباحث در تناقض اصلاح شد. همچنین، تمایلات مردم در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی مطابق پرسشنامه‌هایی که در همین رابطه در محدوده پیرامون محور پر شدند استخراج و مجدداً با خروجی‌های قبلی مطابقت داده شد. بر این اساس، کلیدی‌ترین موضوعات در چشم‌انداز یا به عبارتی اصلی‌ترین شخصیت‌های داستان آینده محور به شرح زیر است:



مسائل کلیدی

- تمرکز و هم‌نشینی فعالیت‌های فرهنگی، علمی-دانشگاهی/ هنری، گردشگری تاریخی، و سیاست مردمی؛
- عرصه رسمی/ تشریفاتی مراسم سیاسی؛
- دسترسی به قلب تاریخی تهران؛
- مرکز کار و فعالیت نوین تهران؛
- فعالیت‌های دانش پایه و مراکز ویژه تحقیقاتی مبتنی بر فناوری‌های نوین؛
- مکان اتصال شمالی-جنوبی میان محله بالا (شمیرانات) و شهر قدیم؛
- تمرکز و تعدد نشانه‌ها، گره‌ها، میدان‌ها، و مکان‌های خاطره‌انگیز شهر در طول محور؛
- تظاهر پیشرفته‌ترین سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی در کشور؛
- ستون فقرات حمل‌ونقل عمومی درون‌شهری در راستای شرقی-غربی؛
- پهنه‌های صنعتی/کارگاهی؛
- دروازه‌ها؛
- تظاهر کالبدی دوره‌های تاریخی و هویت‌ساز؛ و
- مراکز درون‌شهری شرق و غرب.

واژگان کلیدی

همچنین، واژگان کلیدی اتوپای مفروض برای محور دماوند-انقلاب-آزادی به شرح ذیل است:

- محیط نوآوری-صنایع خلاق؛
- معرف شخصیت کلان‌شهر تهران؛
- کیفیت برتر محیط کالبدی؛
- نوآوری فرهنگی؛
- حیات فرهنگی تهران؛
- پایداری اجتماعی و مشارکت مردمی؛
- احیاء هم‌پیوندی با شهر قدیم (حیات تاریخی)؛
- پایداری اقتصادی؛
- پیاده‌مداری؛
- توسعه فناوری و علم (دانش‌پایه)؛ و
- محیط‌زیست پایدار.



داستان آینده یا بیانیه چشم‌انداز

با توجه به آنچه آمد، بیانیه چشم‌انداز محور دماوند-انقلاب-آزادی پرده‌برداری می‌شود:

محور دماوند-انقلاب-آزادی پیوسته‌ترین مسیر تاریخی شهر که معرف پیشرفت، توسعه، و آبادانی کلان‌شهر تهران در طول دهه‌های گذشته بوده، اکنون، آینده درخشان و شگرف تهران را به منصف ظهور رسانیده و چیدمان مناسب کارکردی-کالبدی آن درون شهر تهران، آن را به «محیط نوآوری» مبدل ساخته است.

شهر قدیم که از میانه این محور به‌وسیله محور تاریخی و سبز ولیعصر (ع) با محله بالا (شمیرانات) در ارتباط است، قلب تپنده و سرزنده شهر شده و بازار، خود را نه تنها به جهت جذب و صدور عمده کالا که به سبب حضور گردشگران متعدد مشتاق آشنایی با تاریخ آن، پررونق یافته و در ارتباط با فعالیت‌های متنوع اقتصادی در طول محور، محدوده پیرامونی خود را نیز سرزنده کرده است. دروازه‌های تاریخی آن، ورود به این محدوده را از محور خوشامد گفته و ضمناً امکان سفر به دورترین نقاط توسعه شهر در شرق و غرب کلان‌شهر تهران را برای مسافر تاریخ فراهم کرده است. پهنه‌های صنعتی/نظامی دیروز به پارک‌های فناوری تبدیل‌شده و نه تنها دفاتر فناوری برتر و پیشرفته را در خود جای داده است، برقرارکننده ارتباط برترین دانشگاه‌های خاورمیانه (تهران، شریف، و امیرکبیر) و پهنه‌های صنعتی اصلی شرقی و غربی شده و محوطه‌های وسیع و مجهز سبز را در اختیار شهروندان و به‌طور مشخص محلات و اجتماعات محلی پیرامونی محور قرار داده است. این رشد آینده‌گرا در محدوده خیابان دماوند، در پیوستگی با مرکزیت فعالیت‌های نوین شهر که همواره در طول دهه‌های گذشته در شمال شهر قدیم متمرکز بوده، محور را به قطب دانایی و فناوری پایتخت تبدیل کرده است.

تعامل و هم‌نشینی سازنده و چندسویگر فعالیت‌های فرهنگی، هنری، علمی/دانشگاهی، و گردشگری در پهنه مرکزی این محور با تکیه بر مجموعه‌های به‌هم‌پیوسته فرهنگی-هنری همچون تئاتر شهر و تالارهای موسیقی، مجموعه‌های متعدد و وسیع دانشگاهی، فعالیت‌های نشر و چاپ، و کالبد تاریخی واجد ارزش، بستری را جهت گفت‌وگو و تعامل اجتماعی و شکل‌گیری صنایع خلاق شکل داده، کیفیات برتر محیطی تازه‌ای بدان بخشیده است، و همچون تاریخ پرفرازونشیب آن، مشارکت و سیاست مردمی این مرزوبوم را به منصف ظهور رسانده و در تغییری تاریخ‌گرا، موجب جلب نظر طبقه خلاق جامعه، اقشار، و نخبگان فرهنگی، علمی، و سیاسی برای اقامت شده و پایداری اجتماعی بیشتری را در این محدوده از شهر رقم‌زده است.

چهارباغ (بلوار) آزادی که اکنون، با برخورداری از پیاده‌راه‌های وسیع در طرفین خود، در اتصال با محورهای سرزنده شمالی-جنوبی و اندام‌های سبز شهر در این محدوده، همچون باغ‌های طرشت، به یکی از سرزنده‌ترین محورهای شهری تهران بدل شده، مهم‌ترین دفاتر اداری-خدماتی و موزه‌های



علمی و فناوری را در طول خود جای داده است و در میدان زیبای آزادی با عرصه‌های عمومی و سبز شمالی-جنوبی، چون مسیر گردشگری فرحزاد، متصل می‌شود. نقاط کانونی ورود به پهنه مرکزی شهر از شرق و غرب که ابتدا و انتهای این محور را برجسته کرده، با تغییر و توسعه‌ای سازنده، نه تنها خدمات دروازه‌ای را در اختیار مسافران می‌گذارد، بلکه در ارتباط مستقیم با عرصه‌های عمومی سرزنده درونی و پیرامونی، به مکانی زیبا جهت گذران اوقات فراغت و گردشگری شهروندان و مسافران بدل شده است. نهایتاً، محور دماوند-انقلاب-آزادی، در حکم مسیری سبز در طول تاریخ رشد این شهر، شخصیت کلان‌شهر تهران را در گذشته و حال پیوند زده است و مسافران خود را به استقبال آینده‌ای پویا بر پایه پایداری اجتماعی-اقتصادی در محیطی سرزنده و خلاق رهنمون می‌سازد.



فصل چهارم: راهبرد طراحی شهری



هدف سند طراحی شهری در سطح کلان که همان سند راهبرد طراحی شهری است، وزن دهی، اهمیت بخشی و برجسته‌سازی موضوعات راهبردی^{۶۲} و زمینه‌ها نسبت به یکدیگر است. تعیین موضوعات کلیدی به‌منزله آن است که این موضوعات در جهت‌دهی چشم‌انداز و محصول کار نقش دارند و ضرورت دارد راهبردهای مطالعات نسبت به آن‌ها برخوردی شفاف داشته باشند و راه حل و راهکار مشخص ارائه کنند. راهبرد طراحی شهری درواقع، نقش دهی و محتوا بخشی به فرصت‌های مکانی و جغرافیایی در جهت نیل به اهداف و چشم‌انداز است. همچنین، مهم‌ترین سند تولیدشده در این سطح، راهبرد توسعه فضایی است که در بخش قبل به‌اختصار بدان پرداخته شد و در این فصل به تفصیل بدان پرداخته شده است.

بررسی موقعیت محور نسبت به عرصه راهبردی و شناسایی مسائل کلیدی

در گام نخست، اصلی‌ترین موضوعات کلیدی تأثیرگذار بر اساس نتایج مطالعات عمومی و پایه صورت گرفته در حوزه فراگیر محور، استخراج و ارائه شده است. در این راستا مهم‌ترین ویژگی‌های محور عبارت‌اند از:

• هم‌راستایی با مهم‌ترین کریدورهای حمل‌ونقلی کشور

کریدور تهران-کرج به دلیل اهمیت شهر تهران به‌عنوان پایتخت و تعدد و اهمیت شهرهای غربی تهران از دیرباز جزو مهم‌ترین کریدورهای عبوری کشور بوده است. به‌نحوی که نه‌تنها یکی از خطوط اصلی راه‌آهن سراسری در این امتداد شکل گرفته است، بلکه نخستین آزادراه کشور نیز در این امتداد احداث می‌شود. به دلیل شرایط مناسب دامنه رشته‌کوه‌های البرز و توسعه مراکز جمعیتی در این محور، همواره بر اهمیت این کریدور افزوده شده است، به‌نحوی که نخستین خط مترو روزمینی کشور نیز در این کریدور احداث شد.

هم‌اکنون این کریدور دارای راه‌آهن، مترو، آزادراه و بزرگراه است و در محدوده شهر تهران تعداد آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها هرکدام به دو محور افزایش می‌یابد. چنین کریدوری در کشور منحصر به فرد بوده و خیابان آزادی در امتداد چنین کریدوری واقع شده است.

در شرق نیز اگرچه کریدوری به اهمیت غرب وجود ندارد، کریدور شرق نیز مهم‌ترین محور ارتباطی جاده‌ای شهر به‌ویژه در ارتباط با استان‌های شمالی و تا حدودی شرقی است و هم‌اکنون شامل یک محور بزرگراهی و یک محور آزادراهی است. همچنین احداث محور مترو نیز در برنامه قرار دارد. بدیهی است در حال حاضر با احداث کمربندی‌های متعدد جنوبی و محورهای شمالی شهر، بار ترافیکی کریدورهای غربی و شرقی پس از رسیدن به شهر توزیع می‌شود، ولی به دلیل اهمیت امتداد و موقعیت محور مورد مطالعه کماکان بار ترافیکی این محور در وضعیت بحرانی است.

^{۶۲}- Strategic issues



• ارتباط با مهم‌ترین دروازه‌های تهران

با توسعه شهر تهران و ایجاد تهران مدرن، دروازه‌های قدیم شهر کارایی خود را از دست داد. در توسعه جدید و به‌ویژه گسترش شهر به سمت شمال، محور مورد مطالعه از حاشیه شهر به محور مرکزی تبدیل شد و درست در امتداد این محور و در خارج از محدوده توسعه یافته شهر دروازه‌های جدید شهر شکل گرفت. احداث پایانه‌های اتوبوس برون‌شهری در غرب و شرق خاصیت دروازه‌ای این محور را در هر دو سو تشدید کرده است. از سوی دیگر به دلیل وجود ارتفاعات شمالی شهر درواقع این محور به‌تنهایی متحمل بار ترافیک دروازه‌ای سه جهت شرق، شمال، و غرب کشور شده و تنها پایانه جنوب خارج از این محور قرار گرفته است. این محور کوتاه‌ترین و مستقیم‌ترین محور شرقی-غربی شهر تهران جدید قبل از تبدیل به کلان‌شهر بوده است. درعین حال، دو دروازه شرقی و غربی را به هم ربط می‌دهد.

• بلندترین، پیوسته‌ترین، و شلوغ‌ترین محور تهران

در طرح جامع شهر تهران، سه کریدور شرقی-غربی و پنج کریدور شمالی-جنوبی برای شهر تعریف شده که محور مورد مطالعه بلندترین و پیوسته‌ترین کریدور در شهر است. اگرچه به دلیل شریان درجه یک بودن محور و اینکه بعضی از محورها بزرگ‌راه یا آزادراه است نمی‌توان بدون استناد به آمار، حجم ترافیک عبوری این محور را بیشتر از سایر محورها ارزیابی کرد، با توجه به نوع وسایل سفر در این محور به‌طور قطع می‌توان گفت تعداد سفرهای عبوری از این کریدور نیز نسبت به سایر کریدورها به مراتب بیشتر است.

• طولانی‌ترین و یکی از عریض‌ترین خیابان‌های شریانی تهران

خیابان ولی‌عصر به طول ۱۷.۲ کیلومتر بلندترین خیابان شریانی تهران است و از این نظر خیابان‌های دماوند، انقلاب، و آزادی هرکدام به‌تنهایی بلندترین خیابان شهر نیستند. اگرچه محور شامل سه خیابان به نام‌های متفاوت بوده و از نظر فضای شهری و کاربری‌های پیرامون به بخش‌های مختلفی قابل تفکیک و تمایز است، از زاویه عملکرد ترافیکی محوری تقریباً همگن و واحد محسوب می‌شود. همسانی ویژگی‌های ترافیکی در اجزای مختلف محور شامل عملکرد یکسان از نظر سلسله‌مراتب (شریانی درجه ۱)، امتداد کاملاً مستقیم و هم‌راستا در بخش‌های مختلف، دوطرفه بودن کل مسیر، تا حدودی برخورداری از عرض و مقطع عرضی یکسان (به‌جز محدوده نواب تا آزادی)، وجود سیستم‌های حمل‌ونقلی واحد (مانند بی‌آرتی و خط ویژه در وسط معبر) است. این ویژگی‌ها سبب می‌شود بتوان از این محور حتی به‌عنوان یک خیابان نام برد. به‌این ترتیب، نه‌تنها در جهت شرقی-غربی این محور یا خیابان، طولانی‌ترین خیابان شریانی (درجه ۱) تهران است، بلکه با طول حدود ۱۸ کیلومتری، از خیابان ولی‌عصر نیز طولانی‌تر خواهد بود.



علاوه بر طول، این محور از نظر عرض نیز جزو عریض‌ترین معابر شریانی بوده و در حدفاصل میدان آزادی تا خیابان نواب با عرض ۵۵ متر، عریض‌ترین معبر شریانی (غیر تند راهی) بلند شهر است.

• مهم‌ترین خیابان شریانی شهر و مرکز شهر

مشخص شد این محور شلوغ‌ترین (از نظر تعداد مسافر)، مهم‌ترین، عریض‌ترین، و طولانی‌ترین معبر شریانی شهر تهران است؛ اما به دلیل شرایط خاص محورهای بزرگ‌راهی شهر (عرض و طول زیاد و حجم ترافیک عبوری از این محورها) مانند محورهای تند راهی همت، حکیم، و کمربندی آزادگان نمی‌توان این ویژگی محور را به‌کل راه‌های شهر (اعم از شریانی و تند راهی) تعمیم داد. به این ترتیب، محور مهم‌ترین محور مواصلاتی شهر نیست ولی در مرکز شهر این محور، مهم‌ترین محور مواصلاتی و جایگزین شبکه تند راهی است. همان‌طور که در نقشه بعد دیده می‌شود، شبکه بزرگ‌راهی شهر در محدوده مرکزی شهر فاقد پیوستگی بوده است و درواقع این شبکه در مرکز شهر حفره‌ای دارد که از شمال به بزرگ‌راه حکیم، از جنوب به بزرگ‌راه بعثت، و از شرق و غرب به بزرگ‌راه‌های امام علی (ع) و نواب محدود می‌شود. به دلیل ویژگی‌هایی که برای محور بیان شد، بار اصلی ترافیک شرقی-غربی مرکز شهر را این محور بر عهده دارد. اتصال مستقیم این محور به بزرگ‌راه جاده مخصوص کرج در غرب، به بزرگ‌راه دماوند در شرق، اتصال مستقیم و کوتاه این دو بزرگ‌راه با عبور از قلب (مرکز) شهر و تفکیک شهر به دو بخش شمالی و جنوبی، فقدان شبکه جایگزین برای آن به‌ویژه در بخش‌های غربی و شرقی آن، تقاطع با چهار کریدور از پنج کریدور شمالی-جنوبی مهم شهر، ویژگی‌های منحصربه‌فردی را از نظر ترافیکی به این محور بخشیده است.

شبکه بزرگ‌راهی شهر با حفره میانی در مرکز شهر



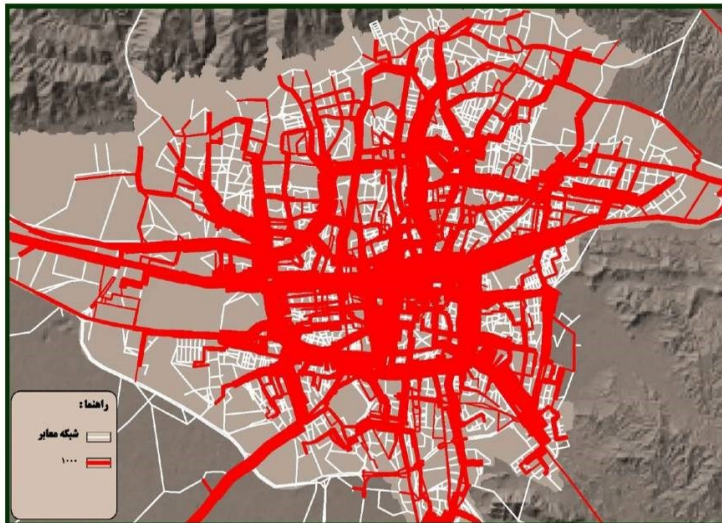


• متراکم‌ترین و کارآمدترین محور اتوبوس‌رانی شهر

محور از دیرباز تاکنون شاهد پرمسافری‌ترین خط اتوبوس (امام حسین(ع)-انقلاب در گذشته و خط یک بی‌آرتی در حال حاضر)، همراه با نخستین خطوط ویژه دوطرفه در شهر، پس‌از آن افتتاح نخستین مسیر اتوبوس برقی (چهارراه تهرانپارس-امام حسین(ع))، تقاطع با دومین خط اتوبوس برقی (خط میدان امام حسین(ع)-خراسان) در میدان امام حسین(ع)، افتتاح نخستین خط اتوبوس تندرو (خط یک بی‌آرتی) به طول حدود ۲۵ کیلومتر، و تقاطع با اغلب خطوط اتوبوس تندرو موجود در شهر بوده است.

ویژگی‌های این محور سبب شده است از یک‌سو تقاضا برای استفاده از حمل‌ونقل همگانی و به‌ویژه شبکه اتوبوس‌رانی در این محور بالا برود و از سوی دیگر، این ویژگی‌ها شرایط را برای احداث خطوط اتوبوس‌رانی در آن فراهم کرده است. به‌نحوی که همواره پیشروترین شیوه‌ها و تجهیزات سیستم اتوبوس‌رانی درون‌شهری کشور در این محور به کار گرفته شده است. نتیجه این موضوع تبدیل این محور به مهم‌ترین کریدور جابه‌جایی مسافر توسط سیستم اتوبوس‌رانی در شهر است. با توجه به بهره‌برداری از خطوط بی‌آرتی در حال حاضر اهمیت محور بیش از گذشته است.

تعداد مسافر جابه‌جاشده توسط خطوط اتوبوس‌رانی (ساعت اوج صبح) ۱۳۸۶



• واقع بودن بر مهم‌ترین محور عملکردی مترو

با بهره‌برداری از نخستین خطوط راه‌آهن شهری تهران و حومه، این محور به نقاط واجد دسترسی به ایستگاه‌های مترو تبدیل شد. از بین خطوط در دست بهره‌برداری تنها خطوط ۱ و ۲ در امتداد محور ایستگاه دارند. اما با بهره‌برداری از خط ۴، بیش از نیمی از طول محور مورد مطالعه (پل چوبی تا میدان آزادی) مستقیماً تحت پوشش شبکه راه‌آهن شهری قرار گرفته است.

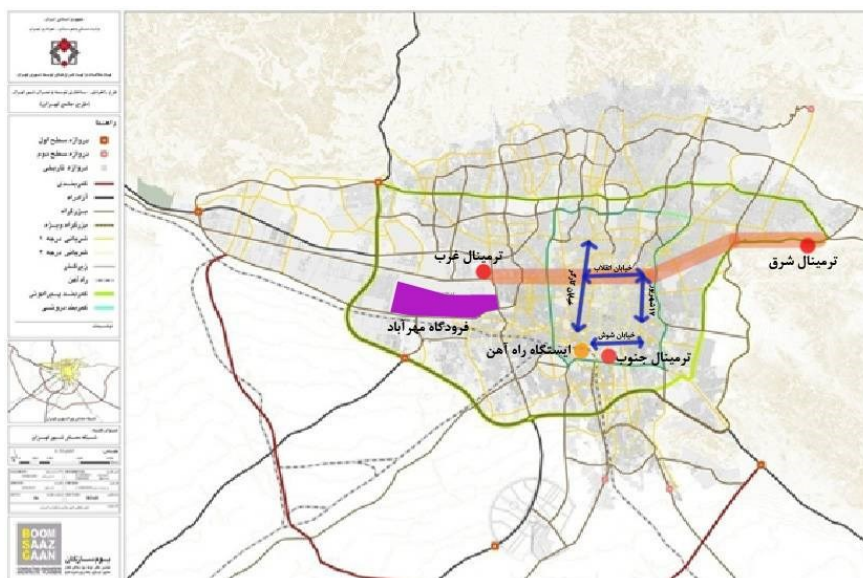


اگرچه هم‌اکنون هم ایستگاه‌های واقع در این محور جزو مهم‌ترین ایستگاه‌های مترو است، پس از بهره‌برداری از کلیه خطوط مترو و ایستگاه‌های دوطبقه، اهمیت ایستگاه‌های واقع در این محور بیشتر خواهد شد. به‌نحوی که بزرگ‌ترین تبادل سفر با برآورد بیش از ۱۰۰ هزار مسافر در شبانه‌روز مربوط به میدان انقلاب خواهد بود. این در حالی است که طبق برآوردها، از کل ۳۰۰ ایستگاه مترو تنها ۲۳ ایستگاه بیش از ۱۰۰ هزار مسافر در شبانه‌روز خواهند داشت که شش ایستگاه از آن‌ها در این محور قرار دارد و ایستگاه میدان انقلاب در رأس همه ایستگاه‌های مترو قرار خواهد داشت.^{۶۳} متأسفانه دسترسی به شبکه مترو در بخش شرقی محور (خیابان دماوند) محدودتر خواهد بود، زیرا خطی در این محدوده پیش‌بینی نشده است.

• واقع بودن در دروازه ورودی هوایی شهر

از ابتدای بهره‌برداری از فرودگاه مهرآباد به‌عنوان فرودگاه داخلی یا خارجی، میدان آزادی - دروازه غربی شهر - به‌عنوان دروازه ورودی مسافران هوایی محسوب می‌شود. اگرچه هم‌اکنون بخشی از پروازهای خارجی به فرودگاه امام منتقل شده، کماکان میدان آزادی دروازه اصلی مسافرت‌های هوایی (شامل کل پروازهای داخلی و نیمی از پروازهای خارجی (پرواز حجاج)) بوده و این محور متحمل حضور و عبور این مسافران هوایی است. در سال‌های گذشته، روزانه به‌طور متوسط ۳۴۵۰۰ مسافر در فرودگاه مهرآباد تردد داشته‌اند، درحالی‌که مجموع آمار خروجی و ورودی مسافر در فرودگاه امام در حدود ۱۲۵۰۰ مسافر بوده است.

موقعیت محور در سلسله‌مراتب شبکه معابر شهر تهران



^{۶۳} مأخذ: مطالعات جامع حمل‌ونقل و ترافیک تهران.

**• دارا بودن مهم‌ترین کانون‌های تبادل مسافر**

محور مورد مطالعه و پیرامون آن، از یک سو محل استقرار انواع کاربری‌های مولد و جاذب سفر درون و برون شهری بوده و از سوی دیگر، واجد انواع سیستم‌های حمل‌ونقل درون شهری و برون شهری است. به این ترتیب، توانسته است پذیرای مهم‌ترین کانون‌های تبادل سفر در خود و اطراف خود باشد. این محور کانون‌های اصلی خطوط اتوبوس‌رانی برون شهری (شامل پایانه‌های برون شهری غرب و شرق با عملکردی بیش از ۵۵ درصد عملکرد چهار پایانه برون شهری تهران)، تعدادی از مهم‌ترین کانون‌های اصلی شبکه اتوبوس‌رانی شهری و تاکسیرانی (شامل دپوی شرق، میادین آزادی، امام حسین (ع)، و انقلاب)، و تعدادی از مهم‌ترین ایستگاه‌های مترو موجود و ایستگاه‌های مترو آتی را در خود جای دهد. همچنین محدوده مورد مطالعه دارای کاربری‌های جاذب سفر در مقیاس فراملی مانند فرودگاه بین‌المللی در مقیاس کلان ملی و شهری است. به این ترتیب، سفر و تبادل سفر بین انواع سیستم‌های حمل‌ونقل هوایی، ریلی، و جاده‌ای اعم از اتوبوس‌رانی، تاکسیرانی، وسایل نقلیه شخصی، و سفرهای پیاده از ویژگی‌های بارز این محور و اطراف آن بوده است و جز به صورت محدود و لکه‌ای مانند پایانه جنوب، پارک سوار بی‌بھی، ایستگاه راه‌آهن، و میدان توپخانه نمی‌توان نظیر این کانون‌ها را به‌ویژه به صورت متمرکز و ممتد آن‌چنان‌که در طول این محور استقرار یافته‌اند، در شهر تهران یافت؛ با توجه به اینکه این وضعیت در آینده نیز تداوم خواهد داشت.

در مطالعات جامع حمل‌ونقل و ترافیک تهران پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه شده است که بر اهمیت کانون‌های تبادل سفر در این محور خواهد افزود:

- احداث پایانه اتوبوس در مجاورت ایستگاه مترو در میدان‌های انقلاب و امام حسین (ع)؛
- احداث دو پارک سوار در محدوده میدان آزادی و دروازه دولت با ظرفیت ۲۰۰ و ۱۰۰۰ وسیله نقلیه؛
- احداث مجتمع ایستگاهی در چهار ایستگاه مترو (تهرانپارس، امام حسین (ع)، انقلاب، و شادمان)؛
- توصیه به احداث پارکینگ طبقاتی در طول محور و پارکینگ مکانیکی در محدوده خیابان نواب تا میدان فردوسی.

• واقع شدن در محدوده مهم و حساس از نظر مسائل ترافیکی

بخش مهمی از طول محور مورد به دلیل واقع شدن در محدوده مرکزی شهر، از نظر ترافیکی در محدوده حساسی واقع است. به نحوی که از دیرباز این محور شاهد حضور آخرین دستاوردهای علمی و مهندسی مرتبط با شبکه راه‌ها و ترافیک و بعضاً اولین آن‌ها در کل کشور یا تهران بوده است: از احداث نخستین خطوط ویژه اتوبوس معمولی و اتوبوس برقی و اتوبوس دو یا چند کابینه و اتوبوس تندرو، نخستین ایستگاه‌های مترو که شرح داده شد، تا انواع تقاطع‌های غیره مسطح، نصب پل‌های

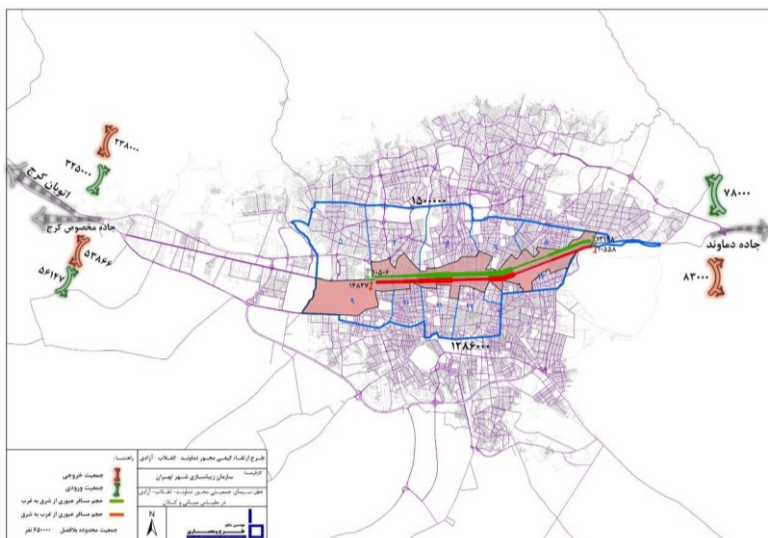
○ وجود بزرگ‌ترین میدان (فلکه) و یادمان شهری (برج آزادی) در ابتدای محور؛

- وجود نخستین زیرگذر شهری (میدان امام حسین (ع))، زیرگذر سعدی، زیرگذر بزرگراه یادگار امام، زیرگذرهای میدان آزادی، و بزرگ‌ترین تونل شهری (نواب) در مسیر یا در تقاطع با آن؛
- نصب نخستین چراغ‌های راهنمایی، نصب تعداد زیادی پل عابر پیاده با پله‌برقی یا معمولی، و نصب دوربین‌های کنترل ترافیک؛ و

○ واقع بودن در محدوده اعمال انواع محدودیت‌های ترافیکی مانند طرح ترافیک، طرح زوج و فرد، طرح محدودیت تردد در مواقع آلودگی هوا، و محدودیت تردد در برگزاری مراسم مختلف سیاسی، مذهبی، ملی، و

محور دماوند-انقلاب-آزادی-کریدور ارتباطی شرقی-غربی در منطقه کلان‌شهری تهران بوده و کانون‌های عمده جمعیتی را در دو سوی منطقه شهری به هم پیوند زده و سفرهای بسیاری را شکل داده است. برآورد حجم مسافر عبوری که در مطالعات ترافیک انجام‌شده، نشانگر آن است که بخش عمده این مسافران قبل از ورود به محور از طریق کمربندی‌ها به مسیرهای اصلی هدایت و بخش کمی وارد محور می‌شوند.

برآورد حجم مسافر عبوری در مطالعات ترافیک





اما آثار آن‌ها در محور به صورت نقش دروازه‌ای شهر در میدان آزادی و سهره تهرانپارس باقی می‌ماند. به این ترتیب، ورودی‌های محور، مسیر ورود حدوداً ۳۰ تا ۴۰ درصد از کل مسافران ورودی و خروجی شهر تهران است. مطالعات حمل و نقل در طرح جامع تهران نشان می‌دهد ۲۷ درصد از کل سفرهای شهر تهران به مقصد کاربری‌های آموزشی صورت می‌گیرد. در مناطق مجاور این محور، سفرهای آموزشی در جایگاه اول یا دوم علت ازدحام ترافیک قرار دارند.

در این چارچوب آنچه از مطالعات ترافیک برای تحلیل اجتماعی فضا استنتاج شده عبارت‌اند از:

- کاهش نقش عبوری محور از نظر انتقال مسافران ورودی به شهر و افزایش نقش درون شهری؛
- فشردگی و ازدحام مسافران در چهارراه ولیعصر تا انقلاب که عرصه اصلی توسعه فضای عمومی آتی محور نیز به شمار می‌رود؛ و

- ازدحام بیشتر مسافر در مسیر غرب به شرق در مقایسه با مسیر شرق به غرب که بالابودن حجم مسافران ورودی از دروازه غربی به شهر تهران از علل این امر است. این ازدحام از سویی مراجعه به مراکز واقع در جبهه جنوبی خیابان‌ها را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، استعداد جبهه جنوبی را برای ارتقا عملکرد فضای عمومی تضعیف می‌کند.

برآورد حجم مسافر عبوری در محور برحسب ایستگاه‌های برداشت ترافیک

مسیرها و ایستگاه‌های عبور مسافر	در جهت شرق به غرب	در جهت غرب به شرق
خیابان دماوند ایستگاه ۱ ترمینال شرق	۱۳۱۴۸	۱۰۵۵۸
خیابان دماوند ایستگاه ۲ چهارراه آیت	۷۸۶۰۱	۸۴۰۵
خیابان دماوند ایستگاه ۳ بیمارستان بوعلی	۱۶۱۳۱	۲۰۵۴۲
خیابان دماوند ایستگاه ۴ پل چوبی	۱۵۱۷۹	۱۲۱۰۸
خیابان دماوند ایستگاه ۵ چهارراه ولیعصر	۲۶۴۳۷	۲۷۳۱۷
خیابان انقلاب ایستگاه کمکی میدان انقلاب	۱۵۲۸۶	۱۹۳۲۶
خیابان آزادی ایستگاه کمکی میدان انقلاب	۱۴۵۲۰	۲۰۴۹۷
خیابان آزادی ایستگاه ۶ چهارراه نواب	۱۳۰۸۳	۱۶۹۴۴
خیابان آزادی ایستگاه ۷ چهارراه بهبودی	۱۰۵۰۶	۱۴۸۲۷
خیابان آزادی ایستگاه ۸ میدان آزادی	۱۷۶۴۹	۲۶۵۴۱

مأخذ: مطالعات بخش ترافیک گزارش محور دماوند-انقلاب-آزادی تاریخ ۱۳۹۱/۰۴/۰۵، ساعت ۶/۳۰ تا ۷/۳۰.

همچنین در بررسی جمعیت عبوری باید به نقش مترو در جابه‌جایی مسافران در مسیر توجه کرد.

• جمعیت ساکن در محدوده راهبردی محور

این محدوده در سال ۱۳۵۹ بیش از ۲۵۴۰ هزار نفر جمعیت داشته که تا ۱۳۷۵ مجموع جمعیت محدوده با اندکی افزایش به ۲۶۸۲ هزار نفر رسیده است. بررسی تغییرات جمعیتی این دوره برحسب مناطق نشان از نرخ رشد منفی در هفت منطقه و نرخ رشد مثبت در سه منطقه (۲، ۵، و ۱۳) در شمال غربی محور دارد.

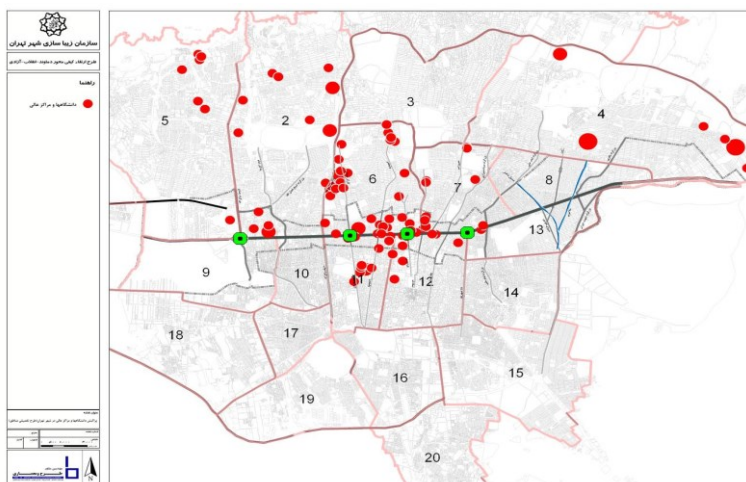


در سال ۱۳۸۵، جمعیت مناطق هم‌جوار روند رشد بیشتری داشته و مجموع جمعیت محدوده به ۳۲۰۰ هزار نفر رسیده است (نه منطقه رشد مثبت داشته‌اند). مطالعات ظرفیت جمعیت‌پذیری فرادست تهران بر تثبیت جمعیت مناطق مرکزی شهر تأکید کرده، درحالی‌که بارگذاری جمعیت در محدوده فراگیر محور رو به تشدید بوده است. همان‌طور که پهنه‌های استقرار و تعامل کانون‌های فرهنگی محور نشان می‌دهد، می‌توان محدوده مناطق شهری مجاور محور را عرصه تعاملات راهبردی شهر تهران با محور دانست.^{۶۴}

• تمرکز مراکز دانشگاهی و آموزشی

در حال حاضر، ۱۷ دانشگاه بزرگ کشور و ۶۴ درصد مراکز آموزش عالی شهر تهران (شامل دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه خوارزمی، دانشگاه آزاد مرکز و واحد جنوب، دانشگاه شاهد، دانشگاه سوره، دانشگاه هنر، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشگاه علوم قضایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشگاه فنی-حرفه‌ای، دانشگاه مذاهب اسلامی، و دانشگاه‌های علمی-کاربردی) در محدوده راهبردی این محور و به‌طور عمده در فاصله میدان انقلاب و خیابان حافظ مستقرند.

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی واقع در حوزه فراگیر محور



استقرار هنرستان‌ها و مراکز آموزش فنی-حرفه‌ای (۱۹ مرکز) در مقطع متوسطه نیز با توجه به تمرکز آموزش عالی و استقرار کانون‌های عمده هنری کشور در این محور، وزن آموزشی و فرهنگی محور را افزایش داده است.

^{۶۴} البته محدوده منطقه ۲ و ۵ پهنه وسیع‌تری را دربر دارند که در بخش شمالی باید خارج از محدوده راهبردی محور محسوب شوند.



• محور پویای فرهنگی و هنری پایتخت و کشور

نقش محور در پویایی فرهنگی و هنری پایتخت در سه حوزه تولید و نشر کتاب و کالاهای فرهنگی، مرکزیت فعالیت هنرهای نمایشی و موسیقایی، و تمرکز مراکز تاریخی و فضاهای خاطره جمعی نمود دارد. بر اساس نتایج سرشماری کارگاه‌های کشور در سال ۱۳۸۱، ۸۸ درصد از مراکز تولید و نشر کتاب، ۷۰ درصد از مراکز خدمات تحقیق و توسعه شهر تهران، و ۱۱ خبرگزاری از ۱۴ خبرگزاری تهران در محدوده راهبردی این محور استقرار دارند. نسبت‌های مشابهی در مورد سازمان‌های حرفه‌ای و اتحادیه‌های اصناف وجود دارد که نقش محور را در استقرار نهادهای مدنی نشان می‌دهد.

در مجموع درحالی‌که محدوده راهبردی محور ۴۲ درصد از کل کارگاه‌های شهر تهران را در خود جای داده، ۵۳ درصد کل کارگاه‌های فرهنگی و بین ۶۵ تا ۷۰ درصد مراکز آموزش عالی و کانون‌ها و مراکز تخصصی فرهنگی شهر را دربر گرفته است. این تمرکز نشانه آن است که مرکزیت فرهنگی پایتخت در این محور واقع شده است و نمادهای آن عبارت‌اند از:

- تمرکز مؤسسه‌های چاپ و نشر: تهران مرکز صنعت نشر در کشور به شمار می‌رود، به‌طوری‌که از ۲۹۳۱ مؤسسه نشر، ۲۰۱۳ واحد یا ۶۸ درصد آن در شهر تهران قرار دارد و راسته چاپ و نشر مستقر در حدفاصل میدان انقلاب تا چهارراه ولی‌عصر جاذب تعداد بسیاری از این مراکز است.
- مراکز و کانون‌های هنری: بر اساس برداشت‌های میدانی انجام‌شده، مجموعاً ۱۵ سینما و ۸ مرکز هنری و کانون فرهنگی در پیرامون محور استقرار دارند.
- عرصه سیاست مردمی و رخدادهای عمومی شهر: خیابان انقلاب به دلیل نقش دانشگاه تهران در جنبش‌های مختلف، همواره نقش مهمی در حیات سیاسی شهر تهران داشته است و پس از انقلاب به دلیل همین نقش برای برگزاری نماز جمعه انتخاب شد. راهپیمایی‌های متعددی که به مناسبت سالگردهای مختلف از میدان انقلاب یا میدان امام حسین (ع) تا میدان آزادی صورت می‌گیرد، در طول سال‌ها این نقش را تثبیت کرده است. برگزاری مراسم نماز جمعه در زمین چمن دانشگاه تهران یکی از فضاهای عمده تداوم کارکرد سیاسی این محور است.

• محور نشانه‌ها، مرزهای هویتی، و نمادهای تاریخی شهر

خیابان انقلاب مهم‌ترین خیابان تازه تأسیس شهر در اواخر قاجار و در جریان توسعه مدرن آن پس از تخریب دیوارها و دروازه‌های شهر است. این محور نظیر هر فضای شهری دیگر، حیات اقتصادی-اجتماعی گذشته جامعه را به‌صورت عناصر فیزیکی ساخته‌شده در خود حفظ می‌کند و با این کالبد به‌نوبه خود در ساخته‌شدن زندگی اقتصادی-اجتماعی آینده شهر مؤثر می‌افتد.

خیابان انقلاب برای دوره‌ای طولانی تجسم گسست شهر به دوپاره شمالی-جنوبی بوده و درعین‌حال، به دلیل عملکردهای عام‌گرایی چون آموزش عالی و کتاب‌فروشی همچنین به دلیل تبدیل‌شدن به محل تظاهرات مردمی از زمان انقلاب، به محور تجلی پیوستگی سیاسی و اجتماعی



ساکنان شهر مبدل شده است. به نظر می‌رسد امروزه همچنان این نقش وصل و فصل‌کننده به‌طور هم‌زمان در ذهنیت مردم ساکن در محدوده و مجموعه شهروندان تهرانی درباره خیابان انقلاب وجود دارد. اما شدت تمایزات اجتماعی شمالی-جنوبی شهر در حاشیه شرقی محور کمتر از مرکز و غرب آن است. خیابان دماوند نقش جداکننده اجتماعی ضعیف‌تری نسبت به دو خیابان دیگر دارد و محلات شمالی و جنوبی دو سوی آن با توجه به شاخص‌های اجتماعی تفاوت چندانی ندارند.

• اتصال مراکز صنعتی و جمعیتی شرق و غرب با شهر تهران

این کریدور بزرگ‌ترین مناطق جمعیتی و فعالیتی را در کشور، در فضایی کمابیش هم‌پیوند، یکپارچه و در تعامل کارکردی با یکدیگر به هم متصل می‌کند. پیوندی که مرکز آن شهر تهران و محور این مرکز دماوند-انقلاب-آزادی است. محور در مقیاس فرا شهری، مناطق شهری کرج و دماوند را مستقیماً به مرکز کلان‌شهر تهران وصل کرده است. در بخش شرقی ارتباط شهر جدید پردیس، شهرک‌های صنعتی، و صنایع مستقر در پیرامون آن را با شهر تهران برقرار کرده و روزانه پاسخگوی حجم زیادی از سفرهای شهری است. امتداد غربی محور نیز با اتصال به جاده مخصوص کرج و آزادراه تهران-کرج تأمین‌کننده ارتباط روزمره بین مراکز جمعیتی و مراکز صنعتی (شهر کرج و مجموعه مراکز جمعیتی پیرامون آن) به شهر تهران برای بهره‌گیری از خدمات برتر موردنیاز از یک‌سو و دسترسی شهر به خدمات حمل‌ونقل (به‌ویژه هوایی) از سوی دیگر است.

• تنوع فعالیت‌ها و ارتباط با کانون‌های اصلی فعالیت در شهر تهران

بر محور دماوند-انقلاب-آزادی، فعالیت‌های متنوع و دارای کارکردهای شهری، فرا شهری، ملی، و فراملی در پهنه‌ها، راسته‌ها، گره‌ها (میدان‌ها و تقاطع‌ها)، و مراکز تجاری-اداری مکان گزیده‌اند و از این بابت نیز متنوع‌ترین و برترین محور در شهر تهران است. تنوع این فعالیت‌ها و اهمیت آن‌ها این محور را از هر محوری در تهران و حتی در مقیاس ملی بااهمیت‌تر کرده است. مجاورت با مراکز کار و فعالیت محدوده مرکزی شهر، راسته‌های تخصصی پیرامون آن در کنار فعالیت‌های فرا شهری شکل‌گرفته در طرفین محور این نقش را تشدید کرده است.

• تأثیرگذاری بر ساختار فضایی-کارکردی در شمال و جنوب

در چارچوب شهری، ارتباط محور با کانون‌های اصلی فعالیت در شهر تهران موقعیت ویژه‌ای ایجاد کرده است. به‌طوری‌که این محور دو ساختار متفاوت فضایی-اجتماعی را در شمال و جنوب خود شکل داده است. بررسی تراکم فعالیت‌های کارگاهی در ضلع شمالی و جنوبی محور نیز تأییدی بر این روند است، به‌طوری‌که مناطق ۱۲ و ۶ از این منظر پیش‌تازند. فعالیت‌های مستقر در مناطق واقع در ضلع جنوبی محور متراکم‌تر از ضلع شمالی است، اما تعداد شاغلین در این کارگاه‌ها در مناطق شمالی بیشتر از مناطق جنوبی است که نشانگر تفاوت در مقیاس کارکرد فعالیت‌ها در دو سوی محور است.



همچنین ۵۷ درصد از اشتغال پایه شکل گرفته در شهر تهران، در حوزه فراگیر محور از منظر کارکردی متمرکز شده است. اما توزیع آن به تبعیت از روند کلی حاکم در پیرامون محور یکسان نیست، به طوری که میزان اشتغال پایه در ضلع شمالی محور دو برابر ضلع جنوبی است. در قیاس با شهر تهران نیز ۳۶.۲ درصد از اشتغال پایه شهر در جبهه شمال محور و ۲۱.۲ درصد از اشتغال پایه شهر در جبهه جنوبی محور متمرکزند. این روند نشانگر وزن و اهمیت فعالیت‌های پایه مستقر در شمال محور در کل شهر و اهمیت آن در جذب شاغلین و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید است.

• محوریّت فعالیت‌های دانش پایه (محیط نوآوری)

در چارچوب تحولات رخ داده در شهر تهران و جهت‌گیری فعالیت‌های نوین به خروج از مرکز سنتی (بازار تهران) و حرکت به سمت مناطق شمالی شهر، محور به عنوان فصل مشترک مرکز و امتداد شمالی آن، ارتباطات گسترده‌ای با این دو بخش برقرار کرده است.

در این چارچوب و با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های عملکردی محور بر روی آن و متصل به آن (پهنه‌های دانشگاهی-پهنه‌های صنعتی اصلی شرقی و غربی، مناطق ۱۲ و ۶ به مثابه مراکز اصلی تجاری-اداری، اوقات فراغت، فرهنگی و صنایع کوچک تهران) و ... چیدمان این محور در درون شهر تهران در کنار فضاهای عمومی متعدد (مانند فضای مذهبی-فرهنگی-سیاسی دانشگاه تهران، تئاتر شهر، مراکز و راسته‌های تفریحی و ورزشی برتر) محور را مصداق واژگان «محیط نوآوری» ساخته است که در عصر اقتصاد دانش پایه و جهانی‌شدن مبنای فضایی توسعه است.

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، ۵۰ درصد از کل اشتغال دانش پایه شهر تهران متعلق به حوزه فراگیر محور (مناطق پیرامون محور) است که به تفکیک ۳۴ درصد آن در ضلع جنوبی و ۶۶ درصد در ضلع شمالی محور متمرکز شده است و نشان از روی‌آوری فعالیت‌های نوین به مکان‌گزینی در مناطق شمالی شهر دارد.

• کارکردهای آتی در اسناد فرادست

در مقیاس منطقه‌ای، بررسی کارکردی‌های آتی مناطق مجاور محور، در اسناد فرادست مصوب حاکی از بالا بودن بار فعالیتی پیش‌بینی شده در ضلع شمالی محور در قیاس با ضلع جنوبی محور به منزله امتدادهای شرقی و غربی آن است؛ به طوری که شکل‌گیری و ایجاد ۵۴ درصد از فرصت‌های شغلی جدید شهر تهران در این محدوده پیش‌بینی شده است.

سطوح عملکردی محور

محور شهری دماوند-انقلاب-آزادی در واقع به عنوان شاخص‌ترین محور کلان‌شهر تهران، اصلی‌ترین دسترسی شرقی-غربی محدوده میانی و درونی شهر تهران به شمار می‌رود و علاوه بر اینکه بستر حضور فعالیت‌های گوناگون و قطب‌های عملکردی مؤثر در قلب شهر است، کلیدی‌ترین کانون‌های عملکرد و فعالیت در شمال و جنوب همچنین شرق و غرب پهنه شهری تهران را به یکدیگر پیوند



می‌زند. این امر سبب شده است محور در چارچوب عملکردی خود ارتباطات بسیار گسترده‌ای با شهر تهران و پیرامون آن برقرار کند و به‌عنوان یکی از ارکان سازمان فضایی شهر تهران در سه سطح عملکردی فرا شهری تا محلی به ایفای نقش در نظامات فضایی شهر تهران بپردازد.

الف) سطح فرا شهری

در منطقه کلان‌شهری تهران، این محور در عملکرد منطقه‌ای خود اتصال‌دهنده سکونتگاه‌های شهری و روستایی شرق و غرب مجموعه شهری به شهر تهران است و مناطق شهری کرج و دماوند را مستقیماً به مرکز شهر تهران وصل می‌کند. این امر سفرهای شهری متعددی در امتداد آن به وجود می‌آورد و روزانه حجم قابل‌توجهی مسافر از طریق این محور به تهران وارد و از آن خارج می‌شوند.

در بخش شرقی جاده تهران-دماوند به دلیل دسترسی به بخش عمده‌ای از مناطق شمال و شمال شرق کشور همچنین ارتباط با شهر جدید پردیس، شهرک‌های صنعتی اطراف پایتخت، و صنایع مستقر در پیرامون آن یکی از **مهم‌ترین مبادی ورودی شهر تهران** به شمار می‌رود.

امتداد غربی محور نیز با اتصال به جاده مخصوص کرج و آزادراه تهران-کرج **تأمین‌کننده ارتباط روزمره بین مراکز جمعیتی مهم واقع در پیرامون این محورها (شهر کرج و مجموعه مراکز جمعیتی پیرامون آن)** به شهر تهران برای بهره‌گیری از خدمات برتر و تأمین فرصت‌های شغلی از یک‌سو و تأمین دسترسی شهر تهران به دروازه هوایی (فرودگاه مهرآباد) و پایانه برون‌شهری غرب از سوی دیگر است.

ب) سطح شهری

در سطح شهر تهران، این محور از منظر تنوع فعالیت‌ها و ارتباط با کانون‌های اصلی فعالیت در شهر تهران نیز موقعیت ویژه‌ای دارد. این محور عامل اتصال و پیوند پنج محور شمالی-جنوبی شهر تهران و به‌عنوان یکی از **ارکان اصلی ستون فقرات فعالیتی شهر** نمود دارد و جاذب سفرهای شهری بسیاری است. مراکز کار و فعالیت محدوده مرکزی شهر و راسته‌های تخصصی پیرامون آن در کنار **فعالیت‌های فرا شهری (مراکز دانشگاهی و فرهنگی، و ...)** شکل‌گرفته در طرفین محور این نقش را تشدید کرده است. همچنین محور با دربرداشتن خاطرات جمعی شهر تهران و تداعی تاریخ رشد شهر و انقلاب اسلامی ایران، **عنصری هویت‌بخش** برای شهر تهران به شمار می‌رود.

محور انقلاب حدفاصل میدان انقلاب تا میدان آزادی، بیشتر محور ارتباطی با کاربری‌های تجاری-خدماتی است. بخشی از این محور که حدفاصل میدان امام حسین (ع) و میدان انقلاب قرار گرفته است مرز دو پهنه فرهنگی و تاریخی تهران را تعریف می‌کند و دارای نقش شاخص فرهنگی مرتبط با مراکز دانشگاهی است. در فاصله تقاطع محور با محورهای درکه و دربند با مرکزیت دانشگاه تهران بار فرهنگی و علمی ویژه‌ای یافته است. پهنه فعالیت‌های نوین انقلاب که به‌عنوان یکی از



هفت مرکز اصلی شهر تهران، با عنوان مرکز فرهنگی و فعالیت‌های نوین اقتصادی تهران معرفی شده این محدوده را در بر گرفته است.

ج) سطح محلی

محور در سطح محلی به همراه خیابان‌های متصل به آن، تأمین‌کننده دسترسی‌های محلی و ناحیه‌ای به انواع کاربری‌های اطراف خود است. در این سطح می‌توان محور را به سه سکانس کلی تقسیم‌بندی کرد: سکانس میدان آزادی تا میدان انقلاب که بیشتر تأمین‌کننده دسترسی به قطعات بزرگ نمایندگی‌ها و کارگاه‌ها همچنین مرکز آموزش عالی (دانشگاه شریف) را بر عهده دارد؛ سکانس میدان انقلاب تا میدان امام حسین(ع) که تأمین‌کننده دسترسی به خرده‌فروشی‌ها و نیز مراکز علمی و فرهنگی برای ساکنان اطراف است؛ و از میدان امام حسین(ع) تا انتهای محور که عمدتاً نقش دسترسی به پهنه‌های تازه شکل گرفته خدمات پذیرایی، پهنه‌های سکونت‌ی اطراف، و تا حدودی کارگاه‌های صنعتی اطراف را بر عهده دارد.

فرازهای اصلی چشم‌انداز راهبردهای کلان ارتقای محور

با توجه به موضوعات کلیدی تأثیرگذار و اصول طراحی شهری محدوده، چشم‌انداز آتی محور بر اساس فرازهای پنج‌گانه زیر تدوین شده است و بر این پایه، محور دماوند-انقلاب-آزادی محوری خواهد بود مشتمل بر موارد زیر:

یک- محور دانایی: دارای برترین محیط و کارکردهای دانش پایگی و پیشرو برای تحقق اقتصاد دانش پایه برای شهر تهران و ایران؛

دو- محور فرهنگی: دارای برترین محیط و کارکردهای فرهنگی، هنری، و علمی، فعالیت‌های هم‌افزا و مکمل آن‌ها، و تشکیل محیط نوآوری؛

سه- محور هوشمندی: دارای محیط و کارکردهای برتر برای برقراری و تقویت مشارکت و ارتباطات سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی در سطح ملی و جهانی با بهره‌گیری توأمان از فضاهای واقعی و مجازی، سرزندگی مدنی، و حیات جمعی؛

چهار- محور همگان: دارای برترین و بیشترین امکانات و دسترسی برای عرصه‌های عمومی و فعالیت‌های مرتبط چون مدنی، سیاسی، فرهنگی، و ورزشی؛ و

پنج- محور سلامت: محوری پیشرو برای تأمین سلامت و امنیت اجتماعی و حفظ و ارتقا محیط‌زیست.

در این راستا بر اساس فرازهای اصلی چشم‌انداز راهبردهای کلان ارتقای محور را می‌توان در قالب جدول بعدی مطرح کرد:



فرازهای اصلی چشم‌انداز راهبردهای کلان ارتقای محور

ارکان	فراز چشم‌انداز	راهبردها
فرهنگ و تاریخ	دارای برترین محیط و کارکردهای دانش پایگی و پیشرو برای تحقق اقتصاد دانش پایه برای شهر تهران و ایران	جایگزینی کارکردهای نامتناسب با کارکردهای دانش پایه (صنعت با فناوری برتر و خدمات مولد، تجارت جهانی، شرکت‌های علمی و فنی)؛ اختصاص فضا به خوشه‌های صنعتی، خدماتی، و تحقیق و توسعه؛ جایگزینی کارکردهای نامتناسب با نقش محور با کارکردهای شهری، فرا شهری، و متناسب با نقش ملی و فراملی تهران؛ ایجاد فضای مناسب واقعی و مجازی برای دانش پایگی برای تعامل مثبت و جریان داخلی و خارجی دانش و مبادلات؛ اختصاص فضای پشتیبان دانش پایگی (هتل، سالن همایش بین‌المللی، گذران وقت فراغت، و تخصص‌های برتر (ورزشی، فرهنگی، و ...))؛ و
فرهنگ و اقتصاد	دارای برترین محیط و کارکردهای فرهنگی، هنری و علمی، فعالیت‌های هم‌افزا و مکمل آن‌ها، و تشکیل محیط نوآوری	تقویت کالبدی و کارکردی فعالیت‌های فرهنگی، هنری، علمی، و صنایع خلاق. اختصاص فضا به فعالیت‌های مکمل یا برای تولید کالاها و خدماتی که دارای رابطه پیشین و پسین با کارکردهای فرهنگی، هنری، و علمی هستند؛ چیدمان متناسب و هم‌افزای کارکردها برای ایجاد محیط نوآوری؛ اختصاص فضای پشتیبان برای گذران فراغت، برگزاری جشنواره‌ها، و غیره؛ و شکل‌دهی به کالبد برای برقراری ارتباط میان حوزه‌ها و مراکز هنری، علمی، و ایجاد عرصه متناسب با آن‌ها.
فرهنگ و محیط زیست	دارای محیط و کارکردهای برتر جهت برقراری و تقویت مشارکت و ارتباطات سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی در سطح ملی و جهانی با بهره‌گیری توأمان از فضاهای واقعی و مجازی، سرزندگی مدنی، و حیات جمعی	اختصاص و تقویت فضاهای همگانی و یادمانی (میدان‌ها، ورزشگاه‌ها، و ...) برای حضور مستقیم مردم؛ اختصاص یا تقویت فضای ویژه برای استقرار انجمن‌های مدنی، صنعتی، علمی و فرهنگی، احزاب، و ...؛ اختصاص یا تقویت فضاهای ویژه برای برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌های جهانی هنری و فرهنگی، علمی، و سیاسی؛ ایجاد شبکه ارتباطی دیجیتال ویژه برای ارتباط دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی، و بنگاه‌ها؛ انتظام بخشی نهادی و سازمانی به مشارکت ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی و اجرا؛ فراهم آوردن فضاهای ویژه برای استقرار فعالیت‌ها با محوریت فناوری‌های هوشمند؛ و
فرهنگ و محیط زیست	دارای برترین و بیشترین امکانات و دسترسی برای عرصه‌های عمومی و فعالیت‌های مرتبط چون مدنی، سیاسی، فرهنگی، و ورزشی	بازگشت به خیابان به‌مثابه فضای عمومی شهری سرزنده، پویا، و پایدار و دارای عرصه‌های عمومی و فعالیت‌های مرتبط مدنی، فرهنگی، و ورزشی. ایجاد پیوستگی و مکمل بودن در نظام فضاهای عمومی و سامان‌دهی سلسله‌مراتب آن؛ دربرگیرندگی، توجه و احترام به تنوع قومی، فرهنگی، مذهبی، سنی، و جنسی در فضاهای عمومی؛ تقویت حیات مدنی و ایجاد و تقویت هم‌پیوندی و هم‌افزایی بین شمال و جنوب تهران؛ هویت‌بخشی و احترام به عناصر تاریخی، ایجاد و تقویت سرزندگی از فضاهای عمومی با آثار و رخدادهای هنری، فرهنگی، ورزشی، و ...؛ بهره‌گیری از بخش خصوصی برای احداث و نگهداری انواع عرصه‌های عمومی؛ فراهم آوردن امکانات رفاهی و استراحتگاهی برای مسافران، بازدیدکنندگان، و گردشگران؛



ارکان	فراز چشم‌انداز	راهبردها
محور (محوری)	محوری پیشرو برای تأمین سلامت و امنیت اجتماعی و حفظ و ارتقا محیط‌زیست	برتری بخشیدن به نظام حمل‌ونقل همگانی با بهره‌گیری از سیستم‌های چندگانه جایگزینی کارکردهای آلوده‌کننده با کارکردهای مناسب؛ و زمینه‌گرایی و توجه به هویت مکان در هرگونه سامان‌دهی و توسعه. زمینه‌سازی و تشویق پویش پیاده و دوچرخه‌سواری؛ هم‌پیوندی شبکه‌های عرصه‌های عمومی، مسیرها، و فضاهای سبز؛ باززنده‌سازی عناصر اکولوژیک موجود به‌خصوص رود دره‌های شمالی-جنوبی و تقویت فضاهای سبز و فراغت همگانی با تنوع عملکرد و کالبد منعطف؛ حفاظت فعال از محیط‌زیست و جذب مشارکت مردم برای حفظ و ارتقای محیط‌زیست؛ حضور و نظارت و مشارکت مردم در فضاهای عمومی و ایجاد محیط شفاف عمومی
محور ارتباطی	ارتقای نقش ارتباطی و ساختاری محور در سطح شهر	ایمن‌سازی حرکت پیاده؛ و ارتقا سطح عملکردی نظام حمل‌ونقل عمومی. تعریف نظام حرکتی مناسب سواره و پیاده در طول محور با توجه به سیاست‌های مدیریت بصری محور؛ تقویت ساختار کالبدی محور؛ ارتقا خوانایی نقاط تقاطع محور با محورهای شاخص شمالی-جنوبی.

در گام بعدی و برای فراهم شدن زمینه‌های تحقق چشم‌انداز محور راهبردهای فضایی ارتقا کیفی محور تدوین شد.

راهبردهای انسجام و نظم فضایی محور

راهبردهای فضایی ارتقا کیفی محور دماوند-انقلاب-آزادی بر مبنای چشم‌انداز و اهداف کلان محور و نیز بر اساس نتایج سنجش وضعیت موجود در محدوده فراگیر تبیین و تعریف می‌شوند. در شناخت و تحلیل وضعیت موجود و سنجش یکپارچه در سطح حوزه فراگیر، سازگاری فضایی محور از وجوه کالبدی و کارکردی مورد ارزیابی قرار گرفت. حاصل این ارزیابی، شناخت انواع مداخله برای تثبیت و ارتقا کیفیت‌های باارزش، ارتقا و توسعه کارکردی و کالبدی برای بهبود فضای موجود یا تغییر و خلق کارکرد و کالبد و در نتیجه فضاهای نوین برای تحقق چشم‌انداز است.

در کل راهبردهای فضایی ارتقا کیفی محور در زمینه‌های اصلی زیر قابل بررسی است:

• ارتقا کارکردهای دانش‌پایگی و فرهنگی-هنری

راهبردهای فضایی معطوف به ارتقا و تقویت کارکرد دانش‌پایگی محور شامل حفظ و پالایش فعالیت‌های کنونی و تجهیز فضا جهت شکل‌گیری خوشه‌های تخصصی از کارکردهای مکمل و هم‌افزاست. تقویت کارکردی و ارتقا کالبدی کانون‌ها و راسته‌های فعالیتی موجود مانند راسته چاپ و نشر، پوشاک، و ... در امتداد خیابان انقلاب و محورهای شمالی-جنوبی متصل به آن (ولی‌عصر، فلسطین، لاله‌زار، سعدی، و ...) از جمله این راهبردهاست. همچنین در جهت تقویت هویت فرهنگی و هنری محور، راهبردهای توسعه کالبدی و کارکردی از جمله اختصاص فضا به فعالیت‌های مکمل و دارای رابطه پیشین و پسین با کارکردهای فرهنگی-هنری در اولویت قرار می‌گیرند. این راهبردها



به‌ویژه در محدوده‌های ارزشمند تاریخی و فرهنگی مانند مجموعه تئاتر شهر و بنیاد تالارهای رودکی، مجموعه باغ هنرمندان، موزه هنرهای معاصر و موزه فرش در پیوند با پهنه‌های دانشگاهی (تهران و امیرکبیر) در تحقق چشم‌انداز محور اهمیت می‌یابند.

• سامان‌دهی منظر شهری و توسعه عرصه‌های عمومی

مداخله برای سامان‌دهی فضاها، همگانی محور از طریق ارتقا کیفیت‌های محیطی و انتظام بصری، هویت‌بخشی و پاسخگویی به نیازهای روانی و عاطفی شهروندان تحقق می‌یابد. در این راستا، می‌توان به راهبردهایی چون ایجاد و تجهیز فضاها، عمومی در امتداد محور، سامان‌دهی و تجهیز خیابان، پیاده‌روها، میدان‌ها، و ورودی‌های غربی و شرقی محور، و ارتقا کیفیت محیطی عرصه‌های نیمه‌خصوصی (راسته‌ها و مراکز تجاری) اشاره کرد.

برای بهره‌گیری از جریان طبیعی آب در مسیل‌های شمالی-جنوبی در پیوند با ایجاد سرزندگی در محیط شهری، راهبردهایی چون حفاظت و تجهیز حریم مسیل‌ها و ایجاد فضاها، تفرجی جذاب و با طراوت در حاشیه آن‌ها در اولویت قرار دارد. تجهیز فضاها، عمومی جهت بهره‌برداری از پهنه‌های طبیعی شامل اراضی سبز سرخه‌حصار، باغ‌ها، و اراضی سبز غرب محور (مانند باغ‌های طرشت) نیز از دیگر راهبردهای مرتبط با ساختار طبیعی محور است.

• تقویت نشانه‌های هویتی شاخص شهری

سامان‌دهی عرصه‌های عمومی و نیمه عمومی علاوه بر تجهیز فضا نیازمند تقویت نشانه‌های هویتی شاخص شهری است. حفاظت از امکانات ارزشمند بصری محور شامل دید کریدوری اصلی و پهنه‌های پانورامیک با امکان دید مناسب و گشوده از مهم‌ترین راهبردهای فضایی جهت تقویت نقش نشانه‌های شهری است. این نشانه‌ها که بیانگر جهت حرکت و موقعیت مکانی شهروندان است، نشانه‌های طبیعی مانند رشته‌کوه‌های البرز و پارک جنگلی سرخه‌حصار و نشانه‌های مصنوعی چون برج آزادی، برج ارتباطات میلاد، و بناهای بلندمرتبه شناخته‌شده (مانند برج‌های اکباتان) را شامل می‌شوند. پهنه‌های تاریخی باروی طهماسبی و باروی ناصری (تهران قدیم) نیز به‌عنوان پهنه هویت‌بخش تاریخی از محدوده‌های واجد ارزش نشانه‌ای در امتداد محور است.

• ارتقا کیفیت محیطی محور شبکه ارتباطی

یکی از الزامات دستیابی به چشم‌انداز ارتقا کیفی محور، ارتقا کیفیت محیطی محور به‌عنوان یکی از اجزای اصلی شبکه ارتباطی شهر تهران است. با توجه به نقش شریانی محور، تنوع وسایل جابه‌جایی و تداخل حرکت سواره و پیاده، و ایمن‌سازی مسیر پیاده از مهم‌ترین راهبردهای فضایی محور محسوب می‌شوند. ترکیب‌بندی مطلوب از مبلمان شهری کارآمد و حذف اغتشاشات بصری در بهره‌مندی شهروندان از فضای شهری خیابان‌های دماوند-انقلاب و آزادی مؤثر است و موجبات تحقق چشم‌انداز محور را فراهم می‌آورد.



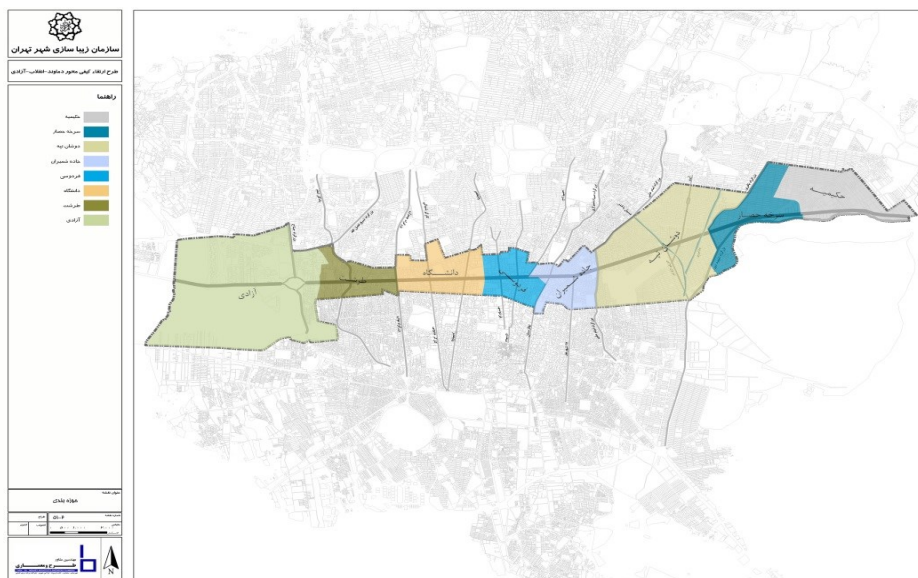
پهنه‌بندی محدوده حوزه بلافصل محور (پهنه‌های مختلف کارکردی/کالبدی)^{۶۵}

با توجه به جمع موارد پیش‌گفته و بررسی‌های صورت گرفته، محدوده حوزه بلافصل محور پهنه‌بندی تلفیقی شده و با توجه به چشم‌انداز و راهبردهای پیش‌گفته، نقش، جایگاه، و راهبردهای دستیابی به آن در هر پهنه آورده شده است. در این راستا، در پهنه‌بندی تلفیقی انجام‌شده محدوده محور به ترتیب از سمت شرق به غرب محور به هشت حوزه همگن به شرح جدول زیر تقسیم‌شده است:

پهنه‌های مختلف کارکردی/کالبدی

حوزه	پهنه
شرق	حکیمیه (شهرک حکیمیه تا بزرگراه رسالت)
	سرخه‌حصار (بزرگراه رسالت تا بزرگراه باقری)
	دوشان‌تپه (بزرگراه باقری تا بزرگراه امام علی (ع))
امام حسین (ع)	بزرگراه امام علی (ع) تا جاده قدیم شمیران
فردوسی	جاده قدیم شمیران تا خیابان حافظ
دانشگاه	خیابان حافظ تا بزرگراه نواب
غرب	طرشت (بزرگراه نواب تا خیابان استاد معین)
	آزادی (خیابان استاد معین تا ورودی شهرک اکباتان در جاده مخصوص کرج)

پهنه‌بندی تلفیقی حوزه بلافصل محور



در ادامه، محدوده هر حوزه به تفکیک زیر حوزه‌های مطالعاتی ارائه‌شده است.

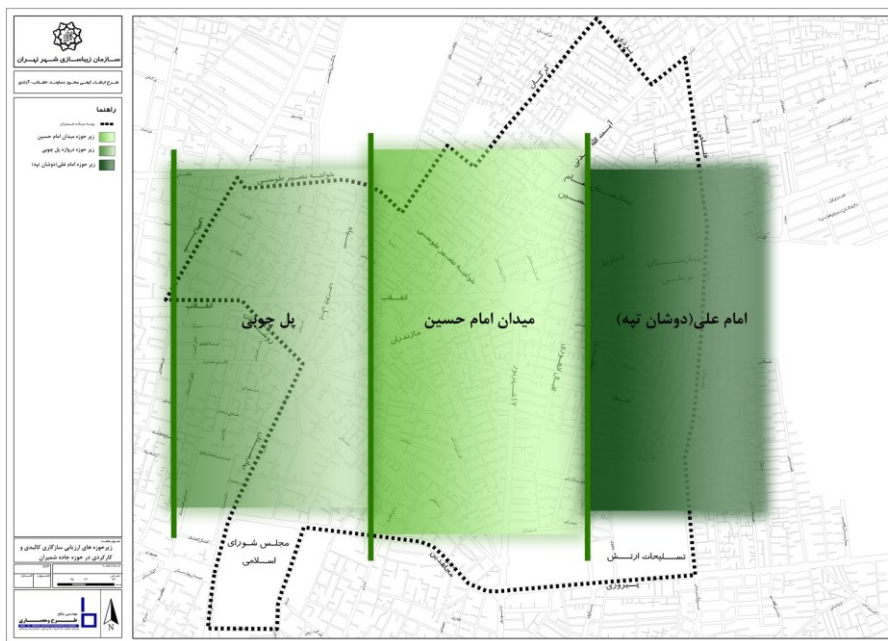
^{۶۵} (با کاراکتر ویژه یا در حال تغییر) جهت تهیه راهنمای طراحی و نقش و اهداف مرتبط با هریک از پهنه‌ها.



- حوزه کلان شرق که از ترکیب سه حوزه دوشان تپه، سرخه حصار، و حکیمیه تشکیل شده است.



- حوزه امام حسین (ع): حذفاصل تقاطع خیابان‌های شریعتی و انقلاب تا تقاطع امام علی

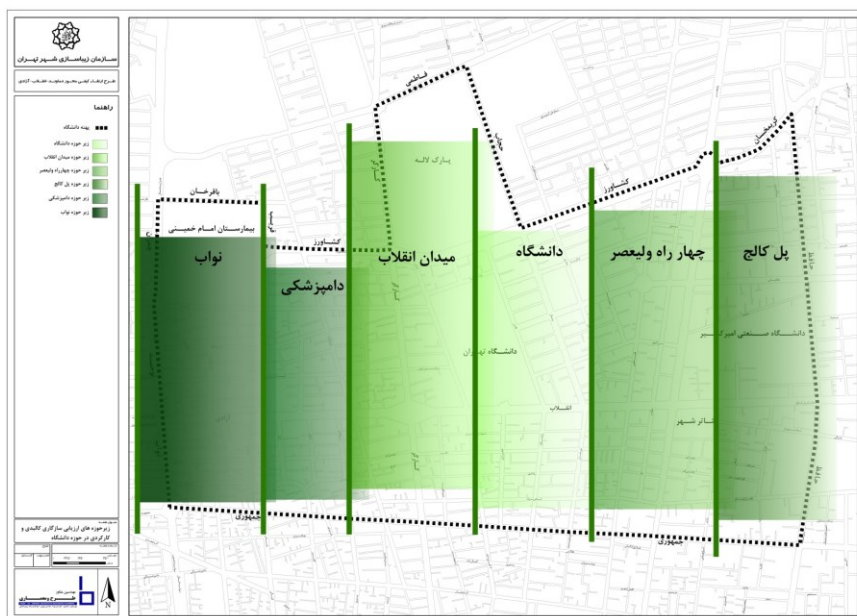




- حوزه فردوسی: حدفاصل دروازه شمیران تا چهارراه کالج



- حوزه دانشگاه: حدفاصل چهارراه کالج تا تقاطع بزرگراه نواب و خیابان انقلاب





- حوزه کلان غرب: از ترکیب دو حوزه طرشت و حوزه آزادی تشکیل شده است.



سپس ویژگی‌های هر حوزه از منظر کالبدی، کارکردی، اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی، حمل‌ونقل، و طراحی شهری تدقیق و پس از ارزیابی امکانات و محدودیت‌ها، الگوی توسعه و سیاست‌های ارتقا کیفی در محدوده مداخله آن در محور تدوین شده است. به‌منظور تلفیق و استنتاج‌نهایی از مطالعات مرحله شناخت و تحلیل عوامل درونی و بیرونی در هر یک از زمینه‌های مطالعاتی، میزان سازگاری حوزه‌ها با اصول و معیارهای مربوط به هر رشته از وجوه کالبدی و کارکردی مورد ارزیابی قرار گرفت.

فرصت‌های توسعه آتی حوزه‌ها در ارتباط با فرازهای اصلی چشم‌انداز

چشم‌انداز محور در مرحله راهبرد طراحی شهری با توجه به شناخت پایه در محدوده فراگیر محور و نیز نقش آن در کلان‌شهر تهران در پنج فراز تبیین شد:

- محور دانایی: دارای برترین محیط و کارکردهای دانش پایگی و پیشرو برای تحقق اقتصاد دانش‌پایه برای شهر تهران و ایران؛
- محور فرهنگی: دارای برترین محیط و کارکردهای فرهنگی، هنری، و علمی و فعالیت‌های هم‌افزا و مکمل آن‌ها و تشکیل محیط نوآوری؛



- محور هوشمندی: دارای محیط و کارکردهای برتر برای برقراری و تقویت مشارکت و ارتباطات سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی در سطح ملی و جهانی با بهره‌گیری توأمان از فضاهای واقعی و مجازی، سرزندگی مدنی و حیات جمعی؛
- محور همگان: دارای برترین و بیشترین امکانات و دسترسی برای عرصه‌های عمومی و فعالیت‌های مرتبط چون مدنی، سیاسی، فرهنگی، و ورزشی؛ و
- محور سلامت: محوری پیشرو برای تأمین سلامت، امنیت اجتماعی، حفظ و ارتقا محیط‌زیست.

سپس در جهت تحقق چشم‌انداز کلان محور دماوند-انقلاب-آزادی و تدوین راهبرد بهینه و بر اساس نتایج مطالعات شناخت و تحلیل ویژگی‌های هر حوزه و با توجه به نتایج فرازهای اصلی چشم‌انداز کل محور، مهم‌ترین فرصت‌های توسعه آتی حوزه‌ها تدوین شد که در ادامه به ترتیب استقرار حوزه‌ها در محور، بدان اشاره شده است.

• حوزه کلان شرقی (دوشان‌تپه، سرخه‌حصار، و حکیمیه)

در راستای فرازهای اصلی چشم‌انداز محور، مهم‌ترین فرصت‌های توسعه آتی حوزه کلان شرقی مربوط به فرازهای محور سلامت و محور همگان است.

چشم‌انداز حوزه: بازگشت به خیابان به‌مثابه فضای شهری سرزنده، پویا، و پایدار متضمن برآوردن حق شهروندان، عرصه سلامت و پیشرو در تأمین سلامت، امنیت اجتماعی، و ارتقا محیط‌زیست با کارکردهای فراغتی-تفریحی و فرهنگی مکمل و هم‌افزا.

جایگاه حوزه کلان شرقی محور بر اساس نقش آن به‌عنوان ورودی شرقی محور و در پیوند با عرصه سبز و طبیعی سرخه‌حصار و محلات مسکونی واجد ارزش شرق تهران تعریف می‌شود. خیابان دماوند در تداوم خیابان انقلاب، زمینه شکل‌گیری کارکردهای فرهنگی و فراغتی-تفریحی پشتیبان سکونت را فراهم خواهد ساخت. ایجاد انتظام و تعادل کارکردی در این حوزه مستلزم پالایش عملکردی این محور و انتقال فعالیت‌های ناسازگار است. همچنین در جهت بازگشت به مفهوم خیابان به‌عنوان فضای عمومی و تقویت حیات مدنی، سامان‌دهی و ارتقا عرصه‌های عمومی محور، و ایجاد شبکه فضاهای عمومی پیوسته با ساختار سلسله‌مراتبی از خیابان تا محلات مسکونی پیرامون و در پیوند با فضاهای باز و سبز مورد هدف قرار می‌گیرد.

• حوزه امام حسین (ع)

در راستای فرازهای اصلی چشم‌انداز محور، مهم‌ترین فرصت‌های توسعه آتی حوزه امام حسین (ع) مربوط به فرازهای محور همگان و محور سلامت است:

چشم‌انداز حوزه: بازگشت به خیابان و ایجاد عرصه عمومی متضمن برآوردن حق شهروندان به شهر دارای فضای عمومی شهری سرزنده، پویا، و پایدار با کارکردهای فرهنگی و فراغتی-تفریحی مکمل و هم‌افزا، پیشرو در تأمین سلامت، امنیت اجتماعی، و ارتقا محیط‌زیست.



جایگاه حوزه امام حسین (ع) در محور بر اساس پیوند این حوزه با مرکز تاریخی و فرهنگی محور از سمت غرب (حوزه‌های فردوسی و دانشگاه) و محدوده شرقی محور (خیابان دماوند و ورودی شرق) تعریف می‌شود. حوزه امام حسین (ع) به‌عنوان پیونددهنده میان محور فرهنگی-تاریخی انقلاب با خیابان دماوند از سویی کارکرد فرهنگی و فراغتی-تفریحی پشتیبان سکونت را خواهد داشت و از سوی دیگر پالایش عملکردی آن در جهت ایجاد انتظام و تعادل کارکردی و انتقال فعالیت‌های ناسازگار در دستور کار توسعه آتی قرار می‌گیرد. این نقش عملکردی، سامان‌دهی و ارتقا عرصه‌های عمومی محور، به‌ویژه خیابان و میدان را به همراه دارد و ایجاد شبکه فضاهای عمومی پیوسته با ساختار سلسله‌مراتبی از خیابان تا محلات مسکونی پیرامون و در پیوند با فضاهای باز و سبز را مورد هدف قرار می‌دهد. دستیابی به این چشم‌انداز همچنین مستلزم تقویت حیات مدنی و دربرگیرندگی تنوع اجتماعی در فضاهای عمومی است.

• حوزه فردوسی

در راستای فرازهای اصلی چشم‌انداز محور، مهم‌ترین فرصت‌های توسعه آتی حوزه فردوسی مربوط به فراز **محور فرهنگی و محور همگان** است:

چشم‌انداز حوزه: عرصه عمومی متضمن برآوردن حق شهروندان به شهر، بازگشت به خیابان به‌مثابه فضای عمومی شهری سرزنده و دارای هویت تاریخی و اجتماعی (محور همگان)، و دارای برترین کارکردهای هنری، فرهنگی، آموزشی، و ورزشی.

بر این اساس مهم‌ترین نقش حوزه در محور را می‌توان به‌صورت عرصه گردشگری تاریخی با تکیه بر میدان تاریخی فردوسی، محور تاریخی-فرهنگی لاله‌زار، و مجموعه‌های هویتی تاریخی خیابان سعدی، دروازه دولت، دروازه شمیران، و محورهای منطبق بر حصار تاریخی شهر تعریف کرد. ارتباط ساختاری محور با محدوده شهر قدیم، دروازه‌ها، و مجموعه‌های تاریخی-اقتصادی مانند بازار، تداوم این هویت تاریخی تا مرکز فعالیت‌های نوین شمال خیابان انقلاب (میدان انقلاب تا چهارراه ولی عصر و امتداد آن تا میدان فردوسی)، همچنین پیوند ساختاری کارکردی با کانون آموزشی و فرهنگی شهر تهران به این حوزه جایگاهی ویژه در سطح کل محور بخشیده است.

• حوزه دانشگاه

در راستای فرازهای اصلی چشم‌انداز محور، مهم‌ترین فرصت‌های توسعه آتی حوزه دانشگاه مربوط به فراز **دانشی و ایجاد محیط نوآوری** است:

چشم‌انداز حوزه: حوزه دانشگاه مرکز نوآوری و عرصه زندگی جمعی محور و کلان‌شهر تهران و دارای برترین محیط کارکردهای دانش‌پایه، فرهنگی، هنری، و فعالیت‌های هم‌افزا و مکمل آن‌ها است. بر این اساس مهم‌ترین نقش این حوزه در محور به‌صورت زیر تعریف شده است:

- عرصه عمومی شهر تهران دارای برترین محیط حیات جمعی و سرزندگی مدنی؛



- حوزه تمرکز مراکز علمی-پژوهشی و فعالیت‌های دانش‌بنیان؛
- حوزه تمرکز عرصه‌های فرهنگی، هنری، و آموزشی شهر تهران؛ و
- حوزه عملکرد و تمرکز فعالیت‌های نوین و خدمات مولد شهر تهران. (مراکز اداری-تجاری CBD)
تعامل و هم‌نشینی سازنده و چند سونگر فعالیت‌های فرهنگی، هنری، و علمی/دانشگاهی حوزه با تکیه بر مجموعه‌های به هم پیوسته فرهنگی-هنری همچون تئاتر شهر و تالارهای موسیقی، مجموعه‌های متعدد و وسیع دانشگاهی، فعالیت‌های نشر و چاپ، و کالبد تاریخی واجد ارزش بسترى جهت گفت‌وگو و تعامل اجتماعى شکل داده، برخورداری از کیفیت برتری محیطی، زندگی تازه‌ای بدان بخشیده و عرصه حضور و فعالیت طبقه خلاق جامعه، اقشار و نخبگان فرهنگی، علمی، هنری، و سیاسی کشور و شهر تهران را به وجود آورده است.

• حوزه کلان غربی (طرشت، آزادی)

در راستای فرازهای اصلی چشم‌انداز محور، مهم‌ترین فرصت‌های توسعه آتی حوزه کلان غربی مربوط به فرازهای محور دانایی و محور هوشمندی است:

چشم‌انداز حوزه: عرصه عمومی شهری سرزنده، پویا، و پایدار با بهره‌گیری بهینه از سرزندگی مدنی، دارای محیط و کارکردهای برتر جهت برقراری و تقویت مشارکت سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی در سطح ملی و جهانی متضمن برآوردن حق شهروندان به شهر با برترین کارکردهای دانش‌پایه و پیشرو.

در چشم‌انداز محور، حوزه کلان غربی معرف پیشرفت، توسعه، و نوآوری شهر تهران است که بسترى جهت گفت‌وگو و تعامل اجتماعى شکل داده، با برخورداری از کیفیت برتر محیطی، و ایجاد شبکه‌ای از فضاهای عمومی جذاب و کارا زمینه حضور و مشارکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی برای تمام اقشار جامعه فراهم می‌سازد. با توجه به اهمیت میدان آزادی به عنوان عرصه حیات مدنی و برپایی مراسم و تظاهرات اجتماعی، این حوزه دارای برترین محیط حیات جمعی و سرزندگی مدنی، همچنین حوزه تمرکز مراکز علمی-پژوهشی، و فعالیت‌های دانش‌بنیان در پیوند با حوزه فرهنگی دانشگاه است.

اهداف کلان در سطح حوزه‌های مداخله

اهداف ارتقا کیفیت محیط و سیمای شهری دربرگیرنده کیفیت‌هایی است که تحقق محیط شهری مناسب را ممکن می‌سازند. با توجه به چشم‌انداز توسعه آتی حوزه‌ها و اهمیت آن‌ها، اهداف کلان حوزه در محدوده مداخله در هر حوزه به شرح جدول بعد تعریف شده است.



اهداف کلان در سطح حوزه‌های مداخله

حوزه	سازمان‌ها	اهداف کلان
کاربرد	نظم فضایی-ادراکی	ارتقا خوانایی و تشخیص سازمان فضایی
	نظم بصری	مطلوبیت بصری
	نظم کالبدی-کارکردی	حفظ و ارتقا تشخیص کالبدی
	عرصه عمومی	سرزندگی فضای شهری/ عرصه عمومی ایمن و امن
امین	نظم فضایی ادراکی	ارتقا خوانایی بصری، ادراکی، و عملکردی عناصر سازمان فضایی در محدوده تشخیص سازمان فضایی و تقویت هویت حوزه
	نظم بصری	مطلوبیت بصری
	نظم کالبدی-کارکردی	حفظ و ارتقا تشخیص کالبدی
	عرصه عمومی	سرزندگی فضای شهری/ عرصه عمومی ایمن و امن
فردوسی	نظم فضایی ادراکی	ارتقا خوانایی بصری، ادراکی، و عملکردی عناصر سازمان فضایی در محدوده تشخیص سازمان فضایی و تقویت هویت تاریخی-اجتماعی حوزه
	نظم بصری	مطلوبیت بصری و تقویت تداوم دید میان نشانه‌های تاریخی و خاطره‌ای محور
	نظم کالبدی-کارکردی	حفظ و ارتقا تشخیص کالبدی و ایجاد پیوستگی فضایی میان عرصه‌های گردشگری تاریخی و فرهنگی-هنری در حوزه
	عرصه عمومی	سرزندگی فضای شهری، ارتقا کیفی عرصه‌های عمومی تأمین ایمنی و امنیت پیاده
دانشگاه	نظم فضایی ادراکی	ارتقا خوانایی بصری، ادراکی و عملکردی عناصر سازمان فضایی در محدوده تشخیص سازمان فضایی و تقویت هویت تاریخی-اجتماعی حوزه
	نظم بصری	مطلوبیت بصری و تقویت تداوم میان نشان‌های بصری و عناصر خاطره‌ای محور
	نظم کالبدی	حفظ و ارتقا تشخیص کالبدی و ایجاد پیوستگی فضایی میان عرصه‌های دانش، فرهنگ، هنر، و فراغت در حوزه
	عرصه عمومی	سرزندگی فضای شهری و ارتقا کیفیت عرصه‌های عمومی تأمین ایمنی و امنیت پیاده
کلان‌فرهنگی	نظم فضایی ادراکی	ارتقا خوانایی عناصر سازمان فضایی در محدوده تشخیص سازمان فضایی محدوده
	نظم بصری	مطلوبیت بصری
	نظم کالبدی-کارکردی	حفظ و ارتقا تشخیص کالبدی
	عرصه عمومی	سرزندگی فضای شهری-عرصه عمومی ایمن و امن

در ادامه راهبردهای دستیابی به چشم‌انداز در سطح حوزه‌های مداخله ارائه شده است.

حوزه کلان شرقی

- ارتقا کارکردی و سامان‌دهی کالبدی محور دماوند و ایجاد و تقویت کانون‌های عملکردی در پیوند با مراکز عملکردی حوزه‌های میانی (مانند میدان امام حسین (ع) در حوزه جاده شمیران و میدان فردوسی در حوزه فردوسی)؛
- استقرار عملکردهای فراغتی، سرگرمی، ورزشی با تمرکز بر عرصه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با فضاهای سبز و باز (پهنه سلامت)؛



- توسعه فضاهای سبز و باز در ارتباط ساختاری و پشتیبان با پهنه تهران-نو-نارمک در مواقع بحران؛
- باز زنده سازی مسیرهای طبیعی موجود، شکل دهی مسیرهای پیاده متصل با اندام اکولوژیک، و اتصال عرصه عمومی سه راه تهرانپارس با اراضی سرخه حصار؛
- پالایش عملکردی و انتقال فعالیت های ناسازگار در جهت ایجاد نظام هماهنگ عملکردی و هم نشینی مؤثر کارکردهای فرهنگی- فراغتی، ورزشی-تفریحی، و خدمات کسب و کار؛
- نوسازی فعالیت های صنعتی، جذب صنایع سازگار پیشرفته در امتداد شرقی محور (حکیمیه)، و تقویت نقش و عملکرد دروازه ای با رویکرد استقرار خدمات مولد؛
- هویت بخشی به کالبد محور با تأکید بر هویت محلات قدیمی و ارزشمند پیرامون محور دماوند؛
- ارتقا کیفیت محیط شهری از طریق سامان دهی و تجهیز خیابان و مسیر پیاده، جانمایی و ترکیب بندی مناسب مبلمان شهری، و حذف اغتشاشات بصری در جهت بهره مندی شهروندان از فضای شهری؛
- ایجاد نشانه های هویتی شاخص در امتداد محور و ایجاد سرزندگی در فضاهای عمومی با آثار و رخدادهای ورزشی، فرهنگی، و هنری؛ و
- ایجاد پیوستگی و هم پیوندی میان شبکه های عرصه های عمومی، ایجاد و تجهیز فضاهای باز و سبز و فراغت همگانی در جهت ایجاد زمینه حضور، نظارت و مشارکت شهروندان (ساکنان و مراجعان به محور) در فضاهای عمومی.

حوزه امام حسین (ع)

- ارتقا کارکردی و سامان دهی کالبدی کانون ها و راسته های فعالیتی محور (پیچ شمیران، پل چوبی، میدان امام حسین (ع)، و...) و ایجاد هم پیوندی میان این مراکز با یکدیگر و با مراکز مکمل برای مراکز قدیمی با عملکردهای شهری و فرا شهری؛
- هویت بخشی به کالبد محور با تأکید بر هویت محلات قدیمی و ارزشمند پیرامون محور و هدایت ساخت و سازهای جدید در جهت حفظ ویژگی های محیطی، سیما و منظر بافت قدیمی، و حفظ بناهای ارزشمند؛
- ارتقا کیفیت محیط شهری از طریق سامان دهی و تجهیز خیابان ها، میدان، و تقاطع ها، ایمن سازی و تجهیز مسیر پیاده، جانمایی و ترکیب بندی مناسب مبلمان شهری، و حذف اغتشاشات بصری در جهت بهره مندی شهروندان از فضای شهری خیابان های انقلاب و دماوند؛
- تقویت نشانه های هویتی شاخص در امتداد محور، ایجاد سرزندگی در فضاهای عمومی با آثار و رخدادهای فرهنگی، ورزشی، و هنری؛
- پالایش عملکردی و انتقال فعالیت های ناسازگار و آلاینده در جهت ایجاد نظام هماهنگ عملکردی و هم نشینی مؤثر کارکردهای فرهنگی- فراغتی و خدمات کسب و کار؛



- ایجاد پیوستگی و هم پیوندی میان شبکه‌های عرصه‌های عمومی، ایجاد و تجهیز فضاهای باز و سبز و فراغت همگانی در جهت ایجاد زمینه حضور، نظارت، و مشارکت شهروندان (ساکنان و مراجعان به محور) در فضاهای عمومی؛ و
- تقویت حیات مدنی، تقویت هویت اجتماعات محلی، و ایجاد پیوند میان شمال و جنوب محور.

حوزه فردوسی

- هویت‌بخشی به کالبد محور با تأکید بر هویت محله‌ای و توجه اساسی به ساختار تاریخی به‌ویژه پهنه ارزشمند مرکزی شهر تهران؛
- پالایش خیابان‌ها، دروازه‌ها، و گستره‌های تاریخی، و ارتقا کیفی عملکردی آن‌ها برای عملکردهای فرهنگی، گردشگری، و ارتقا کیفیت کسب‌وکار و سامان‌دهی، هدایت، و تقویت روند شکل‌گیری مراکزی مکمل برای مراکز قدیمی با عملکردهای شهری و فرا شهری؛
- ارتقا کیفیت محیط شهری با توسعه عرصه‌های عمومی، ایجاد سرزندگی در خیابان، و تقویت نشانه‌های هویتی شاخص، سامان‌دهی مبلمان و تجهیزات شهری؛ و
- ارتقا کیفیت رؤیت‌پذیری و خوانایی محور از محدوده‌های پیرامونی با توجه به هم پیوندی محور با معابر شمالی-جنوبی، ایجاد پیوستگی میان کریدورهای دید، و برقراری دید سریالی به نشانه‌ها و عناصر هویتی و تاریخی.

حوزه دانشگاه

- ایجاد سازمان فضایی هم پیوند و منسجم از کارکردهای متنوع، مکمل، و هم‌افزا از طریق:
 - ✓ انسجام‌بخشی به کالبد محور با توجه به ساختار تاریخی محور، کانون‌ها، و گستره‌های کارکردی فرهنگی، هنری، آموزشی، و تجاری-خدماتی؛ و
 - ✓ ایجاد تعادل کارکردی و تقویت رقابت‌پذیری از طریق تخصیص فضا به مراکز خدمات نوین با عملکرد ملی و فراملی، خدمات مولد (بازاریابی، طراحی، و مالی)، دانش‌پایه (محیط نوآوری)، و تشکیل شاخه‌های تخصصی از کارکردهای علمی و پژوهشی پشتیبان؛
- سامان‌دهی فضاهای شهری از نظر کیفیت‌های محیطی، انتظام بصری، هویت‌بخشی، و پاسخگویی به نیازهای شهروندان از طریق:
 - ✓ توسعه و تجهیز عرصه‌های عمومی، ایجاد سرزندگی در فضاهای همگانی حوزه، تقویت نشانه‌های هویتی تاریخی و فرهنگی شاخص، حفظ و تقویت خاطره جمعی و سامان‌دهی مبلمان و تجهیزات شهری و...



✓ تجهیز فضاهای عمومی و خدمات شهری در مقیاس محله‌ای، جلب مشارکت عمومی با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی ساکنین و شاغلین پیرامون محور جهت ارتقا امنیت و سلامت محیط شهری.

حوزه کلان غربی

- ایجاد سازمان فضایی هم پیوند و منسجم از کارکردهای متنوع، مکمل، و هم‌افزا از طریق تخصیص فضا به مراکز خدمات مولد (بازاریابی، طراحی، و مالی) پشتیبان تولید و آموزش عالی، فعالیت‌های دانش پایه (محیط نوآوری)، و تشکیل شاخه‌های تخصصی از کارکردهای علمی و پژوهشی پشتیبان؛
- تقویت نقش میدان آزادی به عنوان عرصه عمومی شاخص شهر تهران، ارتقا حس مکان، ارتقا خوانایی، و نیز تقویت ارتباط ساختاری آن با محور فرهنگی خیابان انقلاب؛
- پالایش عملکردی، انتقال فعالیت‌های ناسازگار و آلاینده در جهت ایجاد نظام هماهنگ عملکردی، و هم‌نشینی مؤثر خدمات مولد و خدمات کسب و کار؛
- تقویت حضور بصری عناصر تاریخی و خاطره‌ای محور آزادی، گشایش دید و منظر از جداره محور و مسیرهای مجاور به آن‌ها، و ایجاد پیوستگی فضایی از طریق ایجاد ارتباطات بصری میان فضاهای شهری عمده؛
- تبدیل پهنه‌های صنعتی آلاینده و ناسازگار با عملکردهای اصلی محور آزادی به مراکز فناوری نوین و پاک، و استقرار شرکت‌های دانش‌بنیان؛
- ارتقا کیفیت محیط شهری از طریق سامان‌دهی و تجهیز خیابان و مسیر پیاده، جانمایی و ترکیب‌بندی مناسب مبلمان شهری و حذف اغتشاشات بصری در جهت بهره‌مندی شهروندان از فضای شهری؛
- ایجاد پیوستگی و هم‌پیوندی میان شبکه‌های عرصه‌های عمومی و ایجاد و تجهیز فضاهای باز و سبز و فراغت همگانی در جهت ایجاد زمینه حضور، نظارت و مشارکت شهروندان (ساکنان و مراجعان به محور) در فضاهای عمومی.

جمع‌بندی

در این فصل با توجه به چشم‌انداز، توسعه آتی محور و راهبردهای دستیابی بدان در مقیاس حوزه‌های پنج‌گانه ارائه شد و در فصل بعدی در راستای هدایت توسعه از چارچوب‌های طراحی شهری استفاده و راهکارها و الگوهای توسعه در لایه‌های مختلف کارکردی و کالبدی به همراه سند راهنمای طراحی در حوزه‌های مختلف ارائه شده است.



فصل پنجم: چارچوب طراحی شهری



در این بخش چارچوب طراحی شهری محور ارائه شده است. این چارچوب از جمله اسناد طراحی شهری سیاست‌گذار است که چگونگی به اجرا درآوردن اهداف کلان را تشریح نموده و به تصویر درمی‌آورد. این سند شامل مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اصول طراحی است که انعکاس آن‌ها به صورت دوبعدی از زیرساخت‌های مورد نیاز آینده تهیه شده است. به بیان دیگر نقشه انعکاس فضایی-جغرافیایی سیاست‌های طراحی شهری است که بر اساس طرح مفهومی بهینه در قالب نقشه دیگراماتیک عرضه و در آن الگوی توسعه پیشنهادی متشکل از لایه های کاربری زمین، حرکت و دسترسی، فضاهای همگانی، فرم کالبدی و منظر شهری ارائه شده است.

سیاست‌های اجرایی زمینه‌ساز تحقق اهداف توسعه در حوزه‌های مداخله

با توجه به چشم‌انداز و جایگاه حوزه‌ها در محور، سیاست‌های اجرایی در جهت تحقق اهداف ارتقا کیفی این حوزه‌ها مطابق جداول زیر است.

سیاست‌های اجرایی زمینه‌ساز تحقق اهداف توسعه در حوزه‌های مداخله

سیاست‌ها	اهداف خرد	هدف کلان	سازمان
حوزه کلان شرقی			
افزایش خوانایی گره‌ها و تقاطع‌های مهم مانند سهراب تهرانپارس	تأکید بر عناصر شاخص به‌عنوان عناصر اصلی سازمان فضایی- ادراکی محدوده	ارتقا خوانایی عناصر سازمان فضایی در محدوده	فضایی- ادراکی
حفاظت و ارتقا نقش عناصر سازمان فضایی مانند مسیل باختر و جاجرود			
استقرار نشانه‌های یادآور خاطرات جمعی برای تقویت حس مکان در تقاطع نارمک و سهراب تهرانپارس			
تقویت تشخیص محدوده ترمینال شرق از طریق ایجاد کاربری‌های فرهنگی و تفریحی و ایجاد دسترسی پیاده به اراضی دوشان‌تپه	ارتقا نقش و جایگاه عناصر هویت‌مند محدوده	تشخص سازمان فضایی محدوده	
افزایش قابلیت ادراک ساختار مکان از طریق اتصال فضاهای پیاده با مسیرهای سبز و مسیل جاجرود و باختر			
طراحی و هویت‌بخشی به عرصه همگانی در محدوده سهراب تهرانپارس به‌عنوان ورودی شرقی پهنه مرکزی تهران	ایجاد خاطره‌انگیزی		
حفاظت دید به منظر واجد ارزش سرخه‌حصار از سهراب تهرانپارس و محدوده ترمینال شرق	حفظ و ارتقا کیفیت ارتباط بصری در فضاهای شهری	مطلوبیت بصری	بصری
سامان‌دهی منظر مسیل جاجرود و باختر			
ایجاد تنوع در سکانش‌های بصری در طول خیابان دماوند استفاده از پوشش گیاهی در تعریف کریدورهای بصری			
بازسازی بناهای فرسوده بر مبنای ضوابط طراحی نمای شهری خیابان دماوند ^{۶۶}	ارتقا پایداری ابنیه	حفظ و ارتقا تشخیص کالبدی	کالبدی
اتصال خیابان دماوند از طریق فضاهای پیاده و مسیل‌ها به محلات شمالی و جنوبی محور	افزایش نفوذ پذیری کالبدی		

^{۶۶} ضوابط طراحی نمای ابنیه واقع در خیابان دماوند در گزارش مطالعات مربوط به ضوابط ارائه شده است.



سازمان	هدف کلان	اهداف خرد	سیاست‌ها
حوزه کلان شرقی			
کالبدی	حفظ و ارتقا تشخص کالبدی	سازمان‌دهی توده و فضا با رویکرد زمینه‌گرا	توده‌گذاری توسعه‌های میان‌افزا با تأکید بر تقویت حس محصوریت تعریف محصوریت مناسب برای تقاطع‌ها و ایجاد تأکید ساختاری در سره‌راه تهرانپارس ایجاد تغییرات در نمای ابنیه واقع در بر خیابان در محدوده سره‌راه تهرانپارس با توجه به نقش کلیدی این تقاطع در حوزه شرقی
عرصه عمومی	سرزندگی فضای شهری	تشویق و حمایت از حضور پیاده	ایجاد اختلاط عملکردی در حوزه به‌وسیله تزریق کاربری‌های فرهنگی، تفریحی مانند فرهنگسرا، موزه، نمایشگاه، سالن تئاتر، رستوران، و ... در اراضی قابل بازیافت احیای فضای سره‌راه تهرانپارس از طریق سامان‌دهی اراضی ترمینال شرق افزایش کیفیت‌های محیطی در عرصه‌های همگانی و تقویت فعالیت‌های پیاده‌مدار با توجه به مسیرهای جاجرود و باختر تقویت اتصال میان عرصه‌های عمومی با استفاده از تقاطع‌های محورهای شمالی-جنوبی با خیابان دماوند ایجاد سکانس‌های فضایی متنوع در امتداد مسیر خیابان‌های شهری ایجاد عرصه عمومی اکولوژیک در امتداد مسیر جاجرود و باختر تأمین طیف متنوعی از انواع کاربری‌های تجاری و خدماتی سطح خرد در لبه عرصه عمومی اتصال عرصه عمومی ترمینال شرق با اراضی سبز دوشان‌تپه
			بهره‌گیری از محوطه‌های کاربری‌های بزرگ‌مقیاس جهت ایجاد عرصه عمومی در ارتباط با خیابان و توسعه فضای سبز
	عرصه عمومی ایمن و امن	تأمین ایمنی و امنیت پیاده به‌ویژه طی ساعات شب	تأمین انواع کاربری‌های ۲۴ ساعته و زمان‌دار در لبه عرصه عمومی جداسازی، اولویت، و شخصیت‌بخشی به مسیر حرکت پیاده در مقابل سواره نورپردازی مناسب فضاهای عمومی در شب تثبیت سکونت موجود در حوزه و تشویق به شکل‌گیری سکونت پایدار شفاف‌سازی جداره برای تقویت ارتباط کاربری‌ها با عرصه‌های عمومی و افزایش نظارت همگانی
حوزه امام حسین (ع)			
فضایی-ادراکی	ارتقا خوانایی عناصر سازمان فضایی در محدوده	تأکید بر عناصر شاخص	افزایش محصوریت گره پیچ شمیران و تقاطع‌های مهم (دروازه شمیران) حفاظت و ارتقا نقش کارکردی میدان امام حسین (عرصه عمومی فعال) استقرار نشانه‌های کالبدی در نقاط عطف محور مانند میدان امام حسین (ع)، پیچ‌شمیران و دروازه شمیران جهت تقویت حس مکان
	تشخص سازمان فضایی محدوده	ایجاد خاطره‌انگیزی	توسعه عرصه‌های همگانی در مجاورت عناصر شاخص با امکان برگزاری مراسم خاص متناسب با هویت محدوده نظیر سامان‌دهی میدان امام حسین (ع) جهت اجرای مراسم آئینی



سیاست‌ها	اهداف خرد	هدف کلان	سازمان
حوزه امام حسین (ع)			
ایجاد اختلاط عملکردی در جداره‌های محور در اتصال با کاربری‌های میدان امام حسین (ع) و دروازه شمیران افزایش اتصال و به هم پیوستگی حوزه، از طریق ایجاد ارتباط مناسب میان فضاها و پیاده و مسیرهای سبز به محورهای شهری نظیر خیابان هفده شهریور و...	ارتقا نقش و جایگاه عناصر هویت‌مند محدوده	تشخیص سازمان فضایی محدوده	
حفاظت از جداره‌های ارزشمند میدان‌ها و گره‌های تاریخی ارتقا کیفیت و شخصیت بصری عناصر منظر شهری ایجاد تنوع در سکانس‌های بصری سامان‌دهی درختان و گیاهان برای تعریف کریدورهای بصری * در مثلث میدان امام حسین (ع)، پیچ‌شمیران و دروازه شمیران	حفظ و ارتقا کیفیت ارتباط بصری در فضاها و شهری*	مطلوبیت بصری	بصری
بازسازی بناهای فرسوده بر اساس هویت معماری پیرامون میدان امام حسین (ع)	ارتقا پایداری ابنیه واجد ارزش	حفظ و ارتقا تشخیص کالبدی	کالبدی
اتصال خیابان‌های مازندران، انقلاب، و ۱۷ شهریور از طریق فضاها و پیاده و مسیرهای سبز شکل‌دهی پاساژهای عبوری در طبقه همکف قطعات درشت‌دانه	افزایش نفوذپذیری کالبدی معابر پیرامون میدان		
توده‌گذاری توسعه‌های میان‌افزا با تأکید بر چگونگی تداوم مورفولوژی طی مراحل رشد قبلی محدوده تعریف محصوریت مناسب برای تقاطع دروازه شمیران حفاظت از ابنیه نیش میدان امام حسین (ع) و دروازه شمیران سامان‌دهی کالبدی جداره خیابان انقلاب برقراری اتصال میان اراضی دوشان‌تپه و خیابان دماوند	سازمان‌دهی توده و فضا با رویکرد زمینه‌گرا		
ایجاد اختلاط عملکردی در حوزه به‌وسیله تزریق کاربری‌های فرهنگی، تفریحی، و فعال احیای فضای میدان امام حسین (ع) از طریق سامان‌دهی و بازتعریف کاربری‌های مختلط موجود افزایش کیفیت‌های محیطی در عرصه‌های همگانی و تقویت فعالیت‌های پیاده‌مدار	تشویق و حمایت از حضور پیاده	سرزندگی فضای شهری	عرصه عمومی
تقویت اتصال میان عرصه‌های عمومی ایجاد سکانس‌های فضایی متنوع در امتداد مسیر خیابان‌های شهری تبدیل محور به محور مختلط عملکردی (Mixed Use) به‌ویژه سطح خرد در لبه عرصه عمومی ایجاد سبزه‌راه در اتصال با عرصه‌های عمومی ایجاد تنوع و تباین فضایی در مسیر پیاده			
سیاست‌ها	اهداف خرد	هدف کلان	سازمان



حوزه امام حسین (ع)			
عرصه عمومی	سرزندگی فضای شهری	تشویق و حمایت از حضور پیاده	اتصال حوزه با بافت هم‌جوار با برجسته‌سازی و تقویت محورهای اصلی بافت پیرامونی نظیر خیابان مدنی، سبلان، و... بهره‌گیری از محوطه‌های کاربری‌های بزرگ‌مقیاس نظیر بیمارستان بوعلی در جهت ایجاد عرصه عمومی و فضای سبز
	عرصه عمومی ایمن و امن	تأمین ایمنی و امنیت پیاده به‌ویژه طی ساعات شب	جایگزینی کاربری‌های ۲۴ ساعته یا با بیشترین ساعات کاری در لبه خیابان‌های انقلاب، مازندران، و ۱۷ شهریور به‌ویژه در حوزه بلافصل میدان امام حسین (ع)، پیچ‌شمیران و دروازه شمیران جداسازی مناسب مسیر پیاده از سواره و شخصیت‌دهی به مسیر حرکت پیاده به‌ویژه در تقاطع با مسیر سواره نورپردازی مناسب فضاهای عمومی در شب تثبیت سکونت موجود در حوزه و تشویق به شکل‌گیری سکونت پایدار شفاف‌سازی جداره برای تقویت ارتباط کاربری‌ها با عرصه‌های عمومی و افزایش نظارت همگانی
حوزه فردوسی			
فضایی-اداری	ارتقا خوانایی عناصر سازمان فضایی محدوده	تأکید بر عناصر شاخص	تعریف گره‌ها و تقاطع‌های مهم در محدوده حفاظت و ارتقای نقش عناصر سازمان فضایی محدوده استقرار نشانه‌های یادآور خاطرات جمعی برای تقویت حس مکان
	تشخص سازمان فضایی محدوده	ارتقا نقش و جایگاه عناصر هویت‌مند محدوده	تقویت شخصیت تاریخی محدوده اتصال حوزه، از طریق فضاهای پیاده و یا مسیرهای سبز به سایر حوزه‌های شهری پیرامونی اتصال حوزه با بافت هم‌جوار با برجسته‌سازی و تقویت محورهای تاریخی مثل لاله‌زار شاخص کردن حوزه‌های خاص تاریخی نظیر دروازه دولت
		ایجاد خاطره‌انگیزی	طراحی عرصه‌های همگانی در مجاورت عناصر شاخص با امکان برگزاری مراسم خاص متناسب با هویت محدوده (دروازه دولت و میدان فردوسی) احیا و مناسب‌سازی کالبدی بناهای ارزشمند برای گردشگری احیای فعالیت‌ها و پاتوق‌های قدیمی به‌شکل کافه‌ها، و...
بصری	مطلوبیت بصری	حفظ و ارتقا کیفیت ارتباطات بصری در فضاهای شهری	حفاظت از جداره‌های ارزشمند ارتقا کیفیت شخصیت بصری عناصر منظر شهری ایجاد تنوع در سکانس‌های بصری افزایش نفوذپذیری بصری به عناصر شاخص تاریخی از محورهای هم‌جوار استفاده از درختان و گیاهان برای تعریف کریدورهای بصری



سیاست‌ها	اهداف خرد	اهداف کلان	سازمان
حوزه فردوسی			
حفاظت و بهسازی بناهای فرسوده بر اساس هویت معماری محدوده	ارتقا پایداری ابنیه	حفظ و ارتقا تشخیص کالبدی	کالبدی
اتصال فضاهای شهری از طریق فضای پیاده و یا مسیر سبز به یکدیگر	افزایش نفوذ پذیری کالبدی		
تزریق واحدهای ریزدانه به طبقه همکف واحدهای درشت‌دانه در ضلع شمالی محور	توده‌گذاری توسعه‌های میان‌افزا با تأکید بر تداوم مورفولوژی تعریف محصوریت مناسب برای میدان فردوسی حفاظت از ابنیه نیش میدان فردوسی به‌عنوان نقطه عطف حوزه سامان‌دهی کالبدی جداره شمالی خیابان		
ایجاد اختلاط عملکردی در حوزه به‌وسیله تزریق کاربری‌های فرهنگی، تفریحی و فعال مانند فرهنگسرا، موزه، نمایشگاه، سالن تئاتر، رستوران، و... در کالبد عناصر تاریخی احیای فضای میدان فردوسی از طریق ایجاد فضاهای چندگانه و تعریف‌شده با کاربری و فعالیت مشخص	تشویق و حمایت از حضور پیاده	سرزندگی فضای شهری	عرصه عمومی
افزایش کیفیت‌های محیطی در عرصه‌های همگانی و تقویت فعالیت‌های پیاده‌مدار تقویت اتصال میان عرصه‌های عمومی ایجاد سکانس‌های فضایی متنوع در امتداد مسیر خیابان‌های شهری تبدیل محور به محور مختلط عملکردی تأمین طیف متنوعی از انواع کاربری‌های تجاری و خدماتی سطح خرد در لبه عرصه عمومی تزریق کاربری‌های مکمل میان راسته‌های اختصاصی تجاری موجود (راسته کفش فروشی خیابان انقلاب و چرم‌فروشی خیابان فردوسی) اتصال حوزه با بافت هم‌جوار با برجسته‌سازی و تقویت محورهای اصلی بافت پیرامونی (خیابان مفتح، قرنی، فردوسی، و نجات‌اللهی) ایجاد تنوع و تباین فضایی در مسیر پیاده	تشویق و حمایت از حضور پیاده	سرزندگی فضای شهری	
تأمین انواع کاربری‌های ۲۴ ساعته و زمان‌دار در لبه عرصه عمومی جداسازی، اولویت‌بخشی، و شخصیت‌بخشی به مسیر حرکت پیاده در مقابل سواره نورپردازی مناسب فضاهای عمومی در شب تثبیت سکونت وضع موجود در حوزه و تشویق به شکل‌گیری سکونت پایدار در قسمت مسکونی شمالی محدوده شفاف‌سازی جداره برای تقویت ارتباط کاربری‌ها با عرصه‌های عمومی و افزایش نظارت همگانی	تأمین ایمنی و امنیت پیاده به‌ویژه طی ساعات شب	تأمین ایمنی و امنیت پیاده	



سیاست‌ها	اهداف خرد	اهداف کلان	سازمان
حوزه دانشگاه			
تعریف گره‌ها و تقاطع‌های مهم در محدوده حفاظت و ارتقا نقش عناصر سازمان فضایی محدوده استقرار نشانه‌های یادآور خاطرات جمعی برای تقویت حس مکان	تأکید بر عناصر شاخص	ارتقا خوانایی عناصر سازمان فضایی محدوده	فضای ادراکی
تقویت تشخیص محور انقلاب شاخص کردن حوزه‌های عملکردی	ارتقا نقش و جایگاه عناصر هویت‌مندمحدوده	تشخیص سازمان فضایی محدوده	
طراحی عرصه‌های همگانی در مجاورت عناصر شاخص با امکان برگزاری مراسم خاص متناسب با هویت محدوده احیای فعالیت‌ها و پاتوق‌های قدیمی	ایجاد خاطره‌انگیزی	تشخیص سازمان فضایی محدوده	
ارتقا جداره‌های شهری ارتقا کیفیت شخصیت بصری عناصر منظر شهری ایجاد تنوع در سکنس‌های بصری استفاده از درختان و گیاهان برای تعریف کریدورهای بصری	حفظ و ارتقا کیفیت ارتباطات بصری در فضاهای شهری	مطلوبیت بصری	شهری
نوسازی و بهسازی بناهای فرسوده بر اساس هویت معماری محدوده	ارتقا پایداری ابنیه	حفظ و ارتقا تشخیص کالبدی	کالبدی
اتصال فضاهای شهری از طریق فضاهای پیاده و یا مسیرهای سبز به یکدیگر ایجاد واحدهای ریزدانه در طبقه همکف واحدهای درشت‌دانه	افزایش نفوذ پذیری کالبدی		
توده‌گذاری توسعه‌های میان‌افزا با تأکید بر تداوم مورفولوژی سامان‌دهی جداره جنوبی خیابان انقلاب و فعال کردن جداره شمالی آن تعریف محصوریت مناسب برای میدان انقلاب و احیا فضای آن از طریق ایجاد فضاهای چندگانه و تعریف‌شده با کاربری و فعالیت مشخص	سازمان‌دهی توده و فضا با رویکرد زمینه‌گرا		
ایجاد اختلاط عملکردی در حوزه افزایش کیفیت‌های محیطی در عرصه‌های همگانی و تقویت فعالیت‌های پیاده‌مدار تقویت اتصال میان عرصه‌های عمومی ایجاد سکنس‌های فضایی متنوع در امتداد مسیر خیابان‌های شهری تبدیل محورهای انقلاب و ولی‌عصر به محورهای مختلط عملکردی- سطح خرد در لبه عرصه عمومی تزریق کاربری‌های مکمل در میان راسته‌های اختصاصی تجاری موجود نظیر راسته کتاب‌فروشی اتصال حوزه با بافت هم‌جوار با برجسته‌سازی و تقویت محورهای اصلی بافت پیرامونی نظیر خیابان ولی‌عصر، کارگر، حافظ، و نواب ایجاد تنوع و تبیین فضایی در مسیر پیاده	تشویق و حمایت از حضور پیاده	سرزندگی فضای شهری	عرصه عمومی



سیاست‌ها	اهداف خرد	اهداف کلان	سازمان
حوزه دانشگاه			
تأمین انواع کاربری‌های ۲۴ ساعته و زمان‌دار در لبه عرصه عمومی جداسازی و اولویت‌بخشی حرکت پیاده در مقابل سواره نورپردازی مناسب فضاهای عمومی در شب تثبیت سکونت وضع موجود در حوزه و تشویق به شکل‌گیری سکونت پایدار در قسمت مسکونی شمالی محدوده شفاف‌سازی جداره برای تقویت ارتباط کاربری‌ها با عرصه‌های عمومی و افزایش نظارت همگانی	تأمین ایمنی و امنیت پیاده به‌ویژه طی ساعات شب	تأمین ایمنی و امنیت پیاده	۹ عمومی
حوزه کلان غرب			
بازتعریف گره‌ها و تقاطع‌های مهم در محدوده حفاظت و ارتقا نقش عناصر سازمان فضایی محدوده باززنده‌سازی نشانه‌های یاد آور خاطرات جمعی برای تقویت حس مکان مانند برج آزادی	تأکید بر میدان آزادی به عنوان عنصر اصلی	ارتقا خوانایی عناصر سازمان فضایی در محدوده	۱۰ فضایی-اداری
تقویت تشخیص حوزه، با ارتقا وضعیت کاربری‌ها و ایجاد اختلاط عملکردی اتصال حوزه از طریق عرصه پیاده و مسیرهای سبز به سایر حوزه‌های واجد ارزش و هویت‌مند پیرامونی مانند اراضی باغات طرشت	ارتقا نقش و جایگاه عناصر هویت‌مندمحدوده	تشخیص سازمان فضایی محدوده	
باززنده‌سازی عرصه همگانی میدان آزادی در ارتباط با عرصه‌های پیاده محور تعریف عرصه مدنی ورودی خیابان استاد معین تعریف عرصه مدنی سردر دانشگاه صنعتی شریف	ایجاد خاطره‌انگیزی		
حفاظت دید به منظر واجد ارزش میدان آزادی از کریدورهای اصلی حرکت ارتقا کیفیت شخصیت بصری ابنیه شاخص در طول مسیر به‌ویژه در تقاطع‌های کلیدی مانند استاد معین ایجاد تنوع در سکانس‌های بصری به‌وسیله ایجاد تفاوت در محصوریت و گشایش فضا شخصیت‌بخشی به خیابان (پرداخت مبلمان شهری نظیر ایستگاه‌های بی‌آرتی) استفاده از درختان و گیاهان برای تعریف کریدورهای بصری	حفظ و ارتقا کیفیت ارتباطات بصری در فضاهای شهری به‌ویژه گره‌های مهم محدوده	مطلوبیت بصری	۱۱ بصری
بازسازی بناهای فرسوده بر اساس هویت معماری محدوده توسعه درون‌زا با رعایت آیین‌نامه‌های سازه‌ای ساختمان	ارتقا پایداری ابنیه	حفظ و ارتقا تشخیص کالبدی	۱۲ کالبدی
اتصال فضاهای شهری از طریق فضاهای پیاده و مسیرهای سبز به یکدیگر ارتباط‌بخشی از فضاهای باز وسیع مربوط به ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی به عرصه‌های عمومی و باز تزیین واحدهای ریزدانه به طبقه همکف واحدهای درشت‌دانه	افزایش نفوذ پذیری کالبدی		
توده گذاری توسعه‌های میان‌افزا با تأکید بر تداوم مورفولوژی و شخصیت جداره موجود تعریف محصوریت مناسب برای تقاطع‌ها به‌ویژه تقاطع استاد معین سامان‌دهی کالبدی جداره خیابان	سامان‌دهی توده و فضا با رویکرد زمینه‌گرا		



سیاست‌ها	اهداف خرد	اهداف کلان	سازمان
حوزه کلان غرب			
تأمین انواع کاربری‌های ۲۴ ساعته و زمان‌دار در لبه عرصه عمومی جداسازی، اولویت و شخصیت‌بخشی به مسیر حرکت پیاده در مقابل سواره ایجاد مسیرهای طراحی‌شده ویژه گذر عابر پیاده نورپردازی مناسب فضاهای عمومی در شب ایجاد نظارت همگانی با تزریق کاربری‌های مناسب و جداره‌های شفاف فعال تثبیت سکونت وضع موجود در حوزه و تشویق به شکل‌گیری سکونت پایدار شفاف‌سازی جداره برای تقویت ارتباط کاربری‌ها با عرصه‌های عمومی و افزایش نظارت همگانی	تأمین ایمنی و امنیت پیاده به‌ویژه طی ساعات شب	تأمین ایمنی و امنیت پیاده	۹ ۳ ۳ ۹
ایجاد اختلاط عملکردی در حوزه با تزریق کاربری فرهنگی، تفریحی افزایش کیفیت محیطی در عرصه‌های همگانی و تقویت فعالیت‌های پیاده‌مدار تقویت اتصال میان عرصه‌های عمومی ایجاد سکانس‌های فضایی متنوع در امتداد مسیر خیابان ایجاد عرصه عمومی اکولوژیک با ایجاد سبزه‌راه‌ها در امتداد محور آزادی تأمین طیف متنوعی از انواع کاربری‌های تجاری و خدماتی سطح خرد در لبه عرصه عمومی و در تراز خیابان ایجاد تنوع و تباین فضایی در مسیر پیاده با پوشش گیاهی و مبلمان شهری بهره‌گیری از محوطه‌های کاربری‌های بزرگ‌مقیاس مانند سازمان حج و زیارت برای توسعه عرصه عمومی و فضای سبز	تشویق و حمایت از حضور پیاده	سرزندگی فضای شهری	

ارائه راهکار و الگوی توسعه در حوزه‌ها

با توجه به اهداف و سیاست‌های مطرح‌شده، در ادامه کلیدی‌ترین الگوهای راهبردی نظم فضایی مربوطه در ابعاد مختلف طراحی شهری و سیاست‌گذاری چارچوب طراحی شهری بر اساس انطباق سیاست‌های طراحی با فرصت‌های مکانی بر طبق راهکارها و توصیه‌های مربوط به پایداری عرصه‌های مختلف ارائه‌شده است.

در ادامه، چارچوب راهکارها و الگوی توسعه در حوزه‌های کلان به تفکیک هر حوزه ارائه‌شده است.

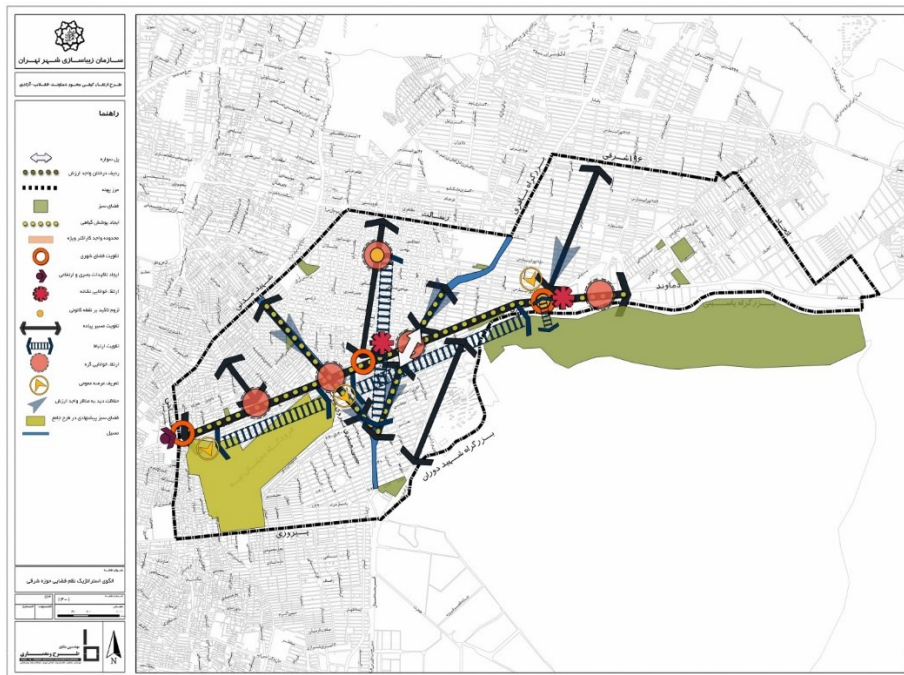


چارچوب راهکار و الگوی توسعه در حوزه کلان شرقی

سازمان	کلیدی ترین الگوهای راهبردی نظم فضایی	سیاست ها و فرصت های مکانی
فرماندگی	ارتقا خوانایی نشانه های کلیدی (برج دماوند سهره تهرانپارس و برج واقع در محدوده تقاطع نارمک) ارتقا خوانایی گره ها (تقاطع بزرگراه باقری، تقاطع آیت، تقاطع مسیل باختر، و تقاطع سبلان) لزوم تأکید بر نقطه کانونی سهره تهرانپارس و میدان ۷ حوض تقویت ارتباط مابین نقاط و راسته های کلیدی خیابان دماوند، راسته ها، و محلات کلیدی و هویت مند پیرامون محور (سرخه حصار، مسیل های جاجرد و باختر، اراضی دوشان تپه، و میدان هفت حوض نارمک)	افزایش خوانایی نشانه های راهبردی برج دماوند و برج تقاطع آیت افزایش خوانایی خیابان دماوند در تمام طول مسیر آن از زیر پهنه حکیمیه تا بزرگراه امام علی (ع) تأکید بر نقاط کانونی شامل سهره تهرانپارس و میدان هفت حوض نارمک
کالبدی	تقویت پوشش گیاهی در خیابان دماوند، به ویژه در محدوده مسیل های جاجرد و باختر تقویت ساخت کالبدی محور به ویژه در تقاطع های مهم تقویت حس محصوریت با کنترل تراکم و بهره گیری از سیاست های مشوق توسعه درونزا	سامان دهی محصوریت کالبدی تقاطع های کلیدی شامل سهره تهرانپارس، مسیل باختر و جاجرد بازسازی نمای ابنیه شامل جداره ضلع شمالی و جنوبی خیابان دماوند در کل محدوده
فرم	ایجاد تأکیدات بصری و ارتفاعی در محدوده های ورودی به اراضی دوشان تپه حفاظت دید به مناظر واجد ارزش مانند دید به مسیل های جاجرد و باختر و منظر اکولوژیک سرخه حصار از کانون های دریافت منظر مهم مانند سهره تهرانپارس	ایجاد تأکیدات بصری و ارتفاعی در تقاطع فتاحی (محدوده ورودی دوشان تپه) حفاظت دید به مناظر واجد ارزش مسیل های جاجرد و باختر و منظر اکولوژیک سرخه حصار از عرصه های عمومی شاخص خیابان دماوند مانند سهره تهرانپارس
فرم عمومی	تقویت فضای شهری در سهره تهرانپارس، تقاطع آیت، و تقاطع فتاحی تقویت مسیر پیاده در طول خیابان دماوند، پیرامون مسیل های جاجرد و باختر، خیابان آیت، خیابان تهرانپارس، و خیابان سبلان توسعه عرصه عمومی در سهره تهرانپارس با استفاده از اراضی آزاد شده ترمینال شرق	تقویت فضای شهری در سهره تهرانپارس، تقاطع آیت، و تقاطع فتاحی تقویت مسیر پیاده در طول خیابان دماوند در اتصال با مسیل های جاجرد و باختر، خیابان آیت، خیابان تهرانپارس، و خیابان سبلان برای شکل دهی شبکه به هم پیوسته عرصه عمومی ایجاد سبزه راه در امتداد مسیل جاجرد و باختر و در اتصال با خیابان دماوند عبور ویژه عابر پیاده در تقاطع فتاحی، تقاطع مسیل های جاجرد و باختر، و سهره تهرانپارس



الگوی راهبردی نظم فضایی در حوزه کلان شرقی



سیاست گذاری در حوزه کلان شرقی



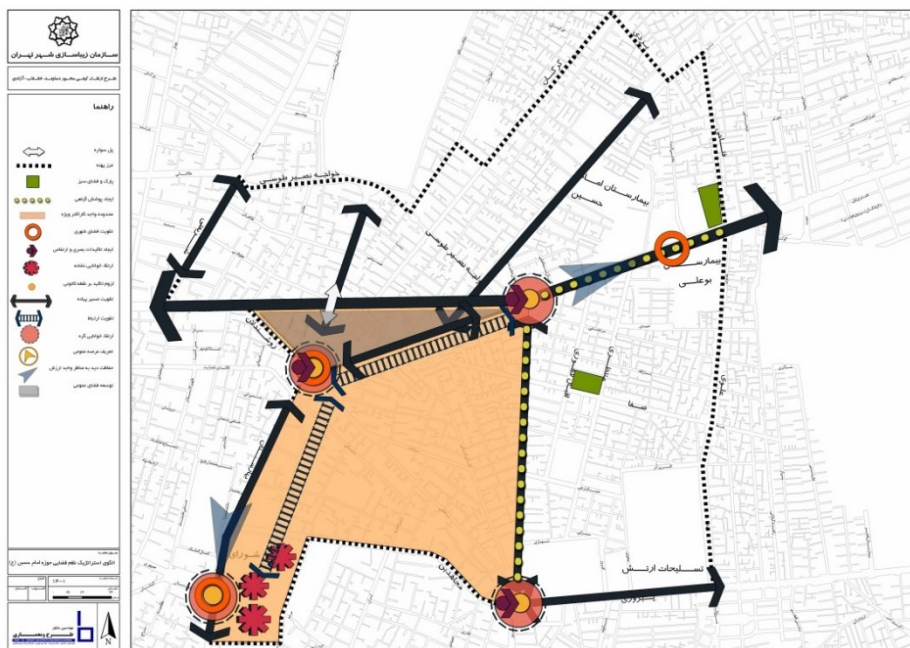


چارچوب راهکار و الگوی توسعه در حوزه امام حسین (ع)

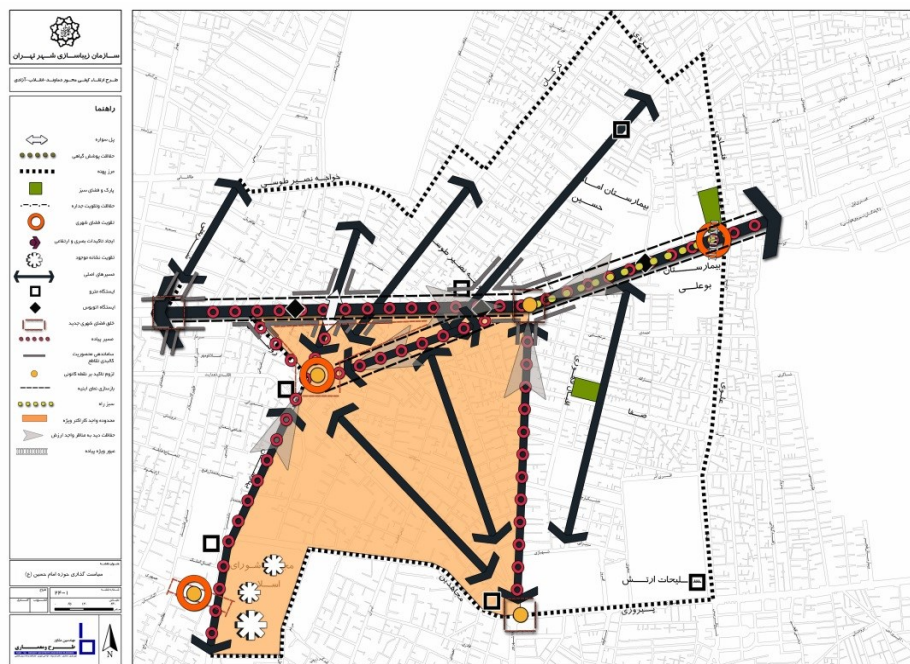
سازمان	کلیدی ترین الگوهای راهبردی نظم فضایی	سیاست ها و فرصت های مکانی
فرماندهی کلان منطقه	افزایش خوانایی نشانه های کلیدی موجود (شامل مسجد و مدرسه سپهسالار، مجلس سابق، و مجلس شورای اسلامی) افزایش خوانایی گره ها شامل میدان امام حسین (ع)، دروازه شمیران، میدان شهدا، و میدان بهارستان لزوم تأکید بر نقاط کانونی (میدان امام حسین (ع)، دروازه شمیران، میدان بهارستان، و میدان شهدا) تقویت ارتباط مابین میدان امام حسین (ع)، دروازه شمیران، و در ادامه میدان بهارستان تأکید بر تثبیت و تقویت هویت محدوده واجد کاراکتر ویژه، پیرامون محور از خیابان انقلاب تا خیابان جمهوری (میدان بهارستان)، به عنوان بخشی از پهنه تاریخی شهر تهران	افزایش خوانایی نشانه های راهبردی مسجد و مدرسه سپهسالار، مجلس سابق، و مجلس شورای اسلامی افزایش خوانایی مسیرهای اصلی شامل خیابان انقلاب، دماوند، شریعتی، سپاه، بهارستان، نامجو، ناطقی، امانی، ۱۷ شهریور، مدنی، و منتظری تأکید بر نقاط کانونی شامل میدان امام حسین (ع)، بهارستان، و دروازه شمیران تأکید بر محدوده واجد کاراکتر ویژه شامل حدفاصل خیابان انقلاب تا مجاهدین، از سمت شرق تا ۱۷ شهریور، و از سمت غرب تا خیابان بهارستان به عنوان بخشی از پهنه تاریخی شهر تهران
کالبدی	افزایش نقش پوشش گیاهی در ویژگی های کالبدی خیابان انقلاب و دماوند تقویت اتصال میان معابر اصلی با توسعه شبکه پیاده بهره گیری از فرصت های توسعه درونزا جهت افزایش سهم فضای باز و سبز در حوزه	سامان دهی محصوریت کالبدی تقاطع ها در تقاطع های شریعتی، سپاه، نامجو، مدنی، و میدان امام حسین (ع) بازسازی نمای ابنیه جداره ضلع شمالی و جنوبی خیابان انقلاب و دماوند در کل محدوده
فرماندهی	ایجاد تأکیدات بصری و ارتفاعی در میدان امام حسین (ع)، میدان شهدا، و دروازه شمیران حفاظت دید به مناظر واجد ارزش در محدوده امام حسین (ع)، دروازه شمیران، و میدان بهارستان	ایجاد تأکیدات بصری و ارتفاعی در دروازه شمیران، میدان امام حسین (ع) و میدان شهدا حفاظت دید به مناظر واجد ارزش شامل دید به دروازه شمیران و میدان امام حسین (ع)
فرماندهی	تقویت فضای شهری در دروازه شمیران، میدان بهارستان، و خیابان دماوند تقویت مسیر پیاده در طول خیابان های انقلاب، دماوند، مدنی، سپاه، شریعتی، مازندران، شهدا، پیروزی، و بهارستان	تقویت فضای شهری دروازه شمیران، میدان بهارستان، و خیابان دماوند خلق فضای شهری جدید در محدوده میدان امام حسین (ع) و میدان شهدا تقویت مسیر پیاده در طول خیابان های انقلاب، دماوند، شریعتی، سپاه، بهارستان، ۱۷ شهریور، و مدنی ایجاد سبزه راه در طول خیابان دماوند تا میدان امام حسین (ع) در اتصال با مسیر پیاده خیابان ۱۷ شهریور تعریف فضای ویژه تردد عابر پیاده در تقاطع های اصلی حوزه



الگوی راهبردی نظم فضایی در حوزه امام حسین (ع)



سیاست‌گذاری در حوزه امام حسین (ع)



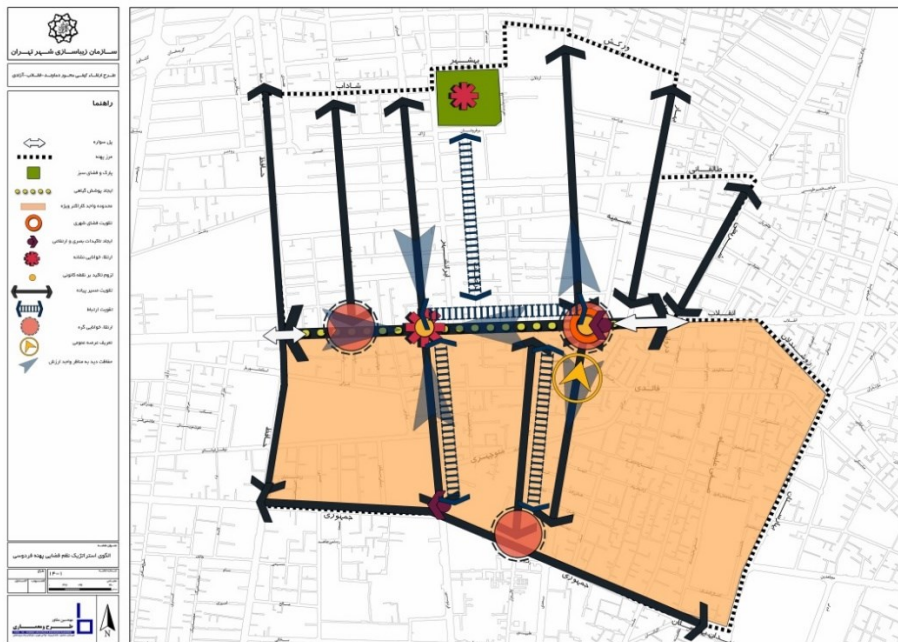


چارچوب راهکار و الگوی توسعه در حوزه فردوسی

سازمان	کلیدی ترین الگوهای راهبردی نظم فضایی	سیاست ها و فرصت های مکانی
فرماندگی	افزایش خوانایی نشانه ها شامل میدان فردوسی و خانه هنرمندان ایران افزایش خوانایی گره ها شامل تقاطع ویلا و دروازه دولت و تقاطع لاله زار با جمهوری لزم تأکید بر نقاط کانونی میدان فردوسی و دروازه دولت تقویت ارتباط مابین دروازه دولت و میدان فردوسی و خیابان جمهوری، خیابان انقلاب و باغ هنرمندان و دروازه دولت با تقاطع لاله زار در خیابان جمهوری تأکید بر تثبیت و تقویت هویت محدوده واجد کاراکتر ویژه، پیرامون محور از خیابان انقلاب تا خیابان جمهوری به عنوان بخشی از پهنه تاریخی شهر تهران	افزایش خوانایی نشانه های راهبردی میدان فردوسی و خانه هنرمندان ایران افزایش خوانایی مسیرهای اصلی شامل خیابان انقلاب، حافظ، ویلا، سپهبد قرنی، فردوسی، مفتاح، سعدی، بهار، طالقانی، غزالی، و صفی علیشاه تأکید بر نقاط کانونی شامل میدان فردوسی و دروازه دولت تأکید بر محدوده واجد کارکتر ویژه شامل حدفاصل خیابان انقلاب تا جمهوری به عنوان بخشی از پهنه تاریخی شهری تهران
کالبدی	ایجاد پوشش گیاهی در خیابان انقلاب	سامان دهی محصوریت کالبدی تقاطع ها در تقاطع های حافظ، فردوسی، دروازه دولت، و شریعتی بازسازی نمای ابنیه جداره ضلع شمالی و جنوبی خیابان انقلاب از خیابان شریعتی تا روشن دلان حوزه حفاظتی شامل محدوده ما بین خیابان حافظ و شریعتی در خیابان انقلاب
فرهنگی	ایجاد تأکیدات بصری و ارتفاعی در دروازه دولت حفاظت دید به مناظر واجد ارزش در میدان فردوسی	ایجاد تأکیدات بصری و ارتفاعی در دروازه دولت حفاظت دید به مناظر واجد ارزش به میدان فردوسی
فرهنگی	تقویت فضای شهری در دروازه دولت تقویت مسیر پیاده در طول خیابان های انقلاب، حافظ، ویلا، سپهبد قرنی، لاله زار، مفتاح، سعدی، بهار، و شریعتی تعریف عرصه عمومی در دروازه دولت	ایجاد سبزه راه در طول خیابان انقلاب در کل محدوده عبور عابر پیاده در دروازه دولت و میدان فردوسی



الگوی راهبردی نظم فضایی در حوزه فردوسی



سیاست‌گذاری در حوزه فردوسی

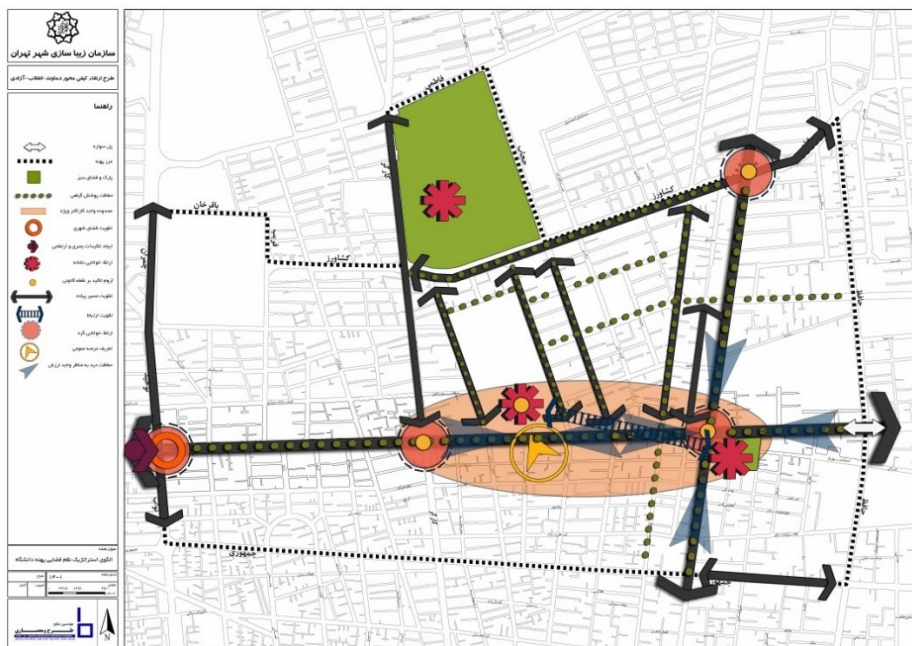




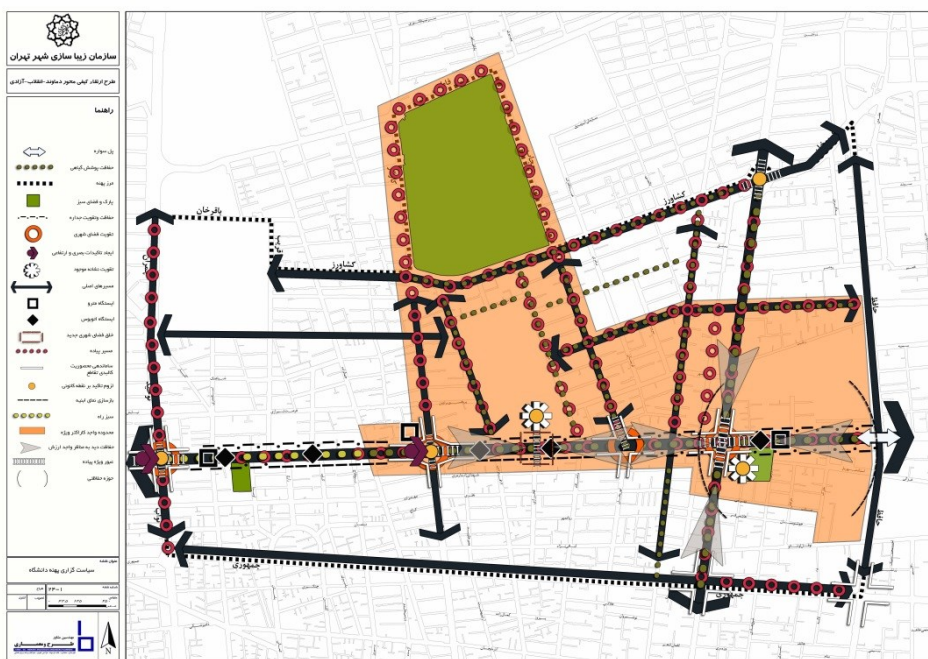
چارچوب راهکار و الگوی توسعه در حوزه دانشگاه

سازمان	کلیدی ترین الگوهای راهبردی نظم فضایی	سیاست ها و فرصت های مکانی
فرماندگی محلی	افزایش خوانایی نشانه های کلیدی موجود شامل پارک لاله، چهارراه ولی عصر، و دانشگاه تهران افزایش خوانایی گرہ ها شامل میدان انقلاب، میدان ولی عصر، چهارراه ولی عصر، و تقاطع انقلاب و نواب لزوم تأکید بر نقاط کانونی (میدان انقلاب، میدان ولی عصر، چهارراه ولی عصر، و دانشگاه تهران) تقویت ارتباط مابین چهارراه ولی عصر و دانشگاه تهران تأکید بر تثبیت و تقویت هویت محدوده واجد کاراکتر ویژه، پیرامون محور از میدان انقلاب تا چهارراه ولی عصر	افزایش خوانایی نشانه های راهبردی دانشگاه تهران و چهارراه ولی عصر افزایش خوانایی مسیرهای اصلی شامل خیابان انقلاب، ولی عصر، طالقانی، کارگر، ۱۶ آذر، وصال، و فلسطین تأکید بر نقاط کانونی شامل میدان انقلاب، میدان ولی عصر، چهارراه ولی عصر، و دانشگاه تهران تأکید بر محدوده واجد کاراکتر ویژه شامل پیرامون محور از خیابان شهدای ژاندارمری در جنوب، تا فاطمی در شمال، حجاب و وصال در شرق، کارگر در غرب، و محدوده وصال تا حافظ در شرق و غرب محور
استانی	افزایش نقش پوشش گیاهی در ویژگی های کالبدی خیابان انقلاب، بلوار کشاورز، ولی عصر، فلسطین، ایالتیا، طالقانی، و پورسینا تقویت اتصال میان معابر اصلی به وسیله توسعه شبکه پیاده بهره گیری از فرصت های توسعه درون زا جهت افزایش سهم فضای باز و سبز در حوزه	سامان دهی محصوریت کالبدی تقاطع ها در تقاطع های ولی عصر و انقلاب، فلسطین و انقلاب، و نواب و انقلاب بازسازی نمای ابنیه جداره ضلع شمالی و جنوبی خیابان انقلاب در کل محدوده
کشوری	ایجاد تأکیدات بصری و ارتفاعی در تقاطع خیابان انقلاب و خیابان نواب حفاظت دید به مناظر واجد ارزش در چهارراه ولی عصر	ایجاد تأکیدات بصری و ارتفاعی در میدان انقلاب و تقاطع نواب و خیابان انقلاب حفاظت دید به مناظر واجد ارزش شامل در چهارراه ولی عصر
بین المللی	تقویت فضای شهری در تقاطع خیابان های انقلاب و نواب تقویت مسیر پیاده در طول خیابان های انقلاب، نواب، کارگر، ولی عصر، ۱۶ آذر، وصال شیرازی، قدس، فلسطین، و برادران مظفر تعریف عرصه عمومی در سردر دانشگاه تهران	تقویت فضای شهری در تقاطع خیابان های انقلاب و نواب و خیابان های انقلاب با فلسطین، میدان انقلاب و چهارراه ولی عصر خلق فضای شهری جدید در محدوده سردر دانشگاه تهران تقویت مسیر پیاده در طول خیابان های انقلاب، نواب، کارگر، ولی عصر، ۱۶ آذر، وصال شیرازی، قدس، فلسطین، برادران مظفر، و طالقانی تعریف فضای ویژه تردد عابر پیاده در تقاطع های ولی عصر و انقلاب، فلسطین و انقلاب، نواب و انقلاب و دانشگاه تهران

الگوی راهبردی نظم فضایی در حوزه دانشگاه



سیاست‌گذاری در حوزه دانشگاه





چارچوب راهکار و الگوی توسعه در حوزه کلان غرب

سازمان	کلیدی ترین الگوهای راهبردی نظم فضایی	سیاست ها و فرصت های مکانی
شهرداری	ارتقا خوانایی نشانه ها شامل میدان آزادی و دانشگاه صنعتی شریف ارتقا خوانایی گره ها شامل تقاطع نواب و تقاطع استاد معین لزوم تأکید بر نقطه کانونی میدان آزادی تقویت ارتباط مابین گره ها و تقاطع های اصلی در طول خیابان آزادی محدوده واجد کارکتر ویژه پیرامون میدان آزادی	ارتقا خوانایی نشانه ها شامل میدان آزادی و دانشگاه صنعتی شریف ارتقا خوانایی گره ها شامل تقاطع نواب و تقاطع استاد معین لزوم تأکید بر نقطه کانونی میدان آزادی تقویت ارتباط مابین گره ها و تقاطع های اصلی در طول خیابان آزادی محدوده واجد کارکتر ویژه پیرامون میدان آزادی
توسعه	توسعه پوشش گیاهی اصلاح کالبدی معبر	توسعه پوشش گیاهی در خیابان آزادی اصلاح کالبدی معبر در عرض و ارتفاع
حفاظت	ایجاد تأکیدات بصری در تقاطع های کلیدی و دانشگاه صنعتی شریف حفاظت دید به مناظر واجد ارزش میدان آزادی	ایجاد تأکیدات بصری در تقاطع های کلیدی و دانشگاه صنعتی شریف حفاظت دید به مناظر واجد ارزش میدان آزادی دید از میدان به مناظر پیرامونی
تعمیر	تقویت فضای شهری در میدان آزادی تقویت مسیر پیاده در طول خیابان آزادی تعریف عرصه های عمومی در تقاطع های کلیدی برقراری اتصال میان عرصه های عمومی شهرک های مسکونی و محور	تقویت فضای شهری در میدان آزادی تقویت مسیر پیاده در طول خیابان آزادی تعریف عرصه های عمومی در تقاطع های کلیدی برقراری اتصال میان عرصه های عمومی شهرک های مسکونی و محور

الگوی راهبردی نظم فضایی در حوزه کلان غربی



سیاست‌گذاری در حوزه کلان غربی





اسناد هدایت و کنترل طراحی در حوزه‌ها

از چارچوب طراحی شهری و سیاست‌های تدوین‌شده برای تنظیم اقدامات و هماهنگ‌سازی اسناد تفصیلی‌تر شامل مجموعه دستور کار طراحی در حوزه‌ها بهره گرفته‌شده که در این بخش در هر حوزه و به تفکیک زیر حوزه‌ها، چارچوب راهنمای طراحی در قالب عرصه‌های عمومی، نظام کالبدی، نظام فضایی، و نظام بصری ارائه‌شده است.

راهنمای طراحی حوزه کلان شرق

زیر حوزه سهرای تهرانپارس تا خیابان آیت	
نقش: حوزه ورودی شرقی شهر تهران	
عرصه عمومی	تعریض پیاده‌رو در محدوده سهرای تهرانپارس و امتداد آن در خیابان آیت
	تسهیل حرکت پیاده در طرفین تقاطع سهرای تهرانپارس
	نورپردازی مناسب فضای سهرای تهرانپارس
	ایجاد عرصه عمومی در سهرای تهرانپارس
	افزایش اختلاط کاربری در سهرای تهرانپارس و پیرامون محور
	کاهش سرعت سواره در سهرای تهرانپارس و تقاطع آیت
	اتصال عرصه عمومی سهرای تهرانپارس به فلکه اول تهرانپارس
	تغییر کاربری‌های صنعتی به کاربری‌های پشتیبان پیاده و عرصه عمومی
	ایجاد مجتمع‌های خرید
کالبدی	حذف پل عابر پیاده از سهرای تهرانپارس
	ایجاد آسایش اقلیمی در عرصه‌های عمومی و پیاده‌راه‌ها جهت حضور پیاده
	طراحی مناسب ایستگاه مبدأ بی‌آرتی با رویکرد شفافیت حداکثری
	حفاظت از جداره‌های هتل شهر
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و ...
	توسعه عرصه عمومی سهرای تهرانپارس با بهره‌گیری از اراضی آزادشده ترمینال شرق
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری برای تبلیغات شهری
	افزایش محصوریت سهرای تهرانپارس
فضایی	شخصیت‌بخشی به سهرای تهرانپارس به‌عنوان حوزه ورودی شرقی تهران
	شخصیت‌بخشی به محل گذر ویژه عابر پیاده در محدوده سهرای تهرانپارس و تقاطع آیت
	شخصیت‌بخشی به ابنیه موجود در سهرای تهرانپارس مانند اتوبوسرانی، آتش‌نشانی، و ابنیه قابل رؤیت از سهرای
بصری	حفظ و ارتقا دید به اراضی سرخه حصار از سهرای تهرانپارس
	حفاظت از دیدهای درونی واجد اهمیت مانند دید به برج دماوند
	تقویت کریدور دید به ارتفاعات شمالی تهران
زیر حوزه خیابان آیت تا مسیل باختر	
نقش: عرصه عمومی فعال اکولوژیک	
عرصه	تعریض پیاده‌رو در پیرامون محور و مسیل‌های جاجرو و باختر
	تجهیز پیاده‌رو به مبلمان شهری مناسب



عمومی	ایجاد عرصه عمومی اکولوژیک، پیرامون مسیل‌های جابرود و باختر، و مناسب‌سازی آن برای حرکت پیاده
	نورپردازی مناسب عرصه عمومی پیرامون مسیل‌های جابرود و باختر
	ایجاد پیوستگی میان پیاده‌روهای پیرامون محور، پیاده‌راه‌های مسیل جابرود و باختر، و اتصال بدنه مجاور دو مسیل توسط مسیرهای پیاده به هم
کالبدی	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و ...
	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف آن‌ها از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری برای تبلیغات شهری
	حذف پل‌های عابر پیاده از طرفین خیابان
	ارتقا وضعیت پوشش گیاهی جداره‌ای
	بهره‌گیری از معماری واجد ارزش جهت بازسازی و توسعه‌های کالبدی جداره‌های شمالی و جنوبی
	تغییر جداره‌های فاقد ارزش پیرامون محور به کالبد واجد ارزش
	شخصیت بخشی به مسیل‌های جابرود و باختر
فضایی	شخصیت بخشی به مسیل‌های جابرود و باختر
زیر حوزه دوشان تپه (بزرگراه امام علی (ع) تا مسیل باختر)	
نقش: عرصه عمومی فعال دوشان تپه	
عرصه عمومی	افزایش نظارت همگانی از طریق ایجاد نفوذپذیری بصری در روز و نورپردازی مناسب معابر متصل به دوشان تپه در شب
	تعریض پیاده‌رو و تجهیز آن به مبلمان شهری مناسب
	شکل‌دهی پیاده راه مجهز در محدوده شمالی و جنوبی خیابان در ارتباط با معابر مجاور دوشان تپه
	اختصاص طبقات فوقانی ابنیه مجاور دوشان تپه به کاربری‌های عمومی
	ایجاد مسیر ویژه عبور پیاده از عرض محور در ارتباط با ضلع شمالی دوشان تپه
	ایجاد بر فعال توأم با اختلاط کاربری پیرامون محور در محدوده دوشان تپه
کالبدی	انسجام کالبدی
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و ...
	افزایش محصوریت فضایی
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری برای نگهداری تابلوهای راهنمایی-رانندگی واقع در عرض خیابان
	تغییر جداره‌های فاقد ارزش میدان به کالبد واجد ارزش
	ارتقا وضعیت پوشش گیاهی جداره‌ای
	بهره‌گیری از معماری واجد ارزش جهت بازسازی و توسعه‌های کالبدی جداره‌های شمالی و جنوبی
	حذف پل‌های عابر پیاده از طرفین خیابان
فضایی	شخصیت بخشی به محدوده دوشان تپه به عنوان عرصه عمومی فعال
	مرمت ابنیه و شخصیت بخشی به نبش تقاطع‌ها
بصری	سامان‌دهی نمای ابنیه در جهت افزایش تشخیص بصری
	تقویت دید به دوشان تپه
	ایجاد نفوذپذیری بصری به دوشان تپه جهت افزایش خوانایی معابر منتهی به آن.



راهنمای طراحی حوزه امام حسین (ع)

زیر حوزه بزرگراه امام علی (ع) تا خیابان مدنی	
نقش: عرصه عمومی سلامت و پشتیبانی کاربری های تجاری-خدماتی	
عرصه عمومی	تعریض پیاده‌رو در محدوده میدان امام حسین (ع) تا مجموعه‌های درمانی
	اتصال پیاده راه شمالی و جنوبی محدوده درمانی در مجاورت بزرگراه امام علی (ع)
	نورپردازی مناسب فضای میدان امام حسین (ع)
	اختصاص فضای دور میدان امام حسین (ع) به کاربری‌های جاذب پیاده (گالری، نمایشگاه‌های موقت...)
کالبدی	افزایش اختلاط کاربری در خیابان مدنی
	شخصیت بخشی به بنای ایستگاه مترو
	ایجاد آسایش اقلیمی در محدوده میانی میدان امام حسین (ع) جهت حضور پیاده
	طراحی مناسب ایستگاه بی‌آرتی با رویکرد شفافیت حداکثری
	حفاظت از جداره‌های موجود در ضلع شمال شرقی میدان امام حسین (ع)
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و...
	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-رانندگی واقع در عرض خیابان
فضایی	حفاظت از درختان موجود
	شخصیت بخشی به ورودی خیابان ۱۷ شهریور و خیابان مازندران
	ایجاد نشانه در محدوده ورودی خیابان شهرستانی
زیر حوزه مدنی تا شریعتی	
نقش: عرصه عمومی فعال تجاری-تفریحی	
عرصه عمومی	اختصاص فضای مجاور پل در ضلع جنوبی محور به پیاده راه با عرض مناسب
	تجهیز پیاده‌رو به مبلمان شهری مناسب
	شکل‌دهی پیاده‌راه مجهز در محدوده شمالی و جنوبی خیابان در محدوده پل سواره
	اختصاص بخشی از فضای تحتانی پل سواره به کاربری‌های جاذب پیاده
	تعریض پیاده‌رو ضلع شرقی خیابان شریعتی و تجهیز آن به مبلمان شهری مناسب برای مکث
کالبدی	ایجاد پیوستگی میان پیاده‌رو ضلع جنوبی با ضلع شمالی در محدوده خیابان شریعتی
	حفاظت از جداره‌های موجود در ضلع جنوبی در محدوده خیابان شریعتی جهت جلوگیری از هرگونه بازسازی بدون رعایت عناصر غالب نمای جداره
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و...
کالبدی	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-رانندگی واقع در عرض خیابان
	حفاظت از درختان موجود



	ارتقا وضعیت پوشش گیاهی جداره‌ای
	بهره‌گیری از معماری واجد ارزش جهت بازسازی و توسعه‌های کالبدی جداره‌های شمالی و جنوبی
	تغییر جداره‌های فاقد ارزش میدان به کالبد واجد ارزش
	حذف پل‌های عابر پیاده از طرفین خیابان
فضایی	ایجاد نشانه در محدوده خیابان شریعتی
	مرمت ابنیه و شخصیت بخشی به نیش تقاطع شریعتی

راهنمای طراحی حوزه فردوسی

زیر حوزه شریعتی تا سعدی	
نقش: عرصه عمومی فعال و پشتیبانی کاربری‌های تجاری-خدماتی	
عرصه عمومی	تعریض پیاده‌رو در محدوده ایستگاه مترو
	ایجاد ایستگاه تاکسی در محدوده مجاور پل با استفاده از فضای تحتانی پل
	نورپردازی مناسب فضای زیر پل
	اختصاص فضای زیر پل به کاربری‌های جذاب پیاده مانند گالری‌ها، نمایشگاه‌های موقت و...
	افزایش اختلاط کاربری جداره مجاور پل
کالبدی	شخصیت‌بخشی به بنای ایستگاه مترو
	زیباسازی جداره جانبی پل جهت ایجاد کیفیات و مقیاس انسانی در فضای پیاده مجاور آن
	طراحی مناسب ایستگاه بی‌آرتی با رویکرد شفافیت حداکثری
	حفاظت از جداره‌های موجود و جلوگیری از هرگونه بازسازی بدون رعایت عناصر غالب نمای جداره
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و...
	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-رانندگی واقع در عرض خیابان
	حفاظت از درختان موجود
فضایی	شخصیت‌بخشی به محدوده مجاور پل جهت ارتقا خوانایی
	ایجاد نشانه در فضای مجاور پل جهت ارتباط بصری و فضایی با محدوده‌های مجاور
بصری	مرمت جداره ابنیه مجاور پل
	ایجاد نظم بصری جدید با تغییر تناسبات و ویژگی‌های دانه‌بندی سطح میانی نمای خیابان
زیر حوزه سعدی تا ویلا	
نقش: عرصه گردشگری تاریخی دروازه دولت	
عرصه عمومی	اختصاص فضای مجاور خیابان در جنوب محور به پیاده‌راه با عرض مناسب (جایگزین میوه و تره‌بار)
	تجهیز پیاده‌رو به مبلمان شهری مناسب
	شکل‌دهی پیاده‌راه مجهز در محدوده شمالی و جنوبی خیابان حدفاصل خیابان خاقانی تا خیابان لاله‌زار
	اختصاص بخشی از فضای رویه زیرگذر به عرصه عمومی
	تعریض پیاده‌رو ضلع شمالی و جنوبی میدان با توجه به ایستگاه مترو و تجهیز آن به مبلمان شهری



	مناسب جهت مکث
	ایجاد پیوستگی میان پیاده‌رو ضلع جنوبی با ضلع شمالی در محدوده دروازه دولت و محدوده لاله‌زار
	اختصاص فعالیت‌های پذیرایی و اوقات فراغت در ضلع جنوبی و شمالی میدان دولت
	حفاظت از جداره‌های موجود و جلوگیری از هرگونه بازسازی بدون رعایت عناصر غالب نمای جداره
کالبدی	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و...
	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-راندگی واقع در عرض خیابان
	حفاظت از درختان موجود
	ارتقا وضعیت پوشش گیاهی جداره‌ای
	بهره‌گیری از معماری واجد ارزش جهت بازسازی و توسعه‌های کالبدی جداره‌های شمالی و جنوبی
	طراحی مناسب ایستگاه بی‌آرتی با رویکرد شفافیت حداکثری
فضایی	جداره‌سازی برج شاهنامه در محدوده میدان فردوسی جهت برجسته‌سازی خط آسمان غالب جداره
	ایجاد نشانه در محدوده دروازه دولت
	مرمت ابنیه و شخصیت‌بخشی به نیش تقاطع‌های خاقانی، سعدی، و لاله‌زار با محور
بصری	ایجاد فضای مکث در محدوده واجد دید به بانک صادرات و مصلی در ضلع شمالی دروازه دولت
زیر حوزه ویلا تا حافظ	
نقش: ورود به حوزه تاریخی و اداری دانش بنیان	
عرصه عمومی	تجهیز پیاده‌رو به مبلمان شهری مناسب
	بهره‌گیری از فضای روی باغچه و دور درختان جهت تعریض پیاده‌رو و ایجاد فضاهای مکث پیاده
	افزایش عرض پیاده‌رو در تقاطع حافظ در سمت جنوب شرقی با توجه به محوطه وسیع مترو
	تغییر مصالح کف سواره‌رو در محدوده پل سواره جهت کاهش سرعت
	ایجاد فضاهای پذیرایی مدرن با شخصیت‌بخشی ویژه در بخش تحتانی پل سواره
	شخصیت‌بخشی به محدوده‌های مشخص شده جهت تردد پیاده از عرض محور در تقاطع حافظ
کالبدی	تأکید روی ابنیه واقع در نیش تقاطع کالج جهت حفظ الگو و شخصیت جداره موجود
	حفاظت از جداره‌های موجود و جلوگیری از هرگونه بازسازی بدون رعایت عناصر غالب نمای جداره
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و...
	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-راندگی واقع در عرض خیابان
	حفاظت از درختان موجود
فضایی	شخصیت‌بخشی به فضای زیرپل سواره به وسیله نورپردازی و تعبیه فعالیت‌های جاذب جمعیت
بصری	طراحی نرده‌های واجد شخصیت بصری در سرتاسر خیابان
	ایجاد تفاوت در تناسبات بصری بازشوها در طبقات فوقانی نسبت به طبقات تحتانی در محدوده پل سواره
	نورپردازی ویژه محدوده تحتانی ابنیه محدوده تقاطع حافظ
	استفاده از نمای جانبی ابنیه در محدوده‌های فوقانی (خط آسمان) جهت ارتقا کیفی منظر محیط



زیر حوزه ویلا تا حافظ	
نقش: ورود به حوزه تاریخی و اداری دانش بنیان	
توجه به حفظ کاراکتر و شخصیت بصری جداره در نورپردازی نمای ابنیه	

زیر حوزه حافظ تا پارک دانشجو	
نقش: ورود به حوزه تاریخی و اداری دانش بنیان	
عرصه عمومی	تجهیز پیاده‌رو به مبلمان شهری مناسب
	بهره‌گیری از فضای روی باغچه و دور درختان جهت تعریض پیاده‌رو و ایجاد فضاهای مکث پیاده
	افزایش عرض پیاده‌رو در تقاطع حافظ در سمت جنوب شرقی با توجه به محوطه وسیع مترو
	اختصاص فعالیت‌ها و کارکردهای حمایت‌کننده از حضور پیاده و پارک دانشجو در جداره مقابل خیابان رازی
	تغییر مصالح کف سواره‌رو در محدوده پل سواره جهت کاهش سرعت
	ایجاد فضاهای پذیرایی مدرن با شخصیت بخشی ویژه در بخش تحتانی پل سواره
	شخصیت بخشی به محدوده‌های مشخص شده جهت تردد پیاده از عرض محور در تقاطع حافظ
کالبدی	تأکید روی ابنیه واقع در کنج خیابان خارک و خیابان رازی جهت حفظ الگو و شخصیت جداره موجود
	حفاظت از جداره‌های موجود و جلوگیری از هرگونه بازسازی بدون رعایت عناصر غالب نمای جداره
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و ...
	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-راندگی واقع در عرض خیابان
فضایی	حفاظت از درختان موجود
	شخصیت بخشی به فضای زیر پل سواره به وسیله نورپردازی و تعبیه فعالیت‌های جاذب جمعیت
بصری	طراحی نرده‌های واجد شخصیت بصری در سرتاسر خیابان
	ایجاد تفاوت در تناسبات بصری بازشوها در طبقات فوقانی نسبت به طبقات تحتانی در محدوده پل سواره
	نورپردازی ویژه محدوده تحتانی ابنیه محدوده تقاطع حافظ
	استفاده از نمای جانبی ابنیه در محدوده‌های فوقانی (خط آسمان) جهت ارتقا کیفی منظر محیط
	توجه به حفظ کاراکتر و شخصیت بصری جداره در نورپردازی نمای ابنیه

زیر حوزه پارک دانشجو تا وصال	
نقش: فعالیت‌های مدرن-هنری-فرهنگی-تفریحی	
عرصه عمومی	تجهیز پیاده‌رو شمالی خیابان در محدوده پارک دانشجو به مبلمان و نورپردازی مناسب
	پاکسازی جوی‌ها و باغچه‌ها از زباله و حیوانات موذی
	بهره‌گیری از فضای روی باغچه و دور درختان جهت تعریض پیاده‌رو و ایجاد فضاهای مکث پیاده
	گسترش و توسعه عرصه عمومی جهت ایجاد نقاط مکث و معرکه‌گیری به درون محوطه‌های جنوبی ابنیه جداره شمالی خیابان
	شخصیت بخشی به محدوده‌های مشخص شده جهت تردد پیاده از عرض محور در تقاطع‌های اصلی مانند چهارراه ولیعصر و وصال به وسیله تعریض، تغییر مترتال، نورپردازی، و استفاده از مجسمه‌های شهری



کالبدی	حفاظت از جداره‌های موجود و جلوگیری از هرگونه بازسازی بدون رعایت عناصر غالب نمای جداره
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و...
	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-راندگی واقع در عرض خیابان
	حفاظت از درختان موجود
	طراحی مناسب ایستگاه بی‌آرتی با رویکرد شفافیت حداکثری
	ایجاد محصوریت کالبدی مناسب در چهارراه ولی عصر
	بهره‌گیری از راهکارهای معمارانه و طراحانه جهت شخصیت‌بخشی به جداره شمالی خیابان در محدوده پارک دانشجو و در تطبیق با شخصیت کلی خیابان
بصری	تجمیع محوطه‌های جنوبی جداره شمالی خیابان و الحاق به عرصه عمومی خیابان
	تأکید روی ابنیه واقع در کنج خیابان‌های شمالی-جنوبی جهت الگو و شخصیت جداره
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و...
	کاشت پوشش گیاهی جداره‌ای حائل میان محوطه پمپ بنزین تقاطع وصال با پیاده‌رو
	توجه به توسعه‌های کالبدی زمینه‌گرا در توسعه‌های درون‌زا و پروژه‌های بازسازی
	توجه به حفظ کاراکتر و شخصیت بصری جداره در نورپردازی نمای ابنیه
	ارتقا شخصیت بصری ضلع شمال‌غربی و جنوب‌شرقی تقاطع وصال

زیرحوزه وصال تا ۱۶ آذر	
نقش: فرهنگی-اداری-دانش بنیان	
عرصه عمومی	شخصیت‌بخشی به محل تردد عابر پیاده در صحن مقابل سردر دانشگاه تهران
	تغییر مترتال کف سواره‌رو جهت کاهش سرعت و احترام به حرکت پیاده در محدوده سردر دانشگاه تهران
	تعریض پیاده‌رو در محدوده سینما در تقاطع وصال
	ایجاد محل مکث جهت توقف کوتاه مدت تاکسی در محدوده سینما در تقاطع وصال
	شکل‌دهی پلازای مدنی مقابل سردر دانشگاه
زیرحوزه وصال تا ۱۶ آذر	
نقش: فرهنگی-اداری-دانش بنیان	
	اختصاص فعالیت‌های پذیرایی و گذران اوقات فراغت مانند کافی‌شاپ و ... به طبقات فوقانی ابنیه مقابل سردر دانشگاه
	ممنوعیت استفاده از مصالح فلزی و نمای تمام شیشه‌ای در جداره جنوبی مقابل دانشگاه تهران
	حفاظت از بنای سردر دانشگاه
	شخصیت‌بخشی به حوزه ورودی پیاده‌راه‌های شمالی-جنوبی به سمت بلوار کشاورز
	شخصیت‌بخشی به جداره شمالی خیابان حدفاصل وصال تا دانشگاه تهران
	حفاظت از جداره‌های موجود و جلوگیری از هرگونه بازسازی بدون رعایت عناصر غالب نمای جداره
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و ...



کالبدی	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-رانندگی واقع در عرض خیابان
	حفاظت از درختان موجود
	طراحی مناسب ایستگاه بی‌آرتی با رویکرد شفافیت حداکثری
بصری	طراحی نرده‌های واجد شخصیت بصری در سرتاسر خیابان
	نورپردازی ویژه محدوده پیاده‌رو دانشگاه تهران و اتصال آن با محورهای شمالی-جنوبی طرفین آن تا بلوار کشاورز

زیرحوزه ۱۶ آذر تا جمالزاده	
نقش: نقطه عطف ورود به حوزه مدنی شهر از سمت غرب، ورودی-فرهنگی - تفریحی	
عرصه عمومی	الحاق فضای باز مقابل دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران به عرصه عمومی
	تعریض پیاده‌رو چهار سوی میدان به سمت سواره‌رو
	شخصیت‌بخشی به محدوده‌های تردد پیاده از عرض خیابان در چهار سوی میدان
	تجهیز پیاده‌رو ضلع جنوبی در محدوده سینما به مبلمان شهری مناسب جهت مکث و انتظار
	اختصاص فعالیت‌های پذیرایی و اوقات فراغت در ضلع جنوب‌شرقی و شمال‌غربی میدان
	تعریض پیاده‌رو ضلع شرقی خیابان کارگر و سامان‌دهی ایستگاه‌های تاکسی جهت ارتباط مناسب با بلوار کشاورز
	تعریض پیاده‌رو ضلع شمال غربی میدان با توجه به ایستگاه مترو و تجهیز آن به مبلمان شهری مناسب جهت مکث
کالبدی	حفاظت از جداره‌های موجود و جلوگیری از هرگونه بازسازی بدون رعایت عناصر غالب نمای جداره
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و ...
	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-رانندگی واقع در عرض خیابان
	حفاظت از درختان موجود
	طراحی مناسب ایستگاه بی‌آرتی با رویکرد شفافیت حداکثری
	تغییر جداره‌های واجد ارزش میدان به کالبد واجد ارزش
فضایی	تأکید بر محصوریت میدان
	باز طراحی سردر مترو جهت شخصیت‌بخشی به مکان
	ارتقا شخصیت سینما به‌عنوان عنصر نشانه‌ای در ضلع شمال‌شرقی و ضلع جنوب‌غربی
	شخصیت‌بخشی به کنج شمال‌غربی و جنوب‌شرقی میدان در ایجاد شخصیت فضایی همگن برای میدان
	انقلاب در ارتباط با سینماها
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب
	نورپردازی مناسب ضلع شمال‌شرقی و ضلع جنوب‌غربی میدان (محدوده سینماها)
بصری	حذف پل‌های عابر پیاده از طرفین خیابان
	طراحی نرده‌های واجد شخصیت بصری در سرتاسر خیابان



زیرحوزه جمالزاده تا قریب	
های آموزشی-فرهنگی و اوقات فراغت نقش: پشتیبان فعالیت	
عرصه عمومی	اختصاص فضای مجاور خیابان در ترمینال اتوبوسرانی ضلع جنوبی محور به پیاده‌راه با عرض مناسب
	تجهیز پیاده‌رو به مبلمان شهری مناسب
	شکل‌دهی پیاده‌راه مجهز در محدوده شمالی خیابان تا دانشکده دامپزشکی
	اختصاص بخشی از محوطه دانشکده به عرصه عمومی
	اختصاص گالری‌های هنری و نمایشگاه به ابنیه جداره جنوبی خیابان جهت پشتیبانی از حضور پیاده
کالبدی کالبدی	ایجاد پیوستگی میان پیاده‌رو ضلع جنوبی با پارک اوستا
	حفاظت از جداره‌های موجود و جلوگیری از هرگونه بازسازی بدون رعایت عناصر غالب نمای جداره
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و ...
	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-رانندگی واقع در عرض خیابان
	حفاظت از درختان موجود
	ارتقا وضعیت پوشش گیاهی جداره‌ای
	بهره‌گیری از معماری واجد ارزش جهت بازسازی و توسعه‌های کالبدی جداره‌های شمالی و جنوبی
	شخصیت‌بخشی به کنج غربی خیابان قریب
	طراحی مناسب ایستگاه بی‌آرتی با رویکرد شفافیت حداکثری
عرصه عمومی	الحاق فضای باز مقابل دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران به عرصه عمومی
	تعریض پیاده‌رو چهار سوی میدان به سمت سواره‌رو
	شخصیت‌بخشی به محدوده‌های تردد پیاده از عرض خیابان در چهار سوی میدان
	تجهیز پیاده‌رو ضلع جنوبی در محدوده سینما به مبلمان شهری مناسب جهت مکث و انتظار
	اختصاص فعالیت‌های پذیرایی و اوقات فراغت در ضلع جنوب‌شرقی و شمال‌غربی میدان
	تعریض پیاده‌رو ضلع شرقی خیابان کارگر و سامان‌دهی ایستگاه‌های تاکسی جهت ارتباط مناسب با محدوده بلوار کشاورز
	تعریض پیاده‌رو ضلع شمال غربی میدان با توجه به ایستگاه مترو و تجهیز آن به مبلمان شهری مناسب جهت مکث
کالبدی	حفاظت از جداره‌های موجود و جلوگیری از هرگونه بازسازی بدون رعایت عناصر غالب نمای جداره
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و ...
	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-رانندگی واقع در عرض خیابان
	حفاظت از درختان موجود
	طراحی مناسب ایستگاه بی‌آرتی با رویکرد شفافیت حداکثری
	تغییر جداره‌های واجد ارزش میدان به کالبد واجد ارزش
	تأکید بر محصوریت میدان
	باز طراحی سردر مترو جهت شخصیت‌بخشی به مکان



زیرحوزه جمالزاده تا قریب	
های آموزشی-فرهنگی و اوقات فراغت نقش: پشتیبان فعالیت	
فضایی	ارتقا شخصیت سینما به عنوان عنصر نشانه‌ای در ضلع شمال شرقی و ضلع جنوب غربی شخصیت بخشی به کنج شمال غربی و جنوب شرقی میدان در ایجاد شخصیت فضایی همگن برای میدان انقلاب در ارتباط با سینماها
بصری	حذف الحاقات کالبدی نامناسب
	نورپردازی مناسب ضلع شمال شرقی و ضلع جنوب غربی میدان (محدوده سینماها)
	حذف پل‌های عابر پیاده از طرفین خیابان
	طراحی نرده‌های واجد شخصیت بصری در سرتاسر خیابان

زیرحوزه قریب تا نواب	
نقش: آستانه ورود به حوزه فرهنگی-مدنی تهران از سمت غرب، پشتیبانی کاربری‌های فرهنگی-آموزشی	
عرصه عمومی	شکل‌دهی پیاده‌راه مجهز و عریض در طرفین خیابان توحید حدفاصل میدان جمهوری تا میدان توحید
	تعریض پیاده‌رو در محدوده ایستگاه مترو
	اتصال پارک اوستا و پیاده‌روی مقابل آن به پیاده‌روی شرقی تا میدان انقلاب
	تغییر پارک اوستا به پارک موضوعی (Theme park) با کارکرد شهری
کالبدی	شخصیت بخشی به بنای ایستگاه مترو
	افزایش محصوریت خیابان در ضلع شمالی
	طراحی مناسب ایستگاه بی‌آرتی با رویکرد شفافیت حداکثری
	حفاظت از جداره‌های موجود و جلوگیری از هرگونه بازسازی بدون رعایت عناصر غالب نمای جداره
	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و ...
	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-راهنمایی واقع در عرض خیابان
	حفاظت از درختان موجود
فضایی	شخصیت بخشی به محل تردد عابر پیاده از عرض خیابان در چهار طرف تقاطع
	ایجاد نشانه در ابنیه واقع در تقاطع نواب
بصری	طراحی نرده‌های واجد شخصیت بصری در سرتاسر خیابان

راهنمای طراحی حوزه کلان غربی

زیر حوزه نواب تا استاد معین	
نقش: عرصه عمومی فعال و اکولوژیک	
	تعریض پیاده‌رو در پیرامون محور
	تجهیز پیاده‌رو به مبلمان شهری مناسب



زیر حوزه نواب تا استاد معین	
نقش: عرصه عمومی فعال و اکولوژیک	
عرصه عمومی	ایجاد سبزه در پیرامون محور
	نورپردازی مناسب عرصه عمومی
	ایجاد پیوستگی میان پیاده‌روهای پیرامون محور و عرصه‌های عمومی
	افزایش نظارت همگانی از طریق ایجاد نفوذ پذیری بصری در روز و نورپردازی مناسب محور و معابر متصل به محور در شب
	ایجاد اختلاط عملکردی در پیرامون محور
	اختصاص طبقات همکف ابنیه مجاور محور به کاربری‌های عمومی
	ایجاد مسیر ویژه عبور پیاده از عرض محور در ارتباط با عرصه‌های عمومی
	بهره‌گیری از محوطه کاربری‌های بزرگ مقیاس اداری در جهت ایجاد عرصه عمومی و فضای سبز
کالبدی	حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و...
	انتقال گیرنده‌های امواج رادیو و تلویزیون به بخش‌های میانی بام ابنیه و حذف این نوع تجهیزات از خط آسمان جداره
	طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-رانندگی واقع در عرض خیابان
	حذف پل‌های عابر پیاده از طرفین خیابان
	حفاظت از بنای برج آزادی، به عنوان ابنیه واجد کاراکتر خاص در محدوده
	ارتقا وضعیت پوشش گیاهی جداره‌ای
	بهره‌گیری از معماری واجد ارزش جهت بازسازی و توسعه‌های کالبدی جداره‌های شمالی و جنوبی
	تغییر جداره‌های فاقد ارزش پیرامون محور به کالبد واجد ارزش
فضایی	شخصیت‌بخشی به تقاطع‌های کلیدی نظیر نواب و استاد معین
بصری	سامان‌دهی نمای ابنیه در جهت افزایش تشخیص بصری
عرصه عمومی	تعریض پیاده‌رو در محدوده خیابان آزادی در ارتباط با پیاده‌رو میدان آزادی
	تسهیل حرکت پیاده در طرفین میدان آزادی و در عبور از عرض محور
	نورپردازی مناسب میدان آزادی و ابنیه اداری بزرگ مقیاس موجود در محدوده
	باززنده‌سازی عرصه عمومی میدان آزادی
	افزایش اختلاط کاربری در میدان آزادی و پیرامون محور
	کاهش سرعت سواره در تقاطع‌های کلیدی محور
	اتصال عرصه عمومی میدان آزادی با عرصه‌های پیرامونی
	تغییر کاربری‌های صنعتی و اداری به کاربری‌های پشتیبان پیاده و عرصه عمومی
کالبدی	ایجاد مجتمع‌های خرید
	حذف پل عابر پیاده از خیابان و ایجاد مسیرهای ویژه گذر پیاده از عرض خیابان
	ایجاد آسایش اقلیمی در عرصه‌های عمومی و پیاده‌راه‌ها جهت حضور پیاده
	طراحی مناسب ایستگاه مبدأ بی‌آرتی با رویکرد شفافیت حداکثری
	حفاظت از بنای برج آزادی به عنوان ابنیه واجد کاراکتر خاص در محدوده



زیر حوزه نواب تا استاد معین	
نقش: عرصه عمومی فعال و اکولوژیک	
حذف الحاقات کالبدی نامناسب از نمای جداره‌ها مانند کانال کولر و...	فضایی
طراحی سازه‌های واجد شخصیت بصری جهت نگهداری تابلوهای راهنمایی-رانندگی واقع در عرض خیابان	
باززنده‌سازی شخصیت برج آزادی به‌عنوان نخستین نشانه برای خوانایی محدوده غرب تهران در ورود به شهر از جاده مخصوص کرج	
شخصیت‌بخشی به محل گذر ویژه عابر پیاده در محدوده میدان آزادی	بصری
شخصیت‌بخشی به ابنیه قابل رؤیت پیرامون میدان آزادی	
حفظ و ارتقا دید به برج آزادی	
حفاظت از دیدهای درونی واجد اهمیت مانند دید به برج میلاد و ارتفاعات شمالی شهر از میدان آزادی	
تقویت کریدور دید به ارتفاعات شمالی تهران	
ایجاد ضوابط ساخت‌وساز در حریم بصری برج آزادی	

در کل می‌توان گفت از چارچوب طراحی شهری حوزه‌ها در لایه‌های مختلف برای تهیه اسناد هدایت حوزه‌های کلان محور بهره گرفته‌شده و با تدوین راهنما و دستور کارهای طراحی هر حوزه نیز زمینه لازم برای تهیه و تدوین اسناد هدایت موضوعات ویژه (واجد سیاست‌های طراحی شهری موضوعی) فراهم‌شده است.

در واقع چارچوب طراحی شهری، الگوی کیفی هدایت توسعه در حوزه مداخله را فراهم نموده و رابط تصمیمات استراتژیک با پیشنهادات عملی شده است که دربرگیرنده کلیه ابعاد کیفی و هویتی حوزه ساماندهی است. در این سطح از مطالعات حوزه‌های نیازمند مطالعات تفصیلی‌تر و محدوده، اهداف و نقش آن‌ها به تفکیک زیر حوزه‌ها به همراه اسناد هدایت و راهبری توسعه آن‌ها مشخص شده است.

در مقیاس تفصیلی‌تر نیز راهنمای طراحی در راستای تحقق ایده راهبردی حوزه‌ها تدوین شده و هدف تکمیل اجزای طرح ارتقا کیفی محور در قالبی هماهنگ بوده است.





همان‌گونه که پیش‌تر نیز در فصل سوم بدان اشاره شد، ارتقا کیفیت محیط شهری به تدوین اسناد راهنما و چارچوب‌های هدایت و کنترل و اعمال ضوابط عمومی نیاز دارد و مستلزم مداخله برنامه‌ریزی‌شده هماهنگ به‌ویژه در فضاها و عرصه‌هایی از محیط شهری در محدوده مداخله است. با این رویکرد، راهبردهای طراحی شهری برای مداخله سازنده در محور دماوند-انقلاب-آزادی که ارائه شد با توجه به ضرورت‌های ذیل تدوین شده‌اند:

- اصول شناخته‌شده و پایه طراحی شهری را ارائه کند؛
- جهت‌گیری‌های اصلی و آینده‌نگر کل محور را به دست دهد؛ و
- مفاهیم اساسی، راهبردها، و راهکارهای کلانی را که در طرح‌ها و پروژه‌های محور باید رعایت شوند معرفی کند.

مطالعات پشتیبان تدوین چارچوب‌های راهنما در سه سطح مختلف صورت گرفت که در سطح اول مسائل راهبردی و کلان تحلیل و مدیریت شدند و در سطح دوم و میانی در مقیاس حوزه‌های پنج‌گانه، برای هدایت توسعه از چارچوب‌های طراحی شهری استفاده و راهکارها و الگوهای توسعه در لایه‌های مختلف کارکردی و کالبدی به همراه سند راهنمای طراحی در حوزه‌های مختلف ارائه شد؛ در مطالعات پروژه در سطح سوم و برای هدایت توسعه در سایت‌های منتخب، دستور کار توسعه و ساخت‌وساز در مقیاس خردتر نیز تدوین شد که می‌تواند زمینه‌ساز پیشبرد طرح در ادامه روند مطالعه صورت گرفته در قالب طرحی فرادست برای طرح‌های فرودست آتی باشد.

بنابراین، در این مطالعه برای سامان‌دهی فضای شهری از نظر کیفیت‌های محیطی و انتظام بصری، هویت‌بخشی، و پاسخ‌گویی به نیازهای روانی و عاطفی شهروندان، سامان‌دهی عملکردی و بصری محور با تأکید بر نقش محور در شهر و ضرورت حفظ و ارتقای کمی و کیفی آن به تفکیک در دو عرصه اصلی، زیر اقدام به تدوین چارچوب‌های راهنما شد:

الف) تدوین راهنمای طراحی در حوزه‌ها؛ و

ب) ارائه ضوابط کنترل و هدایت توسعه و ساخت‌وساز در محدوده مداخله محور.

بر این اساس، زمینه ارتقا کیفی محور به‌عنوان سطح سوم از طرح‌های توسعه شهری تهران در گستره‌ای به‌عنوان «محدوده اقدام به عمق دو پلاک» فراهم شده است.

در این سطح، با تدوین ضوابط ویژه و دقیق و ارائه جزئیات طراحی برای پلاک‌های واقع در محدوده اقدام، ارتقا فضایی کالبدی محدوده، با هدایت و نظارت بر ساخت‌وسازهای پیرامونی، و هماهنگی بین آن‌ها امکان‌پذیر شده است. ذکر این نکته ضروری است که این راهنما به‌طور عمده در زمینه معابر، کاربری و فعالیت، توده‌گذاری قطعات، نماهای شهری، محوطه‌سازی و اثاث شهری به ارائه پیشنهاد پرداخته است که به تفکیک حوزه‌های کلان پنج‌گانه نتایج آن ارائه شد.



همچنین در خصوص ارائه ضوابط کنترل و هدایت توسعه و ساخت‌وساز در محدوده مداخله محور نیز ابتدا ضوابط و مقررات ساخت‌وساز در امتداد محور در تطابق با راهبردها و سیاست‌های طرح ارتقای کیفی محور دماوند-انقلاب-آزادی بررسی و سپس پیشنهادات تغییر پهنه‌بندی جهت تطابق ضوابط توسعه با معیارهای ارتقا کیفی محور ارائه شد. در مرحله آخر نیز، ضوابط ویژه طراحی شهری به‌منظور کنترل و هدایت روند توسعه و ساخت‌وساز جداره در امتداد این محور ارزشمند برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده برای طرح تدوین شده است.

با توجه به کمبود تجربه در زمینه اجرای طرح‌های مشابه، هدایت، و نظارت توسعه تدریجی فضاهای شهری بر اساس طراحی شهری در داخل کشور، زمینه‌سازی تحقق‌پذیری ارتقا کیفی محور نیازمند الزام به اعمال آن در ادامه روند اجرای طرح تفصیلی و ملاک عمل قرار گرفتن ضوابط مذکور در فرایند صدور مجوزهای ساخت‌وساز در محدوده مداخله است. این روند فرصتی بی‌بدیل را برای اصلاح و بهبود وضعیت فضاهای شهری پیرامون محور و میدان‌های واقع در مسیر محور فراهم می‌آورد، فرصتی که امکان تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهر تهران را ممکن می‌سازد.



منابع و مآخذ

- امیریار احمدی، محمد، به‌سوی شهرسازی/انسان‌گرا، انتشارات بعثت، ۱۳۷۰.
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، دوره هشت جلدی، تهران: سخن، ۱۳۸۱.
- ایازی، سید محمد هادی، طرح ساختارشناسی هویت محله‌ای شهر تهران، گزارش تحلیل و تلفیق مطالعات طرح (هفت حوزه شهر تهران-۱۳۱ محله)
- ایزدی، مصطفی، فرهنگ معابر تهران، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۶.
- باغداراسیان، ادیک، نگاهی به تاریخ ارمنیان تهران (خلاصه کتاب جامع تاریخ ارمنیان تهران)، ۱۳۸۰.
- بهبهانی، سیمین و دیگران، طهران قدیم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۸.
- بهزادفر، مصطفی، هویت شهر: نگاهی به هویت شهر تهران، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، ۱۳۸۶.
- بیکن، ادموند، طراحی شهرها، ترجمه طاهری، فرزانه، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۳۱.
- پاکزاد، جهان‌شاه، راهنمای طراحی فضای شهری، تهران: شرکت طرح و نشر پیام سیما، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، ۱۳۸۴.
- پاکزاد، جهان‌شاه، راهنمای طراحی فضاهای شهری، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۳.
- پاکزاد، جهان‌شاه، هویت و این همانی با فضا، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۵، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۷۶.
- تکمیل همایون، ناصر، آموزش و پرورش در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- تکمیل همایون، ناصر، تاریخ ایران در یک نگاه، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.
- تکمیل همایون، ناصر، راعی، انسیه، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران از آغاز تا دارالخلافه ناصری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، جلد ۱، چاپ ۳، ۱۳۸۵؛ جلد ۲، چاپ ۲، ۱۳۸۱؛ جلد ۳، چاپ ۱، ۱۳۷۹.
- تکمیل همایون، ناصر و دیگران، رویدادها و یادمان‌های تاریخی تهران، جلد ۱، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴.
- تورنتن، لین، تصاویری از ایران، ترجمه نوائی، مینا، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۴.
- توسلی، محمود، طراحی شهری خیابان کارگر، تهران: شرکت عمران و بهسازی شهری، ۱۳۷۹.
- توسلی، محمود، طراحی شهری در بخش مرکزی تهران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۶.
- تهامی، داریوش؛ ابریشمی، فرشاد، طهران قدیم (مشاهیر)، ترجمه خزاعی، رعنا، تهران: ابریشمی‌فر، ۱۳۸۴.



- تهامی، داریوش؛ ابریشمی، فرشاد، *طهران قدیم (اماکن)*، ترجمه خزاعی، رعنا، تهران: ابریشمی‌فر، چاپ ۲، ۱۳۸۶.
- تهامی، داریوش؛ ابریشمی، فرشاد، *طهران قدیم (مساغل)*، ترجمه خزاعی، رعنا، تهران: ابریشمی‌فر، ۱۳۸۴.
- چپمن، دیوید، *آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت*، ترجمه فریادی، شهرزاد؛ و طبیبیان، منوچهر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای «چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران»، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، ۱۳۸۳.
- حائری، محمدرضا، *ریشه‌های سبک‌شناسی معماری در تهران*، اندیشه ایران‌شهر، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۳.
- حبیبی، سید محسن؛ سلیمی، جواد، *استخوان‌بندی شهر تهران*، معاونت فنی و عمرانی شهر تهران، زمستان، ۱۳۷۶.
- حبیبی، سید محسن؛ اهری، زهرا، *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر با تأکید بر دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۸۳*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- حبیبی، سید محسن؛ اهری، زهرا، «لاله‌زار-عرصه تفرج، از باغ تا خیابان: شکل‌گیری خیابان به‌سبک اروپایی در دوره ناصرالدین‌شاه»، هنرهای زیبا، شماره ۳۴، سال ۱۳۸۷.
- حبیبی، سید محسن، *از شار تا شهر*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- حبیبی، سید محسن، *اطلس کلان‌شهر تهران*، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۴.
- حسامیان، فرح و دیگران، *شهرنشینی در ایران*، تهران: آگاه، ۱۳۶۳.
- حسن بیگی، محمدرضا، *تهران قدیم*، تهران: ققنوس، چاپ اول، ۱۳۶۸، چاپ ۶، ۱۳۸۵؛ چاپ ۸، ۱۳۸۹.
- حسنعلی، رزم‌آرا، *فرهنگ جغرافیایی ایران*، دوره هشت‌جلدی، تهران: دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ۱۳۲۸.
- حمیدی، ملیحه، *استخوان‌بندی شهر تهران*، دوره سه‌جلدی، تهران: معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، ۱۳۷۶.
- دانیل، ویکتور و دیگران، *معماری نیکلای مارکف: معماری دوران تحول در ایران*، ترجمه یلدا، ترانه، تهران: انتشارات دید، ۱۳۸۲.
- داودپور، زهره، *چگونگی شکل‌گیری کلان‌شهر تهران*، آبادی، سال هشتم و نهم، شماره های ۴۳ و ۴۴، ۱۳۸۳.
- داودپور، زهره، *کلان‌شهر تهران و سکونت‌گاه‌های خودروی*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۴.



- دفتر پژوهش‌های فرهنگی، *راهنمای فرهنگی تهران*، تهران: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، ۱۳۷۳.
- زارع، گلنار، *تهران پایتخت دویست ساله*، ترجمه رضاپور، سونیا، تهران: یساولی، ۱۳۸۴.
- زبردست، اسفندیار، *تحلیل ساختار فضایی شهر تهران*، اندیشه ایرانشهر، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۳.
- زنده‌دل، حسن، *استان تهران*، تهران: ایرانگردان، ۱۳۷۶.
- ستوده، منوچهر، *جغرافیای تاریخی شمیران*، چاپ اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴.
- سروش‌یانی، سهراب و دیگران؛ *معماری وارطان: معماری دوران تحول در ایران*، ترجمه قیاسی، ندا، تهران: انتشارات دید، ۱۳۷۶.
- سعدوندیان، سیروس، *اولین‌های تهران*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- سعدوندیان، سیروس؛ اتحادیه، منصوره، *آمار دارالخلافه تهران*، تهران: انتشارات تاریخ ایران، ۱۳۶۸.
- سعیدنیا، احمد، *ساختار فضایی نظام یکپارچه‌سازی کلان‌شهر تهران*، آبادی، سال هشتم و نهم، شماره‌های ۴۳ و ۴۴، ۱۳۸۳.
- سفیداری، عمار، *طراحی آستانه شهر*، پایان‌نامه اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- سمسار، محمدحسن؛ سراییان، فاطمه، *سیمای تهران در سده ۱۳*، جلد اول، چاپ اول، انتشارات شهرداری تهران، ۱۳۸۷.
- شمیم، علی‌اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: مدبر، چاپ ۱۰، ۱۳۷۴.
- شهبازی، داریوش، *برگ‌هایی از تاریخ تهران*، جلد ۱، نشر ثالث، ۱۳۹۰.
- شهری، جعفر، *تهران قدیم*، چاپ سوم، سال ۱۳۸۱.
- شهری، جعفر، *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*، دوره شش‌جلدی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۸.
- طالبی، فرامرز؛ سلیمی مؤید، سلیم، *سیمای میراث فرهنگی استان تهران*، تهران، ۱۳۸۱.
- طرح تفصیلی شهر تهران مصوب ۱۳۹۱، شهرداری تهران.
- طرح جامع تهران مصوب ۱۳۸۶، مهندسین مشاور بوم سازگان پایدار- وزارت مسکن و شهرسازی.
- طرح جامع فضاهای فرهنگی شهر تهران، شرکت توسعه فضاهای فرهنگی، سال ۱۳۸۶.
- عالم‌زاده، محمد جواد، «باززنده‌سازی محله چارسو چوبی تهران»، اصول شهرسازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و صنعت تهران، ۱۳۸۵.
- کتاب اول



- کیانی، مصطفی، معماری دوره اول پهلوی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ ۲، ۱۳۸۶.
- لنگ، جان، طراحی شهری، گونه‌شناسی رویه‌ها و طرح‌ها، ترجمه بحرینی، حسین، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- لینچ، کوین، سیمای شهر، ترجمه مزینی، منوچهر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، تهران، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۳۴-۱۲۳.
- لینچ، کوین، سیمای شهر، ترجمه مزینی، منوچهر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- مجموعه مقالات طراحی شهری، سازمان زیباسازی شهر تهران، نشریه داخلی شماره ۲، بهار ۱۳۷۷، صص ۳۷-۴۷.
- محمودیان، علی اکبر و دیگران، نگاهی به تهران از آغاز تاکنون، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۷.
- محمودیان، علی اکبر و دیگران؛ نگاهی به تهران از آغاز تاکنون، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۴.
- مدنی پور، علی؛ حمید آزون، تهران، ظهور یک کلان‌شهر، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۲.
- مدنی پور، علی؛ تهران، ظهور یک کلان‌شهر، ترجمه حمید آزون، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۱.
- مشهودی، سهراب، برنامه‌ریزی برای طراحی شهری خیابان/انقلاب، معماری و شهرسازی، دوره نهم، شماره‌های ۶۴ و ۶۵، ۱۳۸۱.
- مصطفوی، سیدمحمدتقی، آثار تاریخی طهران، جلد ۱، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۶۱.
- معمدی، محسن، جغرافیای تاریخی تهران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- موریس، جیمز، تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ ۶، ۱۳۸۷.
- مهدیزاده، جواد، دوره تکوین و شکل‌گیری تهران قدیم، جستارهای شهرسازی، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۸۱.
- مهدیزاده، جواد، نظری بر روند تاریخی توسعه توسعه کالبدی-فضایی شهر تهران، بخش دوم دوره نوسازی و پیدایش مادر شهر تهران، جستارهای شهرسازی، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۸۲.
- مهندسین مشاور نقش ماندگار، استراتژی طراحی شهری ورودی جنوبی تهران، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، ۱۳۸۷.
- نجمی، ناصر، ایران قدیم و تهران قدیم، تهران: جانزاده، ۱۳۶۲.
- نوربخش، مسعود، تهران به روایت تاریخ، دوره چهارجلدی، تهران: نشر علم، ۱۳۸۱.



مقاله و پایان نامه

- آخوندی، احمد و دیگران «چشم‌انداز نظام حاکمیت منطقه کلان‌شهری تهران»، هنرهای زیبا، شماره ۳۳، ۱۳۸۷.
- برومندی، فریدون، «خیابان لاله‌زار»، معمار، شماره ۵۳، ۱۳۸۷.
- پارسی، فرامرز، «ساختمان‌های لاله‌زار»، معمار، شماره ۵۳، ۱۳۸۷.
- جهانشاهی، محمدحسین، «تولد دوباره تهران در کلان‌شهر تهران»، جستارهای شهرسازی، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۳۸۴.
- حائری، محمدرضا، «ریشه‌های سبک‌شناسی معماری تهران»، اندیشه ایرانشهر، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۳.
- حبیبی، سید محسن؛ و زهرا اهری؛ «لاله‌زار عرصه تفرج، از باغ تا خیابان: شکل‌گیری خیابان به سبک اروپایی در دوره ناصرالدین‌شاه»، هنرهای زیبا، شماره پیاپی ۱۸۸۸، ۱۳۸۷.
- حجت، مهدی؛ معتمدمنش، مهدی، «روستاهای ییلاقی دیروز، بافت‌های شهری امروز»، آبادی، سال هجدهم، شماره ۶۰، ۱۳۸۷.
- داودپور، زهره، «چگونگی شکل‌گیری کلان‌شهر تهران»، آبادی، سال‌های هشتم و نهم، شماره‌های ۴۳ و ۴۴، ۱۳۸۳.
- زبردست، اسفندیار، «تحلیل ساختار فضایی شهر تهران»، اندیشه ایرانشهر، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۳.
- سعیدنیا، احمد، «ساختار فضایی نظام یکپارچه‌سازی کلان‌شهر تهران»، آبادی، سال‌های هشتم و نهم، شماره‌های ۴۳ و ۴۴، ۱۳۸۳.
- صارمی، فرید، «توسعه محله‌ای در کلان‌شهر تهران؛ مورد: محله مسکونی بهار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی، گرایش برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۶-۸۷.
- عبادی، الهه، «گزارشی درباره اطللس تحلیلی کلان‌شهر تهران»، شهرنگار، سال نهم، شماره ۵۰، ۱۳۸۷.
- مشهودی، سهراب، «برنامه‌ریزی برای طراحی شهری در خیابان انقلاب»، معماری و شهرسازی، دوره نهم، شماره‌های ۶۴ و ۶۵، ۱۳۸۱.
- مهدیزاده، جواد، «دوره تکوین و شکل‌گیری تهران قدیم»، جستارهای شهرسازی، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۸۱.
- مهدیزاده، جواد، «نظری بر روند تاریخی توسعه کالبدی فضایی شهر تهران، (بخش دوم: دوره نوسازی و پیدایش مادرشهر تهران)»، جستارهای شهرسازی، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.



والا، مرجان، «بررسی انسان‌شناسی تعلق هویتی بر مبنای محله مسکونی با مطالعه شهرک اکباتان شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی انسان‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶-۸۷.

Alexander, Christopher, Ishikawa, Sara, Silverstein, Murray, *A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction* (Center for Environmental structure), Oxford University Press, ۱۹۷۷.

Jacobs, Jane, *The Death and Life of Great American Cities*, Knopf Doubleday Publishing Group, ۱۹۹۲.

T. White, Edward, Path, Portal, Place: *Appreciating Public Space in Urban Environments*, Architectural Media, ۱۹۹۹.

Watson, Donald, J. Plattus, Alan, G.Shibley, Robert, *Time-Saver Standards*, McGraw-Hill, ۲۰۰۳.